

طرح ما از روی نگرانی است
گفت‌وگوبا
حسینعلی حاجی‌دلگانی



تعلیق برجام؛
راه‌حل میانه
حسن بهشتی‌پور

یک ماکت از برجام مانده
گفت‌وگوبا
سیدمحمدعلی حسینی



بازاریان راضی به بستن
مغازه‌ها نبودند
احمد کریمی اصفهانی

خرده‌بورژوازی علیه دولت

چرا بازار تهران تعطیل شد؟

تضمین فروش یک میلیون
بشکه نفت در روز

اخبار ویژه مثلث از بسته
پیشنهادی اروپا به ایران

جلسات اصول‌گرایان
در دفتر رئیسی

جلسات انتخاباتی
برای مجلس یازدهم
آغاز شده است

لاریجانی، گزینه ائتلافی

خاتمی عنوان کرده که علی لاریجانی
می‌تواند در ۱۴۰۰ گزینه ائتلافی
با راست میانه باشد. در عین حال احتمال
معرفی گزینه اختصاصی هم وجود دارد

اصول‌گرایان
انتخابات ۱۴۰۰ را می‌برند

گفت‌وگو با صادق زیباکلام

در انتخابات ۹۸ اگر خاتمی ۲۰۰ بار
هم بگوید «تکرار می‌کنم»، تأثیری
نخواهد داشت / اگر همین فردا
انتخابات برگزار شود، روحانی
۲ میلیون رأی می‌آورد / اصلاح‌طلبان
باید مقابل عملکرد روحانی پاسخگو
باشند / اعتبار جریان اصلاح طلب
خدشه‌دار شده است

عبور روحانی از روحانی

راهبرد حسن روحانی پس از رویکرد رادیکال ترامپ تغییر
کرده است. آیا این تغییر را در رفتارهای جدید دولت
مشاهده خواهیم کرد؟

حسن روحانی گفت

ما آمریکا را به زانو درمی‌آوریم

روحانی پساتحریم

یادداشت مهدی محمدی

درباره سخنرانی اخیر

رئیس‌جمهور

باید

تغییر کنیم؟

واکنش جریان
انقلابی به تغییر
راهبرد روحانی
چگونه باشد





www.mci.ir



صعود مشترک به جام جهانی

♦♦♦ کمک هزینه سفر به جام جهانی

ویژه مشترکین فعال | اعلام امتیاز #۴۳۱*۱۰*

ایرانول

تبلور دانش و تجربه

شرکت نفت ایرانول با بکارگیری انواع روغن پایه های معدنی و سنتتیک، تولید بالاترین سطوح کیفیت در علم روانکاری را سرلوحه کار خویش قرار داده و بر همین اساس مرغوب ترین روغن های موتور، دنده و صنعتی مطابق با استانداردهای روز دنیا را تولید می نماید.



www.iranol.ir

واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹



پاسخی به نیازهای بانکی
شرکت‌های پیش‌رو

سامانه کلید

جهت دریافت سامانه کلید و یا استفاده از نسخه
وب این سامانه به آدرس key.ba24.ir مراجعه فرمایید.

WWW.BA24.IR



بانک آینده
AYANDEH BANK



آرشیو کامل

هفته نامه متللت

از سال ۸۸ تا ۹۲

نمایش نسخه دیجیتالی | نسخه pdf | جستجوی پیشرفته
سال به روایت تصویر | شبکه های اجتماعی

مجری طرح:



موسسه فرهنگی هنری
نسیم شب کویر

www.nshk.ir

مجموعه کتابخانه های اجتماعی

متللت

درک تازه ای از واقعیت

www.mosalas.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کذلتک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس
ویکون الرسول علیکم شهیداً

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سر دبیر: **سعید آجورلو**

سوء استفاده‌هایی بکنند، این بازار است که می‌تواند جلوی این را بگیرد، بازار خودش باید جلوی این اشخاصی که برای سوء استفاده، خودشان را مهیا کرده‌اند بگیرد. نمی‌گویم که برون‌بازند، چه بکنند. برون یک نفر آدمی که می‌بیند دارد اجحاف می‌کند به این مستمندان، این فقرا که جانشان را داده‌اند، خونشان را داده‌اند، حالا هم ضعیفند، حالا هم همچو نیست که دارا باشند، فقیرند، مستمندان، اینها بخواهند چیزهایی را به قیمت گزاف بخرند، نمی‌توانند، باید محروم بمانند. این را اگر فرض کنید که یک چند نفر نشان‌داری که در بازار هست و اینطور هست، قرار بگذارند این بازارها، یکی یکی

مقابله با سوء استفاده در بازار
همان طوری که بازار حظی وافر دارد، در همه امور سیاسی، امور اسلامی، امور اجتماعی، این بازار است که می‌تواند یک تحولاتی را ایجاد کند. الان خوب اینطور صحبت‌هایی که می‌شود که یک دسته‌ای از آن اشخاص، یک استفاده‌هایی حالا می‌خواهند بکنند، تلافی-مثلاً بعضی اشخاص آن مدتی که تعطیل بوده است می‌خواهند درآورند، یا منتظر این بوده‌اند که یک چیزی بشود و یک

خبرنامه

۶

فشار برای اصلاحات در تیم اقتصادی
جلسات اصول‌گرایان در دفتر رئیسی
روحانی استعفا دهد

۱۳



گفتارها

۱۴

تعلیق؛ راه حل میانه
چشم‌انداز مبهم
انتخاب اروپا

۱۷

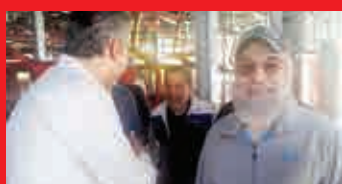


سیاست

۲۸

عبور روحانی از روحانی
روحانی پساتحریم
خرده بورژوازی علیه دولت

۴۷



تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خمانند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث؛ هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفت‌وگو، انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمتر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



بازاریها. به واسطه اینکه مخلوط نبوده اند با یک ایده های دیگر. یک سهم بسیار بزرگی است؛ لذا بازار مبدأ برکات هست و باید باشد. در یک مملکتی که اسلامی می خواهیم باشد، و اسلامی- انسانی است به تمام معنا، بازار همان طوری که در نهضت دخالت داشت و با تعطیلهای طولانی- گاهی چند ماهه- این نهضت را پیش برد و یک تحول روحی بسیار عظیم پیدا شد در بازار و در سایر قشرها؛ به طوری که تحول روحی شاید از این انقلابی که این سداراشکست، آن تحول، اهمیتش بیشتر باشد.

تحولات روحی ارزشمندتر از تحولات اجتماعی

در همه انقلاباتی که در ایران حاصل شده است، بازار، یکی از کانونهای بسیار مؤثر بوده است در پیشرفت. در انقلاب تنباکو، بازار سهم بزرگی در پیشرفت داشته است، در انقلاب مشروطیت هم همین طور. در این انقلاب هم که صد درصد اسلامی است، و بازار صد درصد اسلامی است، وفاداری

سیاست خارجی

۳۸

تضمین فروش یک میلیون بشکه نفت...
نباید عقب نشینی کنیم
بازی خاص اروپا

۴۳



بین الملل

۶۲

سلطان دموکراتیک
بازی دوگانه
«نه» به پسا اردو عانیزم

۶۷

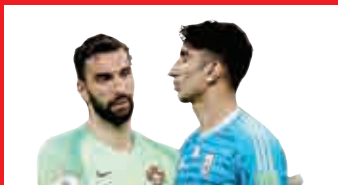


ورزش

۷۲

چقدر تلخ، چقدر شیرین
پیشرفت کردیم
تمدید با مرد شماره یک

۷۷



طراح جلد: افشین جم



باتشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیتاله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمد ابراهیم محمد پورزند
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - مهندس حمیدرضا رضوی نژاد
علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توتاب)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه، پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه فتائی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمان
عکس: عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی
مدیر مالی: محمد رضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازار یابی: محمد علی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی
انفورماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا



فشار برای اصلاحات در تیم اقتصادی

روحانی چه کسانی را تغییر می دهد؟

مطالبات مردم با سختی قابل پاسخگویی است، قادر به کار کردن نیستند. وی افزود: «در دیگر کشورها مساله تغییرات در کابینه امری عادی است، به گونه ای که حتی گاهی رئیس دولت کل کابینه را تغییر می دهد ولی متأسفانه در کشور ما این موضوع بسیار سنگین و سخت است.» پیشتر رسانه های اصلاح طلب در مورد سخنان واعظی که گفته بود تغییرات کابینه در راه است واکنش نشان داده بودند.

روزنامه شرق به بهانه سخنان واعظی نوشته بود: «رئیس دفتر رئیس جمهوری در حالی از جوان گرایی در دولت سخن گفته که کمتر از یک سال از روی کار آمدن کابینه دوم حسن روحانی می گذرد؛ کابینه ای که از همان بدو معرفی آن به مجلس، با انتقادات مردم و جریان های سیاسی مواجه شد. البته حضور محمدجواد چهرمی، به عنوان یک جوان دهه شصتی در سمت وزیر ارتباطات، نشانه توجه او به جوانان تعبیر شد اما محدود شدن فضای مجازی باعث شد طرفداران حسن روحانی از او هم ناامید شوند. این در حالی است که تیم اقتصادی دولت نیز با وجود فشارهای اقتصادی حال حاضر، پاسخ گویی لازم را ندارد و همه تیرها به سمت حسن روحانی نشانه رفته است.» از سوی دیگر روزنامه آرمان نوشت: «سخن از جایگزینی نقرات تازه نفس و پرانگیزه و جوان گاهی شتاب بیشتری گرفته و زمانی آرام شده است اما چندین و چند بار مطرح شده است. نکته مهم این است که طرح چنین مسائلی از سوی منتقدان با طرح آن از سوی بخش های نزدیک به دولت و حتی خود دولت تفاوت مهمی دارد. به نظر می رسد که دولت با دامن زدن به چنین مساله ای درصدد آرام کردن فضا و نرم کردن تیغ انتقادات است و به چنین موضوع مهمی به مثابه تاکتیک می نگرد که در غیر این صورت می توانست زودتر از اینها به نتیجه برسد. نه منتقدان و نه تحلیلگران و نه حتی رسانه هایی که این مهم را دنبال می کنند و نه حتی مردم از دولت در این زمینه گامی مشاهده نکرده اند و دقیقاً از همین زاویه است که گویی دولت هنوز به نتیجه نرسیده که تغییر در کابینه می تواند موجب افزایش کارایی شود. حوادث و رویدادهای مختلف در طول یک سال گذشته دلیلی بر اهمیت و لزوم تغییر در دولت بود که از سوی دلسوزان به رئیس جمهور گوشزد می شد.» روزنامه اعتماد دیگر روزنامه حامی دولت نیز در گزارشی خاطر نشان کرد: «کابینه تغییر می کند. تغییرات در انتظار هیات دولت اما آن چیزی نیست که بسیاری از

روزافزون مردم به چارچوب های نظام را فراهم آورد. آگاه هستید که امروز در شرایط اقتصادی با تحریم ها و توطئه های پیچیده دشمنان این مرز و بوم و تشکیل اتاق جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران مواجه هستیم اما برخی ناکارآمدی های بخش اقتصادی دولت در این زمینه تأثیر جدی داشته است. ضرورت دارد دولت برنامه ریزی دقیق اقتصادی متناسب با شرایط موجود داشته باشد. به نظر اینجانبان عملکرد نامناسب مدیران ارشد اقتصادی کشور طی سال های اخیر موجب بی اعتمادی روزافزون مردم نسبت به تصمیمات و سیاست های ابلاغی و اجرایی در بخش اقتصادی کشور گردیده است و این امر بازنگری در تیم اقتصادی دولت را ضرورتی دوچندان و اجتناب ناپذیری می نماید. اگرچه مجلس شورای اسلامی در راستای وظایف و اختیارات و با استفاده از ابزارهای قانونی پیش بینی شده می تواند نسبت به اصلاح این مهم اقدام نماید، ولی از جنابعالی به عنوان منتخب مردم و رئیس دولت انتظار داریم قبل از تصمیم نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به این مهم یعنی تغییر در مجموعه مدیریتی تیم اقتصادی با رویکرد چابکی و درک حساسیت های کنونی با هدف هماهنگی و کارآمدی هرچه بیشتر تیم اقتصادی اقدام عاجل به عمل آورید.»

برخی می خواهند بروند

در این میان محمدرضا باهنر گفته است: «بنده شنیده ام که برخی وزرا تقاضای ترک کابینه را دارند که رئیس جمهور به هر دلیلی اجازه این کار را نمی دهد.» دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين با اشاره به لزوم تغییرات در کابینه دولت بانوجه به نوسانات اخیر در نرخ ارز و دیگر کالاها گفت: «بعضی از مسئولان دولتی احساس خستگی می کنند و تنها در فضایی کاملاً روان که همه پارامترهای پیرامونی فراهم باشد می توانند کار کنند و در فضایی که

هم ۱۸۷ نماینده از روحانی درخواست کرده اند و هم واعظی خبر داده است؛ گویا این بار جدی شده است تغییرات کابینه. این بار اما منظور از تغییرات کابینه گویا اضافه شدن وزرای جدید با تفکیک وزارتخانه ها نیست. گویا چند نفری قرار است دولت را ترک کنند. حالا اینکه این افراد از تیم اقتصادی هستند یا چهره های سیاسی را هم در میان خود خواهند داشت، سوال مهمی است که باید منتظر تصمیم نهایی روحانی ماند.

افرادی می روند

ماجرای این قرار است که واعظی برای دومین بار از تغییرات در کابینه خبر داده است: «ترمیم در کابینه همیشه مطرح بوده و رئیس جمهور همان گونه که در دولت یازدهم نیز ترمیم داشتند، در این دولت هم خواهند داشت و این نشان دهنده پویایی دولت است و من فکر می کنم در آینده نیز خواهیم داشت.»

این سخنان البته همزمان شد با یک نامه مهم از سوی نمایندگان مجلس. ۱۸۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه ای به رئیس جمهور خواستار ترمیم کابینه دولت شدند. ۱۸۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی طی نامه ای خطاب به رئیس جمهور خواستار ترمیم کابینه دولت شدند. در متن این نامه آمده است: «به استحضار می رساند شرایط کنونی اقتصادی کشور ایجاد می کند قوای سه گانه در جهت استحکام بیشتر نظام جمهوری اسلامی و نیز در جهت کاهش فشار معیشتی و اقتصادی بر مردم و جلوگیری از کاهش بیش از حد قدرت خرید آنها تلاش کند. باتوجه به تأکیدات مقام معظم رهبری، حمایت از دولت محترم برای فائق آمدن بر چالش های اقتصادی کشور ضروری است. امیدواریم دولت نیز این حمایت را قدر دانسته و با یادآوری عهد خود با مردم اعتماد

جلسات اصول‌گرایان در دفتر رئیسی

جلسات انتخاباتی برای مجلس یازدهم آغاز شده است

منتقدان بر آن اصرار داشته و دارند. حرف و حدیث‌های حاشیه جلسه هیات دولت نشان می‌دهد که قرار نیست وزیری برود و سیاستمداری دیگر بر کرسی وزارتخانه‌ای تکیه زند. همه تغییراتی که خبر آن در حیاط پاستور رسانه‌ای شد در راستای لایحه اصلاح ساختار دولت است. با وجود این حالا که قرار است دولت در صورت تصویب این لایحه بار دیگر جلسات متمادی و رایزنی‌ها و رفت‌وآمدها به مجلس را برای معرفی وزرای جدید آغاز کند چرا از همین فرصت برای تغییرات اساسی در کابینه استفاده نکند؟

کدام وزرا می‌روند؟

به نظر می‌رسد تغییر وزرای مثل وزیر کشور، اطلاعات و علوم همان قدر بعید است که تغییر رئیس کل بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و وزیر صنعت محتمل است. گمانه جدی تغییرات در تیم اقتصادی دولت است. اعتراضات به عملکرد ولی‌الله سیف و آن جنجالی که چندی قبل در صحن علنی مجلس ایجاد شد، کلید خوردن طرح استیضاح وزیر اقتصاد که حاجی‌دلگانی از آن خبر داد. انتقادات گسترده از عملکرد شریعتمداری، وضعیت بازار ارز، سکه و... همه آفتابی است دلیل آفتاب. نظر بیشتر منتقدان در هفته‌های اخیر ضعف تیم اقتصادی دولت است و این طور که به نظر می‌رسد آقای رئیس‌جمهور بالاخره آن طور که می‌گفت صدای مردم و مخالفان را شنیده است. انتظار می‌رود که تغییرات آتی گامی در راستای بهبود باشد و مثل آن تغییراتی که با شروع دولت دوازدهم در تیم اقتصادی داده شد؛ کار را بدرت نهند. اکنون که واعظی یعنی موثرترین چهره نهاد ریاست جمهوری از ایجاد تغییرات در کابینه خبر داده است، فرصت خوبی برای ارزیابی عملکرد دولت است.

ولی‌الله سیف وزیر نیست اما سکنداری بانک مرکزی نیز کم از وزارت نیست. او در صف اول تعویض‌های دولت قرار دارد. آشفته بازار ارز صبر همه را سراسر آورده و اغلب کارشناسان در این خصوص انتقاد دارند. بسیاری از این منتقدان نیز راه را در برکناری سیف می‌جویند. حضور رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی برای گفت‌وگو با وکلای ملت در مورد مشکلات کنونی اصلا خوب پیش نرفت و کار به درگیری و شعار علیه او رسید. برخورد نمایندگان مخالف دولت قابل دفاع نیست اما نشان داد که اراده موجود برای خط‌زدن نامه از فهرست کابینه جدی است. سخن از تغییر تیم اقتصادی دولت است و وزیر اقتصاد در مرکز توجه‌ها. اگرچه همین دیروز خبر رسید که برخی در بهارستان به دنبال استیضاح او هستند اما به نظر نمی‌رسد که او رفتنی باشد. زیر پای محمد شریعتمداری این قدرها محکم نیست. او نسبت به نعمت‌زاده جوان‌تر اما خیلی منفعل‌تر است. نسبت شریعتمداری و کنش‌های سیاسی با اقدامات مدیریتی‌اش با وضعیت اقتصادی کشور همچون فردی است که هنگام سیل خواب مانده باشد. شریعتمداری از چند زاویه مورد نقد است. از یک سو مدیریت انفعالی و واکنش‌ها و اقدامات دیر هنگام و از سوی دیگر عملکرد نزدیک‌گانش. شریعتمداری به تجار اتاق بازرگانی، قول داده بود که از آزاد شدن نرخ ارز دفاع می‌کند اما حالا در بوجوه نوسانات ارزی ساکت است. منتقدان او اما ساکت نیستند. ماجرای واردات خودرو در زمان بسته بودن سایت ثبت سفارش هم موضوعی نیست که بتوان در برابر آن سکوت کرد. همین است که گمان می‌رود او هم رفتنی شود، اگر اراده‌ای برای ترمیم تیم اقتصادی دولت شکل بگیرد. بنابر برخی گمانه‌زنی‌های دیگر، وزیر راه و شهرسازی نیز به خاطر سوء عملکردش در معرض برکناری قرار دارد. نرخ مسکن فقط در یک سال گذشته ۳۵ درصد رشد داشته است.

در حالی که برخی اصلاح‌طلبان القای می‌کنند اصولگرایان دچار چنددستگی بزرگی شده‌اند اما گویا تحولات و اتفاقات مهمی در جناح اصولگرا رخ داده است. خبرنگار مثلث مطلع شده است که سید ابراهیم رئیسی جلساتی را در تهران برای وحدت اصولگرایان برگزار کرده است. بنابر این گزارش، در این جلسات که با محوریت مجلس و وحدت اصولگرایان برگزار شده است برخی شخصیت‌های اصولگرا از جمله محمدباقر قالیباف سعید جلیلی، غلامعلی حدادعادل، محسن رضایی، محمدباقر ذوالقدر و برخی دیگر حضور پیدا کرده‌اند. سید ابراهیم رئیسی، نامزد اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری بود که با رای قابل توجهی به رتبه دوم انتخابات دست یافت.

سید ابراهیم رئیسی در انتخابات از منتقدان حسن روحانی بود و توانست با گفتمانی که مطرح کرده بود اقدام به جذب سرمایه اجتماعی قابل توجهی کند. حالا باید از این سرمایه اجتماعی استفاده کرد. پیش از این اما برخی خبرها هم منتشر شده بود که حکایت از برخی نظرها برای حضور ابراهیم رئیسی در انتخابات مجلس از حوزه انتخابیه تهران داشت. اولین فردی که این مساله را مطرح کرد، ناظمی اردکانی بود. او گفته بود: «آقای رئیسی، به جهت ظرفیت‌هایی که داشت در انتخابات ریاست جمهوری مورد اجماع جریان‌های ارزشی، اصولگرا و انقلابی قرار گرفت و از طرفی منهای تخریب‌های شخصیتی که از سوی رقیب وی صورت گرفت، باعث شد تا نام و چهره او به عنوان یک شخصیت سیاسی - اجتماعی و فراگیر مطرح شود و مقبولیت او در طیف وسیعی از جامعه رقم بخورد. این ظرفیت ساخته شده می‌تواند در انتخابات ۱۳۹۸ آزاد شده و بسته به مقتضیات فضای سیاسی و رقابتی عامل همگرایی قرار گیرد.» پس از او میرتاج الدینی، دیگر عضو جمنان نیز گفته بود: «آقای رئیسی یک شخصیت محبوب و مقبول در میان جریان نیروهای انقلاب و اصولگرا است و همان نکته‌ای که گفته شد اجماع درباره او خیلی راحت صورت گرفت. تقریباً همه طیف‌های نیروهای انقلاب و جریان اصولگرایی روی حمایت از او در انتخابات ریاست جمهوری اتفاق کردند و رای ۱۶ میلیون هم که به دست آمد، کم نبود. همواره آقای رئیسی را یک شخصیت مقبول و اخلاقی و موثر در حوزه سیاسی می‌شناسیم. تاثیرگذاری در مسائل سیاسی همیشه این طور نیست که فردی خودش بیاید، محور یک تشکیلات باشد یا کارهای سیاسی و تشکیلاتی را به دست بگیرد و مدیریت کند. البته حضور پدانه و معنوی یک فرد مقبول در جامعه موثر است، آقای رئیسی می‌تواند این نقش را ایفا کند یعنی نقش معنوی و نقش هدایت‌های کلان را در مسائل سیاسی انجام دهد.» این مساله البته با واکنش یک سایت اصلاح طلب هم مواجه شده بود. سایت نامه در این مورد در مطلبی نوشته بود: «آینده سیاسی رقیب مشهودی روحانی فقط در انتخابات ۱۴۰۰ خلاصه نشده است، این روزها نام رئیسی پیوندی جالب‌تر با یک انتخابات دیگر خورده است؛ انتخابات مجلس ۹۸. اما رئیسی برای ماندگاری در سیاست چه در قامت کاندیدای انتخابات مجلس ۹۸ یا ریاست جمهوری ۱۴۰۰ یا قرار گرفتن در جمع لیدرهای اصولگرا نیازمند فراهم سازی برخی زمینه‌هاست. همراه کردن طیف‌های

مختلف اصولگرایی به تنهایی کمکی به او نخواهد کرد، او نیازمند فضای در افکار عمومی است که نگاه‌ها را از سمت دولت روحانی به سمت او بچرخاند، یک فضا علیه روحانی.» در واکنشی دیگر به این ماجرا رئوفیان، از چهره‌های اصولگرا گفته بود: «رئیس قاطعاً با نگاه به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ برای انتخابات مجلس یازدهم لیست می‌بندد تا زمینه جذب آرای بیشتر به منظور حضورشان در انتخابات ۱۴۰۰ فراهم شود.»

رئوفیان با اظهار اینکه «وجود لیست‌های متعدد در انتخابات مجلس باعث نشاط انتخاباتی می‌شود و نشاط انتخاباتی یک ضرورت است»، تاکید کرد: «قطعا رئیسی به عرصه انتخابات مجلس ورود خواهد کرد؛ البته نه به عنوان نامزد چون ایشان به احتمال زیاد برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ بار دیگر کاندیدا خواهد شد.» این فعال سیاسی اصولگرا با بیان اینکه «با توجه به اینکه اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس آینده دیگر شرایطشان مانند سال ۹۴ نخواهد بود رقابت بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان نفسگیر است»، اظهار کرد: «در انتخابات مجلس یازدهم اصولگرایان به لیست واحد نخواهند رسید و این طور نمی‌شود که اگر آقای رئیسی لیست دهد لیست او فهرست نهایی اصولگرایان شود. ولی ایشان می‌تواند کرسی‌های متعددی از پارلمان را برای افرادی که در لیست مورد حمایتش قرار می‌گیرد اختصاص دهد.» رئوفیان در همین حال یادآور شد: «من به عنوان یک فعال سیاسی از ورود آقای رئیسی به عرصه انتخابات مجلس استقبال می‌کنم، منتها ایشان باید با قاعده درست وارد عرصه رقابت‌ها شود و برخی اشتباهات را که در انتخابات ریاست جمهوری کرد و باعث ریزش آرایش شد تکرار نکند. مثلاً ایشان فکر می‌کرد اگر در کنار تملو قرار گیرد، می‌تواند آرای خاکستری را به میدان بیاورد که این یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات ایشان بود.» عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری اضافه کرد: «آقای رئیسی باید با آسیب‌شناسی از انتخابات ریاست جمهوری برای انتخابات مجلس آینده برنامه‌ریزی و به دور از تخریب رقبای خودش وارد عرصه رقابت‌ها شود.» رئوفیان هدف رئیسی از ارائه لیست برای انتخابات مجلس ۹۸ را تقویت زمینه‌های پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ ارزیابی کرد و گفت: «رئیس قاطعاً با نگاه به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ برای انتخابات مجلس یازدهم لیست می‌بندد تا زمینه جذب آرای بیشتر به منظور حضورشان در انتخابات ۱۴۰۰ فراهم شود.»

گفتنی است این جلسات را چند ماهی هست که آقای رئیسی تشکیل داده و در برخی جلسات آن محمدباقر قالیباف هم شرکت کرده است. حضور قالیباف در این جلسات نشان می‌دهد که او وحدت اصول‌گرایان را مهم‌تر از برخی مسائل رخ داده در انتخابات ۹۶ می‌داند. ضمن اینکه به معنای وجود نظرات مختلف در عین وحدت می‌باشد. همچنین سعید جلیلی که از نظر گفتمان با رئیسی اشتراک‌هایی دارد در برخی از این جلسات شرکت کرده است. از محسن رضایی، حداد عادل، ذوالقدر و رحیمیان به عنوان دیگر نفرت‌شکست‌کننده در جلسات نام برده می‌شود. محور این جلسات انتقاد در انتخابات سال ۹۸ است.

تحریم‌های جدید

«دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا» روز چهارشنبه مجوزهای عمومی صادر شده بعد از حصول برجام برای مشخص کردن فعالیت‌های خاص با ایران را لغو کرده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا بعد از حصول توافق هسته‌ای برجام با صدور چند مجوز عمومی قواعد شرکت‌های تحت کنترل یا مالکیت طرف‌های غیرآمریکایی برای تجارت با ایران در حوزه‌های خاص را مشخص می‌کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه روز چهارشنبه اعلام کرده مجوزهای عمومی H و I که بعد از اجرای شدن برجام در روز ۱۶ ژانویه سال ۲۰۱۶ صادر شده بود به مشخص کردن مبادلاتی می‌پرداخت که شرکت‌های خارجی تحت کنترل یا مالکیت اشخاص آمریکایی مجاز بودند با ایران انجام دهند. مجوز عمومی H هم صادرات و باصادرات هواپیماهای مسافربری و قطعات و خدمات بدکی مرتبط با آن را به ایران مجاز می‌کرد. خزانه‌داری آمریکا همچنین اعلام کرد دستورالعمل‌های «مقررات تحریم‌ها و مبادلات» را نیز اصلاح کرده تا دامنه مجوزهای عمومی مربوط به واردات فرش و مواد غذایی را کاهش دهد. وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده از دامنه این فعالیت‌ها تا تاریخ ۶ آگوست ۲۰۱۸ که زمان اجرایی شدن تحریم‌های مربوط به این فعالیت‌ها علیه ایران است بایستی به مرور کاسته شود.

مطابق این بیانیه، خزانه‌داری آمریکا دو مجوز عمومی جدید هم برای کاهش تدریجی فعالیت‌های مجاز ذیل مجوز عمومی H تا تاریخ ۶ آگوست و کاهش تدریجی فعالیت‌های مجاز ذیل مجوز عمومی H تا ۴ نوامبر صادر کرده است. ترامپ روز ۱۸ اردیبهشت آمریکا را از برجام خارج کرده و فرمانی را برای بازگشت تحریم‌ها علیه ایران بعد از دوره‌های زمانی ۹۰ و ۱۸۰ روزه صادر کرد. دوره ۹۰ روزه در تاریخ ۶ آگوست ۲۰۱۸ به پایان می‌رسد و دولت آمریکا قرار است بعد از آن مجوز واردات فرش و مواد غذایی از مبدأ ایران به آمریکا و برخی مبادلات مالی مرتبط با آنها را ممنوع کند. در پایان این دوره، فعالیت‌های انجام‌شده وفق مجوزهای صادرشده برای صادرات و باصادرات هواپیماهای تجاری مسافربری و قطعات و خدمات مربوطه به ایران نیز لغو می‌شوند. در همین حال اندیشکده «واشنگتن» در تحلیلی به قلم کاترین پاور نوشت: «در حالی که مسئولان آمریکایی در حال بررسی تصمیمات خود در مورد تحریم ایران هستند، باید این نکته را مد نظر داشته باشند که بازگشت تحریم‌ها به همان شکل سابق، یعنی زمان پیش از امضای توافق هسته‌ای، درست نیست. اگر این مهم از سوی مسئولان آمریکایی رعایت شود، واشنگتن می‌تواند مجال بیشتری برای بهره‌گیری از نقاط ضعف ایران داشته باشد.»

در ادامه این تحلیل آمده است: «سیاستگذاران آمریکایی برای هدف قرار دادن بخش نفتی ایران باید به طور خاص بر درآمدهای نفتی این کشور تمرکز کنند، نه بر فروش آن؛ یعنی حتی اگر اقداماتی برای محدود کردن حجم صادرات نفتی ایران انجام می‌دهند، باید اولویت آنها، تضمین بلوکه شدن درآمدهای حاصل از این فروش‌ها باشد. این در صورتی است که دولت‌های خریدار نفت ایران، با باقی نگه داشتن درآمدهای نفتی این کشور و بلوکه کردن آن موافقت کنند. کاهش عایدات نفتی ایران می‌تواند مشکلات جدی برای آن ایجاد کند. سیاستمداران آمریکایی در پی آن هستند که اموال حاصل از فروش نفت ایران در کشورهای واردکننده بماند و امکان استفاده از این منابع مالی تنها در این کشورها وجود داشته باشد. اقدام دیگری که قطعاً آمریکا در جهت بازگشت تحریم‌های ایران انجام خواهد داد، اعمال محدودیت‌هایی در زمینه خدمات مالی ویژه بانک مرکزی ایران و دیگر بانک‌های این کشور است که در لیست تحریم‌ها قرار دارند. با این حال، ممانعت از ارتباط ایران با سوئیفت، برای جلوگیری از نفوذ ایران در بازار پولی جهانی، نه ضروری است و نه کافی.»



سرنوشت جدید یک قانون

یک هفته پس از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب درباره کنوانسیون‌های بین‌المللی، مجلسی‌ها ۴ مصوبه درباره اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را به تصویب رساندند. همزمان محمود واعظی هم گفته است: «به هیچ وجه الان بنای ما بر عضویت در FATF نیست. یک اشتباهی که رخ می‌دهد این است که در دولت دهم لوایحی به مجلس داده‌اند، این لوایح پیش رفته و الان نوبت تصویب لوایح است و این لوایح با FATF متفاوت است، پس صراحتاً نظر دولت این است که به هیچ وجه ما اعلامی برای عضویت در FATF نداریم و دنبال آن هم نیستیم. هر هفته رئیس‌جمهور با رهبر انقلاب دیدار دارند و دیروز هم دیدار کردند و در مورد FATF هم صحبت شد.»

این نمایندگان همچنان تأکید دارند که این لایحه همچون لوایح اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، الحاق به کنوانسیون پالمو و الحاق به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بخشی از FATF هستند. یک بار در اوایل جلسه دیروز محمدعلی پورمختار این موضوع را مطرح کرد که علی لاریجانی در پاسخ به وی گفت: «لایحه‌ای که در دستورکار قرار دارد، ربطی به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ندارد و شورای عالی امنیت ملی باید برای این موارد رأی دهد.» ساعاتی پس از آن هم علی ادیبانی، در زمانی که مسعود پزشکیان اداره مجلس را در اختیار داشت همین موضوع را تکرار کرد که باز هم نایب‌رئیس اول مجلس این توضیح را تکرار کرد که «این لایحه ربطی به کنوانسیون‌ها نداشته و باید برای مبارزه با پولشویی در این مملکت قانونی تصویب شود.» نمایندگان هفته گذشته بررسی لایحه اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ماده یک این لایحه را که مربوط به تعیین تأمین‌کنندگان مالی تروریسم بود به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ارجاع دادند. مجلسی‌ها همچنین با تصویب ماده دوم لایحه مذکور شروطی را در تعریف تأمین مالی تروریسم تعیین کردند.

براین اساس تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت نبود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت به مجازات ۲ تا ۵ سال حبس و جزای نقدی معادل ۲ تا ۵ برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می‌شود. ماده سوم این لایحه نیز با موافقت نمایندگان مواجه شد. اشخاص موضوع این ماده موظفند حسب دستور مقام قضایی نسبت به مسدود کردن وجوه و توقیف اموال و دارایی‌های افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی برابر فهرست اعلامی شورای عالی امنیت ملی اقدام کنند. در موارد فوری و ضروری که دسترسی به مقام قضایی ممکن نیست باید برابر فهرست مذکور اقدام کرده و مراتب را ظرف مدت ۲۶ ساعت به مراجع قضایی اعلام کنند. همچنین بر اساس موافقت مجلس با ماده چهار این لایحه، تأمین مالی تروریسم جرم سیاسی محسوب نخواهد شد و مرتکبان از امتیازات جرایم سیاسی برخوردار نیستند. تعیین مجازات متخلفان قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیز موضوع ماده ۵ لایحه اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بود که باز هم به تصویب مجلس رسید. بر اساس این ماده چنانچه هر یک از اشخاص ذکر شده در این لایحه وظایف مندرج در این قانون را انجام ندهند، به مجازات معاونت جرم محکوم می‌شوند و در صورتی که در انجام وظایف مرتکب تقصیر از جمله اهمال و سهل‌انگاری شود، به یکی از مجازات‌های درجه ۷ محکوم می‌شوند.



تغییر یار نزدیک لاریجانی

پارلمان این روزها با اتفاقات عجیب و غریبی مواجه است. چند هفته پیش علی لاریجانی به سختی توانست رئیس مجلس بماند و حالا یکی از نزدیکترین چهره‌ها به او از ریاست یک کمیسیون کنار گذاشته شده است. علاءالدین بروجردی در انتخابات کمیسیون امنیت ملی توانست رای لازم را برای ماندن در این پست داشته باشد. انتخابات هیات‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بعد از ظهر یکشنبه در حالی برای دومین بار برگزار شد که هفته گذشته به دلیل ابستراکسیون (نصاب‌شکنی) نمایندگان اصلاح طلب در این کمیسیون، جلسه انتخابات برگزار نشد و به روز دیگری موکول شد. در هفته آخر خرداد جمعی از نمایندگان با خروج از جلسه اجازه برگزاری جلسه انتخابات هیات‌رئیس را ندادند. شنیده‌ها حاکی از این بود که برخی از نمایندگان مخالف ریاست دوباره بروجردی بر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بودند. نهایتاً هفته گذشته انتخابات هیات‌رئیس این کمیسیون برگزار شد و با انتخاب حشمت‌الله فلاحت‌پیشه به عنوان رئیس این کمیسیون به ریاست ۱۴ ساله بروجردی در این کمیسیون پایان داده شد. در این انتخابات مجتبی ذوالنوری، نماینده مردم قم، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه و علاءالدین بروجردی، نماینده مردم بروجرد نامزد ریاست بودند که فلاحت‌پیشه و ذوالنوری هر یک ۹ رای و بروجردی پنج رای را کسب کردند که به دلیل تساوی آرای فلاحت‌پیشه و ذوالنوری قرعه‌کشی انجام شد و قرعه ریاست به نام فلاحت‌پیشه، نماینده اسلام آباد افتاد. علیرضا رحیمی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بعد از انتخابات هیات‌رئیس در صفحه شخصی خود در توئیتر نوشت: فلاحت‌پیشه کاندیدای فراکسیون امید بود که در توافقی آقای کواکبیان به نفع ایشان از نامزدی ریاست کناره‌گیری کرد و فلاحت‌پیشه با حمایت قاطع فراکسیون امید به ریاست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی رسید. بر همین اساس ولی‌الله ناناکناری، نماینده مردم بابلسر در مجلس شورای اسلامی به نام‌نویز گفت: «حشمت‌الله فلاحت‌پیشه فردی مستقل است. دوستان خواستند تغییری در مدیریت ایجاد شود اما سیاست‌گذاری کمیسیون تغییری نمی‌کند. این جابه‌جایی بعد از ۱۴ سال صدارت علاءالدین بروجردی بر کمیسیون امنیت انجام شد؛ آن هم درحالی که ماه گذشته هیات‌رئیس مجلس نیز تغییراتی به خود دید.» علی لاریجانی در یازدهمین سال ریاست مجلس، در انتخاباتی برنده شد که برای اولین بار به دور دوم کشیده و با کمترین میزان آرای خود در ۱۰ سال گذشته به دور دوم کشیده شد و با رأی شکنده بار دیگر به صندلی ریاست پارلمان تکیه زد. تغییر طیف در انتخاب روسا در مجلس در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نیز مثال‌زدنی بود. ریاست این کمیسیون از یک چهره احمدی‌نژادی به چهره‌ای اصلاح طلب رسید. مهدی زاهدی، وزیر علوم دولت احمدی‌نژاد، جایش را به محمدرضا عارف، وزیر علوم دولت اصلاحات و رئیس فراکسیون امید مجلس داد. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه او را چهارمین دهه زندگی‌اش را طی می‌کند. اهل اسلام‌آباد غرب از استان کرمانشاه است. نماینده دوره‌های هفتم، هشتم و نهم مجلس از حوزه انتخابیه اسلام‌آباد غرب، دالاهو، گهواره و حمیل بوده است. او که سه دوره عضویت مجلس را در کارنامه دارد، در مقابل علاءالدین بروجردی پیروز شد که از دور ششم نماینده شهر بروجرد و عضو کمیسیون امنیت ملی است. علاءالدین بروجردی در حوزه سیاست خارجی فرد با سابقه‌ای محسوب می‌شود. او آن قدر در این حوزه نفوذ داشته که بسیاری از ملاقات‌های خارجی در حوزه منطقه را انجام می‌دهد، لبنان و سوریه جزء حوزه‌هایی بود که علاءالدین بروجردی به عنوان رئیس کمیسیون و البته شخصی منتقد به پایتخت‌هایشان رفت‌وآمد داشته و ملاقات‌های سیاسی مهمی را انجام می‌داد.



دوست و دشمن دائمی نداریم کتابه زنگنه به پوتین

جلسه اوپک که تمام شد، زنگنه، وزیر نفت ایران، در جمع خبرنگاران حاضر شد تا جواب بسیاری از پرسش‌ها را بدهد. همکاری نکردن ایران و روسیه در به توافق رسیدن اوپک و غیر اوپک منجر شده بود زنگنه که به عنوان عضو ناظر جلسه بود، پیش از برگزاری نشست صدور هفتاد و چهارم سازمان را ترک کند. او در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه باتوجه به موضع‌گیری‌های اخیر روسیه درباره افزایش عرضه نفت، درباره این کشور چه احساسی دارید، گفت: «چرا دلخور باشیم؟ باید واقعیت‌ها را درک کنیم. نباید توقع زیادی از کسی داشته باشیم. جمله معروف چرچیل را یاد نبرید که وقتی از او پرسیدند چطور با روسیه که دشمن استراتژیک مادر جنگ جهانی دوم بود، متحد شدید، پاسخ داد بریتانیا دوست و دشمن دائمی ندارد، فقط منافعی دائمی دارد... همیشه گفته‌ام که نه کشوری برادر ماست و نه دشمن دائمی ماست. ما برحسب منافع مان باید روابطمان با کشورها را تنظیم کنیم.»

این سخن او زمانی حائز اهمیت می‌شود که الکساندر نواک، وزیر انرژی روسیه و خالد الفالح، وزیر نفت عربستان، با یک ماشین خود را به محل برگزاری اجلاس اوپک و غیر اوپک رساندند تا نزدیکی مواضع خود را نشان دهند. هر چند نشست اوپک با خنثی کردن برنامه‌ریزی آمریکا برای مقصر نشان دادن ایران در برهم‌زدن توافق اوپک و غیر اوپک همراه بود؛ در عین حال همراهی مواضع دو کشور دیگر نشان داد که جمله زنگنه در نشست اوپک، همان است که به گفته او باید در تاریخ به ثبت برسد: «برخی اعضا نمی‌خواستند حرفی علیه آمریکا یا درباره سیاست‌زدایی از بازار نفت بزنند. من این رای دانستم و یادآور شدم که این اتفاق ممکن است برای هر یک از اعضا بیفتد. می‌دانستم همه از این حرف استقبال نمی‌کنند؛ اما خواستم ثبت شود.»

نکته درخور توجه آن است که همراهی عربستان به عنوان یکی از کشورهای پرچالش با ایران با مواضع کشور، هر چند پیش‌تر در لابی با روسیه و عده همکاری با این کشور برای افزایش تولید ۸/۱ میلیون بشکه در روز را داده بود، نشان‌دهنده شکست خواست روسیه در این اجلاس و پابندی اعضا به توافق بود. علاوه بر آن کارشناسان بر این عقیده هستند که نشست دیروز اوپک و غیر اوپک صرفاً برای نشان دادن زنده بودن توافق ۲۰۱۶ است؛ زیرا پس از توافق دیروز اوپک که با اطلاع اعضای مهم غیر اوپک نظیر روسیه و عمان به انجام رسید، در این اجلاس نظر مخالفی بیان نخواهد شد. بهروز نعمتی، عضو هیات‌رئیس مجلس که زنگنه را در این سفر همراهی کرده بود، هم به همین نکته اشاره کرد.

نعمتی با بیان اینکه سناریوی پیشنهادی روس‌ها احتمالاً بر مبنای توافق یا ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بوده، اظهار کرد: «به نظر می‌رسد آنها می‌خواستند افزایش تولید را در حد یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه پیشنهاد دهند تا اوپک به یک میلیون بشکه راضی شود؛ اما اوپک این را نپذیرفت و اصل موضوع هم اوپک است. ما نمی‌توانیم برای اعضای خارج از اوپک تصمیم بگیریم همچنان که آنها نمی‌توانند برای ما تصمیم‌گیری کنند.» سخنگوی هیات‌رئیس مجلس با بیان اینکه اوپک به صیانت از تشکیلات خود پایبند است، گفت: «روس‌ها باید با ما صادق‌تر باشند، اگر قرار است در موضوعات استراتژیک همکاری داشته باشیم باید در این موارد نیز همکاری بیشتری انجام شود. اینکه آنها با اصرار به دنبال بحث‌های خود باشند، ایرادی است که تیم دیپلماسی باید آن را با روس‌ها مطرح کند.»





مهدی طائب، فرمانده قرارگاه عمار هفته گذشته اظهاراتی داشت که خبرساز شد. او گفت: «آقای مشایی نه کتک می خورد و نه غذایش کم شده. او آزاد است. دلیل بازداشتش هم این است که کارهای توطئه آمیزی در بیرون انجام می داده، این را بدانید کسی که خودش حرفه ای اطلاعات است حتی اگر سیستم کتک هم مباح شود، هرگز با کتک اطلاعات نمی دهد، تنها راهی که مشایی حرف بزند این است که خودش دهن باز کند.» طائب در پاسخ به این سوال که آیا رئیس دفتر احمدی نژاد جاسوسانه عمل می کرده؟ گفته است: «بله، آقای مشایی نیروی بسیار پیچیده ای است و اینکه جاسوس است یا نه، خودش باید بگوید. مشایی توانست آقای احمدی نژاد را که در ریل نظام جلو می رفت از ریل خارج کند و تبدیل به یک نیروی ضد نظام کند، این نشان می دهد در این زمینه آدم موفقی است.» وی در ادامه در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه آیا شما اسنادی دارید که ایشان جاسوس دشمن بوده، گفته است: آقای مشایی به دلیل حرفه ای بودن اسناد و مدارکی از اقداماتش برجای نگذاشته است.

مشایی نه کتک خورده و نه غذایش کم شده



در راه تهران

نخست وزیر ژاپن در راه تهران است. آخرین بار تاکنون فوکودا، نخست وزیر وقت ژاپن در سال ۱۹۷۸ به ایران سفر کرده بود. او قرار است ابتدا از بلژیک و فرانسه بازدید کند، سپس به خاورمیانه سفر کند. رسانه های ژاپنی نوشتند انتظار می رود آبه در دیدار تیرماه خود با روحانی، درباره ادامه حمایت ژاپن از توافق هسته ای ایران پس از خروج دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، از این توافق رایزنی کند. اما این سفر نیز مانند اقدامات قبلی ژاپنی ها خیلی دیرتر از باقی کشورهای بزرگ انجام می شود. در حالی که کشورهای اروپایی بعد از توافق، با اعزام تیم های دیپلماتیک و اقتصادی تلاش کردند رابطه تجاری خود با ایران را احیا کنند، ژاپن با احتیاط همیشگی عمل کرد. زمانی که دستیابی به برجام و لغو تحریم ها قطعی شده بود، برای نخستین بار در مهر ۹۴ وزیر خارجه ژاپن در صدر هیات بلند پایه سیاسی و اقتصادی به تهران سفر کرد. منابع خبری از نهایه شدن برنامه سفر نخست وزیر ژاپن خبر داده اند، در عین حال قطعیت آن را مطرح نکرده اند. با این همه، شاید بتوان سفر هفته آینده وزیر خارجه ژاپن به تهران را مهر تاییدی برای خبر سفر شینزو آبه به تهران دانست.



محمد جواد ظریف هفته گذشته یکی از چهره های خبرساز بوده است. او در یک جلسه حاضر شده و گفته است: «خیال نکند اگر آقای روحانی رفت و اصولگرایان آمدند، موفق می شوند. بعضی ها خیال نکنند اگر جمهوری اسلامی ایران رفت، آنها سر کار می آیند. اکنون ایران، یعنی این جغرافیا و موجودیت عظیم پرافتخار تاریخی، با این مردم و توانمندی ها و امکانات هدف قرار گرفته است و ان شاء الله ما این هدف را ناکام می کنیم.» او البته افزوده است: «مادر ایران از اصولگرا، اصلاح طلب، بی خط، مخالف جمهوری اسلامی ایران یا مخالف دولت، همه در یک کشتی نشسته ایم و اکنون هدف دشمنان نه نظام ایران و نه دولت روحانی، بلکه هدف ایران است. این ایران است که اکنون برای تحقق برخی از اهداف و تمایلات مانع است، می خواهند ایران را نابود کنند.»

در یک کشتی نشسته ایم



سخنرانی پرحاشیه

«اگر دولت نبود، کشور بهتر و مناسب تر اداره می شد»: انتشار این سخنان از زبان سرلشکر رحیم صفوی در برخی از رسانه ها واکنش های بسیاری را برانگیخت. محمدباقر نوبخت سخنگوی دولت هم به این سخنان واکنش نشان داد و گفت: «اگر کسی حرف متفاوتی می زند نظر شخصی اوست. صحبت های رئیس ستادکل و سپاه مشخص است. کسی که درجه نظامی بالایی دارد و حرفی می زند، نظر شخصی می دهد نه نظر ارگان و سپاه و این اظهار نظر هم نشانه آزادی سیاسی و آزادی بیان در کشور است.» اما در حالی که این واکنش ها ادامه داشت سرلشکر یحیی رحیم صفوی نقل قول مطرح شده از قول وی را تحریف شده و وارونه عنوان کرد و نسبت به رسانه های منتشرکننده انتقاد کرد. او گفت: «برای همه ما وظیفه است تلاش کنیم تا با هماهنگی و هم افزایی و کمک به دولت محترم و قوای دیگر در حل مشکلات و معضلات اقتصادی، نقشه های دشمن در عرصه های جنگ اقتصادی و عملیات روانی را خنثی کنیم.»

روحانی استعفادهد

ایده سید حسین موسویان جنجالی شد

یکی از مهم‌ترین چهره‌های هفته گذشته سید حسین موسویان است. سید حسین موسویان، دیپلمات هسته‌ای پیشین ایران، نسبت به ادامه وضعیت کنونی در صحنه سیاسی جاری هشدار داده و از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است برای خروج از بن‌بست به «استعفاى دولت فعلی و برگزاری انتخابات زودرس» تن دهند. آقای موسویان در مصاحبه با روزنامه همشهری، تصمیم پیشروى جمهوری اسلامی را در خصوص برجام «سومین تصمیم مهم تاریخی در سیاست خارجی» خوانده و ضمن همسنگ قلمداد کردن آن با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گفته است: «از نظر من مهم‌ترین تصمیم سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی در حیات امام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود که شخص ایشان تصمیم گرفت و همه مسئولیت‌های آن را هم پذیرفت. تصمیمی که به عقیده من موجب حفظ اصل نظام جمهوری اسلامی شد. به نظر من در تاریخ رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای هم مهم‌ترین تصمیم سیاست خارجی ایران، پذیرش برجام بوده که یک تصمیم اجماعی همه ارکان اصلی نظام همچون مجلس، دولت، شورای امنیت و مقام معظم رهبری بود. اکنون که آمریکا از برجام خارج شده، جمهوری اسلامی در آستانه سومین تصمیم مهم تاریخی خود در سیاست خارجی قرار گرفته است.»

رافغر: پیشنهاد انتخابات زودرس ریشه در خارج دارد

این دیپلمات پیشین ایران نبود «اجماع و وحدت داخلی» را به دلیل اختلافات جناح‌های سیاسی بزرگترین مانع خروج از بن‌بست کنونی برشمرده و اضافه کرده است: «بزرگان نظام باید قبل از هر چیز در این مورد چاره‌اندیشی کنند؛ حتی به قیمت یک خانه‌تکانی اساسی در دولت یا حتی استعفاى دولت فعلی و برگزاری انتخابات زودرس، زیرا استمرار وضع فعلی تا دو سال دیگر، ممکن است موجب لطمات غیرقابل جبران شود.»

اما حمیدرضا جلالی‌پور در کانال خبری امتداد به سخنان موسویان واکنش نشان داده. جلالی‌پور در یادداشت خود نوشت: «جناب حسین موسویان ظاهراً برای برون‌رفت کشور از بحران‌های جاری پیشنهاد استعفا به روحانی داده است. بعد این سخن را رسانه‌های دولت موازی به اصلاح‌طلبان هم نسبت دادند که از اساس خطا است. زیرا مواضع خودش را اصلاح‌طلب نمی‌داند. او بیشتر یک دیپلمات اعتدالی است و اینکه که روحانی زیر فشار رسانه‌ای است، او هم یک ضربه به او می‌زند چون برای گوینده نه مالیات دارد و نه فشاری او را تهدید می‌کند. ثانیاً هیچ لایحه‌ای از جبهه سیاسی اصلاح‌طلبان در ایران دنبال استعفاى روحانی نیستند. زیرا مشکل کشور دولت روحانی یا «سیاست‌های سیاستی» در هیات دولت نیست. مشکل کشور «سیاسی» است. آنگاه جناب موسویان به جای درست آدرس دادن و تاکید بر لزوم پذیرش اصلاح از سوی هسته اصلی قدرت، آدرس غلط می‌دهد چون طلبکاری از دولت روحانی هم حرف قشنگی است و هم هزینه ندارد.» مرتضی مبلغ، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت هم در واکنشی به این اظهارات موسویان گفته است: «در باره نظر سید حسین موسویان خیلی محترمانه باید درباره چنین اظهارنظرهایی گفت که آدرس غلط دادن است. به نظر می‌رسد چنین نظراتی مانند همان زمزمه‌هایی است که برخی در راستای بر سر کار آمدن دولت نظامی سر دادند زیرا شیپور را از سر گشادش زدند و به جای آنکه به مشکلات و چالش‌های اساسی کشور نگاه اندازند، همه

را تعمیم دادند به جایی که دارای کمترین مشکل است و خودش هم قربانی عوامل اصلی مشکلات به حساب می‌آید. طرح چنین سخن‌هایی ارزش چندانی ندارد، اما بیان این نظرات از جانب آقای موسویان جای تعجب دارد زیرا عوامل موثر بر مشکلات کشور کاملاً مشخص است؛ باندها و تندروهایی که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به کشور وارد کردند و وقتی فعال هستند با تغییر سبک دولت هم اتفاقی نمی‌افتد و مشکلات حل نمی‌شود.

جنگ روانی که جریان‌های مختلف راه انداختند، چالش‌ها و اختلاف‌نظرهای بنیادی که در سطح هیات



حاکم وجود دارد جز از طریق گفت‌وگو، تعامل و سر عقل آمدن تمام جریان‌ها قابل حل نیست. مسائل جدی کشور این موارد است نه اینکه مساله را این قدر ساده‌سازی کنیم و تعمیم دهیم به کوتاه‌ترین دیوار و دل خود را خوش کنیم که با این روش حل می‌شود. حسین موسویان از دوستان آقای روحانی محسوب می‌شود، اما بعید است که فرد مصاحبه‌شونده با آقای روحانی هماهنگ باشد، اما دلیل تغییر موضع آقای موسویان و اینکه چرا به این شکل عمل می‌کند نمی‌دانم. بدون تردید استعفاى دولت کشور ما را با چالش‌های بسیار اساسی‌تری مواجه می‌کند و باندهای وابسته به قدرت و ثروت، قدرت بیشتری پیدا می‌کنند و هر روز فشارهای بیشتری وارد می‌کنند و شرایط یک‌تازی تندروها در داخل و خارج از کشور فراهم می‌شود.»

جامعه ایرانی

صادق زیباکلام گفت: «آقای روحانی متوجه شده که تندروها ادامه کار دولتش را متوقف کرده‌اند. در حال حاضر دولت روحانی مانند اتومبیلی می‌ماند که در حال حرکت بوده و در اثر برف سنگین سرعتش کمتر شده است.»

مهم‌ترین بحث این روزهای جامعه ایران، مشکلات اقتصادی و راه‌حل‌های آن است. برخی بر این اعتقاد هستند که دولت باید استعفا دهد و انتخابات زود هنگام شکل گیرد. هر چند گروه دیگری بر این اعتقادند که حتی با وجود این اتفاق هم مشکلات حل نخواهد شد.»

سید حسین موسویان، از نزدیکان حسن روحانی در گفت‌وگویی مطرح کرده است که «برای ایجاد اجماع

و وحدت داخلی نیاز به درک درست از شرایط داخلی و خارجی کشور، فداکاری و از خودگذشتگی است. با این وضع، مشکلات اقتصادی فعلی مردم و منافع کلان ملی کشور، دو قربانی اصلی اختلافات فعلی جناح‌های سیاسی داخلی هستند. بزرگان نظام باید قبل از هر چیز در این مورد چاره‌اندیشی کنند؛ حتی به قیمت یک خانه‌تکانی اساسی در دولت یا حتی استعفاى دولت فعلی و برگزاری انتخابات زودرس، زیرا استمرار وضع فعلی تا دو سال دیگر، ممکن است موجب لطمات غیرقابل جبران شود.»

اما مرتضی مبلغ، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با جامعه ایرانی تاکید کرد که «بدون تردید استعفاى دولت کشور را با چالش‌های بسیار اساسی‌تری مواجه می‌کند و باندهای تنه‌کار قدرت بیشتری پیدا می‌کنند و هر روز فشارهای بیشتری وارد می‌کنند و شرایط یک‌تازی تندروها در داخل و خارج از کشور فراهم می‌شود.»

صادق زیباکلام، فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز در خصوص نظر حسین موسویان مبنی بر استعفاى دولت در گفت‌وگو با جامعه ایرانی گفت: از این منظر که به واسطه تهدیدات خیلی جدی که از جانب دولت آمریکا صورت می‌گیرد، نیاز به یک وحدت ملی داریم نظر آقای موسویان درست به نظر می‌رسد، اما مانع اساسی که بر سر این وحدت وجود دارد تندروهای تمامیت‌خواه هستند که به جز تمام قدرت هیچ نظم و نسخ دیگری را نمی‌پذیرند. تمامیت‌خواهان حتی نمی‌پذیرند که نیمی از وزرا به انتخاب آقای روحانی و مجلس باشد و حاضر نیستند هیچ بخشی از قدرت را از دست بدهند. خواهان تمام قوا با هم هستند در حال حاضر هم تنها مشکل آنها قوه مجریه است که در اختیار آنها قرار ندارد، بنابراین چنین وضعیتی برای آنان غیرقابل تحمل است و از آنجا که به دنبال تمام قدرت هستند حتی اگر ۵ درصد آن را در اختیار نداشته باشند قاعده را به هم می‌ریزند تا ۹۰ درصد اختیار آتشان صد درصد شود. هیچ فرمول، طرح و مصالحه‌ای حتی در صورتی که آقای روحانی استعفا دهد و انتخابات زودرس برگزار شود، فایده‌ای ندارد و تنها مساله‌ای که برای تندروها می‌تواند در حقیقت آنها را آرام کند کسب تمام قدرت است. در حقیقت فرمول آقای موسویان که استعفاى دولت و برگزاری انتخابات زود هنگام است تنها در یک صورت موفقیت‌آمیز خواهد بود، اینکه تعداد قابل توجهی از ۲۴ میلیون رأی‌دهنده به روحانی در انتخابات حاضر نشوند و ۱۶ میلیون که به آقای رئیسی رأی دادند با چند نفر از طرف رأی‌دهندگان آقای روحانی در انتخابات شرکت کنند تا قوه مجریه هم از آن تندروها شود و الا راه چیز دیگر که کمی قدرت را از آنان دور کند، نمی‌پذیرند. وی درباره احتمال رضایت روحانی از پیشنهاد موسویان توضیح داد: آقای روحانی متوجه شده که تندروها ادامه کار دولتش را متوقف کرده‌اند. در حال حاضر دولت روحانی مانند اتومبیلی می‌ماند که در حال حرکت بوده و در اثر برف سنگین سرعتش کمتر شده است.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در این رابطه به مساله افزایش قیمت ارز اشاره کرد و گفت: برای فلج کردن دولت اگر هر یک از این موارد یعنی حضور دست‌هایی یا تهدیدات آمریکا یا بی‌کفایتی‌های خود دولت را در نظر بگیریم، در هر صورت کاری از دست دولت روحانی بر نمی‌آید، بنابراین در هر حالتی (استعفا یا عدم آن) تغییری به وجود نخواهد آمد زیرا کار دولت آقای روحانی تمام شده است. زیباکلام افزود: آقای روحانی باید تمام قدرت را به تندروها واگذار کند زیرا در غیر این صورت تندروها در عمل دولت را بیش از این متوقف خواهند کرد. وی آینده را چنین پیش‌بینی کرد: آینده را به‌طور کامل در کف تندروها می‌بینم منتها مساله اساسی این است که تندروها با آمریکا چه کاری می‌خواهند انجام دهند؟ زیرا روحانی را ضربه‌فنی کردند و لسی درباره ترامپ معلوم نیست چه خواهند کرد.



حتی حامیان
حسن روحانی در
انتخابات ۹۶ نیز
به جمع منتقدان
او در ماجرای
حضور در توچال
پیوسته‌اند



اقدام
قابل توجه یک
امام جمعه



درخواست یک نماینده برای تغییر کابینه

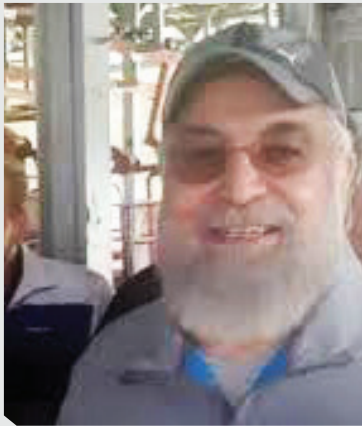


محسن رضایی هم به هشتک تغییر پیوست

یکی از وزرای
سابق احمدی نژاد
به حضور روحانی
در توچال واکنش
نشان داد



مشاور روحانی به منتقدان رئیس‌جمهور کنایه زد



حضور روحانی در توپال وقتی که مردم در این وضعیت هستند بسیار ناراحت کننده بود. ما انتظار داشتیم ایشان به جمع مردم فقیر در همین حاشیه تهران می رفتند و از درد و رنج آنها می پرسیدند. ضمن اینکه لباس ایشان که یک برند آمریکایی بود چه نشانه ای به همراه خود دارد؟ به نظرم ایشان باید در این مورد به مردم پاسخ بدهند.

آن مسئولانی که در شرایط سخت اقتصادی کشور درد مردم را احساس نمی کنند، توضیح بدهند چرا مسئولیت قبول کرده اند و بابت این پست و مسئولیت ماهانه از بیت المال حقوق، مزایا و تسهیلات دریافت می کنند؟

استقامت و ایستادگی بازیکنان تیم ملی جمهوری اسلامی ایران در برابر ابرقدرت های جهان و اروپا و آفریقا در اوج تحریم های بازی و حتی لباس و کفش ستودنی بود. از جان مایه گذاشتند و شایسته هر نوع تقدیری هستند. در صدر همه اما کی روش است که این خوشحالی ها همه مدیون درایت اوست.

آقای روحانی چه کسانی مقابل انتشار لیست مفسدان مقاومت می کنند؟



بنگاه دارها شب ها با هم می نشینند دور هم و برای قیمت ها و اجاره بها برنامه چینی می کنند. سازندگان و بنگاه داران مسکن و خودرو و سکه و ارز، اتحادیه و مجامع صنفی دارند و با هم همفکر هستند ولی خریداران و اجاره نشینان بیچاره که اکثر اقشار کم درآمد هستند، متاسفانه نه اتحادیه و نه مجمع و نه همنشینی با هم دارند. پس واسطه ها، هر که باشد، هرکاری بخواهند بر سر این مردم مستضعف می آورند.



مفسدین اقتصادی مفسد فی الارض هستند و باید اعدام شوند. مگر می شود یک خانم و یک آقا در یک شرکت با ارز دولتی اقتصاد یک کشور را به بازی بگیرند و دشمن را خوشحال کنند؟ این افراد با فتنه گران ۸۸ هیچ فرقی ندارند.

افراد سودجو و فرصت طلب تروریست های اقتصادی هستند که با سوء استفاده از ضعف مدیریتی حاکم بر تیم اقتصادی و بی تفاوتی آنان، محل امنیت کشور شده اند. آنها با استکبار جهانی و نوکران آنان در منطقه همنا شده و بر مردم و نظام ظلم مضاعف می نمایند. لازم است با آنها در هر رده و با هر نسبتی به شدت بر اساس قوانین کشور برخورد قاطع کرد.

وقتی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی اطلاعات نمی دهند به چه کسانی ارز ۴۲۰۰ تومانی داده اند و با این ارز آنها چه کرده اند، یعنی رانتخواری و فساد و سودجویی. چرا مجلس ورود نمی کند؟

مردم عاشق نظام و مملکت شان هستند. شما را به خدا با مفسدان و اخلا لگران که می خواهند همنا با استکبار این نظام ما را از بین ببرند برخورد انقلابی کنید، با اعدام و مصادره اموال آنها. مگر اوایل انقلاب با فئودال ها همین برخورد نشد؟ بهترین روش برای آنها همین است.



دولت باید ارز داده شده را به قیمت «روز» از آنها پس بگیرد و دوبرابر ارز داده شده را به عنوان جریمه از آنها مطالبه کند تا دیگر کسی جرات چنین کاری را به خود ندهد.

روحانی اصلا قبول ندارد که مشکلات اقتصادی وجود دارد و اون وقت انتظار دارید که تیم اقتصادی رو تغییر بده؟ روحانی گوشش به این حرفا بدهکار نیست. خود مجلس باید راسا برای استیضاح اقدام کنه و قانونی رو سریع تصویب کنه که اختیار برکناری رئیس بانک مرکزی هم به دست مجلس بیفته.

قطعا اگر ۳ مفسد اقتصادی را اعدام می کردند، چهارمی دیگر پیدا نمی شد.

تعليق برجام؛ راه حل میانه

اروپا «خواست» حفظ برجام را دارد توان آن را «نه»

که چه بانک‌هایی به صورت واسطه این پول را تحویل ایران دهند خیلی اهمیت دارد. تمام اینها موانعی است که باید در بسته‌ای که اتحادیه اروپا به ایران ارائه می‌دهد مشخص شده باشد. چون از یک طرف تحریم نفت و بخش کشتی‌رانی و بیمه ایران و از طرف دیگر بحث پرونده‌های مشترکی که بین ایران و اتحادیه اروپا و سایر کشورها مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی پیگیری می‌شود، مطرح است. واقعیت این است که در میان اروپایی‌ها «خواست» همکاری با ایران وجود دارد اما هنوز «توان» آن را به دست نیاورده‌اند و باید ببینیم که آیا چنین طرح‌هایی می‌تواند توان لازم را برای مقابله با تحریم‌های آمریکا به‌وجود بیاورد یا خیر.

از دیگر سو اروپا و خصوصاً فرانسه اعلام کرده‌اند که مایل هستند بر سر مسائل موشکی یا آنچه آنها بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای می‌خوانند با ایران وارد مذاکره و گفت‌وگو شوند و ایران در این زمینه‌ها از خود انعطافی نشان دهد تا طرف اروپایی بتواند به آمریکایی‌ها فشار وارد آورد مبنی بر اینکه در این زمینه‌ها با ایران به توافق رسیده و راهکارهای جدیدی فراهم شده است. البته تمام این موارد در حد حرف و بحث و گفت‌وگوست و اینکه واقعا تا چه حد تحقق پیدا کند، هنوز مشخص نیست. فعلا که طرفین در حال

نشان دهنده آن است که اروپایی‌ها مایل هستند مساله هسته‌ای را حل و فصل کنند و تضمین‌های لازم را ارائه دهند اما نمی‌توانند، زیرا شرکت‌های بزرگی که می‌توانند کارگشا باشند مانند توتال، پژو سیتروئن، هواپیمایی ایرباس و شرکت‌های بزرگ نفتی که با آمریکا رابطه نزدیک و مبادلاتی دارند، نمی‌توانند قید منافع شراکت‌شان با آمریکا را بزنند و با ایران وارد همکاری شوند. صرف تضمین‌هایی که کمیسیون اروپا بدهد آنها حاضر به همکاری نخواهند شد، بنابراین اروپایی‌ها به این سمت حرکت کرده‌اند که بتوانند از یک سو شرکت‌های کوچک و متوسط را راضی به مبادله با ایران کنند چرا که این شرکت‌های کوچک یا متوسط با آمریکا ارتباطی ندارند و با دلار نیز معامله نمی‌کنند.

از سوی دیگر خرید نفت را از ایران ادامه دهند. هفته گذشته خبری منتشر شد مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها تا آبان ماه به شرکت‌ها فرصت داده‌اند تا تکلیف خود را روشن کنند و بعد از آبان ماه نفت ایران تحریم خواهد شد و خریدی از ایران نباید داشته باشند. با این وجود اما اروپایی‌ها اعلام کرده‌اند که به خرید نفت‌شان از ایران ادامه می‌دهند منتها مساله اینجاست که اگر به خریدشان ادامه دهند پول‌های نفت را به چه صورت به ایران خواهند داد. این مساله

حسن بهشتی‌پور

کارشناس مسائل هسته‌ای



با گذشت بیش از یک ماه از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و گفت‌وگوها و مذاکرات طرف ایرانی با دیگر طرفین برجامی همچون اروپا، روسیه و چین همچنان چشم‌انداز خیلی روشنی از روند این مذاکرات نمی‌توان ارائه داد.

از یک سو سیدعباس عراقچی، معاون وزیر خارجه از احتمال خروج از برجام سخن گفته و می‌گوید مذاکرات برجامی با اروپا چشم‌انداز روشنی ندارد و از دیگر سو محمدجواد ظریف، رئیس دستگاه دیپلماسی ظاهراً روز چهارشنبه گذشته در نشست فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس گفته بود که اروپایی‌ها یک هفته دیگر برای ارائه نظرات‌شان در خصوص پیشنهادات ایران فرصت دارند.

بنابراین یک فضای پراکنجه‌ای را در باره برجام نظاره‌گر هستیم. آن هم در شرایطی که پس از خروج آمریکا از برجام، طرف ایرانی به طرف اروپایی گفت که اگر تضمین‌های لازم را بدهند ایران از برجام خارج نخواهد شد. در حال حاضر قرائن و شواهد



در نهایت اینکه اختلاف نظر آمریکا و اروپا در زمینه برجام کاملاً واقعی است و ایران می‌تواند از این اختلاف نظر به نفع منافع خود و با هدف انزوای واشنگتن بهره ببرد. برخی بر این عقیده هستند که آمریکا و اروپا در حال نقش بازی کردن هستند اما در واقع قرائن و شواهد نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا و به ویژه کشورهای اصلی آن مانند انگلیس، فرانسه و آلمان و ایتالیا به صورت واقعی با آمریکا در مورد توافق هسته‌ای ایران اختلاف نظر دارند.

از طرف دیگر آمریکای دونالد ترامپ بر سر پیمان‌هایی چون پیمان پاریس، نفتا و تعرفه‌های تجاری با بسیاری از کشورهای جهان مانند مکزیک، چین و اروپا بیان دچار مشکل شده است. این در شرایطی است که اقدامات ترامپ و تیم اقتصادی اش دقیقاً زیر پا گذاردن اصول اول سرمایه‌داری به نفع منافع کوتاه مدتی است که اقتصاد آنها مدعی هستند در بلندمدت به زیان همه است.

در حال حاضر مساله این است که ایران تا چه حد می‌تواند از اختلافات ایجاد شده میان آمریکا با دیگر کشورهای جهان به خصوص اروپا بهره ببرد و آمریکا را دچار انزوا کند.

نهایت اجرای بخش‌هایی از برجام را به حالت تعلیق دریاوریم تا فشار بیشتری متوجه آمریکا شود و بلکه به تجدیدنظر در خصوص برجام مجبور شود. با این روش ما می‌توانیم خواسته‌های خودمان را دنبال کنیم. در واقع در تعلیق برجام امکان بهره‌برداری مجدد از برجام و منافع آن وجود دارد.

خروج کامل از برجام این ضرر را دارد که اگر بخواهیم دوباره به توافق بازگردیم خیلی مشکل است و باید دومرتبه مذاکرات جدیدی انجام شود. از طرف دیگر خروج از برجام عملاً دشمن‌های ایران را متحد و دومرتبه فضا سازی‌های پیش از سال ۹۱ را به وجود خواهد آورد. بنابراین ایران باید تلاش کند به دنبال راه‌حلی باشد که آمریکا را در انزوا قرار داده و شرایط برای این کشور دشوارتر شود.

این در حالی است که با خروج ایران از برجام، وضعیت فرامی‌شود که اهداف آمریکا پیش برود و آنها بهانه‌های کافی برای فشار علیه ایران داشته باشند.

برخی نیز مطرح می‌کنند که اگر ایران در برجام باقی بماند، متضرر می‌شود اما به نظر من همان طور که اشاره کردم اگر ایران بخش‌هایی از برجام را به حالت تعلیق دریاورد، متضرر نخواهد شد.

گفت‌وگو و مذاکره با هدف رسیدن به نتیجه یا همان بسته پیشنهادی اروپا هستند.

در این بین به نظر می‌رسد که بر اساس شواهد موجود، اروپا نتواند بسته قابل توجهی به ایران ارائه دهد. اما شاید اگر چینی‌ها با اروپا همکاری کنند و ژاپن و کره جنوبی نیز تاحدی انعطاف نشان دهند، بتوانند به راه‌حلی دست پیدا کنند ولی اتحادیه اروپا بدون شک به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌های لازم را برای ایران ایجاد کند.

از سوی دیگر من شخصاً معتقد هستم که برجام دستاوردی بزرگ برای مردم ایران بوده و این توافق موجب شده که تهدید علیه امنیت ملی ایران از بین برود یا کاهش پیدا کند و پرونده سازی‌ها علیه کشورمان پایان یابد. بنابراین در چنین شرایطی اگر ایران تصمیم به خروج از برجام بگیرد این مساله نه تنها کمکی به حل مساله نمی‌کند، بلکه اوضاع را متشنج‌تر خواهد کرد چرا که بهانه‌ای دست آمریکا می‌دهد تا بتواند کشورهای دیگر را با خود علیه ایران همراه کند.

حال سوال اصلی این است که اگر ایران از برجام خارج نشود آیا روند فعلی بهتر خواهد شد؟ به نظر من راه‌حل میانه برای جمهوری اسلامی ایران این است که برجام را به حالت تعلیق درآورد یعنی در



چشم انداز مبهم

آیا اروپا توان ایستادگی در برابر آمریکا را دارد؟

منظر حائز اهمیت است؛ یکی بحث هویتی است و اثبات استقلال رای اروپا و اینکه اتحادیه اروپا فارغ از میل و اراده ایالات متحده آمریکا می‌تواند از دستاوردها و منافع خود دفاع کند. نکته دیگر به مباحث امنیتی مربوط می‌شود؛ اتحادیه اروپا نگران تکرار حوادث تلخی مانند جنگ عراق، جنگ سوریه و جنگ لیبی است؛ چرا که اتحادیه اروپا در مقایسه با ایالات متحده آمریکا به ایران و منطقه غرب آسیا نزدیک‌تر است، احساس نگرانی بیشتری نسبت به مسائل این منطقه دارد و در پی آن است که امنیت اتحادیه و امنیت قاره اروپا به خطر نیفتد. مورد سوم مباحث اقتصادی و تجاری را شامل می‌شود؛ بعد از اجرای برجام، سطح مناسب‌ت‌های تجاری ایران و اتحادیه اروپا به شدت افزایش پیدا کرده و گفته می‌شود ۱۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری یا قرارداد برای سرمایه‌گذاری وجود دارد؛ در حالی که ایالات متحده آمریکا اصولاً بازار مصرف و اقتصاد ایران نقشی ندارد. بنابراین اعمال تحریم و قطع این مناسبات نمی‌تواند به ایالات متحده لطمه‌ه‌زننده‌ای باشد که به اتحادیه اروپا ضربات سنگینی وارد می‌کند. از این نظر برای اتحادیه اروپا حفظ برجام حائز اهمیت است.

اکنون پرسش این است که آیا اتحادیه اروپا توان ایستادگی را در برابر بازگشت تحریم‌ها خواهد داشت یا خیر؟ ارزیابی‌ها حاکی از آن است که گرچه عزم جدی و اراده قوی میان نهاد اتحادیه اروپا و دولت‌ها به ویژه دولت‌هایی مانند بریتانیا، فرانسه و آلمان که طرف مذاکراتی برجام بودند در حفظ برجام وجود دارد اما بخش خصوصی و شرکت‌های بزرگ اروپایی که همزمان قراردادهای کلانی با طرف آمریکایی دارند و از گردش نظام مالی مبتنی بر دلار بهره‌مند می‌شوند، به شدت نگران هستند و احتمالاً توان و اراده ایستادگی در برابر تحریم‌های آمریکا را ندارند.

از این جهت نمی‌توان ارزیابی مشخصی کرد که آیا مقاومت اروپا استمرار خواهد داشت یا در نهایت به‌رغم میل باطنی و با وجود وعده‌های مطرح‌شده و بیانه‌های قاطعانه اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای اروپایی در نهایت آنها نتوانند از برجام حراست و حفاظت کنند. در چنین وضعیتی ایالات متحده آمریکا امیدوار است که ایران تنها دو مسیر پیش روی خود داشته باشد یعنی یا جنگ را انتخاب کند یا صلح را. جنگ به این معنی که ایران در پی تأمین شدن از مقاومت اروپا چاره‌ای جز از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای خود نداشته باشد و این بهانه‌ای شود تا هم تمام تحریم‌ها برگردد و هم ایران دوباره ذیل منشور هفت سازمان ملل متحد قرار بگیرد. در این صورت زمینه برای اقدام نظامی محدود علیه ایران مهیا خواهد شد. گزینه دیگر اینکه شرایط اقتصادی به قدری دشوار شود که ادامه مقاومت را از ایران سلب کند و تهران حاضر به پذیرش شروط آمریکا شود. در واقع باید بپذیریم که آمریکایی‌ها همچنان قصد دارند که یک چماق بزرگ و یک هویچ کوچک را در برابر ایران داشته باشند، بنابراین باب گفت‌وگو و مذاکره را با ایران بسته‌اند.

اندازه‌ای که مطرح می‌کنند انتظارات ایران را برآورده کنند. از دیگر سو اخیراً خبری منتشر شد مبنی بر اینکه دولت آمریکا قصد دارد تا ۴ نوامبر فروش نفت ایران را به صفر برساند و هیچ معافیتی را برای خریداران نفت مدنظر قرار ندهد. این مساله بسیار مهم است؛ زیرا در حال حاضر در واشنگتن دولتی بر سر کار است که نه تنها حاضر نیست معافیتی را برای شرکت‌های طرف قرارداد با ایران در حوزه نفت اعمال کند بلکه وارد یک جنگ تجاری گسترده با اروپا و چین شده است. وقتی خودروهای اروپایی برای ورود به بازار آمریکا با تعرفه مواجه می‌شود می‌توان در نظر گرفت که این محدودیت‌ها در مورد ایران با هیچ‌گونه کوتاهی، تخفیف یا معافیتی مواجه نشود. در چنین شرایطی اگر در درجه نخست ایران بتواند خریداران نفت را حفظ و در درجه بعدی بتواند آن‌را منتقل کند یک دستاورد بزرگ است. زیرا در صورت اعمال تحریم‌های آمریکا، هم شرکت‌های نفتکش و هم بنادری که نفت را تخلیه می‌کنند با تحریم مواجه خواهند شد، بنابراین وقتی نفتکش‌ها و بنادر با تحریم مواجه شوند صادرات نفت ایران بسیار مشکل خواهد بود. از دیگر سو آمریکا تهدید کرده که در صورت ادامه همکاری بانکی اروپا با ایران حتی اگر لازم باشد سوئیفت و بانک‌های مرکزی اروپا را نیز تحریم خواهد کرد، که در صورت اعمال چنین تحریم‌هایی یک مانع بزرگ بر سر راه همکاری‌های طرفین ایجاد خواهد شد. اگر آمریکایی‌ها نخواهند در این زمینه حداقل برای حفظ منافع متحدان شان شرایط سهل‌تری را در نظر بگیرند، عبور از این مانع بسیار دشوار خواهد بود و به همین دلیل چشم‌انداز بسیار ناامیدکننده‌ای پیش روی طرفین قرار می‌گیرد. تصور من این است که جمهوری اسلامی ایران حداقل تا زمان بازگشت تحریم‌ها و به محک گذاشتن اقدامات اروپایی‌ها صبر می‌کند و در آن شرایط تحریمی، اگر اروپایی‌ها نتوانند خواسته‌های ایران را مدنظر قرار دهند ممکن است ایران تصمیمات دیگری بگیرد، لذا بعید به نظر می‌رسد پیش از فرارسیدن ۱۵ مرداد ماه، ایران مذاکرات با طرف اروپایی را پایان یافته یا شکست خورده قلمداد کند و از برجام خارج شود. اگر چند بار از زبان مقامات ایرانی شنیده‌ایم که موعدی را برای ارائه تصمیم‌های لازم از سوی اروپا تعیین کرده‌اند، ناشی از آن است که صبر طرف ایرانی در حال لبریز شدن است. اما به طور کلی بعید است که در چنین شرایطی ایران بخواهد پیش‌دستانه مذاکرات را شکست خورده اعلام کند و تصمیم به خروج از برجام بگیرد. همچنین باید توجه داشت که ادامه توافق هسته‌ای ایران برای اتحادیه اروپا از سه



با نزدیک شدن به زمان اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، مذاکرات تهران با طرفین برجامی و بحث ارائه تضمین‌های لازم از سوی اروپا، نیز در شرایط حساس‌تری دنبال می‌شود. در مرحله فعلی این پرسش مطرح است که ایران چه انتظاراتی از طرف غربی دارد و آیا امکان تحقق این انتظارات وجود دارد یا خیر؟ جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده که باید منافع اقتصادی برجام حفظ شود و طرفین باقیمانده در توافق شامل کشورهای اروپایی، روسیه و چین بتوانند خساراتی که از خروج آمریکا از برجام ایجاد شده را جبران کنند. اگر این اتفاق بیفتد، ایران در برجام باقی خواهد ماند. برای اینکه چنین خواسته‌ای محقق شود در درجه اول باید فروش نفت ایران در سطح کنونی حفظ شود و نحوه انتقال نفت تضمین شود. همچنین ایران باید مطمئن شود که به منابع مالی حاصل از فروش نفت و شبکه بانکی دسترسی خواهد داشت. در صورتی که چنین اقداماتی انجام بگیرد حتی اگر شرکت‌های بزرگ اروپایی نیز از ایران خارج شوند، حداقل‌های مدنظر ایران محقق خواهد شد. زیرا با وجود ادامه فعالیت یا حضور شرکت‌های کوچک و متوسط اروپا تا حدودی می‌توان خلاء ناشی از خروج شرکت‌های بزرگ اروپایی را برطرف کرد اما اگر این بسته نتواند تضمین‌هایی در مورد فروش نفت، نحوه انتقال آن به بازارهای جهانی و دسترسی به منابع مالی حاصل از فروش نفت ارائه دهد دیگر دلیلی وجود نخواهد داشت که ایران در برجام باقی بماند.

فعلاً نمی‌توان قضاوت کرد که آیا بسته پیشنهادی اروپا رضایت‌بخش خواهد بود یا خیر، زیرا هنوز بسته‌ای ارائه نشده که بتوان آن را تألیف کرد. در این میان موانعی بر سر راه کشورهای اروپایی برای ادامه همکاری‌ها با ایران وجود دارد که اصلی‌ترین مانع همان آمریکاست. ما باید این موضوع را در نظر بگیریم که در خصوص اراده اروپایی‌ها برای حفظ برجام هیچ تردیدی وجود ندارد و حتی بدین‌ترین جریان‌ها، افراد و شخصیت‌ها درون کشور نیز تقریباً اجماع نظر دارند که اروپایی‌ها اصرار به حفظ برجام دارند. اما در مورد توانایی اروپا اصلاً خوش‌بینی وجود ندارد؛ چرا که دلایلی از جمله پیوند خوردن اقتصاد اروپا و آمریکا و سوءاستفاده آمریکا از سلطه دلار بر نظام بانکی جهانی باعث شده که اروپایی‌ها نتوانند آن

خود روبه‌رو است که متعاقباً منتج به تضعیف و حاکمیت و اعتبار قاره سبز خواهد شد.

ثالثاً اروپا و دیگر کشورهای عضو قرارداد هسته‌ای باید برای حفظ یکپارچگی حقوق بین‌الملل و سازمان ملل اقدام کنند. این توافق پس از تأیید به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد تبدیل شده است. باید تصریح کرد که اشتیاق ترامپ برای از بین بردن میراث او با ما به قیمت تضعیف اصل اساسی مسئولیت دولتی در قوانین بین‌المللی عمومی است.

چهارم اینکه اروپا باید به منظور صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای، ارزش استراتژیک برجام را برجسته نماید. به نظر می‌رسد ترامپ متوجه شده که از بین رفتن برجام به ضرر امنیت همه است. سیاست‌های قلدرمابانه و اربابگرانه فقط احتمال اقدامات خطرناک متقابل را افزایش خواهد داد و احتمال دارد که به مناقشه‌ای غیرقابل کنترل منجر شود. این در حالی است که برجام به‌طور خاص، همچنان باعث ایجاد انگیزه برای تعامل و گفت‌وگو در جهت نابودی تنش‌های موجود در خاورمیانه است. اروپا و سایر امضاکنندگان باقیمانده قرارداد هسته‌ای نباید در مقابل سیاست‌هایی که به صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی آسیب می‌رسانند، تسلیم شوند.

نکته پنجم این است که بند منع گسترش تسلیحات در برجام باید رعایت شود. واقعیت این است که با وجود بازرسی‌های بسیار دقیق، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرده است که ایران در یازده موقعیت مفاد مندرج در برجام را به‌طور کامل رعایت کرده است. در چنین وضعیتی تحت فشار گذشتن رژیم می‌که در راستای منع گسترش سلاح گام برمی‌دارد و سوق آن به سمت سقوط اقتصادی، تنها می‌تواند منجر به فاجعه شود. چنین اقداماتی صرفاً موجب تشویق کشورها به عدم همکاری و فراتر از آن تضعیف اعتبار و صلاحیت‌های اصلی ناظر هسته‌ای، یعنی آژانس بین‌المللی انرژی هسته می‌شود. به دلایل استراتژیک، اروپا و اعضای باقیمانده در توافق هسته‌ای باید از بند منع گسترش تسلیحات در این قرارداد حمایت کنند. ششمین نکته به تعهد و اذعان اروپا در خصوص انطباق با این توافق مربوط می‌شود. ایران شاکای این پرونده است، نه متهم آن. برجام می‌تواند با وجود خروج یکی از اعضای این قرارداد ادامه حیات دهد اما در صورت خارج شدن ایران از آن، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. حقیقت این است که در شرایط کنونی، تلاش اعضا باید بر این باشد که اعتماد ایران را دیگر بار جلب کنند. بیان شفاهی این نکته که اعضای برجام همچنان به آن متعهد می‌باشند لازم است و در جای خود نیکوست اما ضروری است که ضمانت‌های مورد نیاز در جهت تأمین منافع اقتصادی ایران، همان‌گونه که در برجام به آن تأکید شده، ضمیمه این تعهدات گردد که این خود تلاش مضاعف اروپا و دیگر اعضای باقیمانده در قرارداد هسته‌ای را می‌طلبد. نباید از خودداری ایران تاکنون تفسیر اشتباه کرد. نمی‌توان از ایران انتظار داشت که همچنان در یک قرارداد نامتوازن باقی بماند. در صورت عدم ارائه تضمین‌های بنیادین از سوی اروپا و اعضای باقیمانده، ایران هیچ گزینه‌ای پیش رو ندارد مگر اینکه به شیوه خود در جست‌وجوی راهی برای تأمین منافع ملی کشور باشد.

سند برجام تثبیت‌کننده استراتژیک برای صلح منطقه‌ای و بین‌المللی است اما برای نجات و حفظ آن، اروپا و حامیان باقیمانده باید اقدامات منسجم و به‌موقعی را انجام دهند.

* سفیر ایران در اتحادیه اروپا

منبع: یورو نیوز

انتخاب اروپا

حفظ ارزش‌ها یا از دست دادن اعتبار، غرب کدام را برمی‌گزیند؟

پیمان سعادت*

مترجم: سعید سبحانی

اتحادیه اروپا قرار است بسته پیشنهادی خود در خصوص برجام را به زودی ارائه نماید. با این حال، هنوز مشخص نیست که این بسته پیشنهادی، بتواند نیازها و خواسته‌های اقتصادی کشورمان (مطابق توافق هسته‌ای) را تأمین کند. بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل بر این باورند که اتحادیه اروپا آزمون سختی را در راستای حفظ برجام پیش‌رو خواهد داشت و توانایی یا عدم توانایی اروپا در این خصوص، عیار و وزن آن را در نظام بین‌الملل مشخص خواهد کرد. «پیمان سعادت» سفیر ایران در اتحادیه اروپا در یادداشتی به زبان انگلیسی که در یورو نیوز به چاپ رسیده است، نقش اروپا در حفظ برجام را مورد واکاوی و تأکید قرار داده است.

دیپلماسی چندجانبه که برای سال‌ها ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده بود، اکنون در معرض خطر قرار گرفته است. در صورت عدم مداخله به موقع و موثر، برجام به کلی از میان خواهد رفت. جالب اینجاست که دلیل اضمحلال این قرارداد بین‌المللی دقیقاً این است که به خوبی موثر واقع شده و البته مفاد آن به صورت تمام و کمال از جانب ایران رعایت شده است.

در واقع دولت دونالد ترامپ از روزهای نخست شکل‌گیری در صدد نقض قرارداد هسته‌ای بوده است. اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نه تنها هیچ مجوزی در رابطه با این قرارداد صادر نکرده، بلکه به دنبال اعمال محدودیت‌های بیشتر نیز بوده است. این گونه بدخواهی‌ها از طرف مقامات آمریکایی منجر به عدم اطمینان بانک‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی و در نتیجه بی‌میلی آنان به مشارکت با ایران شده است.

به بیان دقیق‌تر، خروج یکجانبه ایالات متحده از برجام به خودی خود نمی‌تواند به از بین رفتن این قرارداد بین‌المللی منجر شود. اما مساله این است که دولت ترامپ سعی دارد تا از طرق مختلف کشورهای اروپایی و دیگر اعضای دخیل در قرارداد هسته‌ای را علیه منافع کشورمان تحریک کند. حال باید دید تا چه اقداماتی، خصوصاً از سوی اروپا می‌بایست برای حفظ برجام صورت پذیرد.

نخست اینکه باید بر اصل چندجانبه‌گرایی بین‌المللی به شکلی قاطعانه تأکید شود. به دلایل تاریخی، سیاسی و اقتصادی بسیار، چندجانبه‌گرایی اصلی اساسی و مهم در هویت و انسجام اروپا به شمار می‌آید و خروج ترامپ از برجام به بدترین وجه ناقض این اصل است. لغو توافقنامه پاریس و حرکت سفارت آمریکا در بیت المقدس، به خوبی نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور آمریکا در حال حاضر در پی به راه انداختن، یک جنگ تجاری تمام‌عیار است. در این بین اروپا نمی‌تواند اجازه دهد که یک جنبش یکجانبه

بی‌پروا و آزادانه گسترش پیدا کند. نکته دوم در این خصوص آن است که اروپا باید بر اساس ارزش‌های اصلی خود عمل کند. از زمان طرح مارشال، روابط میان دو سوی آتلانتیک، یک نیروی کلیدی در مسیر اروپا بوده است. اکنون خروج ایالات متحده آمریکا از برجام منجر به پدید آمدن شکافی در این روند ثابت شده است.

با این وجود به نظر می‌رسد که اروپا در این بین سعی دارد رفتار ترامپ را «مدیریت» یا «مهار» کند. این در حالی است که به همگان ثابت شده که چنین رویکردی بی‌فایده است، چرا که رئیس‌جمهور آمریکا به ندرت موضع خود را پس از مشاوره با شرکای اروپایی خویش تغییر داده است. حتی در صورتی که اروپا همچنان به‌طور استراتژیک و با توجه به ارزش‌های اصلی خود عمل کند، واقعیت این است که وسعت آسیب‌های وارد شده توسط ترامپ منجر به ایجاد صدمات غیر قابل برگشت می‌شود. وضعیت به شدت بی‌ثبات خاورمیانه تنها یکی از آثار اقدامات ترامپ است. اروپا در این بین یک انتخاب دارد و اگر اروپا تصمیم بگیرد که در دوران دولت ترامپ، اولویت خود را روابط دو سوی اقیانوس اطلس قرار دهد، آنگاه با خطر حرکت در مقابل ارزش‌ها و اصول بنیادین



عبور روحانی از روحانی

راهبرد حسن روحانی پس از رویکرد رادیکال ترامپ تغییر کرده است



روحانی پساتحریم

اگر روحانی واقع گرا شده باشد، باید از او استقبال کرد

خرده بورژوازی علیه دولت

بازاریان نسبت به شرایط ناهنجار اقتصادی اعتراض کردند





یادداشتی از مهدی محمدی درباره سخنرانی اخیر رئیس جمهور

روحانی پساتحریم

اگر روحانی واقع گرا شده باشد، باید از او استقبال کرد

یکم- «روحانی پساتحریم» می تواند یک روحانی واقع گرا باشد و اگر سخنرانی چهارشنبه شب او گامی در این جهت باشد، باید از آن استقبال کرد. بازی های گوناگون سیاست به ما آموخته که محتاط باشیم ولی ظاهرا همه راه ها به یک راه فروکاسته شده و آن واقع گرایی در سیاست گذاری امنیت ملی است. واقع گرایی در اینجا دست برداشتن از جزم های لیبرالی به ویژه در سیاست خارجی و روی آوردن به رویکردی مقاومتی است که در آن بازگشت به خویشتن مهم تر از تکیه به جامعه جهانی است که نمی تواند سر حرف های خود بایستد. روحانی در یک نقطه عطف قرار دارد و اگر ترامپ او را واقع گرا کرده باشد، خدمت بزرگی به ایران کرده است.

دوم- برنامه آمریکا علیه ایران در ماه های آینده پیچیده و چندلایه است اما یک نقطه ضعف بزرگ دارد و آن هم این است که به شدت به «سیاست داخلی» در ایران وابسته است. در اصل، آن چیزی که راهبرد «جنگ بزرگ یا معامله بزرگ» خوانده شده مبتنی بر این پیش فرض است که در صورت عبور فشارها از مرحله ای معین، معادلات سیاست داخلی در ایران یک سازش جدید را به نظام تحمیل خواهد کرد. تجزیه کشور به دو دسته هواداران سازش و هواداران مقاومت جزء ضروری این راهبرد است و بدون راه انداختن این منازعه در داخل ایران، هیچ رژیمی از تحریم، هر چه هم سفت و سخت باشد، در واقع کار نخواهد کرد. روحانی-برخلاف طریف در سخنان ابتدای هفته اش- سعی کرد نشان بدهد علاقه ای به ورود به این منازعه ندارد. اگر این موضع واقعا پایدار باشد، می توان گفت زیرپای راهبرد آمریکا خالی شده است. وقتی منازعه سازش-مقاومت آغاز نشود و فشار خارجی به انباشت تقاضا برای مقاومت در داخل بینجامد، مکانیسم تحریم از خاصیت خواهد افتاد. در این صورت تحریم ممکن است اثر اقتصادی داشته باشد ولی اثر راهبردی نخواهد داشت و نمی تواند مدت زیادی دوام بیاورد. من البته ترجیح می دهم جنب احتیاط را نگه دارم. سخنان روحانی می تواند یک شروع خوب باشد، اما این سخنان تنها زمانی واقعا ارزشمند خواهد بود که واقعا تبدیل به سیاست دولت شود و در روزهای سخت به آن بایستد بماند. تجربه های گذشته ما با حسن روحانی در این زمینه، چندان خوشایند نیست.

سوم- تعهد به چند شرط می تواند تضمین کند که مسیر درست پیش برود. ۱- این سخنان نباید مقدمه یک چرخش یا ترفندی برای بستن دهان منتقدان در مقابل یک توافق بد با اروپا باشد. اگر روحانی از یک طرف حرف از مقاومت و وحدت بزند و از سوی دیگری بکوشد تو خالی از سوی اروپایی ها را در آغوش بگیرد، غربی ها او را جدی

عبور روحانی از روحانی

راهبرد حسن روحانی پس از رویکرد رادیکال ترامپ تغییر کرده است. آیا این تغییر را در رفتارهای جدید دولت مشاهده خواهیم کرد؟

مصطفی صادقی

دبیر تحریریه

روحانی عوض شده است؛ بیشتر از آنچه انتظار می رفت. برای همه ما که سخنرانی حسن روحانی را در غروب چهارشنبه دیدیم و شنیدیم تعجب برانگیزترین لحظات بود. حرف های جدید و البته متفاوت، اکنون شاید بهترین تعبیر برای این روزها و این احوال او باشد: «روحانی از روحانی عبور کرده است.» می گوید شرایط عوض شده و همه باید خود را با شرایط جدید تطبیق دهند.

دولت بی پروازه

وقتی که حسن روحانی در دوران باراک اوباما رئیس جمهور شد، اصلا همه حرفش این بود که می تواند سیاست خارجی را محور اصلی کند و همه مشکلات کشور را در تمام سطوح حل کند. این پروزه حسن روحانی بود و با همین ایده راست و چپ سیاست ایران را به هم پیوند داد و از این «با هم بودگی» یک سازمان رای منحصر به فرد به وجود آورد. اگر چه در سطح نخست تحلیل این گونه به نظر می رسید که سازمان رای سیاسی حسن روحانی در میان اصلاح طلبان احاطه شده بود اما در وجهی دیگر از تحلیل کاملا هویدا شد که راستگرایانی که از حاضران در قدرت رسمی بودند بیشترین یاری را به حسن روحانی رساندند. آنها موتور محرکه آقای رئیس جمهور در تمام این چند سال بوده اند. وقتی علی اکبر ولایتی در آن «دقایق سازنده» آن چنان بی محابا به سعید جلیلی تاخت و خسران تحریم را حاصل دوره مذاکره او دانست، چندان غیرطبیعی نبود که بعد از انتخابات به یکی از بزرگترین حامیان استراتژی آقای رئیس جمهور تبدیل شود.

باید تغییر کنیم؟

واکنش جریان انقلابی به تغییر راهبرد روحانی باید چگونه باشد

مصطفی صادقی

دبیر تحریریه

«آیا حالا که روحانی تغییر کرده است ما اصولگرایان هم باید تغییر کنیم؟» این پرسش سرنوشت سازی است هم برای ما و هم برای آقای رئیس جمهور. او صادقانه، صریح و بدون هیچ پیرایه ای رخ به رخ مدیرانش نشست؛ همه آن حرف هایی را زد که ما می خواستیم، همه حرف هایی که ما

نخواهند گرفت. آنچه در عمل انجام می دهیم بسیار مهم تر از حرفی است که می زنیم. ۲- به رسمیت شناختن اعتراضات مشروع اقتصادی و اجتماعی و برداشتن گام های عملی برای کاهش این اعتراض ها جزء ضروری این مسیر است. یک رویکرد امنیت هوشمند در این وضعیت باید بتواند به دقت میان اعتراض و آشوب تفکیک کرده و به همان میزان که بر آشوبگران سخت می گیرد با معترضان اقتصادی و اجتماعی مهربان باشد. ۳- موضع جدید روحانی تنها زمانی به یک موضع راهبرد تبدیل شده و روی محاسبات آمریکا اثر خواهد گذاشت که با حمایت صریح و عملی از برنامه موشکی و منطقه ای ایران همراه باشد. دعوت به وحدت در داخل برای یک مواجهه موثر با آمریکا کافی نیست، مهم این است که روی چه چیزی وحدت می کنیم. ۴- روحانی همچنین باید بتواند متحدان اصلاح طلب خود را کنترل یا به نحو معنا داری با آنها مرز بندی کند. واقعیت این است که بخش هایی از جریان اصلاحات در ایران اکنون سخنگویان ترامپ هستند و درباره برنامه موشکی و منطقه ای ایران جز آنچه ترامپ و نتانیاهو می گویند حرفی نمی زنند. بدتر اینکه بخش های مهمی از این ادبیات درون مراکز پژوهشی و مشورتی وابسته به دولت تولید و توزیع می شود. منتقدان حسن روحانی کافی است مطمئن شوند او در حال بازی دادن آنها نیست، از هیچ کمکی به دولت دریغ نخواهند کرد ولی متحدان اصلاح طلب او، معلوم نیست که در مقابل یک «روحانی جدید» که در حال فاصله گرفتن از جزم های لیبرالی در ایران است چه موضعی خواهند داشت.

چهارم- ماه های دشوار آینده می تواند به یکباره آسان شود اگر به آمریکا نشان بدهیم که فشار بیرونی به افزایش پافشاری بر تصمیمات مقاومتی، انزوای غربگرایان در داخل، مصمم تر شدن ایران در سیاست های منطقه ای و موشکی و وحدت ملی حول رهبری انجامیده است. این راه بدون شک جواب می دهد همچنان که در گذشته چندین بار جواب داده است. این اما مستلزم یک تغییر راهبرد جدی از سوی دولت است. دولت روحانی برای این کار مناسب سازی نشده و برخی همکاران او در حال و هوایی کاملا متفاوت به سر می برند. دوران جدید باز یگرانی جدید می خواهد. سیاست های گذشته هم باید به یکباره بازنگری شود. هم زمانی سخنان روحانی با آغاز به کار کارخانه تبدیل اورانیوم در اصفهان علامت بسیار خوبی است باز به شرط اینکه با یک صحنه سازی جدید مواجه نباشیم. کمترین چیزی که روحانی باید نگران آن باشد همراهی منتقدان است. نگرانی اصلی این است که قطار دولت روی همین ریلی که آقای روحانی می گوید، باقی بماند.

دکتر ولایتی آن چنان به یاری حسن روحانی شتافت که هنوز از او به عنوان یکی از مولفه‌های پیشبرد برجام یاد می‌شود. در این میان اشخاص دیگری هم بودند که پهناشان برای احساس قربت به حسن روحانی تنها مذاکرات هسته‌ای نبود. آنها زخم خوردگان محمود احمدی نژاد بودند. گستره این طیف از اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز می‌شد و به علی لاریجانی می‌رسید. آنها سیاست را از رویه‌ای دیگر می‌دیدند و از تغییر حرف می‌زدند؛ «تفسیر آرام و کم‌هزینه» نه چیزی شبیه آنچه چهار سال قبل از آن تجربه شده بود. این وسط محافظه‌کارانی همچون علی اکبر ناطق‌نوری هم هر چه داشتند برای رئیس‌جمهور شدن و ماندن حسن روحانی به میان آوردند. در میان همین راستگرایان است که می‌توان به سیاست‌ورزی‌های محمدرضا باهنر، غلامرضا مصباحی مقدم، مصطفی پورمحمدی و رحمانی فضلی نگاه کرد و دید چگونه برای مستظرف شدن حسن روحانی به حمایت اصولگرایان تلاش کردند. «خود» و «دگر» برای تحلیل شرایط سازمان رای حسن روحانی با خط کش اصلاح طلب و اصولگرا از یکدیگر جدا نمی‌شدند. اصلاح‌طلبانی که در خرداد ۹۲ بر آن شدند که در لحظات تاریخی و تغییر تاریخی غایب ماجران باشند حامی حسن روحانی شدند و او را تنها گزینه خود دانستند، حتی اگر به کنایه می‌گفتند: «چاره‌ای جز حمایت از روحانی نداریم»، اجازه بدهید یک تعبیر دیگر درباره حسن روحانی به کار ببریم «او اقتضای زمانه و دوران ما شده بود». حالا همه چیز تغییر کرده است؛ همان دکتر ولایتی که آن چنان رخ به رخ سعید جلیلی شده بود و ناباورانه به او درس دیپلماسی می‌داد، صریح و روشن می‌گوید: «در ماجرای برجام نان و آب مردم را به برجام گره زدند و همه جای کشور تعطیل بود. رهبر انقلاب درباره همه اینها بارها تذکر دادند و گفتند از مقامات آمریکایی تضمین مکتوب بگیریم اما متاسفانه این کار توسط مسئولان کشور انجام نشد. در سال ۸۲ نیز عده‌ای مانند زمان امضای برجام عجله داشتند. سال ۸۲ که همه صنعت هسته‌ای متوقف شد همزمان با حمله آمریکا به عراق بود که عده‌ای در داخل با جنگ روانی یا دفاع روانی می‌گفتند حمله آمریکا نزدیک است و تعجیل کردند. در ماجرای برجام هم با پمپاژ ناس و ناامیدی در جامعه گفتند که برای رفع مشکلات باید مذاکره کنیم». ترامپ که آموخته چیز تغییر کرد. او به راحتی برجام را پاره کرد. دولت بی‌پروژه شد. روحانی به هر طرف که نگاه کرد خودش مانده بود و برجانی که حتی اروپایی‌ها هم در باطن چندان دیگر اعتباری برایش قائل نبودند، حتی محمدجواد ظریف که حسن روحانی روزی در مورد او می‌گفت من برندها را آورده‌ام و اینها کسانی هستند که نامشان اعتبار است نیز نتوانست در سفرهای پیاپی اش برجام را مثل سابق آب حیات دهد. این چنین است

که سیدعباس عراقچی از بستری شدن برجام در آری سی‌یو سخن می‌گوید و اندکی آن‌سوتر از او وزیر اطلاعات می‌گوید برجام به مومی بند است. همه این‌ها یک تعریف ساده سیاسی دارد: «دولت بی‌پروژه شده است».

عبور نه‌چندان آرام اصلاح‌طلبان از او

آنچه در انتخابات هیأت رئیسه بر علی لاریجانی گذشت فقط برای لاریجانی پیام نداشت. حسن روحانی هوشمندتر از آن است که متوجه نشده باشد منظور فراکسیون امید چه بوده است. او به خوبی فهمید که تصمیم سازان اصلاح طلب چه پروژه‌ای را کلید زده‌اند. آنچه رخ داد دقیقاً هم راستا با همانی بود که در ماجرای انتخاب جایگزین محمدعلی نجفی و مقاومت بر سر شهردار شدن محسن هاشمی تجربه شد. دقیقاً در ادامه همان تحولاتی بود که بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ پیگیری شد. از نقد و اعتراض به حسن روحانی تا عدم سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های سیاسی او. آنجا که روحانی خود را با نهادهای حاکمیتی مواجه می‌ساخت و اصلاح‌طلبان برای او هزینه نمی‌دادند. او حتماً خبر دارد شده که اصلاح‌طلبان چگونه خود را برای عبور از حامیان اعتدال‌گرای او آماده کرده‌اند. این را می‌شود از حملات همه‌جانبه آنها به وزرای غیراصلاح طلب کابینه فهمید؛ از فشارهای پیدا و پنهان به روحانی برای تغییر این اعضای کابینه. حالا حسن روحانی متوجه شده که دوران خوش ائتلاف به پایان رسیده است. او خودش مانده و خودش.

از دست دادن سرمایه اجتماعی

شاید حسن روحانی تصورش را هم نمی‌کرد تنها چند ماه بعد از رای ۲۴ میلیونی اش در خیابان‌های کشور آنچنان شعارهای دندی را بشنود. موجی که از مشهد شروع شد و به شهرهای دیگر رسید آن‌هم در سخت‌ترین «دی» ماه عمرش. او سیاستمداری هوشمند است؛ او فهمید که مشکلات معیشتی، او را با بحران اجتماعی مواجه کردند و وقتی نتوانسته در سیاست داخلی و اقتصاد را از پاشنه سیاست خارجی بچرخاند عنصر «تردید» به جان بدنه حامی افتاده است. این بدترین اتفاق ممکن برای او بود آن‌هم در آن فاصله بسیار کم از انتخابات و تشکیل کابینه جدید. حتماً دستگاه‌های اطلاعاتی و نظرواحی او به میان مردم رفته‌اند و دیده‌اند که او چگونه به یکبار با مشکل مواجه شده است.

خدا حافظی با پارلمان

خاصیت محافظه کاری تلاش برای حفظ وضع موجود است. حسن روحانی سیاستمدار محافظه کاری است که برای

نگهداشت وضع مطلوب همیشه نگاه رو به جلو دارد و تلاش می‌کند تا بازی پیش‌دستانه داشته باشد.

آنچه در «شهر» می‌گذرد خبرهای خوبی برای او ندارد. او که می‌داند سرمایه اجتماعی اش کمتر از همیشه شده است این را هم می‌داند که بخش اعظمی از بدنه اجتماعی که از کنار او مهاجرت کرده‌اند به دنیای سیاسی رقیب خواهند رفت. او نمی‌خواهد دو سال آخر دولتش را با پارلمانی سپری کند که جنسش از رقبای سرسخت باشد. او طمع چنین روزهایی را در دو سال ابتدایی دولت اولش چشیده است.

پایان رویای ریختن دیوار میان ایران و آمریکا

بارفتارشناسی حسن روحانی در دولت اولش این تحلیل پدیدار می‌شود که او از کنار توافق هسته‌ای یک پروژه مهم دیگر را دنبال می‌کرده است؛ «پایان دوران خصومت با ایالات متحده». شاید تا وقتی باراک اوباما بود او فکر می‌کرد می‌تواند این پروژه را به جایی برساند. حتی وقتی او با مارفت و ترامپ آمد و برجام را هم از میان برداشت هنوز می‌شد با رقبه‌هایی از امید را در حسن روحانی دید که برای پیشبرد طرحش واهی مانده باشد. این را می‌شود از آنجا فهمید که او یک بار گفت شاید نتیجه انتخابات آمریکا همه چیز را تغییر دهد.

غرب چیزی برای او نداشت

روحانی وقتی ترامپ تمام امیدهایش را ناامید کرد نگاهش را از غرب دوخت به سه کشور اروپایی که قول داده بودند پای برجام می‌مانند. روحانی خیلی‌ها را فرستاده فرنگ. کشور به کشور و سازمان به سازمان. سفرا و فرستادگان اما همگی یک جواب داشتند. غرب و آمریکا یک حرف دارند اگر چه در ظاهر به جنگ یکدیگر رفته‌اند.

مواجه شدن با طبقات اجتماعی

اگر بنا بر بحث طبقاتی در مورد حسن روحانی باشد مسلماً او در گفتمان خود معمولاً چندان نگاهی به طبقه مستضعف نداشته است. همه حواسش به طبقه متوسط بوده و تلاش کرده تا محبوب طبقه بورژوا و خرده بورژوا باشد. او نتوانسته خواست‌های طبقه متوسط را نمایندگی کند و حالا که بازار هم منتقد او شده، بدترین خبر برای او این خواهد بود که رئیس‌جمهور بی طبقه لقب بگیرد. بدبینانه نخواهد بود اگر بگوییم چهره حسن روحانی در سخنرانی غروب چهارشنبه نشانی از یک رئیس‌جمهور داشت که حس می‌کرد: «تنهای تنهای تنها شده است». اما نه؛ آن روحانی وقتی تنها بود که مثل سابق بود. این روحانی جدید هرگز تنها نخواهد بود. مردم، این روحانی را دوست خواهند داشت.



است که منتقدانش را بی‌سواد و بی‌شناسنامه خطاب می‌کرد. حالا اما زمان بازخوانی روزهای گذشته است؛ آن هم درست در زمانه این چنین تعیین کننده؛ روحانی به درستی شرایط را این گونه تفسیر کرده است: «می‌توانیم رویه‌روی هم بایستیم و دعا کنیم و عده‌ای مطالبات مردم را بالا ببرند. می‌توان هم گفت شرایط بسیار عالی است و مشکلی وجود ندارد. نتیجه این دو نگاه این است که مقاومت ما بالاترین هزینه را برای مردم ایران و بالاخص برای فقرا و اقشار کم درآمد خواهد داشت. در تاریخ باید به ملت و وجدانمان جواب پس دهیم.»

در میان همه اخبار بد این روزها خبر خوشحال کننده این است که روحانی تغییر کرده است؛ حالا زمان تغییر ما هم فرا رسیده است. او رئیس‌جمهور همه ماست، روحانی رئیس‌جمهور ما اصولگراها هم هست. روحانی رئیس‌جمهور نظام جمهوری اسلامی است. حالا یک نظام و یک ملت مقابل آمریکا است. ما متحدیم مقابل ایالات نه چندان متحده؛ هشتاد میلیون، یک تیم، یک ضربان.

از ابتدای ریاست جمهوری او صادقانه، صریح و بی‌پیرایه می‌گفتم. حالا ما باید چه کنیم؟ همچنان منتقدش باشیم، همچنان رقیب باشیم؟

وقتی روحانی می‌گوید: «یکی از راه‌هایی که در برابر ماست، تسلیم در مقابل آمریکا است. هیچ عاقل و وطن پرستی تسلیم در برابر ظلم و توهین را انتخاب نخواهد کرد. اگر در برابر توهین و خلاف دیگری سر فرود بیاوریم، به معنای پایان عزت تاریخی ملت بزرگ ایران خواهد بود. فکر نمی‌کنم یک نفر از ۸۱ میلیون نفر هم معتقد باشد که باید در برابر یک دروغگو و توهین کننده سر فرود آوریم و تسلیم شویم.» مگر می‌توانیم ساز مخالف بزنیم. وقتی او به عنوان نماینده ملت شجاعانه مقابل زیاده‌خواهی غرب و ایالات متحده ایستاده است، مگر ما می‌توانیم کنار او نایستیم.

ما باید همراه او باشیم البته به این شرط که او دوباره تغییر نکند، همانی بماند که امروز هست. او دست دوستی دراز کرده، گفته دست همه را می‌بوسد. آری، او همانی

دردسرهای توچال

حضور روحانی در مجتمع تفریحی جنجالی شد

و گران قیمت خارجی به توجال رفته است. انتظار طبیعی مردم از رئیس جمهور کشورشان در شرایطی که افزایش سرسام آور و لجام گسیخته بهای ارز و قیمت طلا، جامعه را با نگرانی جدی روبه رو کرده است، این بود که ایشان را در جلسات و نشست های رسمی و در حال گره گشایی از این معضل ببینند و نه در یک مجموعه تفریحی! باید به ملت حق داد که این حرکت رئیس جمهور را بی توجهی به مشکلات مردم و احیاناً اهانت به خود تلقی کند. خداوند تبارک و تعالی بر درجات امام راحل مان (ره) بیفزاید که وقتی مردم ایران در زمستان ۵۷ به علت اعتصاب کارکنان نفت در تهیه سوخت با مشکل روبه رو بودند، دستور داد بخاری محل اقامت ایشان در نوفل لوشاتو را خاموش کنند یا به قول آقای حیدر رحیم پور، حضرت آقا از خوردن آجیل در منزل ایشان خودداری کرده و فرموده بودند؛ وقتی سایر مردم توان تهیه و خوردن آجیل را ندارند شایسته نمی دانم که رهبر از این تنقلات استفاده کند و...» مدیرمسئول کیهان همچنین درباره استفاده رئیس جمهور از لباسی با برند خارجی نوشت: «امسال راهبر معظم انقلاب با هدف مقدس و منطقی سامان بخشیدن به عرصه اقتصادی کشور، «سال حمایت از کالای ایرانی» نامیده اند و رعایت و ترویج این گفتمان بیش از همگان از رئیس قوه مجریه انتظار می رود و از این رو استفاده رئیس جمهور از لباس های ورزشی گران قیمت با مارک و برندهای غربی، نه فقط نمی تواند توجیه قابل قبولی داشته باشد بلکه بی حرمتی به مردم و تولیدکنندگان و کسبه ای است که از قضا بر اثر ناکارآمدی تیم اقتصادی دولت ایشان از تولید بازمانده و کسب و کار خود را از دست داده اند.» شریعتمداری در آخر نوشت: «و بالاخره اینکه پیرزنی به کریمخان زند شکایت برد که نیمه شب و هنگامی که در خواب بوده است، دزدان به خانه اش دستبرد زده و اموالش را به غارت برده اند. کریمخان گفت؛ چرا خوابیده بودی که دزدان چنین کنند؟ و پیرزن گفت؛ پنداشتم که تو بیداری! علی مطهری، نایب رئیس مجلس هم حضور رئیس جمهور را در مجموعه تفریحی توجال عادی دانست و گفت: «اصل رفتن آقای روحانی به این مجموعه تفریحی ایرادی ندارد؛ چرا که زیاد نشستن پشت میز هم بیماری می آورد.» او همچنین درباره طرح برخی اظهارات از سوی منتقدان درباره استعفای حسن روحانی از ریاست جمهوری، گفت: «الان زمان تسویه حساب سیاسی و انتقام گیری نیست، بلکه الان همه باید دست به دست هم دهیم تا از این بحران خارج شویم. دولت باید با زبان ساده با مردم صحبت کند و بگوید در چه شرایطی هستیم و ریشه گرانی ها در چیست و دست دولت چقدر باز است، در این صورت مردم نیز از دولت قبول می کنند. برخی حرف ها در ارتباط با وضعیت اقتصادی امروز کشور را نمی توان گفت، از خارج به دولت فشارهایی در حال وارد شدن است تا ایران زانو زده و پای میز مذاکره برود. اگر مردم شش ماه مقاومت کنند، وضعیت اقتصادی بهتر خواهد شد.»



hesam ashena
@hesamodin1

روحانی تخریب می شود حتی اگر به جای توجال به چاله میدان برود! جرم او رفتن به کوه نیست. جرم او این است که نخواسته الگویی مردم فریب از رئیس جمهور بودن را ارائه کند. او تصویر بردار و داستان پرداز و کلیپ ساز را با خود همراه نکرد چرا که خواست خودش باشد و همان گونه به کوه برود که سال های سال رفته است. «آشنا ساعتی بعد پیام رسید به او در جواب این نوشته اش را هم منتشر کرد: «روحانی تخریب نشد، «تنبیه» شد آن هم توسط کاربران فضای مجازی در جامعه مدنی و همین طور همان هایی که به خاطر رأی آوردن او تلاش کرده بودند. جرم روحانی نه رفتن به کوه است نه رفتن به چاله میدان. جرم او بی موقع رفتن به کوه است در حالی که باید از همان ۶ صبح در دفتر کارش برای کوهی از مشکلات چاره اندیشی و بلافاصله اقدام کند. مردم فریبی فقط تظاهر به چیزی که واقعا نیستیم، نیست؛ مردم فریبی عمل نکردن به وعده هایی است که به خاطر آنها میلیون ها نفر را از صبح زود تا نیمه شب پای صندوق رأی کشانیم. امروز مهم ترین وظیفه شما مراقبت از روحانی در برابر بعضی از اطرافیان نالایقش و مهم تر از آن مراقبت از او در برابر خودش است.»

مشاور فرهنگی
رئیس جمهوری هم
تلاش کرد با کنایه به
منتقدان پاسخ دهد

رئیس جمهور نمی داند وقتی مرهمی بر زخم های ملت مذهب اقتصادی مردم نمی گذارد، لااقل نقش نمکپاش را بر این زخم ها نداشته باشد که در فضای مجازی «توجال» ترند شود و مردم بگویند «ما در چاله اقتصادی و روحانی در توجال!» و در این وضعیت که هر روز سفره خانوار کوچک تر می شود، این گزاره تقویت شود که «میدونین چرا در این بحران اقتصادی بعضی مسئولان عین خیال شون نیست یا میرن توجال گردی؟! چون قرار نیست سفره های خودشون کوچیک شه». این وضعیت روحانی با لباس برند آمریکایی برای تولیدکننده پوشاکی که منتظر سیاست های حمایتی دولت از تولید داخلی است هم تیر خلاصی است که حتی در رده ریاست جمهوری کشور نیز اهمیتی به استفاده از کالای داخلی وجود ندارد، چه رسد به آنکه او به عنوان فرمانده و مجری سیاست ها خواهد در جهت کمک به تولیدکننده ایرانی قدم بردارد. این تصویر از روحانی تنها یک پیام به مخاطب عام می رساند و آن، این است که جناب روحانی امور مملکت را رها کرده است. دولت پس از شکست برجام با بحران ایده اداره کشور مواجه است اما برنامه و تلاشی هم برای ایجاد راه جایگزین ندارد و اداره مملکت را رها کرده است. این رفتار دولت البته در گفتار حامیان روحانی نیز عیان است؛ چه چند وقت پیش عبدالله ناصری، عضو شورای سیاست گذاری اصلاح طلبان و مشاور خاتمی گفته بود: «روحانی در مقایسه با همه روسای جمهوری پیشین بعد از انقلاب، وقت برای دولت نمی گذارد. می گویند او از ساعت ۹:۳۰ صبح تا ۱۹ سر کار است!» یا صحبت های محمدرضا تاجیک که در باب تبلی دولت گفته بود: «نسل ما در دهه چهارم پذیرای گفتمانی است که گزاره های آن بیشتر از جنس کنش باشد تا کلام.» در واکنشی دیگر به این ماجرا نیزه حکمت، کارگردان و تهیه کننده سینما با انتشار این عکس در اینستاگرامش نوشت: «آقای روحانی باز دید از توجال خوب بود؟ خوش گذشت؟ حالتون که الحمدلله خوبه؟ ما مردم هم زیر بار گرانی و بی سامانی و روزمرگی روزگار می گذرانیم و به غیرت و درایت و کاردانی دولت شما... می فرستیم. جای خالی را شما پر کنید.»

سایت «رجانیوز» هم کوهنوردی روحانی را به نمک روی زخم پاشیدن تعبیر کرد و در گزارشی نوشت: «آقای روحانی! همزمان با انفجار قیمت ها باید به بازار بروید و درد مردم را بشنوید نه به منطقه تفریحی شمال تهران». در این میان مدیرمسئول روزنامه کیهان، به عنوان یکی از مخالفان دولت، فقط به انتقاد از رئیس جمهوری برای رفتن به کوه بسنده نکرد و به لباس ورزشی و کلاه و کفش او هم واکنش نشان داد. حسین شریعتمداری، در یادداشتی که با عنوان «شکایت آن پیرزن» در این روزنامه منتشر شد، نوشت: در شرایطی که برخی از مشکلات اقتصادی، از جمله افزایش لجام گسیخته قیمت دلار و سکه و مسکن، مردم و مخصوصا اقشار مستضعف جامعه را تحت فشار قرار داده و گره گشایی مسئول اجرایی کشور را می طلبد، رئیس جمهوری با کلاه و لباس و کفشی از برندهای معروف

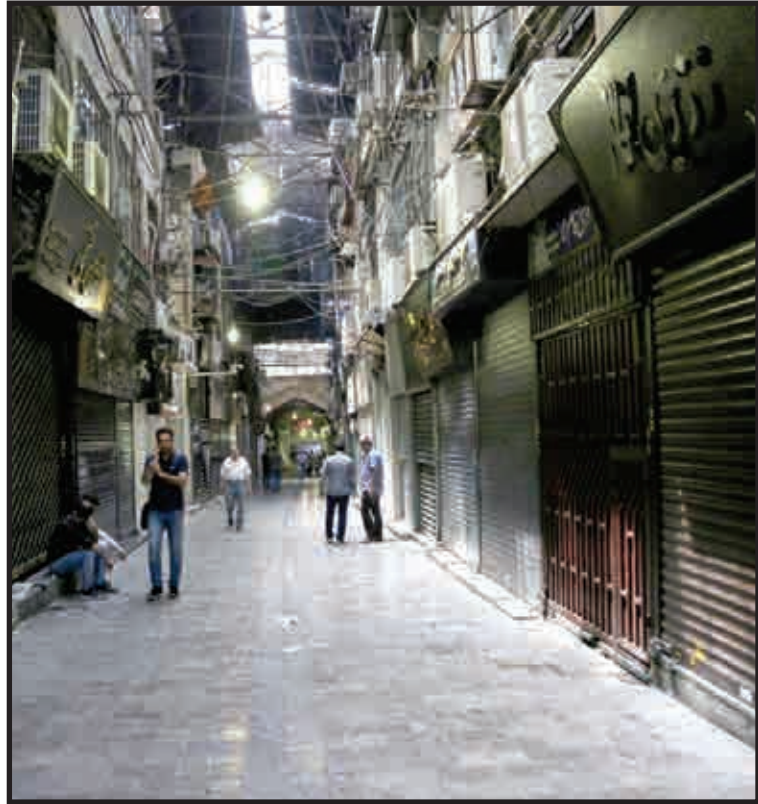
حسن روحانی هفته بسیار سختی را پشت سر گذاشت نه فقط به خاطر تلاطمات ارزی و ناآرامی های بازار، بلکه به خاطر انتشار چند عکس از او در حالی که خوشحال و خندان به مجموعه تفریحی توجال رفته آن هم با لباس برند آمریکایی که موجی از واکنش های انتقادی علیه رئیس جمهور را به راه انداخت. موج انتقادات حتی به حامیان او هم رسید و تقریبا کسی نبود که در این رابطه سخن نگوید. تصاویر این تفریح البته از سایت مجموعه تفریحی توجال حذف شد اما دیگر کار از کار گذشته بود. محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس جمهوری که خود در کوهیمایی حسن روحانی حضور داشت، یکشنبه در حاشیه ختم حجت الاسلام حسینی به این تصاویر منتشر شده از رئیس جمهوری در مجموعه توجال واکنش داد و گفت: «ما جمعه ۶ صبح کوه رفتیم؛ این اولین بار هم نیست و وقت هایی روز جمعه به کوه می رویم؛ چرا باید انتقاد شود؟ آیا اینکه کسی ۶ صبح که بقیه در منزل خود خواب هستند به کوه برود، اشکال دارد؟»

مشاور فرهنگی رئیس جمهوری هم تلاش کرد با کنایه به منتقدان پاسخ دهد. حسام الدین آشنا در کانال تلگرامی خود نوشت: «روحانی باید تخریب می شد! حتی اگر به جای توجال به چاله میدان رفته بود. جرم او رفتن به

سایت «رجانیوز» هم کوهنوردی روحانی را به نمک روی زخم پاشیدن تعبیر کرد و در گزارشی نوشت: «آقای روحانی! همزمان با انفجار قیمت ها باید به بازار بروید و درد مردم را بشنوید نه به منطقه تفریحی شمال تهران». در این میان مدیرمسئول روزنامه کیهان، به عنوان یکی از مخالفان دولت، فقط به انتقاد از رئیس جمهوری برای رفتن به کوه بسنده نکرد و به لباس ورزشی و کلاه و کفش او هم واکنش نشان داد

کوه نیست. کوه هم جای بدی نیست. جرم او این است که نخواست الگویی مردم فریب از رئیس جمهور بودن را ارائه کند؛ او تصویر بردار و داستان نویس و کلیپ ساز را با خود همراه نکرد چرا که خواست خودش باشد و همان گونه به کوه برود که سال های سال رفته است. «آشنا ساعتی بعد پیام رسید به او در جواب این نوشته اش را هم منتشر کرد: «روحانی تخریب نشد، «تنبیه» شد آن هم توسط کاربران فضای مجازی در جامعه مدنی و همین طور همان هایی که به خاطر رأی آوردن او تلاش کرده بودند. جرم روحانی نه رفتن به کوه است نه رفتن به چاله میدان. جرم او بی موقع رفتن به کوه است در حالی که باید از همان ۶ صبح در دفتر کارش برای کوهی از مشکلات چاره اندیشی و بلافاصله اقدام کند. مردم فریبی فقط تظاهر به چیزی که واقعا نیستیم، نیست؛ مردم فریبی عمل نکردن به وعده هایی است که به خاطر آنها میلیون ها نفر را از صبح زود تا نیمه شب پای صندوق رأی کشانیم. امروز مهم ترین وظیفه شما مراقبت از روحانی در برابر بعضی از اطرافیان نالایقش و مهم تر از آن مراقبت از او در برابر خودش است.»

منتقدان اما گوش شان به این حرف ها به دهکار نبود. میکائیل دیانی در روزنامه وطن امروز نوشت: «حضور روحانی در توجال، ذوق زده و با لباس غیررسمی، الزاماً نشانه بی اهمیتی به فضای اقتصادی نیست ولی به طور یقین نشان عجز او از درک باز خورد کارش در افکار عمومی است. اینکه



خرده بورژوازی علیه دولت بازاریان نسبت به شرایط ناهنجار اقتصادی اعتراض کردند

راسته بازار بزرگ و چارسوق و سرای قیصریه اقدام به بستن مغازه‌های خود کردند و پس از آن سایر بازاریان نیز با بستن مغازه‌ها دست از کار کشیدند. آن گونه که برخی خبرنگاری‌ها گزارش داده‌اند آنچه بعد از ظهر یکشنبه و صبح دوشنبه در بازار تهران اتفاق افتاده، متفاوت با روند پیگیری مطالبات صنفی است؛ عده‌ای خاص وارد بازار می‌شوند و در اصل به بازار حمله می‌کنند، می‌خواهند بازار را تحریک کنند تا بازار تعطیل شود. به گفته شاهدان عینی برخی با لگد به در مغازه‌ها حمله کرده و به بازاری‌ها به صورت تحکمی گفته‌اند باید مغازه را ببندید که این موضع نشان می‌دهد این کار سازمان‌یافته است. رئیس اتاق اصناف در گفت‌وگو با ایرنا اعلام کرده است: «حرکتی که در بازار ایجاد شده، فقط یک شعار اقتصادی مبنی بر این است که «دلار ۱۰ تومانی نمی‌خواهیم» و بقیه شعارها سیاسی بوده است.» رصد گزارش‌های میدانی رسانه‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های منتقد و حامی دولت رویکردهای متفاوتی داشتند. به عنوان مثال ایرنا نوشت: «وقایع امروز بازار تجمع این افراد به شکل پراکنده و آرام است و یکی از این بازاریان گفته صبح کسبه مغازه‌هایشان را باز کردند اما برخی از آنها به علت شرایط نرخ ارز مغازه‌ها را تعطیل کردند.» در مقابل فارس گزارش کرد که «صنوف بازار تهران طلافروشان، پارچه‌فروشان، بزازان، کفشان، آهنگران و ابزارآلات و یراق‌آلات در اعتراض به گرانی و نوسانات شدید ارزی و کساد بازار، مغازه‌های خود را تعطیل کردند و عملاً هیچ مغازه‌ای در بازار به غیر از بانک‌ها باز نیستند.» در این میان برخی رسانه‌ها به ارائه گزارش‌های میدانی از وضعیت بازار در روز دوشنبه پرداختند. روایت این رسانه از راسته کفش‌فروشان این گونه بود: «در دالان‌های داخلی و تودرتوی بازار بزرگ، همه جا بسته است و همه یکدست از گرانی شکایت می‌کنند. در کوچه‌ای فرعی، آشپزها و کارگرهای یک رستوران بزرگ بی‌رمق روی پله‌های مقابل رستوران نشسته‌اند و کسانی را که به دنبال ناهار هستند، به

واردات خرج نکرده‌اند. این ۱۰ شرکت یعنی شرکت‌های یاس تجارت جهان، توسعه ارتباطات هما، پرشین الماس سیستم، اسمارت تکنولوژی قشم، همراه سیستم آترا، آیش شبکه، امرداد همراه، سورین پخش رایانه، فوزان ارتباط قشم و مین انداز شهر پاک، در مجموع ۵/۲۱ میلیون یورو ارز با نرخ دولتی گرفته‌اند، اما هیچ وارداتی انجام ندادند. باین حال تنها ماچرا به همین جا ختم نمی‌شود و شرکت‌های دیگری نیز که رقم واردات‌شان در سه ماه گذشته صفر نبوده نیز اغلب فقط بخشی از یوروی دریافتی خود را صرف واردات کرده‌اند. در واقع نگاهی به مجموع ارزهای دریافتی و واردات نشان می‌دهد چیزی حدود یک سوم ارز دولتی به واردات تبدیل شده و تکلیف باقی‌مانده آن مشخص نیست. شرکتی که بیش از همه ارز مبادله‌ای دریافت کرده و ۱۶ میلیون یوروی آن منجر به واردات در سه ماه گذشته نشده، تنها یک ماه قبل با تغییر اساسنامه خود خرید و فروش و واردات تلفن همراه را به موضوع فعالیتش اضافه کرده و در عمل شرکتی است که فعالیت اقتصادی‌اش فروش لوازم الکترونیک دیگر بوده است.

روز عجیب بازار

یک روز پس از اینکه فروشندگان موبایل در بازار چارسوق و علاءالدین در تهران در اعتراض به افزایش بی‌رویه نرخ ارز و گران شدن تلفن همراه اعتراض کرده بودند، روز دوشنبه چهارم تیر ماه ۹۷ بازاریان تهران نیز در اعتراض به رکود حاکم بر بازار نوسان بی‌ضابطه نرخ ارز، کمبود مشتری و گرانی کالا دست از کار کشیدند. بنابر گزارش‌های دریافتی، ابتدا پارچه‌فروشان و بازاریان

از بازار موبایل شروع شد؛ ابتدا از علاءالدین و سپس بازار چارسوق. کسبه مغازه‌های خود را بستند و شروع به شعار دادن کردند. این مقدمه‌ای برای یک اتفاق مهم‌تر بود؛ جرقه‌ای برای تعطیل شدن بازار تهران. به نظر می‌رسد که خرده‌بورژوازی علیه دولت شده است.

داستان عجیب علاءالدین

برخی از کسبه بازار موبایل چارسوق و علاءالدین در تهران در اعتراض به گرانی شدید گوشی موبایل و کساد بازار، دست از کار کشیدند. این حرکت اعتراضی توسط برخی از کسبه شروع شد و آنها با دعوت از دیگر همکاران خود برای همراهی، خواستار تعطیلی مغازه‌ها و توقف فعالیت شدند. وزیر ارتباطات ساعتی بعد به جمع معترضان آمد. این اما تنها اتفاق مهم روز یکشنبه نبود. وزیر ارتباطات در همین روز یک لیست مهم منتشر کرد؛ فهرست کاملی از شرکت‌هایی که در سه ماه گذشته ارز مبادله‌ای دریافت کرده‌اند و میزان وارداتی که در این مدت انجام داده‌اند. فهرستی که حرف‌های ناگفته بسیاری دارد. در فهرستی که وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات منتشر کرد، اسامی ۴۰ شرکت دیده می‌شود که در سه ماه گذشته در مجموع ۲۲۰ میلیون یورو ارز به نرخ دولتی گرفته‌اند، اما در عمل فقط ۳۰ شرکت از این بین جمعاً ۷۵ میلیون یورو واردات انجام داده‌اند. از میان تمامی این شرکت‌ها فقط چهار شرکت دی‌تل، توسعه اقتصاد توان یاسین، سیب طلایی هوشمند و دلنا همراه پردازش شرق همه ارز دریافتی خود را به واردات اختصاص داده‌اند و در مقابل ۱۰ شرکت وجود دارند که حتی یک یورو از ارز سوپسیدار دریافتی خود را برای



بفروشند کار خود را به حالت نیمه تعطیل در آورده اند تا تکلیف شان روشن شود. رئیس هیات امنای مرکزی بازار تهران با بیان اینکه مسائلی مبنی بر مدیریت شده بودن چنین اعتراضاتی به هیچ وجه صحت ندارد، ادامه داد: اگر یک فروشنده کالایی را ۵۰۰۰ تومان خریداری کرده باشد و آن را بفروشد چند روز بعد باید آن را ۷۰۰۰ تومان یا حتی بیشتر بخرد؛ بنابراین حتی در جایگزینی کالا در مغازه خود با ضرر و زیان مواجه می شود. در چنین شرایطی قطعاً هیچ عرضه ای منطقی نخواهد بود و فروشی صورت نمی گیرد. کسبه بازار نگران آینده، معیشت خود و بازار هستند و مسئولان حداقل باید پاسخگو باشند و از این زاویه اگر نگاه کنیم متوجه می شویم که خواسته آنها بحق است. البته اینکه گفته می شود احتکار در بازار وجود دارد و برخی با دلار ۴۲۰۰ تومانی کالا وارد کرده اند و آن را گران تر می فروشند یا احتکار می کنند، صحت ندارد چرا که حداقل ۴۷ تا ۵۰ روز طول می کشد تا محصولات و کالاهای خریداری شده از آب بگذرد و به گمرکها برسد. در شرایط کنونی امروز مسئولان بخش دولتی و خصوصی باید قاطعانه ورود کنند و یک بار برای همیشه مشکلات موجود در بازار از جمله نوسانات ارزی را پاسخگو باشند تا شاهد چنین وضعیتی نباشیم.

اعتراض حق اصناف است

علی قاضی، رئیس اتاق اصناف ایران نیز در ارتباط با ناآرامی های بازار تهران گفت: تجمع های صنفی حق اصناف و بازار است و اصناف می توانند چنین تجمع هایی در قالب اتحادیه ها و با اخذ مجوزهای قانونی، در جهت تامین مطالبات صنفی خود برگزار کنند. آنچه در بازار تهران اتفاق افتاده، متفاوت از این روند است؛ عده ای خاص وارد بازار می شوند و در اصل به بازار حمله می کنند، می خواهند بازار را تحریک کنند تا بازار تعطیل شود. اینکه با لگد به درب مغازه ها حمله کنند و به بازاری ها به صورت تحکمی بگویند که باید مغازه را ببندید، نشان می دهد

به وضعیت قبلی بازگردد. وی در پاسخ به این سوال که آیا خرید و فروش سکه و طلا در بازار صورت می گیرد؟ اعلام کرد که شرایط به گونه ای است که مشتریان برای خرید یا فروش طلا اقدام نمی کنند و منتظر هستیم بازار به ثبات برسد. نکته جالب در این میان این بود که با وجود نیمه فعال بودن بازار تهران، حال و هوای مردم و مشتریان این بازار تقریباً مانند روزهای گذشته و شرایط عادی بود، چرا که آنها به هر مغازه ای که باز بود سرک می کشیدند و خرید و فروش شان مانند روزهای دیگر ادامه داشت. حتی دلار فروشان سبزه میدان بازار بزرگ تهران همچنان به کارشان در کاسبی دلار و یورو و دیگر ارزها ادامه می دادند و گداهای آنها همچنان برقرار بود. در خیابان اصلی و کوچه بازارهای بازار تهران از بازار رضا تا سبزه میدان، پله نوروزخان، ناصر خسرو، پامنار و... آنچه جلب توجه می کرد، حضور کارگران بیکار بازار بود که با چرخ های دستی خود منتظر بودند کسی از آنها کاری بخواهد و گهگاه با یکدیگر صحبت می کردند و منتظرند اوضاع بازار به شرایط عادی بازگردد. همچنین فعالیت دستفروشان بازار همچون قبل برقرار بود و بازارشان هم گرم.

دولت باید پاسخگوی نامالیمات ارزی باشد

رابطه عبدالله اسفندیاری، رئیس هیات امنای مرکزی بازار تهران درباره اعتراض بخشی از کسبه بازار تهران شامل بازار کیلویی ها، چارسو کوچک و پارچه فروشان گفت: خواسته کسبه بازار بحق است و می خواهند تکلیف بازار ارز یک بار برای همیشه روشن شود که امیدواریم با رسیدگی به مشکلات آنها فردا بازار به حالت عادی بازگردد. کسبه بازار نسبت به گرانی ارز، نوسانات و افزایش بی رویه نرخ آن، بی ثباتی در گمرک و ترخیص نشدن کالاها، نبودن معیار و اصولی مشخص برای ترخیص کالاها... و اعتراض دارند و باتوجه به اینکه در چنین شرایطی به هیچ وجه نمی توانند تصمیم بگیرند و کالای خود را

سالن کوچک رستوران هدایت می کنند. در راسته زرگران کرکره تمام مغازه ها پایین است اما روی سردر تمام شان عنوان «جوهری...» حک شده است و نشان می دهد که اینجا، راسته زرگران است. در راسته نخ فروشان بعضی مغازه های نخ فروشی جایی میان بازار چارسو کوچک و چارسو بزرگ تک و توک باز هستند اما کرکره ها را تا میانه پایین داده اند و جنسی نمی فروشند.»

سه شنبه؛ همچنان تعطیل

اما سه شنبه مانند دوشنبه، جمعی از کسبه بازار تهران کرکره مغازه های خود را پایین کشیدند ولی دلیل اصلی این کار آنان نه با هدف اعتراض بلکه بیشتر به دلیل ترس از تهدید و ارباب عوامل خودسر و ناشناس بوده است. گویا آنان منتظر بودند مسائل امنیتی به طور کامل تامین شود تا به کسب و کارشان برگردند. بر اساس گزارش رسانه ها، حال و هوای بازار بزرگ تهران مانند دوشنبه پرحاشیه نبود اما مانند روزهای عادی هم نبود، چرا که برخی از مغازه ها کرکره هایشان را پایین کشیده بودند و خبری از کاسبی در آنجا نبود و برخی دیگر نیز تا نیمه کرکره شان پایین بود و برخی نیز در حالت عادی کرکره مغازه شان بالا بود اما نه چندان فعال به کارشان ادامه می دادند. البته ماموران نیروی انتظامی در این میان به ایجاد آرامش در فضای بازار و برقراری نظم در کوچه ها و راسته بازارهای مختلف کمک می کردند، چرا که به گفته رئیس اتحادیه فروشندگان طلا و جواهر، در حال حاضر واحدهای فروش طلا و سکه در پاساژهای تهران باز هستند و فعالیت می کنند اما واحدهای واقع در بازار به دلیل برخی شیطنتها کماکان فعالیت ندارند و منتظرند مسائل امنیتی تامین شود تا خسارتی به اموال شان وارد نشود و به همین دلیل احتیاط می کنند. ابراهیم محمدولی اظهار کرد: نیروی انتظامی در حال کمک کردن است تا مجدداً بازار به روال قبلی بازگردد و خرید و فروش صورت گیرد. علاوه بر این در حال برنامه ریزی هستیم تا فعالیت های طلا فروشی ها

قیمت مسکن طی ماه‌های اخیر بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته و نرخ اجاره بها در بعضی مناطق تا ۵۰ درصد رشد داشته است. نرخ ارز از حدود ۴۰۰۰ تومان به بیش از ۱۰۰۰۰ تومان در بازار آزاد رسیده و هر روز رکورد جدید همراه با نوسانات قابل توجهی را تجربه می‌کند. سکه از ۱/۵ میلیون تومان در اواخر سال ۱۳۹۶ به حدود ۳ میلیون تومان در روزهای اخیر رسیده و قیمت طلا نیز تقریباً با همین نسبت افزایش یافته است.

که به وزیر ارتباطات برای تخلف شرکت واردکننده گوشی تلفن همراه اعلام شده چه منبعی است و تا چه حد این منبع، اطلاعات مستند داشته است اما آنچه برای ما ملاک است، نظر بازرسان و نمایندگان دستگاه‌های نظارتی حاضر در تیم گشت مشترک تعزیرات است.

نیروهای اطلاعاتی تهدید برخی کسبه را پیگیری کنند

سختگیری دولت از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی خواست تا موضوع تهدید برخی کسبه را پیگیری و امنیت آنها را تامین کنند. محمدباقر نوبخت درباره تهدید کسبه بازار برای تعطیلی مغازه‌ها توسط برخی افراد ناشناس گفت: «آنچه که واقعیت است، دولت از کسبه راضی است، چرا که کسبه انسان‌های شریف، متمدن و متدینی هستند. اینکه عده‌ای کسبه را تحت فشار قرار دهند و آنها را ادا در کنند در مغازه‌های خود را ببندند، باید توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی پیگیری شود، اما از نیروی انتظامی که همیشه پای صحنه است انتظار می‌رود که امنیت کسبه را حفظ کند.»

برنده و بازنده شرایط اقتصادی فعلی کیست؟

قیمت مسکن طی ماه‌های اخیر بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته و نرخ اجاره بها در بعضی مناطق تا ۵۰ درصد رشد داشته است.

نرخ ارز از حدود ۴۰۰۰ تومان به بیش از ۱۰۰۰۰ تومان در بازار آزاد رسیده و هر روز رکورد جدید همراه با نوسانات قابل توجهی را تجربه می‌کند. سکه از ۱/۵ میلیون تومان در اواخر سال ۱۳۹۶ به حدود ۳ میلیون تومان در روزهای اخیر رسیده و قیمت طلا نیز تقریباً با همین نسبت افزایش یافته است. این شرایط آثار خود را در دیگر بازارهای اقتصادی از جمله لوازم خانگی، نهاده‌های دامی و محصولات اساسی گذاشته است.

واقعیت این است که وضعیت پیش آمده که ناشی از تعلل در انجام اقدامات کلیدی توسط نهادهای مجری و تصمیم گیر است، بیشترین ضربه را به زندگی عادی و اقتصاد خانوار زده است. بنگاه‌های اقتصادی نیز بیش از پیش با شرایط نااطمینانی مواجه هستند و امکان برنامه‌ریزی خود را از دست دادند؛ کما اینکه رکود تورمی نیز بر بازارهای مختلف حاکم است. در این شرایط، بزرگترین برنده اشخاصی هستند که صاحبان اصلی دارایی‌هایی از جمله مسکن، ارز و طلا محسوب می‌شوند. اصلی‌ترین مصداق این اشخاص، نظام بانکی کشور و بانک‌ها هستند. افزایش قابل توجه دارایی‌هایی بانک‌ها صاحبان اصلی آن هستند، نه تنها بانک‌ها از وضعیت بحران خارج می‌کنند، بلکه امکان هرگونه اصلاحی در آینده را نیز می‌گیرد. بانک‌هایی که در اقتصاد قدرت خلق پول داشته‌اند در مقاطع مختلف کشور را به بحران کشانده‌اند؛ در مقابل در شرایط بحرانی بیشترین نفع را می‌برند و مسئولیتی هم ندارند. این مساله، شاید یکی از دلایلی باشد که از منظر «اقتصاد سیاسی» باعث شده بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارزی کشور به عنوان یک نمونه بحرانی در شرایط فعلی، با وجود راهکارهای مختلف پیش‌رو، اقدام قابل توجهی انجام ندهد.

مرتکب شده‌اند، شناسایی و برخورد قانونی انجام شود. بر اساس اعلام وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۴۰ شرکت برای ورود گوشی تلفن همراه ارز ۴۲۰۰ تومانی دریافت و این کالا را وارد کرده‌اند اما این گوشی‌ها با نرخی گران‌تر در بازار به فروش رسیده است. این موضوع پس از اعلام وزیر ارتباطات بلافاصله در سازمان تعزیرات مورد بررسی قرار گرفت و جلسات متعددی با حضور اعضای هیات مدیره انجمن واردکنندگان تلفن همراه، نمایندگان وزارت صنعت، معدن، تجارت، گمرک، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، بانک مرکزی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز برگزار و مقرر شد نمایندگان این دستگاه‌ها در گشت‌های تعزیرات حضور یابند و روز سه‌شنبه ۲ شرکتی که وزیر ارتباطات نام آنها را اعلام کرده بود، بازرسی شدند. «معاون سازمان تعزیرات حکومتی با اشاره به بازدید گشت مشترک این سازمان از یک شرکت واردکننده موبایل اظهار کرد: «این شرکت که با ارز ۴۲۰۰ تومانی گوشی وارد کرده است باید حداکثر ظرف مدت ۴۸ ساعت آینده مستندات مربوط به مقدار ارز دریافتی، میزان فروش و سود بازرگانی همچنین فهرست فروشگاه‌ها با افرادی که به آنها این اجناس را فروخته، اعلام کند. اجرای طرح رجیستری برای جلوگیری از قاچاق گوشی‌های تلفن همراه موفق بوده است و به نظر می‌رسد که باید برای واردات، خرید و فروش گوشی موبایل هم از دستاوردهای طرح رجیستری استفاده کرد تا مشخص شود که کالای وارداتی از زمان ورود تا رسیدن به دست مشتری چه مسیری را طی کرده است. اگر تخلف شرکت‌های واردکننده محرز شود به ازای کل مبلغی که گران‌تر فروخته باشند، طبق قانون ۲ تا ۵ برابر جریمه می‌شوند و اضافه دریافتی نیز به افراد شاکی مسترد می‌شود. آنچه که از سوی وزیر ارتباطات اعلام شده، این است که این شرکت ۲۲ میلیون یورو با نرخ دولتی دریافت کرده اما به ادعای مسئول آن شرکت میزان ارز دریافتی کمتر بوده است. ما هنوز نمی‌دانیم، اطلاعاتی

که این کار سازمان یافته است. حرکتی که امروز در بازار ایجاد شده، فقط یک شعار اقتصادی دارد و آن مبنی بر این است که «دلار ۱۰ تومانی نمی‌خواهیم» و بقیه شعارها سیاسی است. من در موضعی نیستم که بگویم این ناآرامی‌ها از چه جریانی خط می‌گیرد. مواضع اتاق اصناف، رنگ و بوی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و مسئولان دیگر باید این جریان را پیگیری کنند که چه دست‌هایی در این ناآرامی‌ها نقش دارند. به هیچ وجه ما منکر مشکلات پیش‌رو نیستم اما این نوع حرکت‌ها، حرکت‌هایی سازمان یافته در جهت اغراض دشمن است که ما آن را تایید نمی‌کنیم.» وی با بیان اینکه سرچشمه این حرکت‌ها در خارج از بازار است، گفت: «این سخن که گفته می‌شود بازار دست به چنین حرکت‌هایی زده است را رد می‌کنم؛ بازار مقاومت می‌کند اما وقتی به بازار حمله می‌شود تنها دفاع بازار این است که ساعتی کرکره را پایین بکشد تا آسیب نبیند. دستگاه‌های امنیتی باید در این شرایط مراقب بازار باشند؛ باید قبل از اینکه حرکتی در درون بازار علیه بازار انجام شود، دستگاه‌های امنیتی پوشش لازم را بدهند. انتظار داریم عکس‌العمل مسئولان ذی‌ربط را سریع‌تر مشاهده کنیم.»

اطلاعات فهرست وزارت ارتباطات کامل نیست

معاون سازمان تعزیرات حکومتی گفت: «اطلاعات منتشر شده وزارت ارتباطات، درباره شرکت‌های واردکننده موبایل کامل نیست، فقط میزان ثبت سفارش ارز آنها درج شده است و سازمان تعزیرات برای تصمیم‌گیری به اطلاعات بیشتری نیاز دارد.»

محمدعلی اسفغانی، جزئیات بازرسی گشت تعزیرات را که با حضور نمایندگان ۶ دستگاه نظارتی از یکی از شرکت‌های واردکننده تلفن همراه انجام شده است، تشریح کرد: «در فهرست اعلامی وزارت ارتباطات فقط میزان ثبت سفارش ارز مورد نیاز شرکت‌های واردکننده گوشی تلفن همراه درج شده است؛ اینکه چه مقدار ارز به این شرکت‌ها پرداخت شده، چه مقدار کالا وارد شد و چه مقدار از آن کالاها و به چه کسانی فروخته شده، مشخص نیست و اینها اطلاعاتی است که تعزیرات برای تصمیم‌گیری نیاز دارد. قرار است تا این فهرست توسط سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و وزارت ارتباطات مشخص شود و در این زمینه با گمرک و بانک مرکزی هم باید هماهنگ کنند تا تعزیرات با توجه به این اطلاعات به شرکت‌ها مراجعه کند و آنها را به تخلف



MJ Azari Jahromi
@azarijahromi

امروز پس از جلسه دولت، در بازار چارسو حضور پیدا کردم. فعالیت کسبه به حالت عادی بازگشته است. تلفن همراه و تجهیزات رایانه امروز از ملزومات زندگی مردم است و به نوبه خود برای تامین ارز برای این تجهیزات تلاش خواهیم کرد. هر چند در این میان لازم است با سودجویی‌ها نیز برخورد جدی شود

بر اساس اعلام وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۴۰ شرکت برای ورود گوشی تلفن همراه ارز ۴۲۰۰ تومانی دریافت و این کالا را وارد کرده‌اند اما این گوشی‌ها با نرخی گران‌تر در بازار به فروش رسیده است. این موضوع پس از اعلام وزیر ارتباطات بلافاصله در سازمان تعزیرات مورد بررسی قرار گرفت



«بازار دوم» کلید خورد

پروژه جدید دولت برای کنترل چالش اقتصادی چیست؟

ارز آنها از محل صادرات پتروشیمی، فولاد و مواد معدنی و سامانه نیماست. این اقلام شامل مواد اولیه تولید، ماشین‌آلات و... است؛ این کالاها با نرخ دلار چهارهزار و ۲۰۰ تومانی تأمین می‌شود.

معامله توافقی ارز مجاز شد؟

یکی از خبرگزاری‌ها در گفت‌وگو با «یک مقام مسئول در نظام بانکی» از مجاز شدن معامله توافقی ارز طی جلسه تیم اقتصادی دولت با رئیس جمهور خبر داد. وی با تشریح جزئیات جلسه تیم اقتصادی دولت با حسن روحانی، رئیس جمهور در خصوص تغییر در برخی سیاست‌های ارزی گفت: در جلسه‌ای که صبح روز گذشته تیم اقتصادی دولت با رئیس جمهور برگزار کرده، توانسته‌وی را قانع کند که خرید و فروش توافقی ارز میان صادرکننده و واردکننده عملیاتی شود. وی که با مهر گفت‌وگو می‌کرد، افزود: مدت‌ها بود تیم اقتصادی دولت به دنبال برقراری چنین شرایطی در معاملات ارزی کشور بود اما رئیس جمهور بنا به دلایلی خواستار در نظر گرفتن تنها یک نرخ و آن هم ۴۲۰۰ تومان به ازای هر دلار شده بود و همین موضوع پذیرش طرح تیم اقتصادی که مورد تأیید فعالان اقتصادی هم بود را برای حدود یک ماه به تعویق انداخت. این مقام مسئول خاطرنشان کرد: صبح روز گذشته تیم اقتصادی دولت بالاخره توانست رئیس جمهور را قانع کند که نرخ معاملاتی دلار برای صادرکنندگانی که ارز حاصل از صادرات آنها از شمول خرید و فروش در سامانه نیما خارج است، همان ۴۲۰۰ تومان باشد و در مقابل، اظهارنامه صادراتی ارزش پیدا کند. بر این اساس، این تصمیم مورد توافق با رئیس جمهور در جلسه قرار گرفته و البته ممکن است دولت برخی ضوابط را برای کنترل نرخ در نظر گیرد.

هر چه هست فعلاً آخرین خبرها از این موضوع حکایت دارد که قرار است ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات کالاهای اساسی اختصاص یابد، اما سایر نیازها و آنچه از شمول ارز ۴۲۰۰ تومانی خارج است با نرخ جدید مورد معامله قرار گیرد. در حالی این نرخ هنوز رسماً اعلام نشده و شنیده‌ها حاکی از آن است که نرخ مجموع دلار می‌تواند بین ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ تومان باشد. در مجموع در سیاست جدید ارزی، قرار شده صادرکنندگانی که تا پیش از این ارز خود را در سامانه نیما ارائه نمی‌کردند، ارز ناشی از صادرات

کالاهای اساسی و ضروری قلمداد کرد؛ اما واردکنندگان این کالاها می‌توانند از نرخ دلار دولتی بهره‌مند شوند و با قیمت دلخواه و نزدیک به نرخ بازار غیررسمی به فروش برسند. در گروه کالاهای اول که کالاهای اساسی و حیاتی نامیده شده، میان هزار کالای مشخص شده یک ردیف چندین و چندبار تکرار شده، ردیفی به نام «سایر» که مشخص نیست منظور چه کالای حیاتی و اساسی است؛ اما یکی از همین سایرها سال پیش بیش از ۵۱۴ میلیون دلار واردات داشته است و اکنون با نرخ جذاب سه هزار و ۸۰۰ تومانی یارانه‌ای، امکان تعریف هر نوع کالایی زیر این عنوان را برای دسترسی به رانت ارزی برای واردکننده فراهم می‌کند. در گروه اول کالاهایی که بانک مرکزی به عنوان مشمولان ارز دولتی مشخص کرده، کالاهای اساسی است که ارز مورد نیاز آنها از محل درآمد‌های ناشی از فروش نفت تأمین می‌شود. این اقلام شامل کالاهایی مانند گندم، روغن، برنج، نهاده‌های دامی، حبوبات با نرخ دلار چهارهزار و ۲۰۰ تومانی و اختصاص یارانه ۴۰۰ تومانی تأمین ارز خواهند بود که با این حساب، نرخ هر دلار برای این گروه کالاها سه هزار و ۸۰۰ تومان می‌شود؛ اما این موارد تنها اقلام این فهرست نیست.

خرید کالا با دلار ۴۲۰۰ و فروش با نرخ ۸ هزار تومان

جالب است که در فهرست سه‌گانه تعیین اولویت کالایی بانک مرکزی، بیشترین حجم واردات مربوط به کالاهایی است که نام آنها ذیل عنوان «سایر» آورده شده است. برای مثال، در گروه کالاهای حیاتی و اساسی که واردکننده می‌تواند با دلار سه هزار و ۸۰۰ تومانی آنها را وارد کند، در ادامه تعیین گوساله، ران و راسته، عنوان «سایر» آمده که مشخص نیست دقیقاً چه کالایی را شامل می‌شود؛ اما سال گذشته معادل یک میلیون و ۶۲ هزار دلار واردات داشته است. گروه دوم این کالاها که شامل مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌شود، محل تأمین

ماجرای یک جهش بیش از ۲۰ درصدی نرخ ارز در بازار رسمی و بیش از ۵۰ درصدی در بازار غیررسمی آغاز شد. دولت با مداخله‌گری در بازار ارز درصدد کنترل و مهار افزایش قیمت ارز برآمد و خرید و فروش ارز در صرافی‌ها را ممنوع و ارز تک‌نرخ‌ی با رقم چهارهزار و ۲۰۰ تومان را مشخص کرد. صادرکنندگان باید ارز خود را به بانک مرکزی تحویل می‌دادند و واردکنندگان با ثبت سفارش در سامانه نیما ارز چهارهزار و ۲۰۰ تومانی تحویل می‌گرفتند؛ اما گستره عرضه و تقاضا به قدری وسیع بود که عملاً سامانه تخفیفی یا عرضه و تقاضای نیما از پس ثبت و راستی‌آزمایی اظهارنامه‌های صادرکنندگان و واردکنندگان برنمی‌آمد. صادرکنندگان به دلیل مابه‌التفاوت بیش از سه هزار تومانی نرخ ارز رسمی با نرخ غیررسمی تمایلی به تحویل ارز آورده خود به دولت ندارند و در اعلام میزان صادرات خود کوچک‌نمایی کرده و ارز چهارهزار و ۲۰۰ تومانی برای واردکنندگان تبدیل به نخی جذاب برای خرید و فروش کالا به قیمت ارز غیررسمی شد؛ تاجایی که میزان واردات در دو ماهه ابتدایی سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال پیش ۶۶ درصد افزایش پیدا کرد و به گفته نایب‌رئیس اتاق ایران و چین، هشت میلیارد تومان ارز دولتی به ۱۲ هزار واردکننده تخصیص یافت. حالا بانک مرکزی با تعیین فهرست سه‌گانه، اقلام کالاهای اساسی را مشخص کرده است که برای واردات این کالاها ارز دولتی تعلق می‌گیرد. ارزی که اکنون عملاً سه نرخ دارد؛ نرخ سه هزار و ۸۰۰ تومانی یارانه‌ای، دلار چهارهزار و ۲۰۰ تومانی و نرخ بازار غیررسمی که دیروز تا هشت هزار تومان رسید. آنچه به گفته کارشناسان خطر بروز آثار تورمی بالای افزایش نرخ ارز را جدی کرده؛ اما در فهرست سه‌گانه کالاهایی که واردات آنها مشمول تخفیف و نرخ ارز رسمی می‌شود، بیش از پنج هزار کالا مشاهده می‌شود که برای برخی از آنها نمونه‌های تولید داخل آن وجود دارد و برخی از آنها را با توجه به سبب مصرفی عموم مردم نمی‌توان جزو

اگر بخواهیم تعداد جلساتی که در طول ماه‌های گذشته پیرو بازار ارز برگزار شده را واکاوی کنیم، تاکنون در هیچ یک از این جلسات خروجی مثبت و نتیجه‌ای عاید نشده است و تنها پیرو مساله‌ای به بررسی مسائل موجود پرداخته می‌شود. جهانبگیری این راه هم گفت که در شرایط کنونی کشور با کسانی که بخواهند با ایجاد فساد به نظام اقتصادی کشور آسیب وارد کنند محکم و به‌طور جدی برخورد خواهد شد.

خود را با نرخ توافقی عرضه کنند تا به نیازهای خارج از اولویت بندی انجام شده اختصاص پیدا کند.

در همین حال رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به بررسی موضوع بازار ثانویه در ستاد اقتصادی دولت از تعیین تکلیف این بازار خبر داد. آن طور که ولی الله سیف می‌گوید، برای مصون‌سازی بازار، بانک مرکزی سازوکار ارزی را اجرا کرد و سامانه نیما نیز اجرایی شد.

او در تشریح چهار گروه واردات کالا گفت: دسته اول کالاهای حیاتی و اساسی مثل دارو هستند که ارز حاصل از فروش نفت از طریق بانک مرکزی به این دسته از کالاهای اختصاص می‌یابد و سابقه امر نشان می‌دهد این بخش، ۱۸ میلیارد دلار نیاز ارزی دارد. این ارز با نرخ ۴۲۰۰ تومان شروع و الان به ۴۲۵۰ تومان رسیده است؛ دسته دوم کالاهای ضروری هستند که ۸۰ درصد از ارز شرکت‌های غیرنفتی (مانند پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها) توسط سامانه نیما به واردات این کالاهای اختصاص می‌یابد، نیاز ارزی این بخش نیز، ۲۴ میلیارد دلار است.

دسته سوم کالاهایی هستند که ارز واردات آن از ۲۰ درصد از ارز حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی با نرخ توافقی تامین می‌شود و نیاز ارزی این بخش نیز طبق سابقه سال گذشته، حدود شش میلیارد دلار است، دسته چهارم نیز کالاهای ممنوع‌الورود هستند که نیاز ۳/۸ میلیارد دلاری دارند و نیازی به واردات آنها از خارج کشور نیست. سیف خاطر نشان کرد که با توجه به شرایطی که در اقتصاد وجود دارد، تامین ارز برای این کالاهای هیچ مشکلی ندارد و با انضباط کامل، تخصیص پیدا خواهد کرد. او همچنین در پایان ابراز امیدواری کرد که با این اقدامات

و به‌طور جدی برخورد خواهد شد. این در حالی است که نبض بازار ماه‌هاست در دستان همین رانت‌خواران قرار دارد و تاکنون مقامات قادر به مقابله با فعالیت این دلالان بازار ارز نبوده‌اند.

به هر روی به نظر می‌رسد که اگر بتوان پذیرفت بازار ارز دومی که سیف از آن نام برده، همان بازاری است که در بازار سرمایه برای ارزهای حاصل از صادرات توسط نوبخت خبر داده شده است، به نظر می‌رسد که رشد صعودی بازار بورس در مدت اخیر توانسته است موافقت عموم و از جمله دولتی‌ها را به همراه داشته باشد. با وجود اینکه متخصصان بازار سرمایه در زمان‌های مختلف از مزایای این بازار برای کاهش تلاطم سایر بازارها سخن‌ها گفته بودند، زیرساخت‌های بازار سرمایه در جامعه در کنار عدم اقبال مسئولان نتوانسته بود راهی برای ورود به این بازار ایجاد کند. وارد کردن ارزهای حاصل از صادرات به این بازار می‌تواند از طریق مکانیسم وجود شفافیت در بازار راه‌حل به‌موقع و بجایی برای بهبود اوضاع کنونی دلار باشد.

در کنار آن توافقی بودن قیمت دلار در بازار بورس نیز می‌تواند شرایط را به سمت ایجاد شرایط بهبود در کسب‌وکار و استقبال از تولیدکنندگان بکشانند. این حرکت به سمت برقراری بازار ارزی در بورس است که به سبب شفافیت موجود در ساختار آن می‌تواند راهگشای معضلات بازار ارزی باشد.

ارز شرکت‌های صادرکننده محصولات غیرنفتی می‌تواند با حضور در بازار سرمایه سرنوشت دیگری پیدا کند، از یک سو به سبب توافقی شدن قیمت‌ها بخشی از رانت مربوط به تفاوت قیمت ارز را از بین خواهد برد. این گروه که مربوط به دسته سوم کالاهای مشمول ارزی هستند در جریان اعمال سیاست تک‌نرخ شدن زبان زیادی متحمل شده بودند و به نظر می‌رسد که ورود ارز حاصل از صادرات می‌تواند گزینه خوبی برای جان گرفتن دوباره تولیدی‌هایی باشد که چشم‌انتظار عملکردی از سوی دولت بودند. در این میان نباید از نظر دور داشت که تفاوت بین قیمت ارز وارداتی و قیمت بهای جهانی نیز موجب مازاد قیمتی شده بود که به دنبال افزایش تقاضا بازار را بیش از پیش ملتهب کرده بود.

آرامش در فضای اقتصادی کشور ایجاد شود.

چنین تصویری آن هم از سوی بالاترین مقام پولی و بانکی کشور نشان از آن دارد که هنوز مقامات بلندپایه کشور قادر به پذیرش واقعیت‌های بازار نشده‌اند و هنوز نتوانسته‌اند خود را با قیمت‌های نجومی در بازار غیررسمی وفق دهند؛ همین است که رئیس کل بانک مرکزی در حالی که در گوشه و کنار شهر صدای اعتراضات مردمی به گوش همگان رسیده به دفاع از سامانه یکپارچه ارزی برای کنترل بازار می‌پردازد و حتی برای به آرامش رسیدن بازار ابراز امیدواری می‌کند. هفته گذشته اما در جلسه‌ای که با حضور معاون اول رئیس‌جمهور برگزار شد، او ضمن تاکید بر اینکه در تخصیص ارز با نرخ رسمی برای تامین کالاهای حیاتی و اساسی مورد نیاز مردم کمترین اختلالی ایجاد نخواهد شد، به مردم اطمینان داد که حتی در بحرانی‌ترین شرایط ارز به نرخ مصوب و رسمی و به میزان کافی برای تامین کالاهای اساسی و حیاتی اختصاص خواهد یافت. اما سوال این است که چه چیز موجب آن می‌شود که هر بار با سیاست جدید دولت، نیازمندان واقعی ارز هم به اعتراض برمی‌خیزند و از دلاری می‌گویند که به دست شان نرسیده است؟

از طرفی اگر بخواهیم تعداد جلساتی که در طول ماه‌های گذشته پیرو بازار ارز برگزار شده را واکاوی کنیم، تاکنون در هیچ یک از این جلسات خروجی مثبت و نتیجه‌ای عاید نشده است و تنها پیرو مساله‌ای به بررسی مسائل موجود پرداخته می‌شود. جهانبگیری این راه هم گفت که در شرایط کنونی کشور با کسانی که بخواهند با ایجاد فساد به نظام اقتصادی کشور آسیب وارد کنند محکم

راضی نبودند مغازه‌ها را ببندند

چرا بازار تعطیل شد؟

احمد کریمی اصفهانی

دبیر کل جامعه اصناف و بازار



اجرا کرد. اگر بگوییم یکسری بیگانگان وضعیت بازار ارز را چنین کردند، خیر این طور نیست، خود دولت بستر را فراهم کرد. آنچه دیروز بعد از ۴۰ سال اتفاق افتاد و بازار به نشانه اعتراض بست، نتیجه عملکرد بد دولت و تیم اقتصادی بود. بهترین چاره آن است که تیم اقتصادی دولت اعلام کند «ما اشتباه کردیم و در حوزه اقتصادی نتوانستیم خوب تصمیم بگیریم و از همه ملت ایران عذرخواهی می‌کنیم.» واقعیت این است که دولت می‌دانست چه خواهد شد.

تصمیمات غلط تیم اقتصادی دولت دلار را در این قیمت قرار داد و بعد هم گفتند «ما تمام تقاضاها را جواب می‌دهیم»، آیا نمی‌دانستند که قرار است در مملکت توطئه‌ای رخ دهد؟ اتفاقاً ۸-۷ روز بود که برخی رسانه‌ها زنگ می‌زدند و سئوال می‌کردند آیا اعتراض و شلوغی در بازار رخ خواهد داد و ما نیز در جواب می‌گفتیم «خیر چنین مساله‌ای فعلاً وجود ندارد.» ما مردم کوچه بازاریم

شروع قضیه از تعدادی افرادی بود که ربطی به بازار نداشتند اما در ادامه اصناف و بازاری‌ها هم به آنها پیوستند. علت هم این است که بستر برای چنین اتفاقی آماده بود. درست است شروع اتفاق از بازار نبود و بازار رضایتی از بستن مغازه‌ها نداشت و امیدواریم امروز بازار به حالت عادی برگردد اما فرافکنی دولت درست نیست. وضعیت تیم اقتصادی دولت به وجود آورد، آن را نباید به گردن اخلاک‌گرا یا صرافان بیندازد. معتقد دولت و آقای رئیس‌جمهور بستر اختلال را به وجود آوردند. دولت با صداقت صحبت نمی‌کند و ظرف ۲،۵ ماه گذشته بیست مرتبه سیاست اقتصادی خود را تغییر داد. اگر آخرین سیاست درست است چرا دولت اولین سیاست را شتابزده

اما وزارت اطلاعات نباید روزی که اتفاق می‌افتد تازه اعلام کند. وزارت اطلاعات از ماه‌ها قبل وضعیت را رصد می‌کرد و می‌دانست چه کسی این وضعیت را دامن می‌زند. اینکه بیگانگان تلاش دارند که خواسته‌هایشان در ایران دنبال شود، شکی نیست. دشمن از سال‌ها قبل صحبت از انقلاب مخملی می‌کرد اما ناراضی تراسی در مردم را بیگانه نمی‌تواند ایجاد کند بلکه عملکرد مسئولان اجرایی عاملش می‌شود. البته عواملی مزدور بیگانگان هستند اما تعمیم دادن چنین اتفاقی به همه مردم نادرست است. مردم مطالبات به حقی داشتند باید مورد رسیدگی قرار گیرد.

هیچ بازاری هدفی غیر از کمک به دولت ندارد و غیر این عمل نمی‌کند. مخالفت با دولت‌ها یعنی اقتصاد را نابود کردن. اصلاً یک صنف نمی‌تواند با دولت مخالفت کند. بازار و اصناف از ولایت تبعیت می‌کنند. ولایت هم صحبتش این است که «حفظ نظام با همراهی با نظام است که دولت نیز بخشی از نظام محسوب می‌شود.» کمک بازار به دولت‌ها برای همیشه بوده و است. هر نوع کمکی از دست ما بر بیاید دریغ نمی‌کنیم اما دولت نباید فکر کند خودش مالک مملکت است، کشور برای مردم است. دولت باید فاصله اش را با مردم کم کند اما دولت هرروز این فاصله را بیشتر کرده است.



بعد از آنکه سیدحسین موسویان پیشنهاد استعفای دولت روحانی را مطرح کرد، حالا حسینعلی حاجی دلیکانی، نماینده همسو با جبهه پایداری نیز گفت برای تدوین طرح عدم کفایت رئیس جمهور اتاق فکر تشکیل داده است. با او درباره این اقدام به بحث و گفت و گو نشستیم.

بیاید و پاسخ این مردم را بدهد. مردمی که هر جا نظام خواسته، به میدان آمدند. این مردم نجیب و خوب که در همه صحنه‌ها کمک کشور، نظام و انقلاب هستند، آیا مستحق این نوع رفتارها هستند؟ من چند مرتبه از آقای سیف گلایه کردم، به آقای رئیس جمهور گفتیم و نوشتیم «آقای سیف دارد مشکل برای مردم درست می‌کند» اما توجه نکردند. چند روز پیش آقای سیف را در کمیسیون اقتصادی دیدم چون طرح تحقیق و تفحص از بانک مرکزی را دادیم. آقای سیف گفت «طرح تحقیق و تفحص از بانک مرکزی مساله امنیتی دارد». من به او جواب دادم «آقای سیف برای من نمی‌خواهد مساله امنیتی بگویی، چون سپرده‌گذاران یا احتساب خانواده‌هایشان ۲۰ میلیون نفر جمعیت در کشور ناراضی هستند، برخی کف خیابان آمدند، آیا مساله امنیتی بزرگتر از این هم در کشور داشتیم؟ ضعف مدیریت شما این مشکل را درست کرد، چرا جلوی آن را نگرفتی و بی‌تدبیری کردی، چرا کاری کردی موسسات مقابل سپرده‌گذاران قرار بگیرند و مردم برای گرفتن پول شان هجوم ببرند.» در نکته دیگری هم گفتیم «آقای سیف ۴۰۰ نفر قاضی، مدیر و دیگر مسئولان وقتی متوجه شدند مجلس در سال گذشته تصویب کرد سال ۹۷ هنگام بازنشتگی مدیران بالاتر از ۲۴۰ میلیون تومان نمی‌توانند بگیرند رفتند و خود را بازنشسته کردند اما بانک مرکزی سه نفر از این افراد را به سر کار برگرداند. حال آنکه یک نفر آنها از بیت‌المال ۷۰۰ میلیون تومان پاداش و پایان خدمت و ۵۰۰ میلیون تومان هم به عنوان مرخصی استفاده نشده گرفته بود. آیا مدبری که این طور برخورد می‌کند، برای کشور و مستضعفان و طبقه متوسط دلسوزی می‌کند.» چقدر به آقای رئیس جمهور گفتیم برای بانک مرکزی فکری کند. این موضوعات روی هم تلنبار شد و به طرح عدم کفایت رئیس جمهور رسید.

طرح‌ها از روی نگرانی است گفت و گو با حسینعلی حاجی دلیکانی

در چه صورتی از پیگیری طرح عدم کفایت رئیس جمهور منصرف می‌شوید؟

▲ اگر رئیس جمهور خیلی فوری تا اوایل هفته آینده با مردم شفاف صحبت کند، درددل‌ها را بگوید، جاهایی که کوتاهی کرد، عذرخواهی کند، به تشریح برنامه‌های دولت بپردازد و موانع را به اطلاع مردم برساند. پیگیری نمی‌کند اما اینکه بخواهند یک طرفه برون‌تابا با مردم مواجه نشوند مساله خوبی نیست. در مجموع ما براساس منفعت یا هوا و هوس نمی‌خواهیم کاری انجام دهیم. خدا نکند بخواهیم از باب اینکه دلمان می‌خواهد طرح عدم کفایت رئیس جمهور را دنبال کنیم؛ خیر اصلا این طور نیست. آقای روحانی اگر صادقانه با مردم حرف بزند و پای کار بایستد، پیگیری ما منتفی می‌شود اما احساس امروزمان این است که رئیس جمهور پای کار نایستاده است.

برخی منتقدان شما می‌گویند اراده‌ای از خارج مجلس و شهر مشهد است که طرح عدم کفایت رئیس جمهور اجرایی شود، صحت دارد؟

▲ خیر، من این را قبول ندارم. ممکن است یک کسی حرفی بیاپیامکی بزند اما مشهد هم مثل بقیه شهرها محسوب می‌شود. اگر کسی طرح عدم کفایت رئیس جمهور را بخواهد اینگونه با خلط‌محت دچار انحراف کند درست نیست.

کسانی که به شما کمک می‌کنند تا طرح عدم کفایت رئیس جمهور را تدوین کنند از مشهد نیامدند؟

▲ خیر، مشاورین من هستند. همه مطالبی که من در مجلس ارائه می‌دهم که همه را خودم کار نمی‌کنم چون در تمام زمینه‌ها تخصص ندارم بنابراین از مشاورین کمک می‌گیرم.

مشاورین شما مشه‌دی نیستند؟

▲ خیر. سه نفرشان بچه تهران و دونفر هم اصفهانی هستند.

طرح عدم کفایت رئیس جمهور را باید یک‌سوم نمایندگان امضا کنند، حال آنکه نصاب در طرح سوال از رئیس جمهور یک چهارم است و هیچ‌گاه عملی نشد چون همه نمایندگان تا پایان بر امضای خود نماندند. آیا طرح عدم کفایت رئیس جمهور غیر از تبلیغاتی بودن، اثر عملیاتی هم خواهد داشت؟

▲ چه مانور تبلیغاتی؟ یعنی واقعا می‌توانید امضای یک‌سوم نمایندگان را پای این طرح بیاورید؟

▲ ما ما‌مور به تکلیف هستیم. در هر دوره‌ای از انقلاب تا آنجا که خدا توفیق داده، سعی‌مان این است که آنچه تکلیف است عمل کنیم حالا نتیجه چه می‌شود کاری به آن نداریم. در مجلس درباره خیلی بحث‌ها مخالفت می‌کنیم در عین حال که می‌دانیم نظر ما منتج به عدم تصویب نمی‌شود، اما حرف‌مان را می‌زنیم. درباره طرح عدم کفایت رئیس جمهور نیز همین رویکرد را دنبال می‌کنیم. می‌خواهیم آنچه تکلیف داریم را انجام دهیم...

و نیت تبلیغاتی هم ندارید؟

▲ برای چه تبلیغات کنیم؟ خیلی جاها هم ممکن است به ضرر باشد ولی دنبال این هستیم که رئیس جمهور

شما با یکی از رسانه‌ها درباره تشکیل اتاق فکر تدوین طرح عدم کفایت رئیس جمهور صحبت کردید، این اتاق فکر الان چند نفره است؟

▲ کارشناسانی هستند که روی بررسی عملکرد آقای رئیس جمهور دارند کار می‌کنند.

این اتاق فکر تدوین طرح عدم کفایت رئیس جمهور در مجلس است؟

▲ خیر در دفتر خودم است.

آقای خجسته نماینده همدان هم صحبت مشابهی مثل شما داشت، آیا دو نفری در قالب یک کار مشترک طرح عدم کفایت رئیس جمهور را در حال تدوین هستید یا آنکه جداگانه این نیت را پیگیری می‌کنید؟

▲ خیر، من صحبت آقای خجسته را شنیدم ولی حرفی با او نداشتم.

نمایندگان دیگر هم با شما اعلام هم‌نظری و همراهی کردند؟

▲ مردم دائم به نمایندگان مراجعه می‌کنند، تماس می‌گیرند و مرتبط هستند. از نظام و انقلاب شان نگرانند. بر همین اساس ما یکی از کم‌کاری‌ها و ناتوانی‌ها را در وزیر اقتصاد یافتیم. وقتی طرح استیضاح وزیر اقتصاد را آماده و دغدغه‌های مردم را در قالب موضوع استیضاح وزیر اقتصاد دنبال کردم، عمده کسانی که سراغ‌شان رفتم، بیان می‌کردند «چرا پیگیر طرح استیضاح رئیس جمهور نمی‌شوید، چون بخشی از تیم اقتصادی دولت وزیر نیستند و مستقیم زیر نظر رئیس جمهور عمل می‌کنند، بنابراین مجلس نمی‌تواند از آنها بازخواست کند.»

چرا اول بحث سوال از رئیس جمهور را دنبال نمی‌کنید؟

▲ موضوع طرح سوال از رئیس جمهور بارها مطرح شده بود اما تعدادی از امضا کنندگان بر اثر فشارهای برخی مدیران دولتی اعم از استاندار و وزرا در نیمه راه منصرف شدند بنابراین از طریق سوال به نتیجه نمی‌رسیدیم. انصافا هیچ‌کس دیگری هم جوابی برای مردم ندارد. مردم ما را به عنوان وکیل خود قرار دادند تا برای آنها بدویم و تلاش کنیم.

اصلاح طلبان هم حاضرند طرح عدم کفایت رئیس جمهور را امضا کنند؟

▲ بله.

چند نفر از اصلاح طلبان به شما گفتند حاضرند این طرح را امضا کنند؟

▲ من تعداد را در ذهن ندارم ولی به کسانی که مراجعه می‌کردم این دیدگاه را داشتم.

یعنی از فراکسیون امید هم کسان زیادی طرح عدم کفایت رئیس جمهور را امضا خواهند کرد؟

▲ بله، برخی مسائل جناحی است اما شاید خوانندگان این خبر باورشان بشود یا نشود که خیلی مسائل جناحی نیست یعنی عموم نمایندگان با هر سلیقه فکری و مشرب سیاسی در خیلی موضوعات نظر مشترک دارند. در موضوع طرح عدم کفایت نیز برداشتم این است که شاید کسی قبول کند یا قبول نکند اما ما این کار را به عنوان یک رسالت می‌دانیم. چون واقعا مردم انتظار یک اقدام فوری جراحی دارند.

اصولگرایان انتخابات ۱۴۰۰ رامی برند

گفت‌وگو با صادق زیباکلام

آقای کرباسچی گفت: «خوب است که آقای عبدالله نوری جایگزین آقای عارف در شورای عالی سیاست‌گذاری شود»، نظر شما چیست؟

من در اصول با آن چیزی که آقای کرباسچی گفت، موافق هستم چون واقعا آقای دکتر محمدرضا عارف در این دو سال که رئیس فراکسیون امید بود، صدایی از او در نیامد. حتی یک بار جمله‌ای در توصیف او به کار بردم که خیلی جمله قشنگی نیست، ولی خب شرمندهم، یعنی عذرخواهی می‌کنم از آقای دکتر عارف، ولی دلم می‌خواهد جمله را دومرتبه به کار ببرم و بگویم در این دو سال و نیم از هر جایی صدا درآمد، ولی از فراکسیون امید و آقای دکتر عارف صدایی نشنیدیم. بالاخره این همه مسائل مهم در کشور اتفاق افتاد؛ چه داخلی و چه در سطح منطقه؛ آیا جایش نبود که آقای دکتر عارف در خصوص این‌ها موضع‌گیری کند؟ بالاخره یک چیزی می‌گفت، به جز اینکه اسم این کار ملاحظه‌کاری بیش از حد باشد واقعا توصیف دیگری نمی‌توان گفت. من تا آنجایی که پادم می‌آید در این دو سال ونیم، شجاعانه و برجسته‌ترین صحتی که از آقای دکتر عارف در مجلس شنیدم این بود که «دو، سه تا از کولبرها در برف و سرما خشک شدند و باید یک فکری برای کولبرها کرد.» این شجاعانه‌ترین موضع‌گیری‌ای بود که من از آقای دکتر عارف شنیدم. فراکسیون امید هم چنین وضعیتی دارد. ۱۰۴ نماینده عضو این فراکسیون هستند و شما اگر آقای محمود صادقی را مستثنی کنید، واقعا همه این‌ها مثل آقای دکتر عارف عمل کردند. فرقی نمی‌کند از آقای الیاس حضرتی گرفته تا مهندس حیدری همه مثل دکتر عارف عمل کردند. به عبارت دیگر هیچ کدام شان یک سر و گردن بالاتر از دکتر عارف نمی‌ایستند. البته آقای دکتر علی مطهری هم هست که خب آقای دکتر علی مطهری می‌گوید که من اصلا جزو فراکسیون امید نیستم. حالا فراکسیون امید می‌خواهد من را جزو خودشان بگذارد یا لیست امید می‌خواهد من را در انتخابات حمایت کند، انجام دهد. ولی واقعا اگر دکتر علی مطهری و آقای محمود صادقی را مستثنی کنیم، واقعا همه جا را آب برده، مجلس را خواب برده و فراکسیون امید را ایضا. بنابراین از این باب من حق می‌دهم به آقای کرباسچی که بگوید آقای عبدالله نوری باید بیاید و به یک شکلی ریاست شورای عالی اصلاح‌طلبان را در دست بگیرد. اما واقعیت آن است که اصلاح‌طلبان به شدت از نظر تشکل و سازماندهی زیر صفر هستند، یعنی صفر هم نیستند. لنین جمله معروفی دارد، او می‌گوید «با حزب ما همه چیز هستیم، بدون حزب ما هیچ نیستیم.» مقصود لنین از حزب، تشکل و سازماندهی است. اصلاح‌طلبان یک ظرفیت بالقوه اجتماعی نیرومندی دارند، ولی متأسفانه

به دلیل فقدان همان چیزی که لنین می‌گوید در تشکل و سازماندهی، واقعا صفر هستند، مثل یک دریاچه عظیم آب که پشت یک سد جمع است، ولی هیچ راهی نیست که این آب بیاید و بخشی از آن سرریز شود و این دشت زیر سد را حاصلخیز و بارور کند.

فکر نمی‌کنید تقابل آقای عارف و کرباسچی موضوع شخصی است؟

ما در عرصه سیاست نمی‌توانیم بیاییم و بگویم چون آقای کرباسچی یک دلخوری هایی از آقای عارف دارد، حالا آمده مثلا این طوری دارد از آقای عارف انتقام می‌گیرد. شاید این طوری باشد، شاید آقای کرباسچی کدورت‌هایی از آقای عارف دارد و انگیزه‌اش به خاطر آن کدورت‌ها است. شاید هم نه، هیچ کدورتی ندارد و واقعا آن چیزی را که اعتقاد دارد می‌گوید. ما نمی‌توانیم بیاییم و بگویم آقای کرباسچی، آیا به خاطر کدورت‌ها و به خاطر اینکه می‌خواهد از عارف انتقام بگیرد چنین مباحثی را مطرح می‌کند؟ همین عملکرد دو سال آقای عارف در مجلس را نگاه کنیم بنابراین در اساس آقای کرباسچی بیره نمی‌گوید. خدا عالم است، یعنی اگر ایشان کدورتی هم داشته باشد، اصل آن چیزی که دارد می‌گوید، درست است.

اما امسال تحرکی در مجلس ایجاد شد، مثلا در انتخابات هیات‌رئیس آقای عارف شانه به شانه رقابتی نزدیک با آقای لاریجانی داشت یا او در انتخابات کمیسیون‌ها بالاخره رئیس کمیسیون آموزش شد. حتی ریاست کمیسیون فرهنگی از دست پایداری‌ها گرفته شده و به یک عضو فراکسیون امید انتقال یافت، در کمیسیون امنیت ملی بعد از ۱۴ سال آقای بروجرودی کنار رفت. یعنی اینها کارهایی بود که نشان می‌دهد بالاخره فراکسیون امید یک تکانی خورد، آیا این اتفاقات انتظارات را برآورده نکرده است؟

این‌ها را قبول دارم، اما اگر ما امروز یک نظرسنجی کنیم، از آن یک میلیون و خرده‌ای که آمدند به آقای عارف به عنوان سرلیست اصلاح‌طلبان رأی دادند، چند درصدشان به عملکرد فراکسیون امید و در رأس آن آقای عارف نمره قبولی می‌دهند؟ خیلی کم. **مثلا چقدر؟**

نمی‌دانم. قطعا زیر ۵۰ درصد. من فکر می‌کنم هم آقای عارف، هم سایر ۲۰ نفر لیست امید مثل خود آقای روحانی مشکلات زیادی داشته باشند اگر بخواهند دوباره وارد انتخابات شوند، چون واقعا نارضایتی از آنها بالای ۵۰ درصد است.

اینکه آقای عبدالله نوری بیاید جای آقای عارف را در شورای عالی سیاست‌گذاری بگیرد، در حالی که مدت‌هاست گوشه‌نشینی سیاسی اختیار کرده آیا واقعا موثر خواهد بود، اصلا حرفش نفوذی خواهد داشت یا نه؟

نمی‌دانم، باید بیاید و ببینیم که می‌تواند جریان یا حرکتی را ایجاد کند و خون تازه‌ای را وارد جریان رهبری

اصلاحات سازد یا خیر. من معتقدم افراد دیگری هم مثل بهزاد نبوی هستند که خیلی جدی جریان اصلاح‌طلبان باید آنها را در شورای عالی اصلاح‌طلبان جذب کند.

شما می‌گویید الان هر کسی غیر از آقای عارف رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری شود؛ یعنی واقعا الان دوره‌ای رسیده که آقای عارف باید جای خودش را به کسی دیگر بدهد؟

من فکر می‌کنم که باید تحرک جدید و خون تازه‌ای در رهبری، سازماندهی، تشکل و رهبری اصلاح‌طلبان وارد شود، برای اینکه اصلاح‌طلبان هم به همان سرنوشتی دچار شدند که آقای روحانی دچار شده، یعنی آن سرخوردگی که نسبت به آقای روحانی در جامعه به وجود آمده، کاش فقط محدود می‌شد به آقای روحانی، ولی واقع مطلب این است که نسبت به اصلاح‌طلبان هم به وجود آمده است. من معتقدم که اگر در انتخابات سال ۹۸، آقای خاتمی دوبار که سهل است، ۲۰۰ بار هم بگوید تکرار می‌کنم، آبی گرم نمی‌شود، به خاطر همین احساس سرخوردگی و ناامیدی که به وجود آمده، متنها مشکل اساسی این است که اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند این سرخوردگی را که از آنها به وجود آمده ببینند اما می‌گویند چه کنیم، دست و بال مان بسته است. آنچه مسلم است، این است که اصلاح‌طلبان فقط یک سرمایه اجتماعی دارند و بس. نه تشکل و سازماندهی دارند، نه امکانات مالی و حامی قدرتمند که از آنها حمایت و پشتیبانی کند. در واقع به جز یک سرمایه اجتماعی که بخش عمده‌ای از افشار و لایه‌های تحصیلکرده مملکت از جریان اصلاحات حمایت می‌کنند، اصلاح‌طلبان واقعا چیز دیگری ندارند. بنابراین اگر آن سرمایه اجتماعی خدشه‌دار شود که من مطمئنم خدشه‌دار شده، اصلاح‌طلبان عملا با بحران مقبولیت مواجه هستند، یعنی اگر آقای خاتمی بگوید تکرار می‌کنم، دیگر اتفاقی نمی‌افتد. ایشان سه سال پیش وقتی گفت تکرار می‌کنم، در اسفند ۹۴ باعث شد که یک اصولگر بتواند از تهران راه به مجلس پیدا کند ولی اگر در سال ۹۸ ایشان بگوید تکرار می‌کنم، آن اتفاق دوباره تکرار نمی‌شود.

آقای دکتر! فکر می‌کنید راهکار تغییر این وضعیت چیست؟ آیا اصلاح‌طلبان می‌توانند از روحانی دور شوند و به نقد او بپردازند؟

نه، این راه حلش نیست. راه حلش این است که دو کار اساسی باید انجام دهند. یک؛ باید اصلاح‌طلبان برای دهه هفتادی‌ها آرام، آرام بگویند که اصلاح‌طلبی یعنی چه و اصلاح‌طلب یعنی که. چون الان اصلا معلوم نیست که اصلاح‌طلبی یعنی چه و اصلاح‌طلب یعنی که. یک سری حرف‌های قشنگی زده می‌شود مثل کرامت انسانی و احترام به رأی مردم اما خب اینها هم خیلی از اصولگراها می‌گویند و حتی از عدالت اجتماعی حرف می‌زنند. به نظر من زمانش فرارسیده و کمی هم دیر شده که اصلاح‌طلبان باید به عنوان جریان دموکراسی خواه و جریان آزادی خواه در ایران شناخته شوند. یعنی اگر ما از یک دهه هفتادی در انتخابات ۹۸ سوال کنیم که برای چه دارد به نامزدهای اصلاح‌طلب رأی می‌دهد؟ بگوید برای اینکه این‌ها آزادبخواه هستند، این‌ها دموکراسی خواه هستند، ولی این الان وجود ندارد. این ضعف اول و اشکال اول اصلاح‌طلبان است که پس از دو دهه از ۷۶ تا ۹۷ کاری انجام ندادند. آنها باید صراحتا و مشخصا به عنوان جریان آزادیخواه در جامعه ما شناخته شوند. اشکال دوم‌شان هم همانی است که در ابتدا گفتم. اصلا تشکل و سازماندهی در جناح اصلاحات واقعا وجود ندارد و این را به بهترین وجه در جریان انتخاب شهردار جدید دو ماه پیش شاهد بودیم

اگر ما امروز یک نظرسنجی کنیم، از آن یک میلیون و خرده‌ای که آمدند به آقای عارف به عنوان سرلیست اصلاح‌طلبان رأی دادند، چند درصدشان به عملکرد فراکسیون امید و در رأس آن آقای عارف نمره قبولی می‌دهند؟ خیلی کم

بگذارید این جور بگوییم. آقای روحانی به نحو حیرت‌انگیزی، یعنی با سرعت حیرت‌انگیزی که واقعا غیر قابل تصور بود، آن بدنه اجتماعی که باعث شد ۲۴ میلیون رأی بیاورد را در این یک ساله به شدت از دست داد، چون همه آن ۲۴ میلیون نفر که اصلاح طلب نبودند، بخش عمده‌ای از آنها به اعتبار چهره‌ها و شخصیت‌های اصلاح طلب از آقای روحانی حمایت کردند و به او رأی دادند

یک نفر برای پیدا کردن بچه‌اش دل توی دلش نیست و دائم در خیابان می‌گردد، به همه بیمارستان‌ها سر می‌زند، به کلانتری می‌رود، در یک کلام آرام و قرار ندارد اما یک نفر هم بی‌تفاوت در خانه می‌نشیند و می‌گوید چه کار کنم، من به کلانتری گفتم، عمو و دایی بچه نیز دارند می‌گردند، حالا من چه کار می‌توانم بکنم؟ آقای روحانی دقیقا مثل حالت دوم برخورد می‌کند؛ جامعه نسبت به آقای روحانی یک احساس خیلی بدی دارد که مملکت در چالش است، نظام با هزار و یک مساله و مشکل روبه‌رو شده اما روحانی خواب شبش ترک نمی‌شود. اگر امشب آقای روحانی در تلویزیون با آقای حیدری مصاحبه کند، مصاحبه‌ای ضعیف‌تر از مصاحبه‌های قبلیش خواهد بود. آقای حیدری می‌گوید «یک عده نگران وضعیت کشور هستند»، اما آقای روحانی در پاسخ به این سوال لبخند می‌زند و می‌گوید «نه، جای نگرانی نیست، بانک مرکزی نبض کار دستش است، آقای نوبخت و اسحاق جهانگیری هم مابقی کار دست‌شان است، البته مشکلاتی هست ولی گام‌های بزرگی برداشتیم و من این قول را به ملت شریف می‌دهم که گام‌های بزرگ‌تری را هم در آینده برداریم.» یعنی طوری حرف می‌زدند که واقعا مثل اینکه مردم نمی‌فهمند. من در اولین مصاحبه‌ای که آقای روحانی بعد از انتخابات ۲۹ اردیبهشت ۹۶ کرد، گفتم «آقای روحانی چرا با مردم این طوری رفتار می‌کنید که انگار بچه‌اند؟»: مثل پدری که بخواهد بچه‌اش را ساکت کند می‌گوید «بنشین الان مادرت می‌آید و بیرون می‌رویم تا برایت شکلات بخریم یا الان به تو غذا می‌دهم یا الان به تو پفک می‌دهم.» واقعا آقای روحانی دارد این طوری با مردم رفتار می‌کند که نه، چیزی نیست، حالا دلار هم مشکلی نیست، درست می‌شود، ما یک تصمیماتی گرفتیم که ان شاء الله به زودی این آثارش پیدا خواهد شد. می‌گوییم «برجام چه می‌شود؟» می‌گوید «حالا آمریکا یک گوشه تلخی‌هایی می‌کند،

رهبر حزب مقابل آقای روحانی می‌ایستاد، چون فقط آقای روحانی نیست که سرمایه اجتماعی را از دست می‌دهد، آن پایگاه اجتماعی جریان سیاسی است که خدشه‌دار شده، ولی واقعا الان آقای روحانی این اعتبار را که از دست داده و مقداری هم به جریان اصلاحات لطمه وارد شده است.

عکسی منتشر شد که آقای روحانی به توچال رفته و تله کابین سوار شده، خودتان این عکس را دیدید؟

ندیدیم، ولی در مجلس شنیدیم که یکی از نماینده‌ها گفته «به جای توچال و تله کابین و این‌ها، آقای روحانی چرا نمایا به فلان موضوع رسیدگی کنی؟» البته یک مساله است و آن هم اینکه جریان رادیکال اصولگرا از همان فردای ۲۹ اردیبهشت واقعا سعی کرد که سقف آن ۲۴ میلیون رأی را روی سر روحانی خراب کند، منتها آدم باید انصاف داشته باشد و بگوید درست است که جریان تندرو هر کاری که می‌توانست و هر بلایی که می‌توانست، سر آقای روحانی آورد ولی خود آقای روحانی هم کم در دست دادن این سرمایه اجتماعی بی‌تقصیر نبود؛ حتی می‌توان گفت خیلی مقصر بود.

آیا فضای امروز کشور جای آن را داشت که آقای روحانی به تله کابین توچال برود؟

مشکل فقط تله کابین نیست. کاش ایشان هر روز می‌رفت سوار تله کابین می‌شد. مشکل خیلی اساسی‌تر است. الان آقای روحانی نزد مردم اعم از کسانی که به او رأی دادند و کسانی که رأی ندادند و حتی آنها که در انتخابات شرکت نکردند؛ یک تصویر در ذهن دارند و آن اینکه «آقای روحانی به صورت یک رئیس جمهوری درآمده که کشور در بحران عظیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فرو رفته اما او خواب شبش را از دست نداده و خیلی پریشان نیست.» مثال بارز نوع واکنش کسی که بچه‌اش گم شده است.

که واقعا چقدر جریان اصلاحات از نبود رهبری و تشکل و سازماندهی رنج می‌برد.

فکر می‌کنید اصلاح طلبان از آقای روحانی در حال فاصله گرفتن هستند؟

بگذارید این جور بگوییم. آقای روحانی به نحو حیرت‌انگیزی، یعنی با سرعت حیرت‌انگیزی که واقعا غیر قابل تصور بود، آن بدنه اجتماعی که باعث شد ۲۴ میلیون رأی بیاورد را در این یک ساله به شدت از دست داد، چون همه آن ۲۴ میلیون نفر که اصلاح طلب نبودند، بخش عمده‌ای از آنها به اعتبار چهره‌ها و شخصیت‌های اصلاح طلب از آقای روحانی حمایت کردند و به او رأی دادند. بخشی از آن ۲۴ میلیون کسانی بودند که با توجه به اعتدال و میانه‌روی آقای روحانی آمدند و رأی دادند، البته برخی نیز به خاطر مساله تنش‌زدایی که ایشان در سیاست خارجی به وجود آورد رأی خود را به نفع او داخل صندوق انداختند. به هر حال مجموعه این‌ها آن ۲۴ میلیون رأی شد، ولی عرض کردم که آقای روحانی ظرف یک سال گذشته بخش عمده‌ای از آن ۲۴ میلیون رأی را از دست داد. مثلاً همانند بچه‌هایی است که پدر و مادرهایشان کنار ساحل برای آنها یک چیزهایی درست می‌کنند؛ آنها بی که مقداری ذوق و هنر بیشتری دارند، قلعه یا شمالی از حیوان درست می‌کنند اما یکمرتبه یک موج می‌آید و بخش عمده‌ای از آن سازه‌ها را که با ماسه درست شده، می‌شورد و می‌برد. واقعا آقای روحانی چنین وضعیتی را پیدا کرده است. همین فردا اگر آقای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند، فکر نمی‌کنم بیش از یکی، دو میلیون رأی بیشتر بیاورد.

موضوعی که واقعا حیرت‌انگیز و باورنکردنی است، این است که آقای روحانی هیچ تلاشی نمی‌کند که جلوی این اتفاق را بگیرد. علی‌القاعده هر کسی وقتی دچار چنین وضعیتی شود، باید این سوال برایش مطرح شود که «چرا این وضع دارد اتفاق می‌افتد؟ چرا روز به روز دلار بالا می‌رود؟ چرا محبوبیت من روز به روز پایین می‌آید؟» منتقدم اگر کسی مثل آقای نوبخت در خلوت به آقای روحانی بگوید «آقای دکتر شما از آن ۲۴ میلیون رأی ۹۰-۸۰ درصدش را از دست دادید» به نظرم نمی‌آید آقای روحانی خیلی برایش اهمیتی داشته باشد. نمی‌دانم، شاید برگردد به آقای نوبخت جواب دهد که «تو می‌دانی که من دیگر قرار نیست در انتخابات شرکت کنم، حالا اگر هم از دست بدهم اهمیتی ندارد.» البته این ضعف نظام سیاسی ماست، چون نظام سیاسی ما یک نظام سیاسی حزبی نیست، اگر حزبی می‌بود، آن وقت آن



در انتخابات ۹۸ اگر خاتمی ۲۰۰ بار هم بگوید «تکرار می‌کنم»، تأثیری نخواهد داشت



اگر همین فردا انتخابات برگزار شود، روحانی ۲ میلیون رأی می‌آورد



اصلاح طلبان باید مقابل عملکرد روحانی پاسخگو باشند



باشد، قطعاً رئیس‌جمهور آینده ایران می‌شود؛ نه به خاطر اینکه محبوبیت دارد، به خاطر این است که کسر قابل توجهی از مردم در انتخابات ۱۴۰۰ دیگر شرکت نخواهند کرد و ما اگر خودمان را ریز ریز کنیم و به مردم بگوییم بروید رأی دهید آنها جواب می‌دهند «یک بار ما حرف شما را گوش دادیم و گول خوردیم.» این چیزی است که به من می‌گویند. باورتان نمی‌شود که روزانه من با یک دو جین آدم مواجه می‌شوم یا در فضای مجازی یا در ناوایی سنگی سر کوچه‌مان که دارم می‌روم نان بگیرم، به من کنایه می‌زنند، بنابراین ما نمی‌توانیم بگوییم به من مربوط نیست. تفاوت من با اصلاح‌طلبان این است که من نمی‌گویم به من مربوط نیست، من می‌ایستم و می‌گویم چرا، به من مربوط است و سعی می‌کنم حداقل با آنها همدردی کنم، سعی می‌کنم بگویم «والا بلا من صادق زیبا کلام فکر می‌کردم کار درستی دارم می‌کنم، من صادق زیبا کلام فکر می‌کردم که جلوی آمدن جناح راست اصولگرا را باید بگیرم، من صادق زیبا کلام فکر می‌کردم که بهترین کار این است که آقای رئیسی رئیس‌جمهور نشود.» اینکه اصلاح‌طلبان بیابید شانه خالی کنید، مسئولیت قبول نکنید، این است که دردناک است، وگرنه همه ما به هر حال تصمیمات سیاسی باید بگیریم و پایش هم باید بایستیم. اینکه اصلاح‌طلبان حاضر نشدند در قبال روحانی احساس مسئولیت کنند و پاسخگو باشند، این به نظر من خیلی دردناک است.

بازی فوتبال است باز یکنان تیم می‌گویند سه تا گل خوردیم و ۱۰ تا یک ربع دیگر هم بازی به آخر می‌رسد، بنابراین چگونه ما می‌توانیم ببریم؟ ما خیلی همت کنیم، یک گل بزنیم، ولی ما سه بر یک بازی را در نهایت باختیم. وجود این احساس در مورد آقای روحانی خیلی دردناک است.

این به حساب همه اصلاح‌طلبان گذاشته می‌شود؟

قطعاً این طور است. یکی از دلایلی که خیلی از اصلاح‌طلبان به خون من تشنه هستند، این است که من قبل از عید گفتیم که ما نمی‌توانیم با مردم بازی کنیم، مردم اسباب‌بازی ما نیستند که ما به مردم بگوییم شما بیابید به روحانی رأی بدهید، بعد بگوییم «روحانی بد از آب درآمد، روحانی آن چیزی که ما فکر می‌کردیم، نبود و حالا خودتان می‌دانید.» این طوری نیست، ما از اعتبار اجتماعی‌مان فقط یک بار می‌توانیم استفاده کنیم. این شعارهایی که در تجمعات دی‌ماه داده شد که «اصلاح‌طلب و اصولگرا دیگر تمام است ماجرا،» این به نظر من فاجعه بود برای جریان اصلاح‌طلب. چرا؟ برای اینکه در قبال روحانی ما باید احساس مسئولیت می‌کردیم، ولی نکردیم. خیلی از اصلاح‌طلبان طوری در قبال روحانی رفتار کردند که به ما دیگر مربوط نیست. روحانی است و این جریان اعتدال و توسعه؛ آقای روحانی و نوبخت که هیچ وقت اصلاح‌طلب نبودند، ما بودیم که از مردم خواستیم پای صندوق بیایند و به روحانی رأی دهند، ما بودیم که آن ۲۴ میلیون رأی را برای آقای روحانی جمع کردیم و الان ما نمی‌توانیم به مردم بگوییم به ما ارتباطی ندارد. چرا، به ما ارتباط دارد و ما باید امروز پاسخگو باشیم و من متأسفانه هیچ اصلاح‌طلبی را ندیدم که در قبال روحانی پاسخگو باشد. من هیچ اصلاح‌طلبی را ندیدم که بیاید و بگوید که «ما بودیم که باعث پیروزی روحانی شدیم، ولی در عین حمایت از او انتقاد می‌کنیم و ما خیلی خوب رفتار نکردیم.» بنابراین من معتقدم که فقط روحانی نیست که اعتبارش این وسطا خدشه دار شده، جریان اصلاح‌طلب هم اعتبارش خدشه دار شده است.

شما یک جا گفتید که رادیکال‌ها از این به بعد میدان دار می‌شوند و لاریجانی را هم با خود خواهند برد.

من فکر می‌کنم که ما داریم یک مقدار زیادی مثل سال ۸۴ می‌شویم. چه آقای رئیسی و چه هر کس دیگری که مورد حمایت جریان رادیکال

یک بدعهدی‌هایی می‌کنند، ولی ان‌شاءالله آن هم درست می‌شود.» می‌گوییم «مملکت آب ندارد، خیلی جاها بی‌آبی رویه‌رو هستند»، می‌گوید «بله، آن را هم قرار شده وزارت نیرو یک فکری برای آب بکند.» آن چیزی که باعث دلخوری مردم شده و محال است دیگر به طرف آقای روحانی بیایند، این است که اصلاً به نظر نمی‌رسد که برای آقای روحانی این مشکلات و مسائل جایگاهی دارند یا ایشان به فکرش است. بنابراین مساله توجال رفتن آقای روحانی چیزی نیست، می‌توانست از او عکسی دریابید که مثلاً در خانواده‌اش نشستند دارد تولد می‌گیرد یا شمع فوت می‌کند. این‌ها هیچ کدام مهم نیست، مهم این است که مردم احساس می‌کنند که آقای روحانی در قبال این وضعیت اسفناک و بحرانی که مملکت به آن دچار شد، بی‌تفاوت است که معتقدم چنین اتفاقی فاجعه است.

وضعیت کنونی کشور چه داستانی را برای آقای روحانی رقم خواهد زد؛ یعنی این حالت واقعا باعث سقوط دولتش نمی‌شود؟

من فکر می‌کنم که یواش یواش اساساً دیگر خیلی اهمیتی ندارد که آقای روحانی استعفا بدهد یا ندهد. آقای روحانی کمابیش به جایی رسیده که دیگر خیلی مهم نیست که چه کار کند و چه کار نکند، آن سقوط اتفاق افتاده است. مثل این است که دانش‌آموزی در یک درسی نمره سه یا پنج بگیرد و رد شود. حالا بیاییم بگوییم چه کار باید بکنیم؟ این چه کار باید بکنیم تا قبل از امتحان بود که معلم خصوصی برای دانش‌آموز بگیریم، با او کار کنیم، امتحان را به عقب بیندازیم... هیچ کدام این‌ها نشده است. آقای روحانی در این یک سال امتحان داده و پنج گرفته، دو گرفته، سه گرفته و متأسفانه و از آن بدتر اینکه آقای روحانی به نظر می‌رسد که اساساً صورت مساله را قبول ندارد. یک وقت است که مردم احساس می‌کردند آقای روحانی واقعا دارد یقه چاک می‌کند، واقعا دارد شبانه‌روز وقت می‌گذارد، مذاکره می‌کند، می‌رود و می‌آید ولی اصلاً و ابداً آن احساس در مردم در مورد خود آقای روحانی و دولتش امروز وجود ندارد. من حتی می‌خواهم یک قدم هم جلوتر بیایم و بگویم یواش یواش این احساس که نسبت به روحانی پیش آمده که اصلاً انگار نه انگار که وضع مملکت خراب است، یواش یواش این احساس دارد نسبت به اسحاق جهانگیری هم سرایت پیدا می‌کند، نسبت به آقای نوبخت هم سرایت پیدا می‌کند. قبلاً می‌گفتند آقای روحانی خیلی در جلسات شرکت نمی‌کند و خیلی کار نمی‌کند، ولی عوض آقای اسحاق جهانگیری دارد تلاش می‌کند. اما گویا آقای اسحاق جهانگیری نیز همین وضعیت را پیدا کرده است. مثل





نوری به جای عارف

شورای عالی اصلاح طلبان تغییر می کند؟

اصلاحات است. علی محمد نمازی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران و نایب رئیس مجمع نمایندگان ادوار با بیان اینکه عبدالله نوری ویژگی های مناسب بیشتری دارد، خاطر نشان کرده است: «وی از عارف بیشتر نماینده و وزیر بوده، نماینده حضرت امام بوده، روحانی بودن وی یک امتیاز است، بینش سیاسی بهتر و قوی تری دارد و در مجموع من وی را برای ریاست پارلمان اصلاحات بسیار مناسب می دانم.» نمازی در پاسخ به این پرسش که آیا عارف بهتر از نوری نمی تواند وفاق ایجاد کند، گفت: «بعید می دانم. شاید بعضی از احزاب که بزرگ نیستند و رئیس آن احزاب محافظه کار هستند، تمایل به عارف داشته باشند.» عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران با بیان اینکه جبهه اصلاحات در دوره های گذشته با رهبری رئیس دولت موقتیت های خوبی را به دست آورد، افزود: «جناح اصلاحات باید توجه داشته باشد شرط اول موقتیت، رهبری و هدایت است که باید دست کسی باشد که توانایی، سابقه خوب و داشته باشد و وحدت بین اعضا و تشکل ها را ایجاد کند. ما باید وحدت را رعایت و تقویت کنیم. شرط بعدی این است که باید تصمیمات درست و به موقع برای مسائل روز کشور گرفته شود. طرح تشکیل «پارلمان اصلاحات» اخیرا در شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به تصویب رسید که به گفته عبدالواحد موسوی لاری قرار است نهاد بالادستی اصلاح طلبان باشد.»

اما ادامه واکنش ها که در مورد این مساله افزایش یافت، مسئول روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی با بیان اینکه بحثی در شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان در مورد ریاست محمدرضا عارف نداریم، گفت: «تاکید اصلی ما اصلاح روندهاست که با تشکیک پارلمان اصلاحات می توان این روند را اصلاح کرد.»

«مصطفی پهلوانی»، مسئول روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی در واکنش به این خبر روز سه شنبه به خبرنگار سیاسی ایرنا گفت: «یکی از رسانه ها (باشگاه خبرنگاران جوان) در خبر خود، بخش هایی از مصاحبه با «غلامحسین کرباسچی» را برجسته و بخشی را کم رنگ کرده و این شیطنت و بی تجربگی ظاهرا به این داستان ها دامن زده است. خبرنگار باشگاه خبرنگاران از کرباسچی

«مطمئن نیستم آقای خاتمی چنین حرفی زده باشد و برای ایجاد تغییر در ساختار شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان باید به آرای اعضا رجوع کرد.» رئیس شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان وظیفه اداره شورا را بر عهد دارد و رای وی بالاتر از رای دیگر اعضا نیست و به عنوان سکندار شورای مذکور اولویت یا حق ویژه ای نخواهد داشت. کرباسچی درباره انتخابات هیات رئیسه مجلس و ناکارآمدی فراکسیون امید که منجر به انتقاد برخی شخصیت های اصلاح طلب شد و احتمال جایگزینی عبدالله نوری در همین راستا تأکید کرده است: «سوابق نوری با محمدرضا عارف متفاوت است و کارکردهای سیاسی آنها در جریان اصلاحات قابل قیاس نیست بنابراین نمی توان پیش بینی کرد که کدام یک از آنها صندلی ریاست پارلمان اصلاحات را از آن خود می کنند. انتقاد تکامل بخش است و افراد باید با کارنامه، رفتار و شخصیت شان مورد نقد قرار بگیرند بنابراین مساله مهم در حرکت جریان اصلاحات بهبود وضعیت کشور و حل مشکلات اقتصادی و سیاسی بوده و بنابراین انتقاد از رئیس فراکسیون امید طبیعی است و وی یا باید پاسخ دهد یا باید انتقادات را بپذیرد. عبدالله نوری شخصیتی قابل احترام، توانمند در حل مسائل سیاسی، صالح و با سوابق مثبت است که می تواند گزینه مناسبی برای جایگزینی عارف باشد، اما در این باره باید اعضای پارلمان نظر بدهند.»

اما غلامحسین کرباسچی در این ماجرا تنها نبود. اندک زمانی از سخنان او گذشته بود که یک عضو دیگر کارگزاران هم سخنان او را تکرار کرد. علی محمد نمازی گفته است: «نظر شخصی من این است که عبدالله نوری بهترین فرد در مقایسه با آقای عارف برای ریاست پارلمان

اصلاح طلبان دست عوض کرده اند؛ آن هم درست در زمانی که خیلی ها از جمله محمدرضا عارف به گونه ای دیگر فکر می کردند. حالا زمان دورزدن محمدرضا عارف فرارسیده است. این پروژه را حزب کارگزاران کلید زده است. آن هم نه از رده های پایین که غلامحسین کرباسچی خود پرچمدار این نسخه جدید شده است. ماجرا از یک مصاحبه جنجالی کلید خورده است. آنجا که غلامحسین کرباسچی گفته است: «عبدالله نوری شخصیتی توانمند در حل مسائل سیاسی، صالح و با سوابق مثبت است که می تواند گزینه مناسبی برای جایگزینی عارف باشد.» غلامحسین کرباسچی، دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی با اشاره به طرح پارلمان اصلاحات اظهار کرده است: «پارلمان اصلاحات طرحی است که به واسطه آن نیروهای اصلاح طلب و اعتدالگرا بتوانند هماهنگی ۵ سال گذشته را سازماندهی کنند به نحوی که هماهنگی گسترده تر و دموکراتیک تر از گذشته باشد.» وی با بیان اینکه طرح پارلمان اصلاحات تا حدودی در شورای عالی و شورای هماهنگی تدوین شده، گفته است: «اگر این طرح به صورت کامل تأیید و مجموع گروه های اصلاح طلب از آن حمایت کنند، ریاست آن به صورت انتخابی توسط اعضای این تشکل تعیین خواهد شد و انتخاب عبدالله نوری یا شخص دیگری برای سکنداری ریاست پارلمان اصلاحات توسط اعضا به صورت دموکراتیک تصمیم گیری می شود.

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در پاسخ به این سوال که با وجود صحبت های رئیس دولت اصلاحات مبنی بر اصلاح طلب تر نبودن عارف از روحانی آیا امکان تغییر رئیس شورای عالی سیاسی و اینکه آیا عبدالله نوری جایگزین عارف می شود، خاطر نشان کرده است:

البته یک نقشه است. نقشه دیگر حمایت از گزینه اختصاص است که هنوز در مورد آن تصمیم گیری نشده است. خبرهای دیگری از تلاش های علی اکبر ناطق نوری برای ایجاد هماهنگی میان اصلاح طلبان و ناطق نوری حکایت دارد. براساس این گزارش، ناطق نوری از مشوقین علی لاریجانی برای نامزدی در انتخابات ۱۴۰۰ است.

دیگر را برای انتخابات ۱۴۰۰ آماده کنند. آن گونه که خبرنگار ماثل مطلع شده است، گزینه اصلی مدنظر کارگزاران سازندگی کسی نیست جز علی لاریجانی. خبرنگار ماثل همچنین مطلع شده است که محمد خاتمی در اظهار نظری گفته است که گزینه ائتلافی ما برای انتخابات ۱۴۰۰، علی لاریجانی است ما اگر بخواهیم پاراست میان و دولت ائتلاف کنیم، گزینه مان علی لاریجانی است. این

درست در زمانی که غلامحسین کرباسچی گفته است محمدرضا عارف گزینه مناسبی برای پیشبرد امور اصلاح طلبان نیست و عبدالله نوری می تواند فرد مناسبی برای جایگزینی او باشد، خبرهای دیگری رسیده که نشان می دهد کارگزاران سازندگی در واقعیت به دنبال عبدالله نوری نیستند، بلکه آنها در یک هماهنگی پشت پرده با دیگر رهبران اصلاح طلب بنا دارند گزینه های

را بلد نیست و آنها فردی را با این ویژگی ها می خواهند. چه بسا در دولت های گذشته و فعلی نیز وزرایی را می بینم که کار اجرایی بلد نیستند و جای آنها وزارتخانه نیست و به سیستم اجرایی کشور صدمه می زند. این اشتباه است که افراد علمی را با کارهای سیاسی درگیر کنیم. چهره های علمی و فرهنگی که وارد عالم سیاست شده و نتوانستند خود را با فضای سیاسی کشور تطبیق دهند، بسیار هستند.

من اعتقاد دارم که عارف باید پوزیشن و شخصیت علمی خود را حفظ کند و اجازه ندهد که سیاست بازان او را به یک چهره مصرف شده تبدیل کنند. درست است که برخی اصلاح طلبان می گویند نظر شخصی خود را گفته اند اما من نظر دیگری دارم و معتقد هستم که او آرام داده است. حتما او مسائلی را طرح کرده که در فضای درون سازمانی طرح شده است.

بله، به هر جهت این اتفاقات و تصمیم گیری های پشت پرده وجود دارد. من بر مبنای نشانه های همین تصمیمات گفته بودم که از عارف عبور می کنند. حتی اگر دقت کنید گفتمان نیروهای داخل مجلس نیز از همین واقعیت حکایت می کند و عبور از عارف اجتناب ناپذیر است. من قبول ندارم که این اظهار نظر کرباسچی نظر شخصی و بدون مبنا باشد. »

هر چه هست به نظر می رسد کارگزاران سازندگی بازی بزرگی را آغاز کرده است. طرح نام عبدالله نوری به نظر یک بازی تاکتیکی برای کنار گذاشتن محمدرضا عارف و طرح نام های جدید است.

که از سوی کارگزارانی ها دنبال می شود اما تنها حامی این پروژه آنها نیستند.

در اظهار نظری در این مورد سخنگوی اعتماد ملی گفته است نظر خاتمی به عارف نزدیک تر است و مشکلات شورای عالی سیاست گذاری نیز به زودی رفع می شود. او همچنین تاکید می کند که یک حزب به تنهایی نمی تواند برای اصلاح طلبان تصمیم بگیرد و باید دید که نظر دیگر نحل های فکری چیست. گرمای مقدم گفته است: «من فکر می کنم این نظر شخصی آقای کرباسچی است. نظر کل اصلاح طلبان این نیست. او یک نظر دارد و دیدگاهش نیز محترم است اما رئیس شورای عالی سیاست گذاری توسط اعضا انتخاب می شود و نقش آقای خاتمی نیز در این خصوص پررنگ است. در روزهای آتی باید شاهد باشیم که برخی از مشکلات و موانع تشکیل جلسات شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان برطرف و جلسات برگزار شود. به نظر من عملکرد عارف مثبت بوده است. ایشان از سال ۹۲ که بعد از شورای عالی سیاست گذاری در حد مقدر و با محدودیت هایی که وجود دارد به سازماندهی جریان اصلاحات کمک فراوانی کرده است. حتما نقد به شورای عالی سیاست گذاری، رئیس، همه اعضا و حتی همه احزاب وارد است اما باید به خرد جمعی مراجعه و بر این مبنا رئیس شورا را تعیین کرد. من فکر می کنم که طرح این گونه مباحث در رسانه ها هیچ کمکی به انسجام اصلاح طلبان نخواهد کرد و طرح مسائل و موضوعاتی که به اختلافات دامن می زند به دور از خردورزی اصلاح طلبان است. تصور من این است که باید به همه گروه ها و احزاب اجازه داد که نقش آفرینی کنند. در این نقش آفرینی می توانند با اصلاح روند گذشته شورای عالی سیاست گذاری و ترمیم نواقص به تکمیل و پیشرفت این شورا در رسیدن به اهداف کمک کنند. اگر نظر شخصی آقای کرباسچی همان فردی است که از او نام می برد، ممکن است که افراد دیگری نیز نظر دیگری داشته باشند و طرح این مسائل در فضای علنی و رسانه ای بسیار مضر و اختلاف برانگیز است. اگر برخی از اصلاح طلبان در پشت صحنه در حال تصمیم گیری هستند باید این را در نظر داشته باشند که اگر تصمیم آنها نتواند مطالبات اعضای شورای عالی سیاست گذاری را تامین کند، نقطه اختلاف و دوری گروه های اصلاح طلب از یکدیگر خواهد بود.»

در واکنشی دیگر به این ماجرا واعظی آشتیانی گفته است: «من از شش ماه قبل پیش بینی عبور از عارف را کرده بودم. دلایل هم گفت وگوهای میان اصلاح طلبان بود که نشان می داد دکتر عارف را نیرویی که بتواند آن طور که آنها می خواهند لیدر این جریان باشد، نمی بینند. من ضمن احترامی که برای عارف قائل هستم معتمد ایشان یک چهره فرهنگی و علمی هستند و کاش در همان در ادامه داد و به اشتباه وارد عالم سیاست شدند. عارف برخلاف انتظار دوستانش سیاسی کاری و سیاسی بازی

پرسید چه کسی می تواند رئیس پارلمان اصلاحات شود. وی در پاسخ گفت باید رئیس را انتخاب کنند، در ادامه خبرنگار می پرسد از میان «عبدالواحد موسوی لاری» و «عبدالله نوری» کدام می تواند رئیس شوند که دبیرکل حزب کارگزاران نظر مثبت خود را نسبت به نوری بیان می کند، بدون آنکه نظر منفی در مورد «محمدرضا عارف» ابراز کند. مسئول روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی در مورد تشکیل پارلمان اصلاحات گفت: این موضوع از مدت ها قبل در دستور کار حزب بوده و طرحی را آماده کرده است که در موعد مقرر منتشر می شود. پیشنهاد حزب کارگزاران این است که نهادهای فرادستی و بالاتر از شورای عالی سیاست گذاری اصلاحات به نام «پارلمان اصلاحات» تشکیل شود و ریاست این نهاد را اعضای پارلمان اصلاحات انتخاب کنند. ما اساسا بحثی در مورد شخص عارف نداریم، بلکه بحث اصلی اصلاح روندهاست. تجربه انتخابات مجلس و شورای شهر برای ما بسیار مفید بود. با تشکیل پارلمان اصلاحات می توان این روند را اصلاح کرد و خروجی آن می تواند عارف یا شخص دیگری باشد. باید تعداد بیشتری از طیف های اصلاح طلب در مجلس یا پارلمان اصلاحات حضور داشته باشند و افرادی که انتخاب می شوند، بدنه اصلاح طلب را نمایندگی کنند این انتخاب قدری دموکراتیک تر باشد. در طرحی که حزب آماده کرده است اعضای حقیقی شورای سیاست گذاری از طریق این پارلمان انتخاب می شوند. پهلوانی با بیان اینکه ریشه اختلافات حزب کارگزاران با شورای سیاست گذاری و عارف، ارتباطی با شهردار نشدن محسن هاشمی ندارد، تصریح کرد: در مورد شهردار تهران، اعضای شورای شهر تصمیم می گیرند، نه عارف یا شورای عالی سیاست گذاری. یکی از انتقاداتی که داشتیم حزبی عمل کردن اعضای شورای شهر تهران بود. مساله شورای عالی سیاست گذاری مدت ها قبل از استعفا نجفی مطرح بوده است.

اگر چه این مقام کارگزاران تلاش کرده است تا طرح این مساله از جانب کارگزاران را مساله ای شخصی قلمداد کند اما نشانه های دیگری هست که این یک پروژه است

»

غلامحسین کرباسچی در این ماجرا تنها نبود. اندک زمانی از سخنان او گذشته بود که یک عضو دیگر کارگزاران هم سخنان او را تکرار کرد. علی محمد نمازی گفته است: «نظر شخصی من این است که عبدالله نوری بهترین فرد در مقایسه با آقای عارف برای ریاست پارلمان اصلاحات است»

»



پایان یک رویا

محمد رضا عارف

محمد رضا عارف حتما یکی از شخصیت‌های قابل توجه این سال‌های سیاست ایران است. او کاراکتر خاص خودش را دارد. تعبیر درستش شاید این باشد که او سیاست را به رسم خاص خودش دنبال می‌کند. او معاون اولی بوده در دولت سید محمد خاتمی که هیچ‌گاه کسی به او در آن برهه از تاریخ نگاه سیاسی نداشته است.

شاید همین شخصیت خاص هم موجب شده بود که او در فیلم تبلیغاتی اش اولش سعی می‌کرد دیدگاه‌های سیاسی خاص خود را به جای دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه ترویج کند تا بتواند گفتگمانی تازه در سیاست ایران نهادینه کند. شاید هم چنین موفقهایی باعث شد که اصلاح‌طلبان در واپسین لحظات تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری او را کنار گذاشتند و حسن روحانی را برای بازگشت به خانه قدرت برگزیدند یا در رخدادی دیگر حتی برای ریاست پارلمان، علی لاریجانی را به او ترجیح دهند. پدیده‌ای که محمد عطف‌یافتر این گونه آن را توصیف می‌کند: «نقد لاریجانی را به نسیب عارف ترجیح می‌دهیم.» او از این رخدادها دلخور است و گلایه دارد. بگذریم از این ماجراها به نیمه دوم دهه نود برسیم. محمد رضا عارف نفر اول تهران شده است و بعد از آن رئیس فراکسیون امید. در این مدتی که از تشکیل پارلمان جدید گذشته اتفاقات مهمی رخ داده است. تصمیمات سرنوشت‌ساز گرفته شده و برخی تصمیم‌سازی‌های مهم هم در دستورکار است.

محمد رضا عارف حالا به عنوان لیدر اصلاح‌طلبان در مجلس پای ثابت این جلسات است و البته پل ارتباطی حرف‌های آخری که برای اجرا ابلاغ می‌شود. او چند سالی را پشت سر گذاشته پر از جلسات و گنده‌های محرمانه. از نشست‌های محرمانه‌اش با هاشمی رفسنجانی در جماران گرفته تا هم‌نشینی با سید محمد خاتمی. جدایی سیاست هم همین است؛ آنچه پشت پرده می‌گذرد گاه هرگز رونمایی نمی‌شود و گاه زمان چندانی نمی‌گذرد که مهر و موم محرمانگی‌اش برداشته می‌شود. ماجرای رای آوردن عباسعلی کدخدایی در پارلمان جدید هم از آن دسته رخدادهایی است که برای پنهان ماندنش

روای خوش محمد رضا عارف دوام چندانی نداشت. شاید او خیلی زود امیدوار شده بود، رای بالای او در انتخابات سال سوم هیأت رئیسه مجلس و رسیدن به کرسی ریاست کمیسیون آموزش. هر دو اتفاق وقتی کنار هم بیاید حتما می‌تواند فردی به نام محمد رضا عارف را برای برنامه‌ریزی‌های بزرگتر و سطح بالاتر ترغیب کند



زمان چندان زیادی طی نشده است.

پرده برداری از این محرمانه سیاسی را عباسعلی کدخدایی بر عهده گرفت. او در مصاحبه با ویژه‌نامه نوروزی هفته‌نامه مثلث ماجرای رایزنی‌های محمد رضا عارف برای انتخابش را شرح داد و البته گفت که بعد از این اتفاق او مورد سرزنش برخی چهره‌های رده بالای اصلاح‌طلب قرار گرفته است.

پایان یک رویا

روای خوش محمد رضا عارف دوام چندانی نداشت. شاید او خیلی زود امیدوار شده بود، رای بالای او در انتخابات سال سوم هیأت رئیسه مجلس و رسیدن به کرسی ریاست کمیسیون آموزش. هر دو اتفاق وقتی کنار هم بیاید حتما می‌تواند فردی به نام محمد رضا عارف را برای برنامه‌ریزی‌های بزرگتر و سطح بالاتر ترغیب کند. چیزی نمانده بود که رئیس مجلس شود اگر حاجی بابایی در لحظه آخر آتی نمی‌کرد که کرد. وقتی او مستظهر به این رای، لاریجانی را در آغوش گرفت و با مناعت طبع همیشگی‌اش بیروزی رقیب را تبریک گفت، می‌شد از برق چشمانش فهمید چقدر خوشنود است که چنین رای در میان پارلمان تاریست‌ها به سید او ریخته شده است. می‌شد این شادای را نیز حس کرد که عارف چقدر از اینکه اصلاح‌طلبان او را به یک گزینه اعتدالی ترجیح دادند، آن هم کسی که پیشتر درباره‌اش گفته می‌شد «نقد لاریجانی را به نسیب عارف ترجیح می‌دهیم» خوشنود است. این خوشحالی و آن برق شوق مانند عمر گل داشت، خوش اما کوتاه.

غلامحسین کرباسچی گفته است: «عبدالله نوری جایگزین خوبی برای عارف است، عارف یا پاس گو باشد یا انتقادات را بپذیرد.» زیبا کلام نیز اینچنین گفته است: «با حرف کرباسچی موافقم چون در این دو سال از قبرستان صدا درآمد اما از عارف خیر. اینها نشانه‌های مهمی است، عارف تنها یک وسیله بود، برای انتقال یک پیام مهم از اصلاح‌طلبان به اعتدال‌گرایان.

او اشتباه فکر می‌کرد. پیام را با پروژه اشتباه کرده بود. پنداشت عارف لایه این بود که شاید یک پروژه آغاز شده برای گذار از عصر روحانی و ورود به دوران عارف؛ یک اصلاح‌طلب به جای یک اعتدال‌گرا. عارف اشتباه فکر می‌کرد، همین!»



۹۹

۹۹



شیخ دربند عبدالله نوری

باریک نکشد. با بنده تماس گرفتند که خدمتشان برسم. یادآور می‌شوم ما در جلسات یک هفته در میان آقای نوری شرکت می‌کنیم. آنجا هم ما هستیم و هم کارگزاران. خدمت ایشان رسیدیم و دیدیم که نگرانند. البته خیلی دقیق نمی‌دانستند که قضیه چیست ولی نگران بودند. من [ماجرای] به ایشان توضیح دادم و از ایشان خواستم که واسطه شوند و جلسه‌ای برگزار شود. تا این بحث‌ها در جلسه مطرح شود نه در سطح رسانه. حرف آقای نوری هم این بود که اگر اختلافی دارید، بنشینید و با هم حرف بزنید. چرا آن را به سطح رسانه می‌کشاید؟»

سازندگی هم قبل از شرق نوشته بود: «عبدالله نوری نگران است که آنچه در شورای شهر اول رخ داد، دوباره تکرار شود. به همین دلیل در ماه‌های اخیر فعال‌تر از قبل شده و با گروه‌های سیاسی، حول محور استعفای محمدعلی نجفی و حل اختلافات دو جریان موثر جبهه اصلاحات، دیدارهایی انجام می‌دهد. دیدار او با سران حزب اتحاد ملت، اولین دیدار نبود. پیشتر از این نیز در هفته‌های اخیر سران دو حزب کارگزاران سازندگی و اتحاد ملت، به دعوت عبدالله نوری، جلسه مشترکی برگزار کردند. اختلافات پیش آمده بر سر استعفای نجفی، بهانه این دیدار بود. سران حزب اتحاد در آن دیدار بر حفظ نجفی تأکید داشتند. در آن جلسه به خواست عبدالله نوری، توافقاتی صورت گرفت و قرار بر این شد که دو طرف پایبند این توافق بمانند.»

هر چه هست به نظر می‌رسد با اظهارات جدید غلامحسین کرباسچی دوران جدیدی برای او آغاز شده است.



دادگاه ویژه روحانیت فراخوانده شد و پس از چندین جلسه محاکمه و دفاع، و بنابر اتهام‌هایی مانند توهین به مقدسات، نشر اکاذیب، اقدام علیه امنیت ملی و نظایر اینها، در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه و به ۵ سال زندان محکوم شد.

در سال ۱۳۸۷ نام او دوباره توسط اصلاح‌طلبان برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری دهم در کنار محمد خاتمی مطرح شد. پس از شایعات و ابهامات بسیار در مورد کاندیداتوری، عبدالله نوری دو پیش شرط برای کاندیداتوری خود اعلام کرد. اول اینکه اصلاح‌طلبان روی کاندیداتوری واحد وی اجماع کنند و دوم اینکه در صورت رد صلاحیت وی کاندیدای دیگری را به جای او اعلام نکنند.

اما چندی بعد با اعلام رسمی کاندیداتوری و فعال‌سازی ستاد انتخاباتی مهدی کروبی و محمدرضا عارف کار ورود نوری به انتخابات سخت‌تر شد اما عبدالله نوری نیز هم‌زمان به فعالیت‌های خود گسترش بیشتری بخشید و در جلسه مهمی با روزنامه‌نگاران سکوت پنج ساله خود را شکست و پس از انصراف سیدمحمد خاتمی از انتخابات ریاست جمهوری دهم چنین به نظر می‌رسید برخی اصلاح‌طلبان انتخابی جز نوری نخواهند داشت. اما در نهایت با ورود موسوی به صحنه انتخابات حضور نوری در انتخابات منتفی شد. حالا اما اوضاع تغییر کرده است. عبدالله نوری جلسات مهمی را در خانه‌اش برگزار می‌کند. تلاش می‌کند تا در غیبت و محدودیت برخی چهره‌ها در مقام شیخوخیت جناح قرار گیرد هر چند همچنان به دلیل تندروی‌های سابقش مخالفان پرشماری هم دارد.

رونمایی رسانه‌های نزدیک به کارگزاران از نقش او در ماجرای اختلاف بر سر گزینش‌های شهرداری تهران به خوبی نشانی می‌دهد که او از همیشه فعال‌تر شده است.

«شرق» به نقل از علی شکوری راد نوشته بود: «آقای نوری نگران شده بود که این اختلاف به جاهای

عبدالله نوری فعالیت سیاسی خود را با مدیریت در رادیو و تلویزیون و معاونت وزارت امور خارجه در ابتدای انقلاب آغاز کرد. از مسئولیت‌های دیگر او نمایندگی حضرت امام (ره) در هیات نظارت شورای عالی قضایی، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران جنگ بود. او همچنین با حکم امام (ره)، عضو شورای بازنگری قانون اساسی بوده است.

عبدالله نوری به عنوان وزیر کشور در دولت اول هاشمی رفسنجانی منصوب شد. ادغام شهرباتی، ژاندارمری و کمیته‌های انقلاب اسلامی و ایجاد نیروی انتظامی از اقدامات دوران وزارت او بود. نوری ناچار به کناره‌گیری از پست وزارت کشور شد. ناطق نوری بعدها در کتاب خاطرات خود نقل می‌کند: «ما نمی‌پذیریم که آقای عبدالله نوری ولایی فکر کند.» عبدالله نوری در مجالس دوم و پنجم به ترتیب نماینده اصفهان و تهران بود. او در انتخابات مجلس پنجم در سال ۷۴ شرکت کرده و از تهران به مجلس راه یافت. نام او در لیست مورد حمایت حزب کارگزاران سازندگی قرار داشت و در مجلس پنجم به عنوان رئیس فراکسیون اقلیت انتخاب شد. علی اکبر ناطق نوری در رای گیری ریاست مجلس پنجم با اختلاف ۱۱ رای بیشتر از عبدالله نوری توانست به ریاست مجلس برسد. او همچنین دو دوره به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمد.

پس از پیروزی محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری در ۲ خرداد سال ۷۶ نوری دوباره پست وزارت کشور را عهده‌دار شد. وی از مهره‌های اصلی دولت اصلاح طلب خاتمی به شمار می‌رفت.

نوری پس از برگزاری انتخابات شورای شهر تهران نامزد شد و به عنوان منتخب اول به شوراهای یافت.

انتشار روزنامه اصلاح طلب «خرداد» از اقدامات دیگر او بود. این روزنامه پس از مدتی توقیف شد، او به



تضمین فروش یک میلیون بشکه نفت در روز

اخبار ویژه مثلث از بسته پیشنهادی اروپا به ایران

چارچوبی برای ادامه برجام برسیم شاید هم نرسیم. به صراحت به طرف‌های باقیمانده در برجام اعلام شده که جمهوری اسلامی ایران هنوز تصمیمی در خصوص ماندن یا خروج از برجام نگرفته است و تصمیم ماندن ایران در برجام منوط به اراده طرف‌ها و تصمیم آنها برای تأمین خواسته‌های ماست، ضمن اینکه نشانه‌های خوبی از تلاش سران کشورهای اروپایی و سران روسیه و چین برای حفظ برجام مشاهده می‌شود. هنوز مشخص نیست که آیا اروپایی‌ها قادر به گسستن بندهایی که آمریکا بر اقتصاد آنها بسته است، هستند یا خیر؟ ما منتظر ارائه بسته پیشنهادی آنها هستیم.

اما در ادامه، عراقچی از قرار داشتن برجام در بخش مراقبت‌های ویژه خبر داد! عراقچی برجام را به بیماری در شرایط مراقبت‌های ویژه تشبیه کرد و افزود: این به این معنی نیست که برجام از بین رفته است، بلکه نیازمند مراقبت‌های ویژه است تا زمانی که مراقبت‌های ویژه مورد نیاز برجام انجام نشود، برجام از حالت مراقبت‌های ویژه خارج نخواهد شد. جمهوری اسلامی ایران مادامی که به خواست خود نرسد برجام ادامه نخواهد یافت چرا که ادامه برجام با ماندگاری تحریم‌ها قابل جمع نیست و نمی‌توان هم پایه هسته‌ای برجام حفظ شود و هم فشار تحریم‌ها حفظ شود. ما منتظر راهکار عملی اروپایی‌ها هستیم. آیا روسیه از بسته پیشنهادی اروپا تبعیت خواهد کرد؟ مسکو اخیراً بار دیگر حمایت خود را از برجام و استمرار آن اعلام کرده است. بر این اساس الکساندر گروشکوف، معاون وزیر خارجه روسیه اعلام کرده است که مسکو آمادگی پیوستن به بسته اقدامات حفاظتی اتحادیه اروپا را دارد. وی در این خصوص می‌گوید:

گرفته است. سخنگوی فراکسیون مستقلان مجلس گفت: ظریف درباره حفظ ضوابط و چارچوب در مذاکره با اروپایی‌ها درباره برجام می‌گوید روسیه در جهت روابط ایران با اروپا در حال مذاکره است. مهرداد لاهوتی در خصوص جلسه فراکسیون مستقلان با وزیر امور خارجه گفت: در این نشست ظریف آخرین وضعیت مذاکره با اروپا، آینده برجام و بدعهدی را تشریح کرد.

نماینده مردم لنگرود در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: وزیر امور خارجه کشورمان با انتقاد از بدعهدی‌های آمریکا اعلام کرد که غرب مستقیماً اقتصاد ما را نشانه گرفته و به نوعی جنگ اقتصادی را آغاز کرده است. ظریف گفت دشمنان انقلاب در صدد گسترش جنگ اقتصادی در ایران و نابودی ایران هستند و ما باید با تمام تلاش در مقابل آنها ایستادگی کنیم. وی با بیان اینکه وزیر امور خارجه تقویت رابطه با همسایگان را اولویت کاری وزارت خارجه اعلام کرد، گفت: ظریف درباره حفظ ضوابط و چارچوب در مذاکره با اروپایی‌ها درباره برجام، مسائلی را مطرح کرد و گفت، روسیه در جهت روابط ایران با اروپا در حال مذاکره است.

عراقچی از آخرین وضعیت برجام می‌گوید

معاون وزیر امور خارجه کشورمان تأکید کرده است که مذاکرات فشرده‌ای با اروپایی‌ها برای تدوین بسته پیشنهادی راه‌حل حفظ برجام در جریان است و این بسته به زودی به ایران ارائه خواهد شد. سیدعباس عراقچی در این خصوص تأکید کرده است: آنچه که الان با اروپایی‌ها در حال انجام است نه ناامید کننده است و نه می‌توان به آن امیدوار بود، بلکه پیشنهاداتی وجود دارد شاید به یک

اگرچه بیش از یک‌ماه از خروج رسمی ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران سپری شده است اما همچنان تروئیکای اروپایی تضمین‌های خود را برای حفظ برجام ارائه نکرده‌اند. با این حال اخیراً مقامات وزارت امور خارجه کشورمان از ارائه این بسته پیشنهادی در آینده‌ای نزدیک خبر داده‌اند. بدون شک ارائه این بسته پیشنهادی به معنای ارائه تضمین‌های لازم به ایران برای حفظ توافق هسته‌ای نخواهد بود. این بسته پیشنهادی باید به صورتی جدی و کارشناسانه مورد ارزیابی قرار گیرد تا عیار مقامات اروپایی در قبال برجام سنجیده شود. این بسته پیشنهادی می‌تواند ادعای مقامات اروپایی مبنی بر حمایت از برجام را مورد ارزیابی قرار دهد.

ظریف: برجام سرچایش و محکم است

محمدجواد ظریف در حاشیه حضور در مراسم روز آفریقا در پاسخ به سؤالی در مورد سرنوشت برجام و مذاکرات ایران با اتحادیه اروپا در ارتباط با حفظ این قرارداد بین‌المللی تصریح کرد: برجام سرچایش و محکم است. وی با اشاره به روند مذاکرات ایران و دیگر کشورهای باقیمانده در برجام از جمله سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان به سرپرستی اتحادیه اروپا تصریح کرد: باید ببینیم اعضای برجام و دیگر اعضای جامعه بین‌المللی چقدر آمادگی دارند که اقدامات لازم را برای حفظ این توافق بین‌المللی انجام دهند. وی تأکید کرد: تاکنون گفت‌وگوهای خوبی داشته‌ایم و باید ببینیم این گفت‌وگوها تا چه حد به اقدام می‌رسد.

جلسه ظریف با فراکسیون نمایندگان مستقل مجلس شورای اسلامی از دیگر نکاتی است که مورد توجه قرار

در حالی که مذاکرات فشرده در مورد بسته پیشنهادی اروپا به ایران برای باقی ماندن برجام ادامه دارد خبرنگار مثلث به اخبار تازه‌ای در مورد محتوای این بسته پیشنهادی دست یافته است. براساس این گزارش در این بسته

آمده است که اروپا خرید یک میلیون بشکه نفت از ایران را تضمین خواهد کرد. قرار است در قبال این خرید از کانال مشخصی به ایران ارز پرداخت شود. همچنین این گزارش می‌افزاید که اروپا پذیرفته است که میزان ده میلیارد دلار در ایران

سرمایه‌گذاری کند. این بسته پیشنهادی قرار است در هفته آینده به صورت رسمی رسانه‌ای و اعلام شود. به نظر می‌رسد که تیم مذاکره‌کننده نگاه مثبتی به این بسته پیشنهادی دارد.

در هر صورت ما به حمایت راسخ خود از اجرای توافق هسته‌ای ایران ادامه خواهیم داد و همچنین از تلاش‌های مرتبط در این باره از سوی اتحادیه اروپا نیز حمایت خواهیم کرد. گروهشکوف تأکید کرد: روسیه آماده است تا به بسته اقدامات حفاظتی مدون از سوی اتحادیه اروپا بپیوندد. این دیپلمات روس در ادامه خاطر نشان کرد خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران زبانی را متوجه شرکت‌های اروپایی خواهد کرد. پیش‌تر در اوایل ماه میلادی جاری پروتوکلومر، وزیر دارایی فرانسه از کشورهای اتحادیه اروپا خواست تا فشارها را علیه دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بر سر توافق هسته‌ای ایران تشدید کنند و به عنوان «رعیت» او عمل نکنند.

معافیت تحریمی اروپا توسط آمریکا منتفی است

تروئیکای اروپایی اخیراً از آمریکا درخواست کرده بودند تا نظر خود را در خصوص اعمال معافیت اروپا از تحریم‌های ثانویه (در قبال ایران) ارائه دهد، اما ترامپ به این درخواست پاسخ نداده است. از سوی دیگر، جنگ تعرفه‌ای و گمرکی میان آمریکا و اروپا نیز به نقطه اوج خود رسیده است.

در پی تشدید جنگ تجاری بین آمریکا و دیگر کشورها «لمایر»، وزیر اقتصاد فرانسه گفته است برای ما هیچ راهی جز اقدامات تلافی‌جویانه در برابر آمریکا نمانده است. خبرگزاری رویترز نوشت: در صورتی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بخواهد همچنان تهدیدهای خود را درباره اعمال تعرفه وارداتی از خودروهای ساخت اروپا ادامه دهد اروپا پاسخ متقابل خواهد داد.

با این حال، تعرفه‌تها مسئله جنگ تجاری بین آمریکا و اتحادیه اروپا نیست. کشورهای اتحادیه اروپا همواره درباره تحریم شرکت‌هایشان از سوی آمریکا در ارتباط با فعالیت‌هایشان با ایران خسته شده‌اند. وزیر اقتصاد فرانسه تأکید کرده است: تاکنون هیچ علائمی از واشنگتن درباره درخواست‌های مشترک فرانسه، آلمان و انگلیس درباره معافیت‌های تحریمی شرکت‌هایشان دریافت نکرده‌اند. در حال حاضر درخواست‌های مادر این زمینه بی‌پاسخ مانده است. فرانسوا اولتره، نماینده فرانسه در سازمان ملل نیز اخیراً در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد که به موضوع امنیت در خاورمیانه و شمال آفریقا اختصاص داشت، تأکید کرد: نقش شورای امنیت اساسی است. ما این را با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ نشان دادیم که تأییدی بر برنامه جامع اقدام مشترک جهانی (برجام) بود. برجام محصول عزم، عملگرایی و واقع‌بینی جامعه بین‌المللی است و فرانسه همچنان به اجرای تعهدات خود ادامه خواهد داد تا زمانی که ایران به تعهدات خود پایبند باشد. وی تصریح کرد: در عین حال می‌خواهیم تا به نگرانی‌های ما درباره موشک‌های بالستیک و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران پاسخ داده شود که برای امنیت منطقه ضروری است.

حمایت سازمان ملل متحد از برجام

دیبرکل سازمان ملل با تأکید بر اهمیت حفظ برجام، اظهار کرده است که حفظ برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بسیار مهم است؛ توافقی که باید به عنوان یک عنصر ارزشمند برای صلح و ثبات و مستقل از گفت‌وگوهای بیشتر درباره نقش ایران در منطقه باقی بماند. وی در ادامه تأکید کرد که استقلال و تمامیت ارضی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا برای تضمین اجرای قانون به نفع تمامی افراد ضروری است.

همچنین وهائیانو، نماینده چین در سازمان ملل در این نشست از برجام حمایت کرد و گفت که تضمین اجرای برنامه جامع اقدام مشترک بسیار مهم است. آندره آبیگینی، نماینده ایتالیا در سازمان ملل نیز تأکید کرد که برجام یک ستون مهم در حفظ امنیت منطقه است و کشورش کماکان به این توافق متعهد خواهد ماند. علاوه بر این در این نشست نماینده ساحل عاج در سازمان ملل با تأکید بر اینکه برجام یک تضمین برای اجرای معاهده منع اشاعه هسته‌ای (ان‌پی‌تی) است، گفت: تمام طرف‌های این توافق باید به اختلافات خود بر سر اجرای برجام فائق آیند.

رایزنی‌های برجامی دیپلمات آمریکا در هند

اخیراً نیکی هیل، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد برای دیداری سه‌روزه و بحث درباره برجام عازم هند شد. قبل از این سفر، برخی مقام‌های مطلع از رایزنی‌های آمریکا با هند پیرامون «برجام» خبر دادند. هیل در این دیدار با مقام‌های بلندپایه هند و «نارندرا مودی»، نخست‌وزیر این کشور ملاقات کرد. وزارت خارجه آمریکا نیز اعلام کرده که این نشست بر افزایش روابط راهبردی، امنیتی، دفاعی و البته «برجام» تمرکز داشت. برخی مقام‌های مطلع در این زمینه اظهار کردند: «دیدار هیل برای بررسی موضوع‌های جهانی و خروج دولت آمریکا از برجام بوده و او در این زمینه با مقام‌های هندی به رایزنی پرداخته است.» در حالی که دولت آمریکا سعی در ترغیب کشورهای در حال تعامل با ایران برای اعمال فشار اقتصادی بر تهران دارد، مقام‌های دولت هند اخیراً گفته‌اند که دهلی نوقصد دارد برای دورزدن تحریم‌های آمریکا، برخی پول‌های نفتی ایران را به «روپی» پرداخت کند. به نوشته خبرگزاری «رویترز»، مقام‌های هند پس از دیدار با بانکداران انگلیس، آلمان و فرانسه به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از بانک‌های اروپایی برای انجام پرداخت‌های ایران تقریباً غیرممکن است.

افزایش حجم تجارت ایران و اروپا

حجم مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و به ۲۲ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۷ رسیده است. پدram سلطانی، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران رقم مرادوات تجاری ایران و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ را برابر ۱۴ میلیارد یورو اعلام کرد. وی با یادآوری اینکه روابط اقتصادی ایران و اروپا

سابقه‌ای دیرینه دارد که در سال‌های گذشته به دلایل سیاسی دستخوش فراز و فرودهایی شده است، افزود: بسیاری از کشورهای اروپایی تصمیم دارند دفتری را در ایران برای توسعه روابط و تعاملات با شرکت‌های ایرانی بگشایند. با رویکرد دولت جدید آمریکا و خروج یکجانبه از برجام انتظار می‌رود اختلالاتی در مسیر توسعه تجاری و صنعتی ایران و اتحادیه اروپا به وجود آید و به‌ویژه چالش‌ها و افت و خیزهایی در روابط با شرکت‌های بزرگ اروپایی با توجه به منافی که در ایالات متحده دارند، شاهد باشیم.

وی به سخنان یکی از مقام‌های مسئول اتحادیه اروپا اشاره کرد که چندی پیش در محل اتاق ایران اظهار کرد: «اتحادیه اروپا در رخداد اخیر و اعمال تحریم‌های ثانویه علیه ایران متوجه شد که چقدر در حکمرانی یکپارچه خود آسیب‌پذیر است و سیاست‌هایش می‌تواند از سوی یک کشور زورگو در معرض خطر باشد.» نایب‌رئیس اتاق ایران خاطرنشان کرد: ما به عنوان نماینده بخش خصوصی ایران اعلام می‌کنیم که اشتیاق شرکت‌های ایرانی برای تعامل هرچه بیشتر با شرکت‌های اروپایی زیاد است و خواهان تلاش برای حفظ روابط اقتصادی با اتحادیه اروپا و جلوگیری از سایه‌انداختن سیاست بر این روابط هستیم.

شرکت‌های خودروسازی اروپایی در ایران خواهند ماند؟

معاون وزیر صنعت با تشریح جزئیات جلسات وزارت صنعت با خودروسازان فرانسوی، از ابزار علاقه‌مندی آنها برای ماندن در ایران بعد از خروج ترامپ از برجام خبر داد و گفت: یکپارچه‌های همکاری مشترک در راه است. محسن صالحی‌نیا از برگزاری جلسات مکرر وزارت صنعت با خودروسازان خارجی شریک ایران، بعد از خروج آمریکا از برجام خبر داد و گفت: ظرف هفته‌های گذشته یک جلسه با مقامات شرکت رنو و یک جلسه با شرکت پژو فرانسه برگزار شده که در تمام این جلسات، خواسته‌های ایجاد شرایطی برای ماندن در ایران و حفظ قرارداد جوینت‌ونچر است. به هر حال آنها در این مدت روی قرارداد خود با ایران وقت و هزینه زیادی گذاشته و سرمایه‌هایی را هم به ایران آورده‌اند. وی در پاسخ به این سوال که آیا پژو می‌تواند سرمایه‌ها را از ایران خارج کند، گفت: طبق قرارداد، اکنون پژو بخشی از سرمایه‌مورد توافق در قرارداد را به ایران آورده و تبدیل به زمین و سوله کرده است که بخشی از آن به عنوان خطوط تولید و مونتاژ و سرمایه‌گذاری در دارایی، نیروی مهندسی و تأمین قطعات است؛ بنابراین بر اساس قراردادی که میان ایران و این شرکت فرانسوی وجود دارد، در صورت خروج پژو از قرارداد، باید پتانسیل‌های لازم را به ایران بدهد. صالحی‌نیا ادامه داد: در شکل کلان، برای محاسبه جرایم بر اساس قرارداد عمل می‌شود، ولی تصور ما این است که شرکت پژو هم برای هر گونه تصمیم‌گیری در این رابطه، هزینه‌های فزاینده و محاسبه می‌کند که اگر از این قرارداد خارج شوند، بیشتر ضرر خواهد کرد یا اینکه بمانند؛ در هر صورت هر گونه تصمیم‌گیری در این رابطه برای آنها هزینه دارد.

نباید عقب‌نشینی کنیم

رضا سیمبر در گفت‌وگو با مثلث



فدریکا موگرتی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و دیگر مقامات اروپایی، تا کسب کرده‌اند که در صدد انجام اقداماتی در راستای حفظ توافق هسته‌ای و بهره‌مندی ایران از مزایای اقتصادی برجام هستند. در خصوص آخرین تحولات برجام و منازعات شکل گرفته میان ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، گفت‌وگویی با دکتر رضا سیمبر، استاد تمام رشته روابط بین‌الملل و عضو هیات عملی دانشگاه گیلان انجام داده‌ایم که از نظر تان می‌گذرد.

آمریکایی چه پیامی دارد؟ دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ما چه درسی را باید از این موضوع دریافت کند؟

صراحتاً معتقدم که تجربه برجام نشان داد عقب‌نشینی در مقابل ایالات متحده آمریکا نه تنها منجر به اصلاح رویکرد این کشور در قبال ایران نمی‌شود، بلکه آن را در مقابل ما قوی‌تر خواهد کرد؛ موضوعی که هم‌اکنون نیز بسیاری از تحلیلگران نسبت به آن تأکید دارند. بنابراین باید از تجربه توافق هسته‌ای و نوع رفتار ایالات متحده آمریکا با آن درس گرفت. یکی از موضوعاتی که باید در برهه زمانی فعلی به صورتی خاص مدنظر قرار دهیم، نوع نگاه دشمنان ایران نسبت به توان امنیتی و دفاعی ماست. هدف مشترک ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی، تحدید توان دفاعی و موشکی ماست. آنها قصد دارند تا توان ما را در این خصوص محدود کنند و سپس به اهداف خود در تقابل با جمهوری اسلامی ایران دست پیدا کنند. این توان رزمی و دفاعی ماست که منجر به ترس دشمنان شده است. اگر ما در مقابل ایالات متحده آمریکا عقب‌نشینی کنیم، واشنگتن گام به گام مسائل مختلفی را مطرح می‌کند. من قبلاً این موضوع را در قالب برجام ۲ و ۳ و ۴ مطرح کردم. آنها روی موضوعاتی مانند توان موشکی و دفاعی ایران، حقوق بشر، حمایت از گروه‌های مقاومت در منطقه و... متمرکز خواهند شد و در صدد امتیازگیری از کشورمان هستند. باید در این خصوص بسیار هوشیار بود. ما باید نقش قدرت‌آفرین خود در منطقه را درک کرده و به آن بیاییم. متأسفانه در این خصوص مباحثی در خصوص اینکه «اگر ما نبودیم جنگ می‌شد» و... مطرح گردیده است. این مباحث کاملاً نادرست بوده و متعاقباً طرح آنها نیز صحیح نیست. ما باید موقعیت برتر خود در منطقه را درک کنیم. خوشبختانه هم‌اکنون دشمنان ما در منطقه از جمله عربستان سعودی دچار شکست و انزوا سیاسی شده‌اند. ریاض به‌رغم پترو دلارهایی که در اختیار ما دارد، نتوانسته به اهداف خود دست پیدا کند. در چنین شرایطی ما باید به اقتدار خود افتخار کرده و آن را حفظ کنیم. یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت، حفظ این اقتدار است.

نوع و ماهیت مخالفت اتحادیه اروپا و خصوصاً تروئیکای اروپایی با اقدام دونالد ترامپ مبنی

اقتصادی نیز به موضوع برجام نگاه می‌کند. ترامپ در صدد است با اعمال دوباره تحریم‌ها، زمینه را برای کسب امتیازات اقتصادی، تجاری، امنیتی و سیاسی بیشتر از ایران فراهم کند.

طی روزهای اخیر و به صورت هم‌زمان با بروز اختلافات آمریکا و اروپا در قبال برجام، شاهد تشدید جنگ اقتصادی دو طرف هستیم. این منازعه اقتصادی خود را در موضوع وضع تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم اروپا نشان داد. نظر شما در این خصوص چیست؟

همان‌گونه که اشاره کردید، در حال حاضر شاهد بروز مناقشاتی میان ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه‌های اقتصادی هستیم. وضع تعرفه‌های گمرکی آمریکا بر فولاد و آلومینیوم صادراتی از اروپا در همین راستا قابل تحلیل و بررسی است. ایالات متحده آمریکا با ظهور ترامپ، به سوی تحمیل رفتارهای حمایت‌گرایانه اقتصادی حرکت کرده است. تقابل واشنگتن با سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز این مساله را به خوبی نشان می‌دهد. ترامپ با اقدامات خود «تجارت آزاد» در نظام بین‌الملل را به چالش کشیده است. بحرانی که هم‌اکنون از سوی ترامپ و متعاقب تقویت رویکرد ملی‌گرایانه در آمریکا ایجاد شده، نظم لیبرال حاکم بر دنیای غرب را هدف قرار داده است. در اواسط قرن گذشته، شاهد بودیم که ایالات متحده آمریکا با همکاری نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و مرکز تجارت جهانی، نوعی نظم اقتصادی و لیبرالیستی را در نظام بین‌الملل شکل داد. حتی ایالات متحده آمریکا از ایده‌هایی مانند حذف عوارض و تعرفه‌های گمرکی در راستای استمرار این نظم لیبرالیستی حمایت می‌کرد. اما حمایت‌گرایی اخیر حاکم بر کاخ سفید، در تعارض با این نظم نهاده شده قرار دارد. بحرانی که ترامپ در دنیای غرب به وجود آورده، بحرانی جدی است. رویکرد ترامپ در داخل ایالات متحده آمریکا مورد حمایت بسیاری از افراد قرار دارد اما در عین حال مخالفینی نیز دارد. آنچه مسلم است، اینکه این بحران به‌زودی پایان نخواهد یافت و ادامه می‌یابد.

هم‌اکنون با حضور فردی به نام دونالد ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده آمریکا، واشنگتن هر چه بیشتر به سمت حمایت‌گرایی اقتصادی حرکت کرده و در همین راستا عمل می‌کند. دونالد ترامپ در صدد است برای تحقق وعده‌های انتخاباتی خود نظام سرمایه‌داری حاکم در آمریکا را به حداکثر سود رسانده و هزینه‌ها را به شدت کاهش بدهد که در همین راستا، باز در عملی غیر حقوقی و غیر اخلاقی در خصوص معاهدات بین‌المللی، آمریکایی‌ها از معاهده پاریس بیرون آمدند، اقدامی که در نهایت بهت و تعجب سایر کنشگران بین‌المللی از جمله اروپایی‌ها انجام شد.

بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین‌الملل بر این عقیده هستند که برجام با توجه به اقدام دولت ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای، دیگر وجودی عینی نخواهد داشت. به نظر شما بروز این رفتار از سوی مقامات

مقامات وزارت امور خارجه کشورمان از ارائه بسته پیشنهادی اتحادیه اروپا، به خصوص تروئیکای اروپایی به ایران خبر داده‌اند. به نظر شما در مواجهه با بسته پیشنهادی اتحادیه اروپا چه اقداماتی باید از سوی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان صورت گیرد؟

همان‌گونه که اشاره شد، قرار است بسته پیشنهادی اروپا در خصوص برجام به‌زودی به کشورمان ارائه شود و اتحادیه اروپا درباره برجام و حفظ مزایای اقتصادی توافق هسته‌ای وعده‌هایی به ایران داده است. بدون تردید، لازم است بسته پیشنهادی اروپا را با شاخص و معیاری به نام منافع ملی کشورمان تطبیق داد. میزان مطابقت و هم‌پوشانی این بسته پیشنهادی با منافع ملی ما باید مشخص شود. با توجه به حجم تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران، این پیشنهادات باید بتواند منافع ما را خصوصاً در مواردی مانند فروش نفت و محصولات پتروشیمی تأمین کند. بنابراین در این معادله، باید آثار اقدامات ایالات متحده آمریکا و وضع تحریم‌های ثانویه علیه کشورمان نیز در نظر گرفته شود و بسته پیشنهادی اروپا به‌گونه‌ای باشد که بتواند آثار این تحریم‌های ثانویه را خنثی کند. در صورتی که بسته پیشنهادی اروپا نتواند دغدغه‌های کشورمان را تأمین کند و دولت‌های اروپایی اعلام کنند که قادر به مدیریت شرکت‌های خود در رابطه با تجارت با ایران نیستند، دیگر نمی‌توان از گزاره‌ای به نام حفظ توافق هسته‌ای توسط اروپا سخن به میان آورد.

با توجه به خروج رسمی ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای و مباحثاتی که در این خصوص میان واشنگتن و شرکای اروپایی آن به وجود آمده است، وضعیت برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در اینجا نکته‌ای وجود دارد که لازم است به صورتی جدی مدنظر قرار داده شود. اینکه حتی قبل از اعلام رسمی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران، برجام عملاً منافع و خواسته‌های ما را تأمین نکرد. در حال حاضر می‌توان برجام را به جسدی مومیایی تشبیه کرد. با همه این اوصاف، باید کماکان در انتظار ارائه رسمی بسته پیشنهادی اروپا و متعاقباً، بررسی و نقد این بسته پیشنهادی ماند. یکی دیگر از موضوعاتی که باید در این خصوص مدنظر قرار گیرد، مناسبات تجاری ایالات متحده آمریکا و اروپا است. یکی از دلایلی که شاهد بروز رفتار متغیر کشورهای اروپایی در قبال برجام هستیم، وابستگی تجاری آنها به ایالات متحده آمریکا است. واقعیت این است که حجم مبادلات تجاری میان آمریکا و اروپا بالاست، این در حالی است که حجم مبادلات تجاری اروپا و ایران آن‌چنان چشمگیر نیست. اروپایی‌ها اگر در بین دورهای ایران و ایالات متحده آمریکا قرار گیرند، ما را انتخاب نخواهند کرد، بلکه بر اساس منافع خود، به سوی واشنگتن خواهند رفت. نکته دیگر اینکه ترامپ نمی‌تواند این موضوع را بپذیرد که اروپا در دوران پسا-برجام، نسبت به ایالات متحده آمریکا مبادلات تجاری بیشتری با ایران داشته باشد. بنابراین ترامپ علاوه بر زوایای دیگر، از زوایه

بازی خاص اروپا

آیا می توان به غرب اعتماد کرد؟

بر خروج از توافق هسته‌ای چگونه قابل تفسیر است؟ آیا این مخالفت، برخاسته از دغدغه‌های حقوقی و اخلاقی مقامات اروپایی است؟

به نظر من هرگز چنین نیست. این بسیار ساده‌اندیشانه است که فکر کنیم کشورهای اروپایی گروه ۱+۵ از عهدشکنی‌ها غیراخلاقی و ضداخلاقی ایالات متحده آمریکا صرفاً به خاطر اینکه نقض اخلاقی و وفاداری به عهد اخلاقی است، ناراحتند و اکنون در قضیه خروج آمریکا از برجام از لحاظ منشأ اخلاقی برآشفته شده‌اند و تلاش می‌کنند که آمریکا را با موعظه‌های اخلاقی خود به راه بیاورند و به او توصیه کنند که در چارچوبه‌های اخلاقی بماند و ناقض عقود بین‌المللی نشود. اینها گزاره‌هایی صحیح نیستند. خیلی از اروپایی‌ها بعید است که در تعاملات کنونی در قضیه برجام اخلاقی و حقوقی عمل نمایند. در اینجا لازم است گریزی نیز به گذشته‌ای نه‌چندان دور بزنیم. آقای روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان در کتاب خود تحت عنوان امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای در یادآوری خاطرات خود در سال‌های ۸۲ تا ۸۴ که خود سرتیم مذاکرات هسته‌ای بودند، به اعمال و اقدامات غیر اخلاقی و غیر حقوقی گوناگون و متنوع اروپایی‌ها در تعهداتی که نسبت به ایران در فرایند مذاکرات داشته‌اند، اشاره می‌نماید. بنابراین نمی‌توان دغدغه‌های اروپا در قبال برجام را حقوقی و اخلاقی دانست.

بعضا شاهد طرح فرضیه‌ای مبنی بر جابه‌جایی قدرت از آمریکا میان دموکرات‌ها و جمهوریخواهان و تاثیر این جابه‌جایی روی برجام هستیم. نظر شما در این خصوص چیست؟

آنچه مسلم است اینکه بدعهدی‌های ایالات متحده آمریکا در قبال برجام و مواجهه وزارت خزانه‌داری این کشور با توافق هسته‌ای محدود به دوران ریاست جمهوری ترامپ نبوده و در دوران اواما نیز شاهد اقدامات وی برای جلوگیری از عادی‌سازی روابط تجاری با کشورمان بودیم. فراتر از آن، باید در نظر داشت که مواجهه تقابلی ایالات متحده آمریکا با گفتمان انقلاب اسلامی، تقابلی ثابت و مستمر است. در سطح کلان، سیاست خارجی هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه یکسان است. بر این اساس هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه، با گفتمان انقلاب اسلامی ایران و تاثیر عمیق فکری و اندیشه‌ای این گفتمان در تقابل هستند و این تقابل در حوزه سیاست خارجی آمریکا به صورت عینی و آشکار متبلور شده است. امکان دارد در مومکادات لفظی، سران دو حزب دموکرات یا جمهوریخواه روی مسائلی مختلفی متمرکز شوند و حتی در این زمینه مخالفت‌هایی با یکدیگر داشته باشند اما رویکرد کلی آنها در حوزه سیاست خارجی یکسان است. تفاوت برخی تاکتیک‌ها و اولویت‌های دو حزب دموکرات و جمهوریخواه نباید ما را در این خصوص به خطا و اشتباه بیندازد. بر این اساس دموکرات‌ها بیشتر روی مسائلی مانند حقوق بشر و خلع سلاح متمرکز می‌شوند و جمهوریخواهان به صورت سنتی نسبت به مداخله‌گری در امور کشورهای دیگر و دموکراسی‌تحمیلی خود به دیگر مناطق دنیا اقدام می‌کنند. با این حال کلان قضیه میان این دو یکی است. آنها در مسائلی مانند حمایت از رژیم صهیونیستی، تامین امنیت انرژی و بازراندگی در مقابل ایران با یکدیگر اتفاق نظر و رویکردی مشترک دارند. بنابراین به طول کلی نباید این تصور نادرست را داشت که حضور یا عدم حضور هر یک از سیاستمداران یا احزاب آمریکایی در قدرت، منجر به تعدیل رفتار آنها خواهد شد؛ قاعده‌ای که باید آن را مدنظر قرار داد.

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



تروئیکای اروپایی قصد دارند بسته پیشنهادی خود را با هدف حفظ برجام، به مقامات کشورمان ارائه نمایند. سوال اصلی اینجاست که ارائه چنین بسته‌ای در ذیل کدام «استراتژی اروپایی»، خصوصاً در ارتباط با ایالات متحده آمریکا صورت می‌گیرد؟ برخی تصور می‌کنند با توجه به منازعات و وجود آمده در میان آمریکا و اروپا، شاهد «ایستادگی مطلق» مقامات اروپایی در مقابل دولت ترامپ (بر سر برجام) خواهیم بود و بسته پیشنهادی اروپا نیز با چنین رویکردی ارائه خواهد شد. در این خصوص نکاتی وجود دارد که نباید به‌سادگی از کنار آنها گذشت:

۱- همان‌گونه که اشاره شد، اکثر منابع غربی از تشدید منازعات واشنگتن و اروپا در دوسوی آتلانتیک خبر می‌دهند. برخی تحلیلگران مسائل اروپا این منازعات را «روبنایی» و «مقطعی» و برخی دیگر، آن را «زیربنایی» و «دامنه‌دار» می‌دانند. صورت‌بندی مناقشات اخیر دولت ترامپ و شرکای اروپایی آن، سهل و ممتنع به نظر می‌رسد. اگرچه خروج ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران و وضع تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم وارداتی از اروپا خشم تروئیکای اروپایی از کاخ سفید را برانگیخته است اما در محاسبه حدود و ثغور این «منزعه دیپلماتیک» نباید دچار اشتباه شد. سوال اصلی اینجاست که اتحادیه اروپا در قبال دولت فعلی ایالات متحده آمریکا چه نوع استراتژی و راهبردی را می‌تواند پیش گیرد؟ به‌طور کلی، اتحادیه اروپا می‌تواند سه نوع استراتژی «تعامل»، «مهار» و «تقابل» با دولت ترامپ را پیش گرفته و حرکت خود در قبال واشنگتن را بر مبنای هر یک از آنها تنظیم کند. بسیاری از مقامات اروپایی در جریان ملاقات‌های مستقیم و رایزنی‌های غیر مستقیم خود با دولت ترامپ در یافته‌اند که تکیه بر «استراتژی تعامل با آمریکا» دیگر پاسخگوی نیازهای راهبردی، اقتصادی و سیاسی آنها نیست. چندی پیش «هایکو ماس»، وزیر امور خارجه دولت آلمان در اظهاراتی قابل تأمل تأکید کرد: «اقدام ایالات متحده آمریکا در خروج از برجام، موج مسمو می‌سازد و فراتر از آتلانتیک شده و دوستی اروپا و واشنگتن را نیز خدشه‌دار ساخته است.» با این حال، اروپا هنوز از استراتژی تعامل با ترامپ عبور نکرده است. اخیراً ترامپ، نخست‌وزیر انگلیس صراحتاً از کشورهای اروپایی خواسته است تا ضمن تعامل با دولت آمریکا، واکنشی نسبت به اقدامات تعرفه‌ای ترامپ نشان ندهند. همچنین ترامپ تأکید کرده است که موضوعاتی مانند برجام نیز از طریق گفت‌وگو با آمریکا (به معنای تن‌دادن اروپا به خواسته‌های آمریکا) قابل حل است. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان از یک سو معتقدند که تاریخ مصرف «استراتژی تعامل» با آمریکا به پایان رسیده است، اما این به معنای آغاز دوران تقابل اروپا با آمریکا نیست. اروپا در بهترین حالت ممکن، از این پس وارد فاز «مهار ترامپ» و مدیریت رفتار رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا خواهد شد. در این معادله، اروپا سعی در کنترل رفتارهای ترامپ و تطبیق آنها با منافع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت خود در نظام بین‌الملل خواهد داشت. درست‌پس از خروج ترامپ از توافق

هسته‌ای با ایران، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان قواعد بازی اروپا در فاز «مدیریت رفتار ترامپ» را ترسیم کرده است: «تصمیم دونالد ترامپ در زمینه خروج از توافق هسته‌ای با ایران دلیل نمی‌شود که روابط اروپا با آمریکا بر سر سوال برود. نباید انتظارات از اروپا برای مناقشه با آمریکا بر سر برجام، بیش از حد ممکن باشد. اروپا نمی‌تواند بیشتر از آنچه هست، خود را نشان بدهد.»

۲- اگرچه برخی تصور می‌کنند هم‌اکنون شاهد وقوع منازعه‌ای تمام‌عیار میان آمریکا و اروپا هستیم اما واقعیت امر این است که اتحادیه اروپا هنوز وارد فاز «تقابل با ترامپ» نشده و شواهد و مستندات موجود نیز نشان می‌دهد که قصد ورود به چنین مرحله‌ای را ندارد. برای کشورهایمانند انگلیس، آلمان و فرانسه، «تعامل مدیریت‌شده» با ترامپ همچنان اولویت دارد. حتی آنها آماده هستند تا برخی پرونده‌ها و موضوعات مانند «برجام» را وجه المصلحه نقاط اختلافی خود با ایالات متحده آمریکا قرار دهند. بنابر آنچه رسانه‌های غربی تصریح کرده‌اند، امکان دارد ترامپ در ازای همکاری مطلق کشورهای اروپایی با واشنگتن در قبال برجام، در تصمیم خود مبنی بر وضع تعرفه‌های گمرکی بر اقلام وارداتی از اروپا بازنگری کند. بنابراین مقامات اروپایی نسبت به برجام به عنوان یک متغیر حقوقی مستقل نمی‌نگرند. نگاه ابزارگرایانه تروئیکای اروپایی نسبت به توافق هسته‌ای، منجر به بروز رفتارهای سینوسی و غیر قابل پیش‌بینی آنها در قبال برجام شده است. تأکید افرادی مانند آنگلا مرکل و امانوئل ماکرون بر ناکافی بودن توافق هسته‌ای برای مهار ایران! و لزوم بسط آن به مسائل موشکی و منطقه‌ای در همین راستا قابل ارزیابی است. این در حالی است که مقامات اروپایی در کنار بیان خواسته‌های غیرمعتول و زیاده‌خواهانه خود، بر لزوم حفظ توافق هسته‌ای نیز تأکید می‌کنند. مصدر و منشأ این رفتارهای پارادوکسیکال را باید در مناسبات پشت پرده کشورهای اروپایی با دولت ترامپ جست‌وجو کرد.

۳- آنچه مسلم است، اینکه «بازی خاص اروپا» در برهه زمانی فعلی باید به صورتی جدی و دقیق مورد تحلیل و واکاوی دستگاه دیپلماسی کشورمان قرار گیرد. دستگاه دیپلماسی کشورمان وظیفه سختی را در صیانت از حقوق حقه ملت ایران بر عهده دارد. در این مقطع زمانی حساس، گزاره‌ای به عنوان «تقابل آمریکا و اروپا» اساساً وجود عینی نداشته و صرفاً ماهیتی انتزاعی دارد. حداقل باید اذعان کرد که اروپا هنوز وارد فاز تقابلی با آمریکا نشده و امکان ورود آن به این فاز نیز فعلاً منتفی است. نسل فعلی رهبران اروپایی در بهترین حالت ممکن، دغدغه «مدیریت رفتار ترامپ» را دارند که در ذیل این دغدغه، معاملات آشکار و نهان تروئیکای اروپایی با واشنگتن در جریان خواهد بود. هر چند باید عبور اروپا از «فاز تعامل مطلق با آمریکا» (که آن نیز هنوز عینیت تام پیدا نکرده است) را به فال نیک گرفت، اما محصول این رفتار، «تفکیک بازی اروپا از آمریکا» نیست. «تفکیک بازی اروپا از آمریکا» صرفاً زمانی می‌تواند به عنوان یک «گزاره قطعی» از سوی دستگاه دیپلماسی ما مدنظر قرار گیرد که طرفین وارد فاز تقابلی با یکدیگر شوند. بدیهی است که در چنین شرایطی لازم است گارد بسته ما در برابر غرب (آمریکا و اروپا) حفظ شود و اعمال محاسبات ایده‌آل‌گرایانه در این خصوص، هزینه‌های زیادی برای ما به همراه خواهد داشت.

یک ماکت از برجام مانده

گفت‌وگوی مثلث با سید محمد علی حسینی

روسیه در حال
نزدیک شدن به
آمریکا است

گفت‌وگو با علی بیگدلی

پس از خروج آمریکا از برجام، اقدامات اروپایی‌ها برای حفظ برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آنها مشغول تهیه بسته پیشنهادی به ایران هستند. این بسته چه خصوصیات خواهد داشت؟

اروپایی‌ها تلاش می‌کردند که برجام را حفظ کنند، نه به خاطر خوشایند ایران، بلکه یک نوع نمایش قدرتی بود در برابر آمریکا. ترامپ در یک سخنرانی گفته بود آمریکا دیگر پیر شده است، اروپایی‌ها از این نوع نگاه ترامپ به اروپا ناراحت هستند و احساس می‌کنند پرستیژ و شأن آنها در نظر گرفته نشده است. اینکه ۲۸ کشور اروپایی تحت سلطه رفتارهای یک نفر قرار بگیرد، برایشان قابل هضم نبود و نسبت به آن حساسیت پیدا کردند و تلاش کردند که در برابر آمریکا مقاومت کنند. از طرفی هم خیلی مایل نبودند که بازار پرجمعیت و ثروتمند ایران را از دست بدهند، بنابراین آقای ترامپ هم دست به یک سیاست تنبیهی علیه اتحادیه اروپا زد و همان افزایش تعرفه‌های آلومینیوم و فولاد را علیه اروپا اعمال کرد و اروپایی‌ها متوجه شدند که خیلی نباید با آمریکا سرشاخ شوند، مخصوصاً مردی مثل ترامپ خیلی اهل شوخی کردن نیست. بنابراین در کنفرانس امنیت مونیخ، وزیر امور خارجه آلمان آقای هایکو ماس یک بسته پیشنهادی را به آقای ظریف دادند که سه شرط در آن بود. یکی متوقف کردن تمام فعالیت‌های موشکی براساس گزارش تایید شده کارشناسان اروپایی و یکی هم خروج کامل از سوریه بود و مساله سوم هم رعایت حقوق بشر. این موضوع خیلی باز نماند، بنابراین ایران پاسخ مثبتی به آن نداد و رفته رفته دیگر هیچ خبری از اتحادیه اروپا نداشتیم تا اینکه بالاخره آقای عراقچی در آن سخنرانی به این موضوع اشاره کردند و گفتند مساله برجام به نوعی دیگر تمام شده و ای‌سی‌یو بی‌است، با این شرایط اتحادیه اروپا از برجام خارج می‌شود و خروج و ماندگاری ما خیلی مهم نیست که ما دیگر از برجام خارج شویم، وقتی طرف‌های اصلی ما خارج شدند. بنابراین نتایج برای ما خیلی سنگین خواهد بود. اگر ما نتوانیم پاسخ انتظارات اتحادیه اروپا را بدهیم، نه تنها آمریکا، بلکه اتحادیه اروپا را هم از دست خواهیم داد و شاید در آینده نه چندان دوری متحمل تحریم‌های اتحادیه اروپا هم بشویم، با توجه به اینکه ۹۰ روز مدت اولیه ترامپ دارد به پایان می‌رسد. احتمالاً ۱۲ یا ۱۳ مرداد مهلت ۹۰ روزه به پایان می‌رسد و یک سری تحریم‌ها علیه ایران به وجود می‌آید، از جمله تحریم‌های نفتی و دریایی و... به هر حال آن مهلت ۱۸۰ روزه مقداری طولانی‌تر می‌شود.

خبری بود که اروپایی‌ها قبول داده بودند که به ایران تضمین می‌دهند که یک میلیون بشکه از ایران نفت بخرند و پولش را هم بدهند و از طرفی یک سری سرمایه‌گذاری‌های دیگر هم به یک اندازه مبلغ خاصی انجام دهند. به نظر تان این تضمین می‌تواند ایران را در برجام نگه دارد یا این کلامی تواند عملی شود و از توان اروپایی‌ها خارج است؟

از یک طرف ترامپ به ژاپن و کره جنوبی و بعضی از کشورهای آسیای شرقی رسماً اخطاریه داد که از ایران



محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان اظهار کرده اروپایی‌ها برای اقدام در مورد برجام و جلب نظر ایران، یک هفته بیشتر وقت ندارند. در روزهای اخیر، اظهارات مقامات ایرانی از جمله عراقچی را نیز داشته‌ایم که گفت برجام در ای‌سی‌یو است. به نظر می‌رسد همه این اظهار نظرها یک هدف را دنبال می‌کند و آن نهیب به اروپاست. اینکه وقت تنگ است و هر تصمیمی برای برجام گرفته شده است باید به زودی عملی شود. آیا اروپایی‌ها به زودی بسته پیشنهادی خود را ارائه می‌کنند؟ این بسته شامل چه نکاتی است؟ ایران می‌تواند بر مبنای آن در برجام بماند. در این باره با سید محمد علی حسینی، سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه و سفیر سابق ایران در ایتالیا گفت‌وگو کرده‌ایم که از نظر می‌گذرانید.

خود عمل نمایند، در این صورت برجام برای طرف متعهد خود سراسر هزینه و خسارت خواهد بود.

در صورت خروج ایران از برجام چه فضایی پیش خواهد آمد؟ احتمال تنش با آمریکا یا در منطقه بالا خواهد بود؟

آمریکا از گذشته تا کنون به‌ویژه در دوره دولت کنونی خود که پرده‌ها را بی‌محابا کنار زده، همواره با برجام یا بدون برجام، سیاست‌های خصمانه خود علیه کشورمان را با تمرکز بر اندازی نظام مردم‌سالاری دینی به شیوه‌های مختلف مخملی یا چدنی یا بعضاً با ترکیبی از این دو دنبال کرده است.

واقعیت‌های موجود نشان داده که آمریکا تحت هر شرایطی تنش با ایران را دنبال و آن را تشدید کرده است. قبل از برجام، حین مذاکرات، بعد از برجام و انجام تعهدات صد در صدی جمهوری اسلامی، قبل از خروج از برجام و همزمان با نقض‌های مکرر برجام توسط این کشور، بعد از خروج از برجام و... بنابراین اگر از برجام به دلیل ناتوانی یا بی‌انگیزگی و فقدان عزم و اراده جدی سایر طرف‌های موجود، چیزی جز ماکت برجام هم باقی نماند، رژیم آمریکا دست از سیاست‌های شرارت‌بار و خصمانه خود علیه ملت ایران که آنان را با صراحت و بای‌شرمی «ملت تروریست» خواند، برنخواهد داشت.

در رابطه با موضوع برجام، نظر شما در حال حاضر و شرایط حاضر چگونه است؟ آیا برجام در ای‌سی‌یو است و احتمال مرگ آن وجود دارد؟ از آنجا که جمهوری اسلامی ایران تمامی تعهدات خود را به شکلی عینی و قابل راستی آزمایی به انجام رسانده، بنابراین بقا و دوام برجام به‌رغم خروج آمریکا از آن، بستگی به همت و جدیت طرف‌های دیگر و به‌ویژه طرف اروپایی دارد.

بسته برجامی اروپا شامل چه چیزهایی خواهد بود؟ ایران می‌تواند روی این بسته حساب باز کند؟ چه پیشنهادهایی از سوی اروپا می‌تواند ایران را راضی به ماندن کند؟

درباره محتوای بسته برجامی اروپا نمی‌توان و نباید گمانه‌زنی کرد و بر این اساس تاروشن شدن محتوای کامل آن، نمی‌توان به قضاوت نشست که آیا می‌توان روی آن حساب کرد یا خیر.

ایران تا کنون خواستار چیزی بیش از تعهداتی که در برجام مورد تأکید قرار گرفته، نبوده است. مسائل مربوط به امکان ادامه فروش نفت به میزانی که دولت جمهوری اسلامی تشخیص دهد، بازگشت بدون دردسر ارز حاصل از درآمد نفت، ادامه حمل و نقل و کشتیرانی و بیمه، حمایت از شرکت‌های خارجی علاقه‌مند به همکاری و سرمایه‌گذاری در ایران در مقابل تهدیدات و جریمه‌های طرف آمریکایی و رفع جدی موانع بر سر همکاری‌های مالی و بانکی، از جمله این مطالبات و خواسته‌های متعارف ایران است. پیشنهادهای اروپا در این محورها باید همراه با تضمین‌های لازم باشد تا جمهوری اسلامی بتواند بر مبنای آن تصمیم‌گیری نماید.

گفته می‌شود اروپایی‌ها قول داده‌اند یک میلیون بشکه نفت از ایران بخرند و پول آن را بدهند. به نظر تان این تضمین از سوی اروپایی‌ها شکل می‌گیرد؟

هر وعده‌ای که اروپاییان بدهند باید دو ویژگی اساسی داشته باشد: اول اینکه آیا اصل و ماهیت پیشنهاد طرف اروپایی مورد قبول جمهوری اسلامی هست یا خیر و دوم اینکه آیا این وعده و قرار، دارای ضمانت لازم هست یا خیر. در غیر این صورت پیشنهاد آنان اساساً قابل بررسی نیست.

به نظر تان اگر نظرات ایران محقق نشود باید یکباره از برجام خارج شود یا هزینه خروج سنگین خواهد بود؟

تأمین نظرات ایران ضامن بقا و دوام برجام است چرا که جمهوری اسلامی در انجام تعهدات خود هیچ کوتاهی نکرده و این مورد تأیید دیگران هم هست. بنابراین اگر طرف مقابل نخواهد یا نتواند به تکالیف متقابل خود عمل کند، از برجام چیزی جز ماکتی باقی نخواهد ماند که ایران بتواند حضور خود را همچون گذشته در آن حفظ کند. انتظار می‌رود طرف اروپایی این نکته را درک کند و در یافتن راه حل مشکلات موجود مورد توجه قرار دهد. جمهوری اسلامی همواره از زبان مقامات خود به روشنی تأکید و تصریح کرده چنانچه برجام منفعتی برای ایران نداشته باشد، دلیلی برای ماندن در برجام نمی‌بیند. در واقع در حالتی که یک طرف اصلی برجام با نقض پیمان از آن خارج شده و طرف‌های دیگر نیز یا نخواهند یا نتوانند به تعهدات



بعد از خروج آمریکا از برجام، ایران به سمت مذاکره با اروپا رفت تا در صورت گرفتن تضمین های لازم، در برجام بماند. این روند باعث شده فضایی شکل گیرد که اروپایی ها به سمت تهیه بسته پیشنهادی به ایران بروند. موضوعاتی چون فروش نفت ایران، برگشت پول نفت، بیمه کشتیرانی و برخی مسائل دیگر از جمله مسائلی هستند که اروپایی ها باید در بسته پیشنهادی خود به ایران، آن را در نظر بگیرند. آیا آنها می توانند چنین بسته ای را آماده کنند و برجام را از سقوط نجات دهند. عراقچی گفته است برجام در آبی سی یواست. آیا اروپا با اقدامات خود می تواند آن را از مرگ براهاند؟ در این باره با سیدعلی بیگدلی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل بین المللی گفت و گو کرده ایم که از نظر می گذراند.

اعتماد نیست؛ ما باید از روسیه فاصله بگیریم و روسیه هیچ تلاشی برای ما نخواهد کرد و الان دارد به سمت آمریکا نزدیک می شود. شاید تا یک ماه دیگر دعوتش هم بکند. علتش هم این است که ترامپ می خواهد روسیه را از مساله سوریه جدا کند و ایران را هم مجبور کند که از سوریه بیرون بیاید. حالا باید در مورد آینده روسیه در سوریه صحبت کنیم، اگرچه این مساله سابقه ۳۰ ساله دارد.

روی چین چطور؟ می توانیم روی روابط مستقل آنها و حضورشان در ایران حساب کنیم؟

این یک فرصت اقتصادی است، چین هیچ وقت نخواسته به عنوان یک قدرت نظامی مطرح شود. چین همیشه در سیاست های بین المللی اش یک جنبه داشته است، یعنی خنثی بوده، یعنی جای تکیه دادن به چین وجود ندارد. چین و آمریکا هم در جنگ بازرگانی ای که به وجود آمده، حتی مقداری باعث شد که مساله کره شمالی هم سرد شود. چینی ها هم کره شمالی را گروگان گرفتند، یعنی با این مهره در برابر آمریکا بازی می کنند که اگر بخواهی به ما فشار بیاوری، می توانیم روی پروژه کره شمالی تاثیرگذار باشیم و حتی ملاقات بعدی را کنسل می کنیم که قرار بود تا یک ماه دیگر رهبر کره شمالی به کاخ سفید برود. سیاست فضای خاص و پیچیدگی های خود را داراست و ما در سیاست مان باید این پیچیدگی ها را در نظر بگیریم.

فکر می کنید چه کاری باید انجام داد؟

هیچ راهی ندارد. من فکر می کنم که همه راه ها مسدود است. من به عنوان یک شهروند به هیچ وجه راضی نیستم که خدای ناکرده جنگی اتفاق بیفتد، برای اینکه خیلی خرابی به بار خواهد آورد. امیدوارم که منطق سیاست ها بالا برود و با یک تدبیر سیاسی مقداری فضا را تغییر دهیم. راه دیگری باقی نمانده جز تعامل و کاهش هزینه های آمریکا از هر مسیری که بتوان پیش برد.

ما با اتحادیه اروپا مشکلی نداریم، مشکل ما حاصل از اختلاف مان با آمریکا است و بخش زیادی از اختلاف ما با آمریکا حاصل از نوع نگاه ما به اسرائیل است، یعنی منشأ همه اختلافات با اسرائیل است. بنابراین کره شمالی با ما فرق می کند، گرچه کره شمالی یک تهدید امنی علیه آمریکا بود، ولی ما به دلیل شرایط ژئوپولیتیک مان اهمیت مان بیشتر از کره شمالی است، به خاطر نزدیکی مان به کشورهای عرب که از طرف آمریکا ساپورت می شوند و مخصوصا همجواری مان با اسرائیل که باعث نگرانی لابی های یهودی در آمریکا شده است؛ این برای ما کار را مشکل کرده، وگرنه ما با خود آمریکا مشکلی نداریم. اگر آمریکا تا سال ۱۳۸۶ با ما مبادلات بازرگانی داشت، الان هم روابط تجاری مان کاملا قطع نشده است.

مواضع روسیه را چطور می بینید؟ به نظر تان روسیه یک سکوت مشکوکی در این موضوعات کرده و از این وضعیت ایران و اینکه در فشار قرار گیرد استقبال می کند؟

کنفرانس اوپک کاملا واقعیت و حقیقت خودش را نشان داد، یعنی وزیر انرژی روسیه شانه به شانه وزیر نفت عربستان پیش می رفت، تصمیمات شان با همدیگر هماهنگ شده بود و خیلی جالب بود که با ایران ارتباطی برقرار نشد. روسیه اصولا همین طور بود، یعنی سوابقش سوابق درخشانی نیست، بنابراین روس ها خیلی خوشحال نیستند از اینکه ایران در سوریه باقی بماند. روس ها دل شان می خواهد که خودشان به تنهایی سوریه را در برابر غرب گروگان بگیرند که بتوانند از آن امتیاز بگیرند. مخصوصا ترامپ هم گفت که در گروه هفت چرا روسیه را دعوت نکردید؟ او دارد سعی می کند پالس هایی به روس ها بدهد که روسیه را از ایران جدا کند. بنابراین بعد از خروج ایران، آمریکا می تواند با روسیه کنار بیاید، یعنی دیپلماسی نرم تری را می تواند در مورد روسیه به کار ببرد، ولی همان دیپلماسی نرم را در مورد نمی تواند به کار ببرد. بنابراین روسیه قابل

نفت نخرد، از طرفی دیگر آقای ماکرون اعلام کرد که ما خیلی تضمین نمی کنیم موقعیت شرکت های فرانسوی را در ایران. از طرفی هم یک میلیون بشکه مساله چندان را حل نمی کند، منتها ما به خاطر اینکه عضویت FATF را نپذیرفتیم، احتمال دارد برای شبکه بانکی مان مشکل به وجود بیاید، یعنی شبکه بانکی ما فریز می شود و ترامپ هم دستور داده به سوئیفت که ایران را از عضویت آن خارج کند که احتمالا ظرف یک هفته دیگر ارتباط ما با سوئیفت قطع خواهد شد که این کار خطرناکی است. از این رو فروختن یک میلیون بشکه نه مشکل ما را حل می کند و نه خیلی اهمیت دارد. بسته شدن شبکه بانکی به سمت ما یک مقداری کار را با مشکل مواجه می کند.

ولی اروپایی ها تاکید بسیاری روی این داشته اند که به جز بحث های اقتصادی، موضوع برجام برایشان امنیتی هم است. به نظر تان اروپا این جنبه از موضوع را کنار می گذارد و از آن خارج می شود؟

دلایلش را گفتیم که چرا اروپا خارج می شود و چرا در ابتدا برای حفظ برجام اینقدر سینه چاکی می کرد، به خاطر حفظ پرستیژ خودش بود، ولی اجرای این سیاست تنبیهی در برابر اروپا و چین مقداری اروپا را با مشکل مواجه کرد. آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بر اساس یک طرح یک چیزی در حدود ۲۸ درصد از کل صنایع سنگین اروپا را در اختیارشان گرفتند و الان هم یک چیزی بین شش تا هشت درصد صنایع دیجیتال اروپا در اختیار آمریکایی ها است، به همین دلیل اروپایی ها ایرباس را نتوانستند بدون اجازه آمریکا به ما بفروشند.

با این شرایط به نظر تان ایران در یک دوراهی جنگ یا مذاکره قرار می گیرد؟

البته امیدواریم جنگی اتفاق نیفتد، ولی من پیشنهاد مذاکره را هنوز هم می دهم، خیلی هم دیر نشده و فکر می کنم تنها راه کاهش هزینه و همین طور حفظ کشور، تعامل و مذاکره است.

ان در این شرایط به نظر تان ما می توانیم مذاکره ایران با آمریکا را با مذاکره ترامپ با کره شمالی قالب بندی کنیم و این جور نگاه کنیم که چون ترامپ موضوعات را به صورت دوجانبه می خواهد حل کند، موضوع ایران را هم علاقه دارد این طور جلو ببرد و به جای اینکه شش کشور حضور داشته باشند، فقط خود ایران و آمریکا پشت یک میز بنشینند و موضوع را حل کنند. به نظر تان ترامپ این نگاه را دارد؟

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بر اساس یک طرح یک چیزی در حدود ۲۸ درصد از کل صنایع سنگین اروپا را در اختیارشان گرفتند و الان هم یک چیزی بین شش تا هشت درصد صنایع دیجیتال اروپا در اختیار آمریکایی ها است، به همین دلیل اروپایی ها ایرباس را نتوانستند بدون اجازه آمریکا به ما بفروشند



سلطان دموکراتیک

آیا اردوغان به سمت اقتدارگرایی گام برمی دارد؟

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دوران پس از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ باشد و به آنچه که سبب شده بود تا در دوران پس از کودتا مشغولیت‌های ذهنی فراوانی برای سیاستمداران ترکیه فراهم شود، پایان دهد. البته در این صحنه ترکیب جدید پارلمانی و نحوه شکل‌گیری گروه‌های پارلمانی بسیار مؤثر است و بنا به اهدافی که احزاب رقیب دنبال می‌کنند ممکن است بار دیگر موافقتی بر سر راه تصویب قوانین و طرح‌های اقتصادی حزب عدالت و توسعه ایجاد کند؛ امری که با توجه به امتیازات رئیس‌جمهور در مرحله جدید تعیین‌کننده نخواهد بود. ولیکن همچنان به عنوان یک دغدغه خاطر و مشکل فرعی بر سر راه حزب حاکم در ترکیه قرار خواهد داشت.

به نظر می‌رسد ترکیه بعد از انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری و پارلمانی، ترکیه‌ای منسجم‌تر و در عرصه اداره امور داخلی و سیاسی این کشور، کارآمدتر خواهد بود. البته صرف نظر از انتقاداتی که به شخص اردوغان مبنی بر گرایش قدرت‌طلبانه او وارد است، در میان مدت و درازمدت به زیان ترکیه و موجب تضعیف ساختار سیاسی این کشور تلقی می‌شود.

این همان شرایطی است که ممکن است انگیزه‌های قدرت‌طلبانه حزب عدالت و توسعه را برای احیای مجدد سیاست‌های عثمانی‌گرای تقویت کند و موجب شود بار دیگر این کشور وارد عرصه ماجراجویی‌های منطقه‌ای شود. به خصوص که با کسب این نتایج از نگرانی‌های اردوغان نسبت به مخالفت‌های داخلی و به‌ویژه مخالفت‌ها و مانع‌تراشی‌های کردهای این کشور کاسته شده و بستر مناسبی با هدف هر کارگیری اهرم نظامی در جنوب ترکیه فراهم شده است.

شرایط کنونی به گونه‌ای است که حزب عدالت و توسعه می‌تواند از آن به نفع تحقق منافع ملی مردم این کشور در دو صحنه مختلف به خوبی بهره‌برداری کند؛ صحنه نخست، کوشش برای کاهش پیوندهای نظامی با ناتو است که چنانچه حزب حاکم در این عرصه تلاش‌های پیگیری داشته باشد، قاعدتا می‌تواند به یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این کشور که نوعی سیطره نظامی غرب به شمار می‌رود پایان دهد. صحنه دوم مجموعه تلاش‌هایی است که می‌تواند ترکیه را به سمت پیوندهای اسلامی و تحقق شعارهای اسلامی که از ابتدا از جمله اهداف اعلام شده حزب عدالت و توسعه بوده است، سوق دهد. در واقع به اصلی‌ترین خواسته‌های مردم ترکیه در این دو عرصه پاسخ دهد. بنابراین شاید انتظار برخی از مردم ترکیه این باشد که آرایی که به نفع این حزب به صندوق‌ها ریخته‌اند در نهایت به تدوین راهبردهایی برای تحقق واقعی این خواسته‌ها که ترکیه را به یک کشور قدرتمند و ایده‌آل تبدیل می‌کند، منجر شود. البته تحقق و اجرای چنین موضوعی از دید بسیاری از کارشناسان بسیار بعید به نظر می‌رسد و آنها بعید می‌دانند که حزب عدالت و توسعه در این دو عرصه گام‌های جدی بردارد.

البته باید به این نکته بسیار مهم توجه داشت که اردوغان امروزی، نه تنها با اردوغان ۱۵ سال پیش (۲۰۰۳) که وی به عنوان نخست‌وزیر در رأس امور اجرایی ترکیه قرار گرفت، بلکه با اردوغان ۶ سال پیش که مداخلات نظامی‌اش را در سوریه آغاز کرد، تفاوت‌های زیادی دارد زیرا وی در فاصله این سال‌ها، دگردیسی‌های مختلفی را تجربه کرده است و بنابراین آنچه امروز باید در بررسی و سنجش تأثیرات باقی‌مانده اردوغان در رأس قدرت مورد توجه قرار گیرد، اردوغانی است که در صحنه‌های راهبردی، به‌ویژه در سیاست‌های منطقه‌ای، خط‌مشی متفاوتی را دنبال می‌کند و در عرصه عمل، از بسیاری از بلندپروازی‌های منطقه‌ای گذشته‌اش دست برداشته است.

وجود دارد، توانایی لازم برای جلب افکار عمومی را دارد؛ به خصوص که احزاب رقیب عدالت و توسعه در این دوره از انتخابات با توجه به تسهیلاتی که قانون اساسی جدید در اختیار آنها قرار داده، به تشکیل ائتلاف‌های هوشمندانه‌ای مبادرت کردند و تلاش بسیار گسترده و مضاعفی را برای شکست حزب حاکم به کار گرفتند. ولیکن با این همه این احزاب به هدف تعیین شده‌شان در جلب آرای عمومی دست پیدا نکردند.

تردیدی نیست که حزب عدالت و توسعه با پیروزی در این مرحله از لحاظ سیاسی در موقعیت برتری قرار گرفته و به‌رغم کاهش آرا نسبت به دوره‌های پیشین از اقتدار قابل ملاحظه‌ای برای پیشبرد اهدافش برخوردار شده است. به ویژه که حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان معمار و به‌وجودآورنده ساختار سیاسی جدید ترکیه محسوب می‌شوند و انتخابات کنونی بر اساس تغییراتی برگزار شد که این حزب در قانون اساسی ترکیه ایجاد کرده و آن را پیش از این طی فرآیندی به تصویب مردم رسانده است. این قانون اساسی، اختیارات قابل ملاحظه‌ای را برای شخص رئیس‌جمهور یعنی اردوغان قائل است و توانمندی‌های او را در پیشبرد خواسته‌هایش در مقایسه با گذشته بسیار افزایش می‌دهد.

طبیعتاً امتیازاتی که در قانون اساسی جدید ترکیه به شخص رئیس‌جمهور این کشور داده شده، زمینه‌ساز نوعی از اقتدار محسوب می‌شود که با ضوابط متعارف در یک حکومت دموکراتیک منافات زیادی دارد و از این دریچه ترکیه را به سمت وسوی یک حکومت توتالیتر با ویژگی‌های جهان‌سومی نزدیک می‌کند. یعنی دقیقاً همان چیزی (اقتداری) که شخص اردوغان در گذشته ضمن مخالفت با آن، زمینه‌کنار گذاشتن نظامیان را از صحنه قدرت فراهم کرد و اقتدار و تسلط آنها بر نظام سیاسی ترکیه را خلاف موازین دموکراسی دانست.

حرکت حزب عدالت و توسعه به سمت کسب اقتدار بیشتر، دو پیامد مختلف می‌تواند در پی داشته باشد؛ نخست یک پیامد منفی که بسیاری از احزاب مخالف و حتی روزنامه‌نگاران ترکیه از آن به عنوان یک خطر برای اداره امور کشور به‌ویژه فعالیت‌های اقتصادی نام می‌برند و چنین اقتداری را مخالف توسعه این کشور در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی می‌دانند. از سوی دیگر بنا بر آنچه که طرفداران حزب عدالت و توسعه ترکیه از آن سخن می‌گویند، این نوع اقتدار می‌تواند بسیاری از موانع موجود بر سر راه اجرای برنامه‌های ضروری در عرصه‌های اقتصادی را رفع و قدرت لازم را برای پیشبرد اهداف تعیین و اعلام شده حزب عدالت و توسعه فراهم کند.

البته در صحنه خارجی به خصوص موقعیتی که ترکیه به لحاظ مداخله در امور سوریه و عراق از آن برخوردار شده این اقتدار ممکن است امکان ماجراجویی‌های بیشتری را برای شخص اردوغان فراهم کند و آنچه را که طی چند سال گذشته سبب شد تا قدرت مانور حزب عدالت و توسعه در مناطق مرزی این کشور کاهش پیدا کند، از میان ببرد. قاعدتا از دیدگاه اقلیت کرد در ترکیه و به خصوص مناقشاتی که میان آنها و حزب عدالت و توسعه وجود دارد، این اقتدار به هیچ وجه مثبت تلقی نمی‌شود و به معنی آن است که حزب حاکم توانمندی‌های بیشتری را در مخالفت با خواسته‌های اقلیت کرد و تحقق شرایط مورد نظر آنها پیدا می‌کند.

آنچه مسلم است نتایج این انتخابات انتظارات تازه‌ای را در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و در میان قشرهای مختلف مردم ترکیه ایجاد و اقتشاری از مردم ترکیه را به عبور موفقیت‌آمیز این کشور از مشکلات اقتصادی کنونی امیدوارتر کرده است. به خصوص که کسب این گونه نتایج می‌تواند پایان بخش بسیاری از کنش‌ها و واکنش‌های



جعفر قنادپاشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



رجب طیب اردوغان از انتخاباتی که تردیدهای زیادی در مورد پیروزی وی وجود داشت، به‌طور موفقیت‌آمیزی عبور کرد و نشان داد که شخص وی و حزب عدالت و توسعه در ارزیابی شرایط سیاسی ترکیه یک نگاه واقع‌بینانه دارند. همچنین این پیروزی بیانگر آن است که حزب عدالت و توسعه بعد از گذشت حدود ۱۵ سال در قدرت بودن همچنان به‌رغم انواع مخالفت‌ها و وجود شرایط بسیار پیچیده‌ای که در حال حاضر در ترکیه

بازی دوگانه

آنکارا نزدیکی به تهران و مسکورا در دستور کار دارد

داود احمدزاده

کارشناس مسائل خاورمیانه



با پیروزی رجب طیب اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه و کسب اکثریت آرا توسط ائتلاف حزب عدالت و توسعه و حرکت ملی، اکنون وی با تحکیم پایه‌های قدرت داخلی و کاهش بیشتر حوزه نفوذ مخالفین خود، به دنبال اجرای جهان بینی خاص خود در سیاست منطقه‌ای و گسترش حوزه نفوذ خواهد بود.

شاید پیگیری و گسترش روابط نزدیک با روسیه و ایران و ایجاد موازنه قدرت جدید در قبال محور عربی-عبری به دلیل بروز اختلافات استراتژیک با متحدان سابق، یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی اردوغان باشد.

چرخش سیاست خارجی اردوغان در سال‌های اخیر از غرب به شرق، گرچه محل نقد کارشناسان منطقه بوده و خواهد بود، با این وجود، آشکار شدن تهدیدهای امنیتی در حیط خلوت ترک‌ها به دلیل مرز مشترک با کانون‌های بحران در خاورمیانه به ویژه در سوریه و عراق، هویت طلبی کردها به عنوان معضل تاریخی (استقلال طلبی کردها) و بی توجهی غرب نسبت به مطالبات ترک‌ها، باعث شده که ترکیه همراهی و همگامی آشکاری با سیاست‌های منطقه‌ای مسکورا و تهران دنبال کند. حتی اگر این چرخش را در قالب نه اتحاد، بلکه همگرایی تاکتیکی با روسیه و ایران ارزیابی کنیم، بی شک اردوغان برای بازی دوگانه و امتیازگیری از غرب و متحدان منطقه‌ای آن سیاست نزدیکی و تعامل با ایران و روسیه را پیگیری خواهد کرد.

این انتخابات وزن سیاسی اردوغان و هم حزبی‌های او را در منظومه سیاسی ترکیه آشکار کرد و اکنون اردوغان با اختیار عمل بیشتری ضمن سرکوب برخی از مخالفین به ویژه گولنیست‌ها و تداوم تسویه حساب‌های سیاسی، شرایط را برای خوانش جدید نو عثمانی گرایان با مولفه نظامی‌گری در عرصه سیاست خارجی آماده می‌بیند.

در این میان حل و فصل بحران سوریه، یکی از دغدغه‌های اصلی امنیتی ترکیه و تصمیم گیرندگان این کشور در طول چند سال اخیر بوده است. به دلیل داشتن مرزهای مشترک با سوریه، هجوم آوارگان سوری به داخل مرزهای ترکیه و ناامنی‌هایی که به خاطر بحران در داخل سوریه به ویژه در مناطق کردنشین این کشور روی داده، اکنون تداوم همین سیاست خارجی یا تغییر اولویت‌های سیاست منطقه‌ای ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی وی خواهد بود.

ترکیه از زمان شروع بحران سوریه به عنوان یکی از محورهای مخالف نظام بشار اسد و در مقابل مواضع ایران و حتی روسیه با محور عربی و عبری همکاری‌های نظامی و سیاسی داشت و تمام تلاش خود را برای ایجاد ساختار جدید در سوریه و به قدرت رساندن برخی از گروه‌های هم پیمان ضد نظام اسد انجام داد. در این مسیر حتی حاضر به روبرویی نظامی با روسیه و تنش سیاسی با ایران شد. اوج بحران با سرنگونی هواپیمای نظامی روسیه و تلاش همه جانبه آنکارا برای تجهیز گروه‌های سلفی و تکفیری و ضربه زدن به منافق ایران تجلی یافت.

در هر صورت عدم توفیق در سیاست تهاجمی ترکیه

و تمرکز روسیه و ایران برای حفظ نظام بشار اسد، خساراتی را متوجه منافع ترک‌ها در سوریه کرد. از جمله می‌توان گفت که عدم توانمندی ترکیه در کنترل گروه‌های تکفیری و نافرمانی آنان از خواسته‌های ترکیه در سوریه از یک سو و ایجاد کانون‌های خودمختار در مرزهای مشترک که بیشتر از طرف آمریکا و برخی از کشورهای عربی حمایت و هدایت می‌شدند از سوی دیگر شخص اردوغان را به بازبینی و تجدیدنظر در سیاست اعمالی در سوریه و آغاز مذاکرات چند جانبه با رقبای منطقه‌ای خود یعنی روسیه و ایران واداشت. اوج این همکاری‌ها نیز در نشست‌های چند جانبه در آستانه قزاقستان و شروع تدریجی برخی سازوکارهای سیاسی برای کاهش تنش نظامی و سیاسی قابل مشاهده است.

از دیگر سو قدرت یابی کردها در سوریه با توجه به استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق برای امنیت ترکیه بسیار خطر آفرین بود؛ بی توجهی آمریکا نسبت به خواسته هم پیمان نظامی خویش در بحث عدم حمایت از کردهای دموکراتیک سوریه و ارتباط تنگاتنگ این گروه‌های شورشی با شاخه نظامی حزب کارگران کرد ترکیه یعنی پ ک پ، خشم دولت مردان ترکیه و شخص اردوغان را برانگیخت و وی ناچار شد تغییر الگوی موازنه سازی قدرت را در منطقه خاورمیانه در پیش بگیرد. از این رو ما شاهد همکاری‌های تاکتیکی میان ترکیه، ایران و روسیه تحت عنوان نشست‌های متعدد در آستانه بودیم که منجر به تخفیف بحران و راه حل‌های مسالمت آمیز در کاهش منازعات بین دولت مرکزی سوریه و مخالفین آن شد.

با این شرایط اگر مروری بر بحث تاثیرگذاری بحران سوریه به ویژه رشد و تقویت برخی از گروه‌های مخالف آنکارا در مرزهای نزدیک این کشور به خصوص عفرین و برخی دیگر از شهرهای سوریه داشته باشیم، دولت اردوغان با پیروزی مجدد در انتخابات، تمرکز خویش را بیشتر بر سرکوب گروه‌های مخالف کرد و جلوگیری از هرگونه استقلال طلبی نزدیکی مرزهایش به خصوص در سوریه و عراق معطوف خواهد کرد.

در این مسیر با توجه به روابط نزدیکی‌ای که کردها با آمریکا و برخی کشورهای اروپایی دارند، قدر مسلم این است که ترکیه به ناچار مسیر همکاری با ایران و روسیه را پیش خواهد گرفت. اگرچه این همکاری در قالب یک تاکتیک موقت قلمداد شود ولی در هر صورت بحث کردها و چگونگی حل و فصل بحران سوریه موجب دور شدن ترکیه از غرب و گرایش به محور شرق با حضور ایران و روسیه خواهد شد.

مساله دیگر اینکه با توجه به مولفه تاثیرگذار عنصر مذهب در سیاست خارجی ترکیه و پافشاری بیشتر اردوغان بر تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و تاکید بر الگوی اخوانیسم در منطقه با وجود هزیمت این الگو در مصر، شاهد گسترش روزافزون روابط سیاسی و نظامی و همکاری‌های تجاری ترکیه با قطر خواهیم بود؛ کشوری که به دلیل اختلافات ایدئولوژیک از جرگه اعراب منطقه حاشیه خلیج فارس رانده شده و همچنین به دلیل متهم شدن به حمایت از گروه‌های تروریستی از جمله اخوان المسلمین و حضور برخی از رهبران این جنبش در دوحه، با شرایط دشواری روبرو است. این در حالی است که به رغم تهدیدهای عربستان و امارات، ترکیه علاوه بر گسترش

روابط در حوزه‌های مختلف، به دنبال اعزام نیرو و ساخت پایگاه نظامی در قطر است. از دیگر سو، احتمال گسترش تنش و بروز اختلاف با اسرائیل بر سر موضوع فلسطین و مخالفت علنی آنکارا با انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس شرقی وجود دارد. طرح دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا که در قالب «معامله قرن» با هدف شناسایی اسرائیل در منطقه و نزدیکی روابط با اعراب پیگیری می‌شود، می‌تواند عاملی بر دور شدن بیشتر ترکیه از آمریکا و عربستان و نزدیکی بیشتر به ایران و قطر قلمداد شود.

همچنین باید توجه داشت که در بحث سیاست خارجی ترکیه با در نظر گرفتن دو عنصر هویت و امنیت، مولفه تاثیرگذار همچنان بحث بازگشت به نو عثمانی گرایان است و با توجه به عدم اعتماد به غرب نوعی توازن سازی با ترکیه بر راهبرد تبدیل شدن به قدرت فائقه منطقه‌ای مدنظر تیم امنیتی اردغان خواهد بود. در این شیوه که بروز و ظهور آن را در سیاست منطقه‌ای آنکارا نیز می‌توانیم مشاهده کنیم می‌توان گفت شخص اردوغان نسبت به برخی از همسایگان خود با توجه به تجربه دوره تاریخی گذشته به ویژه در دوره امپراتوری عثمانی، حساسیت و چشمداشت تاریخی دارد. از این رو با ادامه حضور در بحران سوریه و حساسیت نشان دادن نسبت به سرنوشت کرکوک در عراق به دلیل تاریخ مشترک با جغرافیای سرزمینی ترکیه دوره عثمانی، این دخالت‌ها را حق مسلم خود می‌داند. از این رو بحث توسعه طلبی را به نوعی توجیه می‌کند. همچنین با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۴ این حزب بازگشت به اسلام و دور شدن از سیاست‌های لائیک نهادینه شده دوره آتاتورک را پیگیری می‌کند و تجلی این سیاست داخلی را می‌توان در توسعه طلبی و تمرکز سیاست خارجی این کشور بر نوع مداخلات در منطقه به ویژه سوریه و عراق به وضوح مشاهده کرد.



وزنه ملی گراها

آیا دوره تک حزبی عدالت و توسعه پایان یافته است؟



سیامک کاکایی
کارشناس مسائل ترکیه

انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری ترکیه و نتایج آن از جهات مختلف قابل بررسی و تحلیل است. با وجودی که این انتخابات در محافل سیاسی و رسانه‌ای بازتاب فراوانی داشته است، اما تحلیل هر دو انتخابات عامل موثری در نگاه به روند سیاسی در ترکیه خواهد بود. یکی از ویژگی‌های مهم در انتخابات زودهنگام پارلمانی و ریاست جمهوری ترکیه که به نظر می‌رسد در پیروزی رجب طیب اردوغان نیز تاثیرگذار بود، آمار افزایش سطح مشارکت در انتخابات بوده است. نزدیک ۹۰ درصد مشارکت در انتخابات، در تاریخ انتخابات این کشور قابل توجه است و نشان می‌دهد که جامعه ترکیه از دولت جدید که اردوغان در راس هرم قدرت آن قرار دارد، انتظارات نوینی دارند.

۱- انتخابات ریاست جمهوری: رجب طیب اردوغان از مدت‌ها پیش تلاش خود را به کار گرفته بود تا پیروز انتخابات باشد و سرانجام این خواسته را عملی کرد؛ بنابراین فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه پس از این انتخابات تابعی از آرایش جدید سیاسی خواهد بود. باید گفت که ائتلاف حزب عدالت و توسعه با حزب ملی گرای



حزب ملی به رهبری دولت باغچلی نقش موثری در پیروزی اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری داشت. اگر مجموع آرای حرکت ملی، مولتلف اردوغان و حزب «خوب» به رهبری مرال آکشنر «رقیب اردوغان» را در نظر بگیریم مشخص است که آرای گروه‌های ملی گرا افزایش قابل توجهی داشته است.

نتایج انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که اردوغان به عنوان اولین رئیس جمهور سیستم ریاستی ناگزیر است که در کابینه خود نیم‌نگاهی به گروه ملی گرای مولتلف خود داشته باشد. این بدان مفهوم است که دوره تک حزبی عدالت و توسعه در زمامداری ترکیه به سر آمده و ترکیب آرایش سیاسی در پارلمان هم بیانگر همین موضوع است.

درباره دلایل پیروزی اردوغان بر مجموع رقبای خود باید به فضاسازی و شگردهای سیاسی، امنیتی و تبلیغاتی حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان و بهره‌گیری آنها از محیط بیرونی به خصوص ماجراجویی‌های ترکیه در سوریه و عراق به عنوان عامل تاثیرگذار توجه داشت. در کنار آن به نظر می‌رسد که بهره‌گیری از اندیشه ملی‌گرایی نزد اردوغان قوت بیشتری گرفته است. در مقابل اردوغان، آرای حدود ۳۱ درصدی محرم اینجسه مهم‌ترین رقیب اردوغان در حزب جمهوری خلق برای این حزب قدیمی و رقیب حزب عدالت و توسعه قابل توجه و نشان‌دهنده این موضوع است که رقا از توان زیادی در به چالش کشیدن برنامه‌های اردوغان برخوردار هستند.

۲- انتخابات پارلمانی: در نتیجه این انتخابات، همه احزاب راه یافته به پارلمان احساس پیروزی می‌کنند. در این میان ائتلاف جمهوری به رهبری اردوغان متشکل از دو حزب عدالت و توسعه و حرکت ملی بیشترین کرسی‌ها را به دست آورده‌اند. با این تفاوت که از شمار کرسی‌های عدالت و توسعه در مقایسه با پارلمان فعلی و دوره‌های گذشته کاسته شده است. در مقابل حرکت ملی توانست بیش از ۱۱ درصد کرسی‌ها را از آن خود کند و حتی مرال آکشنر، رهبر حزب نوتاسیس «خوب» نیز برای نخستین بار صاحب ۴۴ کرسی شده است که به نظر می‌رسد که این شمار از کرسی‌ها را باید متعلق به بخشی از جناح ملی گرا دانست.

اما در مقابل عدالت و توسعه، حزب جمهوری خلق همچنان به عنوان حزب اول منتقد جایگاه خود را تثبیت کرده و حزب دموکراتیک خلق‌ها به‌رغم محدودیت‌های گسترده سیاسی و امنیتی دو سال اخیر دولت علیه آنها و حتی در شرایطی که رئیس حزب‌شان در زندان به سر می‌برد، توانست بیش از ۱۰ درصد آرا را به دست آورد و بر شمار کرسی‌های خود در پارلمان بیفزاید که این نکته قابل تاملی در تحلیل جامعه‌شناختی انتخابات ترکیه است.

بنابراین رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در سیستم دوره جدید خود به‌رغم تلاش برای پیشبرد برنامه‌های طراحی شده در ساختار حکومتی، اقتصادی و دیپلماسی منطقه‌ای با پدیده جدید مطالبه ملی‌گرایان در ساختار قدرت و انتقاد فزاینده رقا در سیاست داخلی و خارجی روبه‌رو خواهد بود.

به نظر می‌رسد آنچه به عنوان مطالبه ملی‌گرایان در ساختار قدرت مورد توجه قرار گرفته می‌تواند برای اردوغان تاثیر دوسویه داشته باشد. اگر نگاه آنها در چگونگی

مشارکت در قدرت لحاظ شود و همچنان مبنای رفتار سیاسی اردوغان بر ماندن آنها در ائتلاف خود باشد، این روند می‌تواند به ترک برداشتن حاکمیت بلامنازع عدالت و توسعه منجر شود. اما اگر بعد از به قدرت رسیدن آن‌گونه که ملی گراها انتظار دارند اردوغان به نظر آنها توجه نکند، شاید منجر به ایجاد یک گسل در ائتلاف آنها با عدالت و توسعه شود و ترکیب پارلمان این بار برعکس به زیان عدالت و توسعه تغییر یابد که این خود چالشی فراروی اردوغان به عنوان رئیس جمهور جدید ترکیه خواهد بود.

در پدیده دیگری آرای کردها و راهیابی دوباره آنها به پارلمان پیام روشنی برای اردوغان دارد که تداوم سیاست‌های خود را در این خصوص تعدیل کند. در جبهه دیگر نیز اکنون حزب جمهوری خلق و حزب نوظهور «خوب» نگاه انتقادی تندی به برنامه‌ها و دولت اردوغان خواهند داشت؛ چرا که آنها از قدرت نسبی بسیج عمومی برخوردار هستند.

همچنین باید توجه داشت که اردوغان، اولین رئیس جمهور نظام ریاستی ترکیه، خود معماری است که از همان زمان که عدالت و توسعه زمام امور را به دست گرفت، مرحله به مرحله به دنبال تثبیت پایه‌های قدرت و رهیافتی اقتدارگرایانه بوده است. او در این مسیر کوشید

۲۲

آنچه به عنوان مطالبه ملی‌گرایان در ساختار قدرت مورد توجه قرار گرفته می‌تواند برای اردوغان تاثیر دوسویه داشته باشد. اگر نگاه آنها در چگونگی مشارکت در قدرت لحاظ شود و همچنان مبنای رفتار سیاسی اردوغان بر ماندن آنها در ائتلاف خود باشد، این روند می‌تواند به ترک برداشتن حاکمیت بلامنازع عدالت و توسعه منجر شود

۲۲

که ثبات نسبی اقتصادی برقرار و سطح رفاه اجتماعی را افزایش دهد. در عرصه منطقه‌ای نیز سیاست‌های ایفای نقش فعال منطقه‌ای ترکیه به ماجراجویی‌های نظامی در سوریه و عراق انجامید. این خود یک برگ برنده برای توجه ملی‌گرایان به اردوغان بوده است و در کنار آن نیز نگرانی لایه‌هایی از جامعه نسبت به برهم خوردن تعادل اقتصادی در این کشور کارگر بود. اکنون اردوغان به عنوان رئیس جمهور و معمار نظام نوین سیاسی ترکیه با دامنه‌ای از مطالبات اجتماعی، سیاسی، ملی و اقتصادی روبه‌رو است؛ وی می‌کوشد از مجموعه آنها یک استراتژی پی‌ریزی کند که در پی آن ترکیه را به دهمین اقتصاد جهان تا سال ۲۰۲۳ برساند و پایه‌های حکومتداری در دوره بعد و برای ثبات عدالت و توسعه را تحکیم بخشد.

هرچند حال و روز اقتصاد ترکیه در شرایط کنونی چندان مساعد نیست اما تلاش اردوغان برای سمت و سو دادن به اختیارات و قدرت ریاست جمهوری در سیستم جدید سیاسی این کشور سیر پی‌ناپذیر است. شاید همین موضوع او را زودرای دهندگان قدرتمندتر نشان داده است. لیکن موقعیت منطقه‌ای و حرکت اقتصاد ترکیه به سمت دهمین اقتصاد جهان به چرخش سرمایه، نقش منطقه‌ای و جایگاه اقتصادی ترکیه در داخل و خارج بستگی دارد.

درواقع ترکیه خود بازیگری مهم در عرصه منطقه‌ای و پیرامونی است ولیکن محقق شدن خواسته و آمل اردوغان به مجموعه شرایط داخلی و بین‌المللی و چگونگی بازیگر دانی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بستگی دارد.

استفاده از ابزار جنگ خارجی

شگرد اردوغان برای پیروزی در انتخابات چه بود؟

احمد مرجانی نژاد

مترجم و پژوهشگر
مسائل بین الملل



حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، با پیروزی‌های مکرر انتخاباتی در جمهوری ترکیه (۲۴ ژوئن ۲۰۱۸) در راستای نهادینه‌سازی اقتدار، تحقق راهبردهای کلان ترسیمی با هدف افزایش قدرت منطقه‌ای و ارتقای جایگاه جمهوری ترکیه در سلسله مراتب جهانی کامی‌بلند برداشت. مهم‌ترین نتیجه انتخابات مذکور، تثبیت نظام ریاستی و اولویت رئیس‌جمهور در سیستم سیاسی ترکیه است.

رجب طیب اردوغان، ۱۱ سال نخست‌وزیر ترکیه بود و پس از آن در سال ۲۰۱۴ م، به ریاست جمهوری رسید. اما اینک تغییرات جدید به او اجازه می‌دهد در پایان دوره فعلی ریاست جمهوری (سال ۲۰۲۳) یک بار دیگر نامزد ریاست جمهوری شود و بالقوه تا سال ۲۰۲۸ رئیس‌جمهوری ترکیه باقی بماند.

یکی از ابعاد قابل توجهه در برگزاری انتخابات ترکیه را می‌توان بهره‌گیری حزب عدالت و توسعه و شخص رجب طیب اردوغان از ابزار جنگ خارجی جهت کسب آرا دانست. آنان طی انتخابات اخیر به خوبی توانستند از مساله هجوم خارجی، دشمن و تامین امنیت در مرزها به عنوان ابزاری برای کسب رای بهره‌برداری کنند.

در انتخابات ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸ بنا به اعلام

خبرگزاری آنا تولی، مرجع رسمی و قانونی رسانه‌ای اعلام نتایج انتخابات ترکیه، رجب طیب اردوغان با کسب حدود ۵۵/۵۲ درصد آرا، اکثریت مطلق آرای انتخابات ریاست جمهوری را به دست آورده است و به عنوان پیروز انتخابات و رئیس‌جمهور منتخب ملت ترکیه معرفی شد. رسانه‌ها نرخ مشارکت را حدود ۸۰ درصد اعلام کردند.

در رای گیری مجزای پارلمانی، ائتلاف به رهبری حزب حاکم با کسب ۳۴۳ کرسی، اکثریت پارلمان را در اختیار خود گرفت. همچنین حزب دموکراتیک خلق‌ها، به رهبری «صلاح‌الدین دمیرتاش» که از زندان نامزد شرکت در انتخابات شده بود، با کسب ۶۷ کرسی، ۱۱ درصد از آراء و گذر از حد نصاب ۱۰ درصدی، به پارلمان این کشور راه یافتند. حزب جمهوری خواه خلق و متحدانش جمعا ۳۳ درصد کرسی‌ها را کسب کردند. در این میان «محرم اینچه» نامزد اصلی اپوزیسیون، به‌رغم کارزاری پرتحرک، ۳۱ درصد آراء را به دست آورد و هشدار داد که ترکیه وارد دوره خطرناک حاکمیت مطلقه یک نفر شده است. چهار نامزد دیگر ریاست جمهوری که در این انتخابات شرکت داشتند، کمتر از ۱۰ درصد آرا به خود اختصاص دادند.

در این رابطه، سازمان امنیت و همکاری اروپا از نابرابری در پوشش رسانه‌ای کارزارهای انتخاباتی نامزدها انتقاد کرد و ترکیه را بزرگترین زندانی کننده روزنامه‌نگاران در جهان معرفی کرد. اردوغان ۶۴ ساله، با تقویت اقتصاد ترکیه پایگاه محکمی برای خود ایجاد کرده است، اما در عین حال با اعمال قدرت، انحصار، سرکوب و زندانی کردن مخالفان سیاسی، افکار عمومی ترکیه را منسحب و در سطح بین الملل نیز چهره‌ای مستبد از خود ترسیم کرده است. از زمان کودتای نافرجام ترکیه (تابستان ۲۰۱۶) این کشور در وضعیت اضطراری به سر می‌برد و تاکنون بیش از ۱۰۷۰۰۰ تن از نیروهای دولتی و نظامی از کار برکنار شده‌اند و حدود ۵۰۰۰۰ تن محبوس نیز منتظر برگزاری دادگاه هستند. برخی منتقدان نیز ادعا می‌کنند که نظام جدید ابزار لازم برای جلوگیری از انحصار قدرت است؛ اما آقای اردوغان می‌گوید:

«اختیارات تازه به او اجازه

می‌دهد تا هم شورشیان مسلح

کرد در جنوب شرقی کشور

را شکست دهد و هم با

دشمنان اقتصادی ترکیه

مبارزه کند.» در این دوره

مردم در حوزه سیاست

داخلی و خارجی مطالبات و

انتظار برخی تغییرات را دارند

که باید مدنظر اردوغان

باشد. از جمله می‌توان

به موارد زیر اشاره کرد:

«اصلاح و عادی

سازی روابط با

برخی کشورها؛

تقویت بسترها و اجرای تضمین قول عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا؛ مشخص شدن وضعیت و تدوین نحوه برخورد ناتو به رهبری آمریکا با مواضع و منافع آنکارا؛ ایجاد موازنه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی.»

البته غربی‌ها معتقد هستند که به‌رغم تمایلات اسلامگرایی حزب عدالت و توسعه، با لحاظ کردن ظرفیت‌ها و نیز ضعف‌های آنکارا، می‌توانند برای نیل به مقاصد و منافع شان، به عنوان پل ارتباطی، نهایت بهره‌برداری را از ترکیه داشته باشند. اخیرا مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا گفته است که ترکیه کودک ناخلف ناتو است. در صورتی که غرب به رهبری آمریکا و طی حمایت رژیم غاصب صهیونیستی، در خصوص مخالفت با منافع ترکیه دچار خطای راهبردی شوند و اگر ترکیه تحت تحریم تسلیحاتی و مالی قرار گیرد، حکومت حزب عدالت و توسعه و شخص آقای اردوغان این ظرفیت و شهامت را دارند تا از ائتلاف غرب و ناتو خارج و محور شرق (روسیه-چین-ایران) را جایگزین کنند و معادله قوا در منطقه را برهم زنند.

البته احتمالا پیروزی اخیر اردوغان، به این معنی است که آنکارا به سیاست‌هایش ادامه می‌دهد.

مبارزه علیه تروریسم و شبه نظامیان وابسته به حزب کارگران کردستان در سوریه و عراق همچنان در صدر اقدامات دولت خواهد بود. به علاوه، اردوغان گفته است که مقدمات بازگشت بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ تن از مردم سوریه را که به ترکیه پناهنده شده‌اند، فراهم خواهد کرد. با حذف پست نخست‌وزیر، پارلمان ترکیه عملا تضعیف خواهد شد؛ با پیروزی در انتخابات اخیر و تغییرات در قانون اساسی ترکیه، رئیس‌جمهور قادر خواهد شد مستقیما مقام‌های ارشد دولت از جمله وزرا و معاون رئیس‌جمهوری را منصوب کند، در نظام قضایی کشور دخالت و حتی اعلام وضعیت اضطراری کند. از دیگر سو به‌رغم همسایگی تاریخی و رقابت منطقه‌ای، از آنجا که روابط بین دولت‌ها متکی بر معادله تامین منافع آنان است، ایران و ترکیه دارای منافع مشترک و همکاری اقتصادی-امنیتی گسترده‌ای هستند، بنابراین حکومت حزب عدالت و توسعه مخالف تحریم‌ها علیه ایران است و اعلام کرده است

که: «ترکیه فقط تحریم‌های مصوب سازمان ملل متحد علیه ایران را می‌پذیرد. همچنین در صورت به کارگیری نیروهای مسلح برای تغییر حکومت ایران، امنیت ملی ترکیه نیز تهدید خواهد شد. با توجه به اینکه اختلاف آنکارا-واشنگتن، به‌طور عمده ناشی از همکاری آمریکا با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در ترکیه و شعب آن در عراق و سوریه است، مسلما در صورت حملات نظامی علیه ایران که موجب خلاء قدرت و ایجاد بحران در ایران و منطقه خواهد شد، ترکیه نیز به شدت تحت تاثیر قرار خواهد گرفت، ضمن آنکه مواضع نظامی و عقیدتی ایران، میدان درگیری را در سطح منطقه، بسیار گسترده و عمیق خواهد کرد.»

در نهایت برخی نارضایتی‌های عمده نیز از سیاست‌های اردوغان وجود دارد که باید در جهت رفع آنها گام بردارد تا در آینده مشکلات عمده‌ای برایش ایجاد نشود. از جمله نارضایتی‌های عمده عبارت هستند از: «تداوم نزدیک تر شدن آنکارا به مسکو؛ تشدید اختلاف آنکارا-واشنگتن در خصوص کردستان سوریه؛ عدم اعلام سیاست شفاف ملی در خصوص ناتو؛ تداوم اعلام وضعیت فوق العاده در کشور؛ انحصار طلبی حزب عدالت و توسعه در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی-فرهنگی-اقتصادی؛ سیاست‌های پوپولیستی اقتصادی دولت، بحران‌های اقتصادی و سقوط ارزش لیر ترکیه.»



اردوغانیسم و ضد اردوغانیسم

وضعیت دوقطبی جامعه ترکیه تشدید می شود

دکتر رحمت حاجی مینه

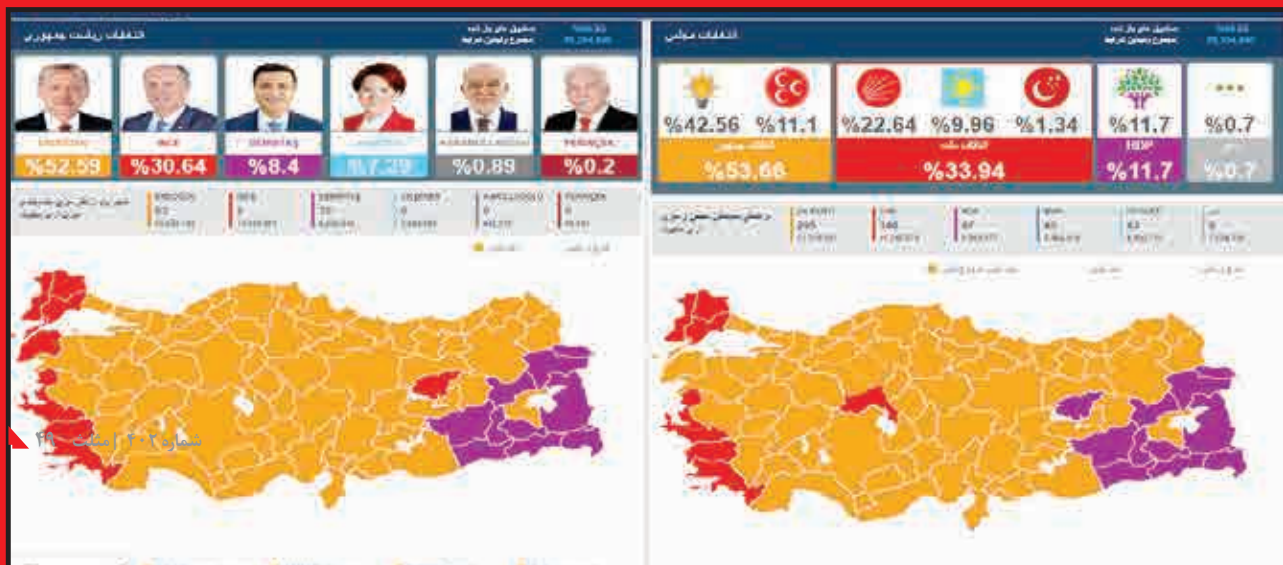


استاد دانشگاه و پژوهشگر ارشد
میهمان مرکز مطالعات خاورمیانه

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری برای یک دوره پنج ساله دیگر انتخاب شد. همچنین ائتلاف جمهور شامل حزب عدالت و توسعه و حزب «حرکت ملی» توانست اکثریت کرسی های پارلمان ترکیه را به دست آورد. این در حالی است که حزب دموکراتیک خلق ها و حزب نوپای نیک نیز توانستند از حد نصاب ۱۰ درصد آرا برای حضور در پارلمان برخوردار شوند. در واقع نظام انتخابات ترکیه در چارچوب رقابت های حزبی انجام می گیرد و هر حزب به لحاظ تاریخی و اجتماعی خاستگاه و جایگاه ویژه خود را دارد که بر اساس آن، کارنامه اجرایی یا برنامه های اعلام شده، رای کسب خواهد کرد. حزب عدالت و توسعه (اک پارتی) پس از انحلال حزب رفاه به رهبری نجم الدین اربکان و فضیلت، با رویکردی محافظه کار و اسلامگرا در سال ۲۰۰۱ تشکیل شد و پس از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲ تاکنون قدرت را برای ۱۶ سال در دست داشته است. حزب حرکت ملی (م ه پ) نیز به عنوان مهم ترین متحد حزب عدالت و توسعه در این انتخابات، در سال ۱۹۶۹ به رهبری آلپ ارسلان ترکیب سه عنوان حزب راستگرای افراطی (ناسیونالیست های ترک) تاسیس شد که رهبری آن را از سال ۱۹۹۷ دولت باغچلی برعهده دارد. در طرف دیگر حزب جمهوری خواه خلق (ج ه پ) قرار دارد که به عنوان قدیمی ترین حزب سیاسی ترکیه کتونی با گرایش چپ میانه توسط آتاتورک در سال ۱۹۲۳ تاسیس شد و از سال ۲۰۰۲ بزرگترین حزب مخالف دولت بوده است. حزب نیک - با خوب - به رهبری مرال آکشنر هم که در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۷ از حزب حرکت ملی جدا شد شامل ناسیونالیست های ترک و منتقدان دو آتشه اردوغانیسم و همچنین سیاست های دولت باغچلی، رئیس حزب حرکت ملی هستند. آخرین حزب نفوذی که می توان نام برد حزب دموکراتیک خلق ها (د ه پ) است که از طرف کردها و ناانزادهای چپگرا حمایت می شود. در تحلیل نتایج انتخابات زود هنگام این دوره ترکیه علاوه بر خاستگاه اجتماعی و هویتی احزاب باید در پیروزی اردوغان و ائتلاف حزبی اش به چند نکته دیگر نیز اشاره کرد؛ نخست: شخصیت اردوغان به لحاظ سخنوری؛

دوم: ترس رای دهندگان از بازگشت دولت های ائتلافی قبل از ۲۰۰۲؛ سوم: عدم انسجام مخالفان در ارائه یک نامزد مشترک؛ چهارم: نداشتن برنامه عملی مشخص مخالفان برای آینده ترکیه غیر از انتقاد از برنامه های اردوغان؛ پنجم: تحریک احساسات ملی گرایان ترک با حملات فرامرزی علیه عفرین و قندیل و تمدید شرایط اضطراری و حاکم کردن وضعیت غیر عادی برای فعالیت انتخاباتی احزاب خصوصاً کردها. در باره وضعیت مخالفان و منتقدان اردوغان باید به این نکته اشاره کرد که در تاریخ حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه، مخالفان برای اولین بار به طور جدی با یکدیگر ائتلاف تشکیل دادند و تنهائقله اشتراک آنها، مخالفت با اردوغان و سیاست های اقتدارگرایانه اش در گذشته و چشم انداز نظام ریاستی در آینده ترکیه بود. استراتژی اصلی مخالفان در این انتخابات زود هنگام با توجه به معرفی نامزدهای مختلف ریاست جمهوری، کشاندن آن به دور دوم بود. در حالی که در حوزه پارلمانی با تشکیل ائتلاف و انتقاد از سیاست های اردوغان و حاکمیت پیشین حزب عدالت و توسعه به لحاظ ادامه وضعیت اضطراری، دستگیری و سرکوب مخالفان، ناتوانی اردوغان و دولت در کنترل وضعیت اقتصادی و کاهش خیر ارزش لیر و همچنین سیاست خارجی ناکارآمد، مخالفان تلاش کردند حداقل اکثریت پارلمانی را به دست بگیرند تا اردوغان را کنترل کنند و از یک تازی های او با توجه به قدرت بیش از حد معمولش در نظام جدید ریاستی جلوگیری کنند. وضعیتی که اکثر نظرسنجی های انجام شده قبل از انتخابات از آن به عنوان محتمل ترین سناریو نام می بردند. اما نتایج انتخابات مبنی بر کسب اکثریت پارلمانی توسط ائتلاف جمهور نشان داد که ائتلاف مخالفان اردوغان هر چند توانست نگرانی جدی برای اردوغان و متحدان حزبی اش ایجاد کند اما برای گرفتن نتیجه مطلوب، نیازمند زمان بیشتری برای انسجام و ارائه برنامه معین داشت، آنچه اردوغان با جلو کشیدن انتخابات در این دوره مانع آن شد. در میان رای مخالفان، حزب دموکراتیک خلق ها (د ه پ) و رهبر زندانی آن صلاح الدین دیمیرتاش که نامزد ریاست جمهوری بود از اهمیت قابل توجهی در فهم نظام انتخاباتی ترکیه و چشم انداز سیاسی برخوردار است. نخست اینکه با توجه به شرکت مستقل این حزب در انتخابات و عدم مشارکت در ائتلاف های دو کانه پارلمانی، می توان گفت هویت این حزب به عنوان حزب طرفدار کردها مهم ترین شاخصه در پویای انتخاباتی و کسب نتیجه آن بوده است، دوم؛

سیاست های اردوغان در حوزه داخلی مبنی بر از سرگیری جنگ با پ ک ک و در حوزه خارجی مبنی بر حمله به عفرین، در میان کردها بر خلاف ناسیونالیست های ترک نتیجه معکوس داده است، سوم؛ اردوغان برای جلب نظر کردها در انتخابات های آتی که اهمیت آن در این انتخابات بیشتر نمایان شد (خصوصاً اگر انتخابات ریاست جمهوری به دور دوم کشیده می شد) لازم است سیاست های کردی خود را تغییر دهد و گرنه احزاب دیگر به این سمت می روند همان طور که در این انتخابات محرم اینجه، نامزد حزب جمهوریخواه با عبور از نگاه سنتی حزبی تلاش کرد رای کردها را بسرای خود و حزبی به دست آورد؛ نهایتاً اینکه کردها در سیاست ترکیه با توجه به وزن سیاسی شان دیگر قابل انکار یا حذف و حتی سرکوب سیستماتیک نخواهند بود. به لحاظ پیامدهای این انتخابات هم می توان گفت حزب عدالت و توسعه با توجه به کسب ۴۲،۵ درصدی آرا، اکثریت را در پارلمان از دست داد با این وجود، متحد پارلمانی اش، حزب حرکت ملی، ۱۱ درصد آرا به دست آورد. پس تا وقتی که این دو حزب در کنار یکدیگر در ائتلاف باقی بمانند، کنترل پارلمان را در دست خواهند داشت. وضعیتی که تداوم آن نیازمند واگذاری امتیازاتی به حزب حرکت ملی خواهد بود. هر چند با توجه به اینکه مهم ترین پیامد این انتخابات، تغییر نظام پارلمانی به ریاستی است که در چارچوب آن بیشترین قدرت در دست اردوغان متمرکز است، نمی توان نتیجه این ائتلاف را در حوزه سیاست های داخلی و خارجی به عنوان تغییری اردوغان با توجه به درصدهای دیگر ریاست جمهوری اردوغان با توجه به درصدهای کسب شده، تداوم وضعیت دوقطبی جامعه ترکیه و تشدید آن در آینده بر اساس دو محور اردوغانیسم و ضد اردوغانیسم از یک طرف و تشدید اقتدارگرایی اردوغان از طرف دیگر خواهد بود. در مورد کردها، اردوغان همچنان بر سر دوراهی تداوم سیاست سرکوب با بازگشت به روند صلح قرار دارد که انتخاب هر کدام با توجه به پیامدها و چشم انداز آینده سیاسی ترکیه در منطقه و روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، تابعی از استراتژی کلان اردوغان برای تثبیت قدرتش در سال های آتی خواهد بود. روی هم رفته در دوران پس از انتخابات ترکیه، اردوغان تلاش خواهد کرد دستاوردهای اخیر خود را در حوزه داخلی تقویت کند و از طرف دیگر برای بهبود وضعیت اقتصادی ترکیه «که علاوه بر کارت برنده اردوغان در سال های گذشته به پاشنه آشیل وی نیز در انتخابات اخیر تبدیل شده بود» تلاش می کند روابط مشکل دار خود را با متحدان سنتی غربی اش ترمیم کند، هر چند نزدیکی به روسیه و ایران را برای اجرای سیاست های خاورمیانه ای (مثل آینده سیاسی سوریه و نقش کردها) و بالا بردن قدرت چانه زنی خود در مقابل غربی ها بر سر اختلافات دوطرفه، در دستور کار خواهد داشت.





چقدر تلخ، چقدر شیرین

کی روش تیمی شبیه خودش ساخته بود

کی روش در تیمش هم پخش شده است. او یک جنگجوی واقعی است؛ از آنهایی که سر پرشوری دارند، از آنهایی که این شعر فارسی را بلد نیستند که: «موجیم و آسودگی ما عدم است» اما در لحظه زندگی به آن عمل می کنند، کارلوس کی روش شور خاصی دارد، برای همین است که در همه نود دقیقه های فوتبال او ستاره تیمش می شود، وقتی که فریاد می زند، وقتی که کشش را در می آورد، وقتی که سمت داور می رود... در همه مصاحبه های قبل و بعد از تورنمنت هم کارلوس کی روش یک جنگجو ماند. مردی که ناامیدی و نتوانستن در دایره لغاتش تعریف نشده است. او می رود که برود، در هر مبارزه ای چه بیرون زمین، چه درون زمین، او هیچ چیز را هم فراموش نمی کند. او برای این کار هم به تیمی نیاز دارد که مثل خودش باشد، تیمی که نترسد، ناامید نباشد، بجنگد. این را می شد در هر سه بازی تیم ملی دید، در همه سه بازی تیم ملی ما در دقیقه ربه به انتهای مسابقه موقعیت گل داشتیم، یعنی هم آن گلی که عزیز مراکش زد، هم شوت کریم انصاری فرد به اسپانیا و هم ضربه طارمی در بازی با پرتغال همه در دقیقه بود که بازی داشت تمام می شد و تیم ایران هنوز امیدوار بود. آن صحنه جانانه در بازی با اسپانیا را به خاطر داشته باشید که رامین و بیرانوند و دیگران روی خط دروازه چگونه مقاومت کردند، این تیم از نظر روحی به درجه ای رسیده بود که باید. کی روش این تیم را شبیه خودش کرده بود.

۳- یادگاری های خود را از این جام می شمارم،

اول بازی با اسپانیا را می توان تعمیم داد به همه دقیقه های بازی در همه سه بازی تیم ملی و همه دقیقه قبل و بعد از بازی... مهندس با توجه به مصالحی که در اختیار دارد، بهترین طراحی را می کند، این همه داستان تیم ملی ایران در جام جهانی بود، یک مهندسی کامل. بیاییم در مورد مهندسی بیشتر فکر کنیم. جذاب است، مثلاً ما بتن داریم که در فشار محکم است اما در کشش ضعیف است، می آیین آن را با میله گرد مسلح می کنیم، نتیجه می شود بتن آرمه یعنی چیزی که هم از بتن قوی تر است و هم از میله گرد. این اتفاق در تیم ملی ایران رخ داد. ما تیمی داشتیم که برآیند قدرت آن از برآیند قدرت ۱۱ نفر آن به طور مجزا بیشتر بود، این یعنی یک کار مهندسی شده...

۲- مصاحبه های تیم ملی پس از رسیدن به تهران را مرور می کردم. علیرضا بیرانوند می گوید از گرفتن پنالتی کریستیانو هیچ احساسی ندارم چون باعث هیچ چیز نمی شد. سامان قدوس می گوید: خوشحالی ندارد وقتی با یک گل فاصله صعود نکرديم. خلاصه مصاحبه هر کسی را که می خوانید، متوجه می شوید بخشی از کارلوس

افشین خماند

روزنامه نگار

۱- مهندس اهل علم است، همه چیزش حساب و کتاب دارد. کار را به اما و اگر نمی سپارد، مهندس سرش با احتمالات گرم نمی شود. او فکر می کند، طراحی می کند و بعد می سازد. اگر در همه این سال ها متوجه نشده ایم که کی روش مهندس فوتبال است، کافی است که همان صحنه ورودی بازی ایران و اسپانیا را تماشا کنید. دوربین که به سمت بالا می رود، ساختار دفاعی تیم ملی ایران را نشان می دهد. همه چیز آن چنان در جای خود نشسته اند که انگار منظم ترین سازه فوتبالی جهان طراحی شده است. بازیکنانی با ساختاری پر از مثلث ها، مربع ها، دوزنقه ها و... مهاجمان اسپانیا وقتی این سازه طراحی شده برای محافظت از تمام فضاهای ممکن را دیدند، برگشتند و توپ را به عقب برگرداندند، آن صحنه

پیشرفت کردیم باید از فوتبال سنتی عبور کنیم

مسعود اقبالی

مربی فوتبال

به نظرم تیم ملی فوتبال کشورمان نسبت به جام‌های جهانی قبلی هم نتایج بهتری گرفت و هم اینکه موفق شد بازی بهتری ارائه دهد. با این حال نمی‌توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم که تیم‌هایی مثل اسپانیا و پرتغال فوتبال را ارائه می‌دهند که از فوتبال ما به مراتب جلوتر است. خیلی زمان لازم داریم تا بتوانیم به فوتبالی که امروز این تیم‌ها دارند برسیم. در واقع ما چند دهه است که نتوانسته‌ایم فوتبال مان را به توسعه برسانیم. موضوع دیگری که باید راجع به آن صحبت کنیم این است که آیا اسپانیا و پرتغال همین اندازه توانایی دارند که مقابل ایران نشان دادند؟ من این طور فکر نمی‌کنم. این تیم‌ها خود را برای یک تورنمنت آماده می‌کنند. می‌خواهند انرژی و توان خود را برای یک ماه بازی‌های فشرده نگه دارند. بنابراین طبیعی است که در شروع بازی‌ها همه توان و انرژی خود را صرف نمی‌کنند. بنابراین کاملاً طبیعی است که به دنبال پردهای خفیف باشند. نتایجی نزدیک که آنها را به هدف کوتاه‌مدتشان برساند. در این صورت آنها خود را مهیای مرحله سختی می‌کنند که در آنجا باید همه توان و انرژی‌شان را نشان دهند. در مرحله حذفی شما همه تیم‌های مدعی را متفاوت خواهید دید. آلمان و انگلیس و فرانسه و پرتغال و برزیل... همه این تیم‌ها در مرحله حذفی به شدت زهدار خواهند بود. شما در مرحله گروهی دیدید که برخی تیم‌های بزرگ حتی در آستانه حذف شدن قرار داشتند. نمونه‌اش آلمان است. اگر تونی کروس در ثانیه‌های پایانی بازی با سوندبه داد ژرمن‌ها نمی‌رسید، قهرمان جهان حذف می‌شد. از طرفی دیگر اگر مسی و برخی بازیکنان دیگر به داد آرژانتین نمی‌رسیدند، این تیم هم در آستانه حذف قرار گرفته بود. بقیه تیم‌های مدعی قهرمانی جهان نیز همین‌ها هستند که در آستانه حذف شدن قرار گرفته‌اند. تنه‌روسیه بود که آن هم به دلیل میزبانی خیلی خوب بازی کرد. امروز فوتبال دنیا به درستی به ما می‌گوید که در درون زمین تیم مهم‌تر است تا تک ستاره‌ها. کار گروهی مهم‌تر از کار انفرادی است. البته رونالدو در بازی با اسپانیا بی‌نظیر بود. او هت‌تریک کرد و تیمش را از باخت نجات داد. اما در بازی‌های بعدی به خصوص در بازی برابر ایران چیز خاصی از این بازیکن ندیدیم. اما در مورد فوتبال خودمان باید بگویم که به‌رغم اینکه بازی‌های خوبی داشتیم هنوز در بحث مالکیت توپ مشکل داریم. نمی‌توانیم برای چند دقیقه بازی را در اختیار داشته باشیم و به یکدیگر پاس‌های دقیق و سالم برسانیم. استراتژی کی‌روش در این بازی‌ها تراکم در دفاع و استفاده از ضد حمله بود؛ تا کتیکو که سال‌هاست تیم ما را به عقب زمین رانده است. تیم ما خیلی کم پیش می‌آید که در فاز هجومی اصرار بورزد. وقتی به حمله می‌رود که مجبور باشد و این اصلاً خوب نیست که در یک بازی به‌رغم میل باطنی و سیاست کلی بازممان در جریان بازی با قرار بگیریم. ما در بازی با پرتغال عملکرد درخشانی داشتیم. واقعا لحاظ سرعت بازی و میزان دوندگی در شرایط خیلی خوبی بودیم. بعد از اینکه در دقیقه ۹۰ بازی پنهانی مان را به گل تبدیل کردیم تازه متوجه شدیم که دروازه بزرگترین حریفان را هم می‌شود باز کرد. بلافاصله بعد از گل تسلاوی این فرصت را داشتیم که گل پیروزی بخش مان را به ثمر برسانیم. اما

نتوانستیم. چرا؟ دلیل آن هم روشن است. بازیکنان ما از سن پایین یاد نگرفته‌اند که بغل یا بزنند. بازیکنان ما از سن پایین برای چنین لحظه‌های سختی آموزش ندیده‌اند که توپ را در آن لحظات حساس چطور باید وارد دروازه حریف کنند. طارمی به نظرم در این زمینه باید بیشتر از اینها کار می‌کرد. باید یاد می‌گرفت موقعیت‌هایی هم هست که داستانش فرق می‌کند. موقعیت‌هایی که می‌تواند تاریخ را برای فوتبال یک مملکت تغییر بدهد. اشک‌هایی که این بازیکن بعد از بازی ریخت اگر چه ارزشمند بود و او بهتر از هر کسی می‌دانست که چه تویی را وارد دروازه نکرده اما با این حال همین مردم مهربان و با معرفت توقع ندارند که این فرصت‌ها در جام ملت‌های آسیا هم از دست برود. با همه اینها تیم کی‌روش خیلی زحمت کشید و خیلی خوب بازی کرد. اما همین اختلاف امتیاز اندک ما که اجازه نداد به دور بعدی رقابت‌ها برویم، بهترین نشانه است و به ما می‌گوید که ما باید بیش از اینها برنامه‌ریزی کنیم و به تیم‌های پایه‌مان بها بدهیم. ما باید یک برد، یک باخت و یک مساوی از جام جهانی خداحفظی کردیم اما اگر بتوانیم از همین امروز برای ۴ سال دیگر برنامه‌ریزی کنیم شک نکنید که در دوره بعدی می‌توانیم با نتایج بهتر و عملکردی تحسین‌برانگیز به دور یک هشتم صعود کنیم. تیم ملی در این دوره از رقابت‌ها بازی‌های چشم‌نوازی را ارائه کرد. مردم از تیم ملی رضایت دارند. چون دیدند که این تیم با جان و دل بازی کرد اما متأسفانه نتوانست نتیجه لازم را کسب کند. با این حال نباید فراموش کنیم که ما به همراه ژاپنی‌ها برای فوتبال آسیا آبروداری کردیم. هر چند گروه ما خیلی سخت بود. اما با این حال آنها در برنامه‌ریزی خیلی از ما جلوتر هستند و از نظر تاکتیکی با ما قابل مقایسه نیستند. ما هنوز هم فوتبال سنتی دفع توپ را در دستور کارمان قرار می‌دهیم. هنوز هم بازی مستقیم را در اولویت کارها قرار می‌دهیم. امروز در دنیا فوتبالی می‌بینیم که مدافعان زیر توپ نمی‌زنند و دفع توپ هدفمند صورت می‌گیرد. مدافعان حال حاضر دنیا توپ را به تیمی‌شان می‌رسانند اما ما چه می‌کنیم؟ زیر توپ می‌زنیم. با همه اینها ما در کار دفاعی مستحکم و منسجم عمل کردیم. در نتیجه باید عرض کنم که ما در دفاع خوب هستیم اما در کار هجومی ضعف‌هایی داریم که باید برطرف کنیم. به خصوص در زدن ضربات نهایی باید بیشتر تمرین کنیم. تیمی که صرفاً با تاکتیک دفاع-ضد حمله بازی می‌کند یا تجربه دچار مشکل خواهد شد. چون تیم‌های بزرگ دنیا حتی وقتی حمله می‌کنند هم به راحتی برتری عددی‌شان را از دست نمی‌دهند. موضوع دیگری که باید درباره تیم ملی بگویم این است که فوتبال ما به کی‌روش نیاز دارد. من همیشه درباره کیفیت فنی این مربی نظرم را به‌طور روشن مطرح کرده‌ام. کی‌روش از لحاظ فنی در سطح بسیار بالایی قرار دارد. از طرفی سال‌هاست که با تیم ملی فوتبال ما کار کرده است. بنابراین اگر بتوانیم این مربی را مجاب کنیم که با انتقادات به شکل بهتری برخورد کند، تمهید قرارداد او اتفاق خوبی است و به نظرم بهترین گزینه برای نشستن روی نیمکت تیم ملی در بازی‌های آسیایی همین کی‌روش است. البته این را فراموش نکنید که اگر کی‌روش را حفظ کردیم، باید امکاناتی را برای او فراهم کنیم که بتواند نتایج خوبی کسب کند. مدیران فوتبال ما باید از این مربی حمایت‌های لازم را به عمل آورند. امیدوارم تیم ملی فوتبال کشورمان روند رو به جلوی خود را ادامه دهد و بتواند در جام ملت‌های آسیا نتایج خوبی کسب کند و به طلسم قهرمان نشدن ایران پایان دهد.

صحنه‌هایی که دوست می‌دارم، آنهایی را که ذخیره کرده‌ام به عنوان خاطره، همین ۲۷۰ دقیقه، همین سه بازی کلی صحنه خاطره انگیز دارد، مثلاً بوسه سامان قدوس به توپ یا وقتی بازیکن مراکشی به خاطر گل به خودی زار می‌گریست، بازیکنان ایرانی برای دلداری به کنار او رفتند یا همان لای‌زردن به بیکه در بازی با اسپانیا، ستاره تیم بارسلونا که مغرورانه به استقبال وحید امیری آمده بود، آنچنان بد دریل خورد که تا مدت‌ها از یاد نخواهد برد. گل سعید عزت‌اللهی که اگر سیستم VAR نبود، حالا ما را به تساوی با اسپانیا رسانده بود، از همه شاید مهم‌تر آن صحنه‌ای بود که علیرضا بیرانوند ثابت کرد که بی‌دلیل نبود که در یک ویدئوی همراه با کری گفت: «چطور کریس... یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان جهان که معمولاً پنهانی از دست نمی‌دهد، در مقابل بیرانوند یک بازنده بزرگ بود. توپ‌هایی که در هر سه مسابقه از دست دادیم هم شد حسرت، توپ سردار در بازی اول، شوت کریم در بازی دوم و تک به تک طارمی در بازی سوم هم از یادگاری این جام بود، اما شاید بزرگ‌ترین یادگاری این جام داشتن تیمی بود که به معنای واقعی کلمه بود. تیم ما تیمی متحد یکدستی بود. کمتر کسی بود که دلش با تیم نباشد. این تیمی بود که می‌خواست جایی در تاریخ داشته باشد و پیدا کرد. بهترین نتیجه‌ای ممکن را گرفت. ما تیمی داشتیم که ستاره نداشت و ستاره‌اش یک نام داشت: ایران

چطوری کریس علیرضا بیرانوند

ماجرای یک کری خوانی شروع شد. علیرضا بیرانوند بعد از همگروه شدن ایران با پرتغال در جام جهانی ۲۰۱۸ در ویدئویی کوتاه و به سبک تبلیغ فیلم «به وقت شام» خطاب به رونالدو، فوق ستاره فوتبال جهان گفت: «چطوری کریس؟» همین ویدئوی کوتاه کافی بود تا کاربران فضای مجازی دو واکنش متفاوت نسبت به بیرانوند نشان دهند. عده‌ای از این حرکت او تمجید کردند و تاکید داشتند که این قابلیت را دارد که بزرگترین مهاجمان دنیا را در امر گلزنی ناکام بگذارد و عده‌ای نیز این حرکت او را تقبیح می‌کردند و امیدوار بودند که این دروازه‌بان از رونالدو بیش از ۵ گل نخورد. با این حال بیرانوند همچنان به کری خوانی علیه مدعیان ادامه داد.

او در دیدارهای ایران در جام جهانی عملکرد فوق العاده‌ای از خود نشان داد که اوچ درخشش این دروازه‌بان به بازی سوم ایران برمی‌گردد؛ آنجا که علیرضا موفق شد ضربه پنالتی رونالدو را مهار کند. این فقط یک ضربه پنالتی ساده که یک قسه شبیه قسه‌های شاه پریان است. قصه‌ای از جنس قسه‌های شاهزاده و گدا، آرزوهای بزرگ و هزاران داستان بزرگ دیگر که بر شکوه و جلال انسانیت بنا شده است. داستان‌های زیادی خوانده و دیده و شنیده‌ایم که دست‌سرنوشت یک قهرمان بزرگ که جایگاه تثبیت شده‌ای دارد را در شرایطی قرار می‌دهد که مجبور است برای حفظ آن یا دادنش به شخصی دیگر مبارزه کند. این شبیه داستان پنالتی تیم ملی پرتغال و مواجهه رونالدو و بیرانوند است. کریستیانو رونالدو در طول دوران حضورش در سطح اول فوتبال حرفه‌ای ۱۲۴ بار پشت ضربات پنالتی قرار گرفته و ۱۰۴ ضربه را تبدیل

که بیرانوند را فریب داده است اما دروازه‌بان تیم ملی برای اینکه تاریخ را به نفع خودش ورق بزند در کسری از ثانیه پنالتی بهترین بازیکن فوتبال جهان را گرفت تا تمام کسانی که با تردید به حضور او در جام جهانی نگاه می‌کردند و آنهایی که فکر می‌کردند برابر رونالدو تسلیم محض خواهد بود، دست به انتشار ویدئوها و عکس‌های بیرانوند در فضای مجازی بزنند.



به گل کرده است. او پنالتی‌های زیادی را به دروازه‌بان‌های بزرگ جهان زده و آنها را تبدیل به گل کرده است. آخرین آنها در بازی اول مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه و بازی با اسپانیا بود که ضربه پنالتی‌اش را به تور دروازه داوید دخه‌آ دوخت. جیانلوئیجی بوفون، هوگو لوریس، یان اوبلاک، ویکتور والترز، کلودیو براوو، یس لمان و رینا دروازه‌بان‌های سرشناسی هستند که رونالدو از روی نقطه پنالتی دروازه آنها را باز کرده است اما او هرگز نتوانست توپ را وارد دروازه بیرانوند کند. بیرانوند در مورد پنالتی که از رونالدو گرفت می‌گوید: پنالتی شرایط خاص خود را داشت. رونالدو یکی از بهترین بازیکنان دنیاست و باعث افتخار است که پنالتی او را گرفتم و مردم ایران را شاد کردم و موفق شدم به تیمم کمکم کند. شما دیدید بعد از پنالتی چقدر ما موقعیت ایجاد کردیم. می‌توانستیم به گل برسیم ولی حیف شد. تنها چندماه بعد از حاشیه‌هایی که درباره رویایی بیرانوند و رونالدو در فضای مجازی مطرح می‌شد، بیرانوند توانست به ستاره فضای مجازی تبدیل شود. تمام کسانی که زمانی در کانال‌هایشان ویدئوهای طنز از این حرف بیرانوند ساخته بودند حالا با ابراز شرمندگی از این دروازه‌بان به انتشار تصاویر بازی ایران و پرتغال پرداختند. رونالدو کمتر پیش می‌آید پنالتی‌هایش را گل نکند و او در برابر اسپانیا و داوید دخه‌آ دروازه‌بان گرانقیمت‌ش ضربه پنالتی را به گونه‌ای زد که دخه‌آ حتی اگر به توپ هم می‌رسید نمی‌توانست آن را بگیرد اما بیرانوند این کار را کرد. رونالدو در حالی که مثل همیشه با غرور زیادی پشت توپ قرار گرفته بود ضربه پنالتی را به سمت راست زد با این تفکر

قاره کهن ثبت شد. عملکردی که او را با القابی همچون مسی ایران، ابراهیموویچ... مواجه کرد تا نگاه‌ها به این مهاجم و همین‌طور انتظارات به‌طور چشمگیری بالا برود. باید دید این بازیکن آینده‌دار فوتبال ایران می‌تواند در جام ملت‌های آسیا انتقام خود را از دروازه‌های باز نشده حریفان بگیرد یا خیر.



نیز تلاش کردم تا مردم را شاد کنم. مردم می‌خواهند من را بشکنند. من آدم بازنده‌ای نیستم و دلم به حال خودم می‌سوزد. اگر مردم ناراضی باشند، بعد از جام جهانی به تیم ملی نخواهم آمد. در بازی سوم نیز سردار آزمون موفق به گلزنی نشد تا شرایط برای او به خوبی پیش نرود. هر چند در بازی سوم عملکرد سردار آزمون با دو دیدار نخست قابل مقایسه نبود و او در جریان بازی قرار داشت. با همه وجود تلاش کرد و نمره‌های خارجی طی سه سال گذشته توجه خاصی به او نشان دادند، همان گلزنی که با پیراهن روستوف روسیه در لیگ قهرمانان اروپا تعریف و تمجیدها را برانگیخت، پسر ترکمن فوتبال ایران که به عنوان آخرین خط خورده ایران از حضور در جام جهانی ۲۰۱۴ به عنوان پدیده جدید بازماند تا چند ماه بعد در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۵ استرالیا با گل‌های دیدنی‌اش استعداد خود را به رخ بکشد، در روسیه نتوانست آن‌طور که مردم انتظار دارند عمل کند اما با این حال موضوعی که اهمیت دارد این است که کارلوس کی‌روش به شدت به این بازیکن اعتقاد دارد و در هر سه بازی ایران نیز از او به عنوان بازیکن ثابت استفاده کرد. سردار ایرانی‌ها تنها با ۲۳ سال سن تا قبل از آغاز جام جهانی در ۲۳ بازی ملی موفق به ۲۳ بار گلزنی شده بود؛ گل‌هایی یکی از یکی زیباتر و حساس‌تر که اوچ این گل‌ها در جام ملت‌های آسیا استرالیا و همین‌طور مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ در

آزمون سخت سردار آزمون

قضاوت درباره سردار آزمون کار دشواری است. روزنامه پرتغالی «جوگو» پیش از شروع بازی‌ها نوشته بود حریفان ایران در گروه B باید مراقب مسی ایرانی باشند. همه چیز مهیا بود تا مهاجم جوان فوتبال ایران با درخشش خود در سه دیدار مراکش، اسپانیا و پرتغال پاسخ خیلی از انتقادها را بدهد. اما سردار آزمون در دو بازی نخست مطابق انتظارها نبود و به همین دلیل در پایان بازی ایران برابر اسپانیا مورد انتقاد هواداران تیم ملی قرار گرفت. سردار آزمون در حالی مورد انتقاد قرار گرفت که در بازی برابر مراکش نیز یک فرصت مسلم گلزنی را از دست داده و درباره‌اش گفته بود: یک لحظه سمت دیگری را با زیر چشم نگاه کردم و توپ هم در حال رفتن بود؛ چمن نرم بود و توپ به این سمت و آن سمت می‌رفت که به یکباره دیدم توپ نیست و از زیر پایم خارج شده است. اما در شبکه‌های اجتماعی فشارها روی این بازیکن بیشتر شد. انتقادها تندتر از قبل مطرح می‌شد تا اینکه بعضی سردار آزمون بعد از بازی با اسپانیا شکست؛ من خیلی گله دارم. مردم فکر می‌کنند من اصلاً تلاش نمی‌کنم.

مهاجم تیم ملی بعد از چند دقیقه اشک ریختن در شرایطی که قصد داشت محل نشست خبری را ترک کند در پاسخ به این سوال که چه کسی فکر می‌کند تو تلاش نمی‌کنی، افزود: مردم. از من بی‌دلیل انتقادات زیادی می‌شود. آنها نمی‌دانند من چقدر تلاش می‌کنم. من و همه تیم به روسیه آمدم که مردم را شاد کنیم و در مقدماتی

تمدید با مرد شماره یک کارلوس کی روش

ذهن خنک درباره ادامه همکاری ام با فوتبال ایران تصمیم بگیرم، « حالا کی روش دوباره به مرد محبوب فوتبال ایران تبدیل شده. او با تیم ملی عملکرد بسیار موفق داشته و نشان داد که مرد شماره یک تیم ملی خود اوست، بنابراین حفظ این مربی در فوتبال ایران شاید مهم‌ترین ماموریت فدراسیون فوتبال باشد.



به این ترتیب به نظر می‌رسد حضور کی روش روی نیمکت تیم ملی در جام ملت‌های آسیا قطعی باشد و سرمربی تیم ملی بعد از بازگشت از روسیه و استراحتی کوتاه باید برنامه‌ریزی کامل برای حضور در جام ملت‌ها را نهایی و اجرا کند تا تیم ملی برای پایان طلسم طولانی دست‌پاچه‌اند کردن به این جام راهی امارات شود.

کارلوس کی روش، سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران بعد از حذف تلخ از جام جهانی روسیه در جمع خبرنگاران ایرانی قرار گرفت و گفت: «تیم ما در این مسابقات شکست خورده نبود و به نظرم برد به دست آوردیم. تمام تلاش ما برای کسب افتخار و غرور در صحنه بین‌المللی برای کشور ایران بود. بنده بعد از یک سال تلاش، کار مداوم و عدم آماده‌سازی درست با یک اروپا و آرزو در جام جهانی حاضر شدم و به دنبال صعود از مرحله گروهی و حضور در مرحله حذفی مسابقات همراه با ایران بودم. من از هواداران واقعی فوتبال ایران عذرخواهی می‌کنم و مسئولیت کامل این حذف را بر عهده می‌گیرم. هواداران فوتبال و مسئولان کشور باید همه از بازیکنان بابت عملکرد خوب‌شان تشکر کنند. بچه‌های من با تمام توان بازی کردند و توانستند افتخار خوبی را کسب کنند.»

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در پایان در خصوص ماندنش در ایران نیز گفت: «افتخار من این است که فدراسیون فوتبال به من پیشنهاد شش ماهه داده است. این یک افتخار بزرگ برای من است. آرزوی من صعود به مرحله بعد بود حالا که این اتفاق نیفتاد باید فکر کنم. باید با

کارلوس کی روش که پیش از مسابقات جام جهانی از سوی برخی هواداران فوتبال ایران به نوعی طرد شده بود و به خصوص این مشکلات با برخی بیانیتهای و مصاحبه‌های تند او شرایط خاصی را ایجاد کرده بود، در روسیه موفق شد محبوبیت خود نزد هواداران ایرانی را بازسازی کند. کی روش در همه این سال‌ها نشان داده که برای هر بحرانی نقشه‌ای در سر دارد. او برای هر سه بازی تیم ملی نقشه‌ها و استراتژی‌های مشخصی داشت. تیمش بدون بازی‌های تدارکاتی قابل توجه، به روسیه رفت اما او موفق شد تیمش را برای نمایشی خیره‌کننده مهیا کند. کی روش به خصوص در بازی ایران-پرتغال نشان داد که چقدر به انجام اصول حرفه‌ای یک مربی پایبند است. آن طور که در نشست خبری پس از بازی تأکید کرد: «عادت کرده‌ام که یک ملت علیه من باشد اما نمی‌توانم درباره اخراج نشدن رونالدو از بازی انتقاد نکنم.» با همه اینها کار فوتبال ایران با کی روش تمام نشده است. تمدید قرارداد با کارلوس کی روش و آینده این سرمربی موفق روی نیمکت تیم ملی ایران یکی از مهم‌ترین سوالاتی است که حالا در ذهن هواداران فوتبال با پایان جام جهانی برای تیم ملی شکل گرفته است. محمدرضا داورزنی، معاون وزیر ورزش در اظهار نظر تازه خود درباره ادامه حضور کی روش روی نیمکت تیم ملی گفته است: «طبق آخرین مذاکرات رئیس فدراسیون فوتبال آقای کی روش با فدراسیون توافق کردند تا پایان جام ملت‌های فوتبال آسیا سکان هدایت تیم ملی را بر عهده داشته باشند.»

برای خودش و فوتبال ملی ایران فاصله داشت. شاید زمانی که مهدی طارمی در پرسپولیس موقعیت‌های گلزنی را یکی پس از دیگری از دست می‌داد به برطرف کردن ایراد خودش در زدن ضربات آخر می‌پرداخت، حالا سرنوشت برای او و تیم ملی فوتبال ایران طور دیگری رقم می‌خورد.



افسوس بزرگ مهدی طارمی

مهدی طارمی بدون شک یکی از بهترین‌های تیم ملی ایران در جام جهانی بود. او در بازی برابر اسپانیا در پست وینگر سمت راست به بازی گرفته شد در حالی که تا به حال در این پست بازی نکرده بود اما با این حال یکی از بهترین بازیکنان زمین بود.

شماره ۱۷ تیم ملی در نیمه اول بازی با اسپانیا در سمت راست زمین، یک عنصر دفاعی موثر بود و از طرفی با توپ‌گیری‌های عالی از حریف بارها تیم ایران را از فشار خارج کرد و به سمت دروازه اسپانیا برد. طارمی در بازی با اسپانیا نشان داد که بی‌تردید یکی از باکیفیت‌ترین بازیکنان حال حاضر فوتبال آسیاست. او کیفیت واقعی خودش را به فوتبال جهان نشان داد و این را نیز بار دیگر ثابت کرد که توانش به مراتب بالاتر از بازی کردن در لیگ ستارگان کشور قطر یا ریزه‌سپور ترکیه است.

با این حال، طارمی می‌توانست حداقل یک گل به تیم پرستاره اسپانیا زده و برای تیم ایران حداقل یک امتیاز با ارزش را بگیرد اما توپ‌های او با بدشانسی تبدیل به گل نشد. او حتی روی گل ایران که توسط داور مردود اعلام کرد نقش داشت.

طارمی در پایان بازی با اسپانیا و در حالی که بازیکنان برای ابراز احساسات به سمت تماشاگران رفته بودند اشک می‌ریخت، به سوی دیگر زمین می‌رفت. عکسی هم از او در حال تعویض لباس یا خوش‌وش با ستاره‌های رئال و بارسا منتشر نشد. شاید به این دلیل که او خوب می‌دانست

که می‌توانست ستاره بزرگ آن بازی لقب بگیرد.

با همه اینها این جوان بوشهری به بازی سرنوشت‌ساز برابر پرتغال چشم دوخته بود. دیداری که می‌توانست با گلزنی در آن خاطرات تلخ یک سال گذشته را از ذهن‌ها پاک کند و به قهرمانی ملی تبدیل شود. طارمی در اواخر نیمه اول تیم ملی روی ضدحمله‌ای حساب‌شده دروازه پرتغال را تهدید کرد که این حرکت البته در پاس نهایی خنثی شد.

البته مهدی طارمی در هر دو صحنه در قاب ویژه آن قرار داشت. وینگر چپ تیم ملی که در زمان حملات به باکس محوطه جریمه نفوذ می‌کرد، با پاس مناسبی که نصیبش شده بود ترجیح داد سردار را در موقعیت بهتری ببیند که در هر دو صحنه این پاس تکمیل نشد تا ایران در شکل دادن ضربه نهایی ناکام بماند؛ مساله‌ای که با اعتراض هواداران نیز همراه بود چون آنها اعتقاد داشتند طارمی خودش باید ضربه نهایی را به سمت دروازه می‌زد.

اما افسوس مهاجم سختکوش در دقیقه ۹۵ شکل گرفت آنجا که در موقعیت تک به تک ضربه‌اش را به زاویه موافق دروازه بان زد و توپ به کنار دروازه برخورد کرد و راهی اوت شد.

اگر ضربه طارمی وارد دروازه پرتغال می‌شد بدون تردید او در ردیف بازیکنان اسطوره‌ای فوتبال ایران قرار می‌گرفت اما شوت او تنها چند سانتی‌متر تا تاریخ‌سازی

پای اندازند و خطاب به عادل فردوسی پور می گویند ما به این فوتبال نمره قبولی می دهیم. در صورتی که اگر می خواهید این فوتبال پیشرفت کند باید حرف ما را هم بشنویید. حرف ما که می گوئیم نه. ما به این فوتبال نمره قبولی نمی دهیم منتها من که فوتبالی نیستم اگر در شرایطی که می توانم نقدهایی هم به این فوتبال داشته باشم چشمم را به روی واقعیت ها بندم در حقیقت برد کرده ام. چون چشمم را بسته ام. به فوتبالی که عیب و ایرادهایی هم دارد نمره قبولی داده ام و در نتیجه خودم و منافع خودم را بیمه کرده ام. چرا نمی خواهیم واقعیت ها را ببینیم. یادمان رفته که ما از زمانی که لیگ والیبال مان را جدی گرفتیم و به استعداد های جوانان در لیگ والیبال بها دادیم به سطح بالای جهانی رسیدیم. فوتبال در کشور ما هم سن و سال کشتی ماست. اما کشتی ما کجاست و فوتبال مان کجا؟ سوال اینجاست که چگونه بازی های تیم ملی در جام جهانی به جشن ملت تبدیل شد؟ چگونه شد که به دور بعدی نرفتیم اما مردم جشن گرفتند؟ اما من به محور این بحث سوال دیگری هم اضافه می کنم. سوال من این است که واقعا مدیران فوتبال ایران فکر می کنند مردم به خاطر علاقه شان به تیم ملی بود که به خیابان آمدند و جشن گرفتند؟ نه. مردم از مشکلات اقتصادی به ستوه آمده اند. آن قدر گرفتار مسائل و گرفتاری های روزمره شان هستند که فقط به دنبال بهانه ای برای شادی می گشتند تا برای چند ساعت هم که شده به مشکلات شان فکر نکنند.

ما در جام جهانی ۹۸ هم آمریکا را شکست دادیم. در جام های قبلی هم همین وضعیت را داشتیم و نتوانستیم از مرحله گروهی صعود کنیم. فرق تیم های بزرگ دنیا با ما این است که آنها خودشان را برای ۲۰ بازی آماده می کنند اما ما خودمان را برای ۳ بازی آماده می کنیم. من نمی خواهم بگویم همه تقصیرها به گردن یک نفر است. من می گویم چه زمانی قرار است سیستم بیمار فوتبال ایران را اصلاح کنیم. چرا گزارشگر بازی ایران-پرتغال باید بگوید به به بچه های ما توپ را از رونالدو گرفتند. مردم ما به هویتی فراتر از مرحله گروهی نیاز دارند. مردم ما مثل ۴ سال پیش نیستند که از مساوی برابر پرتغال خوشحال شوند، بلکه این مردم حسرت می خورند که چرا بازی هجومی مان و اعتماد به نفسی که در دقایق پایانی بازی دیدیم زودتر حاصل نشد.

مردم از این حسرت می خورند که چرا تیم ایران در یک هشتم نهایی حاضر نیست. مردم ما جشن گرفتند چون تیم ملی در مقابل تیم های بزرگ نتایج قابل قبولی کسب کرد اما این بدین معنا نیست که سقف فوتبال ما همین است و بهترین کاری که می توانستیم با فوتبال مان در دنیا انجام بدهیم همین بوده و غیر از این هم نمی تواند باشد. سقف فوتبال ما را نباید چند نفر تعیین کنند. سقف فوتبال ما نباید این باشد که یک لایه به پیکه بزینم و یک نوک پا هم به رونالدو بزینم و تمام. بعد هم همه مان جشن بگیریم. نه. ما باید به اندازه موفقیت مان خوشحال باشیم. اندازه های این رضایت مردمی را بیش از اندازه واقعی اش نباید بزرگ کنیم. اگر مردم پایکوبی می کنند و به خیابان ها می آیند دلایل این است که این مردم اساسا عاشق شادی و نشاط هستند. همیشه دنبال بهانه ای برای شاد بودن می گردند. این مردم از سر دلنگی بود که بیرون آمدند و جشن گرفتند نه از فرط خوشحالی.

مردم دوست داشتند سه ساعت در خیابان همدیگر را در حال دیگری ببینند. من تردید ندارم روزی افرادی سکان هدایت فوتبال ما را به دست خواهند گرفت که سلیقه مردم را تغییر خواهند داد. درست مثل مهرجویی ها و کیارستمی ها که سلیقه مردم را در سینما عوض کردند. ما جشن گرفتیم. اما جشن داریم تا...



جشن حسرت

چرا مردم با وجود حذف تیم ملی فوتبال خوشحالی کردند؟

همیشه بیاییم تعصبات بیهود را کنار بگذاریم. یک بار برای همیشه بیاییم سهم مان را از فوتبال دنیا بگیریم. ما ملت عجیبی هستیم. این قدر در این فوتبال سطح انتظارات ما را پایین آورده اند که با یک لایه انداختن به بازیکن حریف انگار جام جهانی بر ایمان تمام شده. درست مثل این طرز تفکر که بعضی ها در باشگاه های استقلال و پرسپولیس دارند و پیش خودشان می گویند اصلا مهم نیست که قهرمان نشویم، بلکه مساله مهم این است که بتوانیم دربی را با برد پشت سر بگذاریم. واقعا فوتبال ما یا بهتر بگویم فکر ما چرا باید تا این حد تنزل پیدا کند؟ مثل بچه های کوچ و خیابان شده ایم که وقتی می بازند تک موقعیتی هایی که در بازی باخته داشته اند را با آب و تاب تعریف می کنند و می گویند دیدی من به فلائی یک لایه زدم. ما توانایی هایی بیش از اینها را داریم. حرف من این است. ما خیلی بیشتر از اینها قدرت داریم. فوتبال ما دست فوتبالی ها نیست. خود فوتبالی ها زیاد شاخ و برگ را نمی بینند. خود فوتبالی ها به ساقه و ریشه و خاک می پردازند. خود فوتبالی ها به دنبال ساختن هستند. به دنبال این می گردند که درختی تنومند بسازند. چرا فکر می کنیم تکلیف فوتبال ما باید در یک برنامه تلویزیونی روشن شود. بعضی ها هم پیشان را روی

بهمن فروتن

مربی فوتبال



من به تیم ملی طور دیگری نگاه می کنم. طور دیگر یعنی اینکه دلم را تا ۴ سال دیگر به این خوش نمی کنم که وحید امیری توانست به پیکه لایه بزند، بنابراین همه آن چیزی که از جام جهانی می خواستیم به دست آمد. نه. من طور دیگری به تیم ملی نگاه می کنم و امیدوارم همه آنهايي که تیم ملی را واقعا دوست دارند درک کنند که ایران بسیار بهتر از اینها می تواند در بازی های جهانی بدرخشد. من واقعا منتظر بودم که عربستان بازی آخر خود را با برد پشت سر بگذارد چون اگر بازی آخرش را می باخت لایه ما بیشتر به خودمان مغرور می شدیم و می گفتیم که این ما بودیم که آبروی آسیا را حفظ کردیم. در حالی که ما صعود نکردیم. بله. ما به مدافع بارسلونا لایه زدیم اما تیم مان به مرحله بعدی نرفت. ما دروازه پرتغال را باز کردیم اما آنها به مرحله یک هشتم نهایی رفتند نه ما. ما به هیچ وجه نمی خواهیم زحمات بازیکنان را کم ارزش جلوه بدهیم. اما یک بار برای

حق برابر منتقدان و حامیان کی روش

مهدی ربوشه

دبیر گروه ورزش



تیم ملی ایران نتوانست به مرحله یک هشتم نهایی جام جهانی صعود کند اما بی تردید یکی از بهترین نمایش های خود در جام های جهانی را داشت. منتقدانی که به هیچ وجه حاضر نیستند نقاط قوت کار کی روش در تیم ملی را ببینند تاکید می کنند ایران در بازی نخست با گل به خودی حریف موفق شد سه امتیاز بازی را بگیرد و برنده از زمین بیرون بیاید اما هرگز به این نکته اشاره نمی کنند که ایران برابر مراکش درست همان طور بازی کرد که قهرمان قاره آفریقا انتظارش را نداشت. ایران بازی را اداره کرد و در دقایق پایانی آن قدر حریف را تحت فشار قرار داد که مجبور به اشتباه شود. در بازی دوم نیز ایران عملکرد فوق العاده ای داشت. وقتی می گوئیم ایران باید در پس ذهن مان همه نداشته هایمان را مرور کنیم؛ دیر تشکیل شدن اردوی تیم ملی، نبود بازی های تدارکاتی بزرگ، نداشتن چمن مناسب برای تمرین و حتی نداشتن پیراهن مناسب که برخی از اینها حداقلی ترین چیزهایی است که تیم ملی یک کشور باید داشته باشد. در چنین شرایطی تیم ملی روبه روی اسپانیا قرار می گیرد؛

روبه روی قهرمان جهان. شانه به شانه می جنگد اما روی یک اشتباه فردی در دفع توپ گل می خوریم. بازی سوم. از بازی سوم می ترسیدیم. هم می ترسیدیم و هم امیدوار بودیم. نمایش خیره کننده برابر اسپانیا بخ مان را آب کرده بود. می خواستیم به ماجراجویی مان ادامه دهیم اما برای ادامه دادن در جام ۲۰۱۸ فوق ستاره ای نداشتیم که یک سرگردش مالی جام روسیه را تامین کند. بنابراین سوت های داور بازی با حریف مان مهر نا نه تر بود. اعتراض



کی روش هم به جایی نرسید و ما حذف شدیم اما چگونه حذف شدیم؟ این سوالی است که برخی منتقدان به هیچ وجه علاقه ای ندارند آن را طرح یا به آن پاسخ بدهند. ما قهرمان اروپا را متوقف کردیم و این اصلا شوخی نیست. این اتفاقی نیست. خوش شانسی نیست. کی روش که معتقدم به او در برخی موارد نقدهایی جدی وارد است حالا تیمی ساخته که می تواند شخصیت تازه ای را به دنیای فوتبال مخابره کند. از قرار معلوم بعضی ها فراموش کرده اند این همان تیمی است که کریس رونالدو در جام جهانی ۲۰۰۶ به خودش اجازه می داد در محوطه جریمه اش رویایی بزند و مدافعان ایران را به بازی که نه... تمسخر بگیرد اما در تازه ترین رویارویی ایران با رونالدو می که بی تردید اندازه های حرفه ای اش بسیار بزرگ تر از ۲۰۰۶ بود مدافعان ما این بازیکن را به ناکامی مطلق کشاندند و دروازه بان ایران باعث شد تا دست های افسوس این بازیکن به نشانه تسلیم بالا برود. مردم به خاطر این نمایش های غرور آمیز است که خوشحالند. برای مردم ما نتیجه بازی مهم است. همه شان دوست داشتند تیم شان را در یک هشتم نهایی ببینند اما همین مردم فوتبال را خیلی خوب می فهمند. آنها فاصله فوتبال ایران با تیم های مطرح جهان فوتبال را به خوبی درک می کنند و به همین دلیل از بازیکنان و کادرفنی تیم ملی قدردانی می کنند. باین حال همین مردم علاقه مند نیستند که سرمربی تیم ملی بعد از نمایش های قابل توجه ایران با دامن زدن به بحث هواداران واقعی و غیر واقعی تیم ملی کام همه را

تلخ کند. به عقیده من امروز در فوتبال ایران منتقدان کی روش همان اندازه حق دارند اظهار نظر کنند که حامیان آقای کارلوس. مگر می شود درباره ایرادهای تیم ملی صحبت نکرد؟ مگر می شود بپذیریم که با این بازیکنان قطعاً نمایشی بهتر از این میسر نخواهد بود؟ کی روش یک مربی حرفه ای است. مربی بزرگی است. در جنگ های روانی استاد است. اما فوتبال ایران در حال حاضر از میان همه توانمندی های این مربی پرتغالی، دانش او را بیش از هر زمان دیگری می خواهد نه بیانیتهای تندش را و نه دسته بندی های لجوجانه اش را. حالا که تیم ملی در جام جهانی نمایش خوبی داشته باید منتقدان کی روش را به گوشه رینگ ببریم و انتقام همه استرس ها و اضطراب های سه بازی سخت مان را از این منتقدان بگیریم؟ حالا که نمایش آبرومندانهای داشته ایم باید منتظر بمانیم تا به محض شنیدن صدا یا نقدی مخالف همه چیز را به هم بریزیم و کمپین های مجازی راه بیندازیم؟ تیم ملی به همه ما تعلق دارد. حق نداریم درباره اش بی انصاف باشیم. حق نداریم درباره سرمربی باتجربه اش که بیرون از منطقه فنی ایستاده بود تا حق ایران را مقابل پرتغال بگیرد بی انصافی کنیم و زحمت هایش را نادیده بگیریم و البته حق نداریم آن قدر به نمایش آبرومندانمان در جام جهانی خیره بمانیم که جام ملت های آسیا از برابریمان بگذرد، تلخ و بدون قهرمانی با هزار افسوس. می خواهیم بگوئیم باید یاد بگیریم که کجاها حق داریم و کجاها نه. تیریک به همه ملی پوشان. تیریک به ملت. تیریک به خاطر این همه غروری که نصیب مان شد.



«رسانه‌ها این قدر چرت و پرت ننویسند.» این واکنش دیروز معاون بازرگانی وزیر صنعت به خبرنگاری بود که از او درباره اقدامات معاونتش در حوزه تنظیم بازار پرسیده بود. آقای «حسن یونس سینیکی» در واکنش به این سوال خبرنگار «تسنیم» که «مردم انتظار تنظیم بازار را دارند، برای پاسخگویی به این انتظارات چه اقداماتی را در دستور کار دارید؟» گفته است: «رسانه‌ها این قدر چرت و پرت ننویسند تا ما حرف‌مان را بنزیم.» وقتی حسن روحانی رئیس‌جمهور آن گونه به رسانه‌ها حمله می‌کند دیگر از معاون وزیر هم این حرف‌ها هر چند زشت اما بعید نیست. باید مراقب باشیم، شاید با همین دست فرمان توهین‌ها به جایی برسد که به جای حرف‌ها باید سه نقطه گذاشت، راستی یک چیزی سرمشق بود؛ ادب مرد به از دولت اوست.

حجت الاسلام علی ابراهیمی پور، امام جمعه آبادان پس از خطبه‌های نماز جمعه شهرستان به دلیل فشار ناشی از مشکلات اخیر آبادان دچار عارضه قلبی و به بیمارستان اعزام شد. او در خطبه‌های نماز جمعه تاکید بسیاری بر حل سریع مشکلات شهر آبادان از جمله آب آشامیدنی داشت. امام جمعه آبادان در صحبت‌های خود با حالتی گلایه‌مندانه از مسئولان و دلسوزان نسبت به اوضاع شهرستان، از مردم عذرخواهی کرد و گفت: «قدردان صبر و نجابت مردم هستم و از همه مردم به خاطر سختی‌هایی که می‌کشند پوزش می‌طلبم.»

در حاشیه دیدار ایران و اسپانیا، اتفاق عجیبی رخ داد که بازتاب زیادی در رسانه‌های جهان داشت. داور اروگوئه‌ای این دیدار در برخورد با بازیکنان تیم ایران رفتار عجیب و تبعیض آمیزی از خود نشان داد. این موضوع حتی مورد اعتراض کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی هم قرار گرفت: «او وقتی با اسپانیایی‌ها برخورد داشت یک مدل دیگر بود؛ با محبت و متاثر از رفتار آنها و وقتی با بازیکنان ما صحبت می‌کرد برخورد بسیار تند و خشن و غیر قابل قبول داشت.»



دوشنبه

علیرضا بیرانوند توپ را در دست گرفت و آن چنان محکم آغوشش را برای آن تنگ کرد که انگار داشت همه سختی‌ها، همه زندگی‌اش را با آن در این چند ثانیه مرور می‌کرد، درست از لحظه‌ای که قرعه کشی جام جهانی انجام شده بود تا همین شب بازی با پرتغال، علیرضا با این سوال مواجه بود که با کریستیانو رونالدو چه کار خواهد کرد، او حتی برای اینکه نشان دهد از رونالدو نمی‌ترسد و برای مواجهه با او آماده است، حاضر شد در یک ویدئو بپرسد: «چطور کریس؟» اما هیچ کس باور نمی‌کرد که می‌تواند ستاره بازی نه کریستیانو رونالدو که همین علیرضا بیرانوند باشد، وقتی که کریس پشت ضربه پنالتی ایستاد، باز هم کسی صورت پر از اعتماد به نفس علیرضا را باور نمی‌کرد.

اما خودش باور داشت که می‌تواند و توانست، بعله او توانست، او پنالتی کریستیانو رونالدو را مهار کرد، پنالتی کسی که آن قدر خوب پنالتی می‌زند که منتقدانش او را پاندو صدامی کنند، آن شب، شب علیرضا بود، علیرضا حالا بهترین دروازه‌بان ما در همه ادوار جام جهانی است؛ دروازه‌بانی که عملکردش هم از نام‌های بزرگ و دوست‌داشتنی مثل ناصر حجازی و احمدرضا عابدزاده بهتر بود و هم از جوان‌های پراستعدادی مثل نیما نکیسا و علیرضا حقیقی... علیرضا بیرانوند در آن شب مزد همه روزهای تلخ گذشته را گرفت، او استعدادی بود که با یک ساک ورزشی از شهرشان آمد به تهران، شاید راننده آن اتوبوسی که علیرضا را به تهران رساند، صاحب آن کارواش یا آن اغذیه‌فروشی نمی‌دانست این پسر بلندبالا و با اعتماد به نفس، شبی همه ایران را خوشحال خواهد کرد، همه ایران را.



یکشنبه

دیوید لینچ، کارگردان مشهور آمریکایی می‌گوید دونالد ترامپ از این نظر خوب بوده که تمام نقصان‌های سیستم سیاسی ایالات متحده را به نمایش گذاشته است: «این افراد به ظاهر رهبر نمی‌توانند کشور را جلو ببرند، نمی‌توانند هیچ کاری انجام بدهند. آنها درست مانند تعدادی کودک هستند و رفتارهای ترامپ تمام این چیزها را نشان داده است.» محسن ولیبی، مدیرکل کمیته امداد استان تهران از رشد ۲۷ درصدی فطره و کفاره در ماه مبارک امسال خبر داد و گفت: «طی سه ماه اول سال مردم تهران بیش از ۱۰ میلیارد صدقه پرداخت کردند. سه میلیارد و ۱۳۷ میلیون تومان میزان فطره و کفارات جمع آوری شده امسال است در حالی که سال گذشته دو میلیارد و ۴۶۸ میلیون تومان جمع آوری شده بود و نشان‌دهنده رشد ۲۷ درصدی نسبت به سال گذشته بود. همچنین باره‌اندازی سایت حامی آرزوها برای اولین بار در کشور توانستیم از میان ۲۵۰۰ آرزو، ۱۲۲۱ آرزو را با هزینه ۴۷ میلیون و ۴۷۰ هزار تومان برآورده کنیم. همچنین این سایت در طول سال فعال است و خیرین می‌توانند با ورود به سایت حامی آرزوها اقدامات خیر خود را در جهت برآورده شدن آرزوی کودکان نیازمند انجام دهند.» بر اساس گزارش شرکت مدیریت شبکه برق ایران، بیک مصرف برق در روز شنبه (۲ تیرماه)، ۵۱ هزار و ۲۷۲ مگاوات گزارش شد که این رقم در سال گذشته در همین زمان برابر با ۴۳ هزار و ۶۳۱ مگاوات ثبت شده است. برآورده می‌شود که به علت اولین روز هفته و آغاز به کار ادارها، در مصرف برق افزایش داشتیم و مجدداً بیک مصرفی از مرز ۵۱ هزار مگاوات عبور کرد. عکس روز به یک کار خوب در گیلان برمی‌گردد. با مشارکت امور زندان‌های شهرستان بندرانزلی به مناسبت هفته قوه قضاییه بخشی از تالاب بین‌المللی انزلی توسط زندانیان از وجود زباله پاکسازی شد.



پیام رهبری به تیم ملی فوتبال



واکنش ولایتی به درخشش بیرانوند



حجاب قابل تحسین از نگاه ضرغامی



واکنش جواد رضویان به بحران خوزستان



وقتی رامبد کی روش می شود



سه شنبه

این هشدار را جدی بگیریم؛ بانک مرکزی نرخ تورم مناطق شهری کشور در خرداد امسال ۴/۹ درصد اعلام کرد. بر این اساس شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر اساس سال پایه ۱۳۹۵ در دوازده ماه منتهی به خرداد ماه ۱۳۹۷ نسبت به دوازده ماه منتهی به خرداد ماه ۱۳۹۶ معادل ۴/۹ درصد است. شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در خرداد ماه ۱۳۹۷ به عدد ۶/۱۲۲ رسید که نسبت به ماه قبل ۳/۴ درصد افزایش یافت. شاخص مذکور در خرداد ماه ۱۳۹۷ نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۷/۱۲ درصد افزایش داشته است. با وجودی که در سومین ماه سال جاری همچنان نرخ تورم تک رقمی باقی مانده است، ولی میزان رشد شاخص نسبت به ماه قبل و نسبت به ماه مشابه سال قبل یاهمان تورم نقطه به نقطه در خصوص باقی ماندن نرخ تورم تک رقمی هشدار می دهد. یعنی داریم به جایی می رسیم که تورم خودش را جدی تر نشان می دهد. مراسم گرامی داشت سردار شهید شاهرخ دایی پور از فرماندهان شهید مدافع حرم در مسجد پیامبر اکرم (ص) شهرک شهید محلاتی تهران برگزار شد. حاج قاسم سلیمانی یکی از حاضران در این مراسم بود. سردار شاهرخ دایی پور از فرماندهان ایرانی حاضر در سوریه در جریان مقابله با باقیمانده اشراق گروه تروریستی داعش در شهر بوکمال به شهادت رسید. وی پانزدهمین شهید مدافع حرم از استان کرمانشاه است. یک خبر هم از اجرای تئاترهای کلاسیک داشته باشیم؛ مریم کاظمی بازیگر و کارگردان تئاتر از روز ۲۱ تیر سال جاری نمایش «خسیس» نوشته مولیر را در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می برد. این در حالی است که بعد از گذشت حدود ۲۰ اجرا از نمایش یادشده، نمایش «رویای شب نیمه تابستان» نوشته ویلیام شکسپیر به صورت یک روز در میان همراه با نمایش «خسیس» در تالار اصلی میزبان علاقه مندان تئاتر خواهد بود. این دو متن از دو نمایشنامه نویس مطرح می تواند برای علاقه مندان جذاب باشد.

چهارشنبه

عملکرد خیره کننده ملی پوشان ایران در گروه مرگ جام جهانی ۲۰۱۸ با وجود اینکه منجر به صعود تیم ملی نشد، اما انتظارات فوتبال دوستان را به صورت کامل برآورده کرد. حضور پرشور بامدادی بیش از ۴ هزار نفر در ورودی فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) این موضوع را به اثبات رساند که همه طرفداران در ایران از عملکرد تیم ملی رضایت دارند. حضوری که باعث شد تا شی فراموش نشدنی رقم بخورد چون ستاره های تیم ملی با استقبالی تاریخی و باورنکردنی همچون قهرمان به ایران بازگشتند. فرودگاه هم این روز را فراموش نخواهد کرد؛ روزی که آن همه جمعیت آمده بودند تا تشکر کنند. یک خبر بد جهانی این است که نتایج یک مطالعه ماهواره ای بین المللی حاکی از آن است که جهان در سال ۲۰۱۷ هر ثانیه منطقه ای جنگلی به بزرگی یک زمین فوتبال را از دست داده و در مدت یک سال منطقه ای از پوشش جنگلی به وسعت کل کشور ایتالیا از بین رفته است. میزان تخریب درختان که بیشتر آن غیر قانونی انجام می شود، تهدید بزرگی جهت مقابله با تغییرات اقلیمی و کاهش جهانی حیات وحش به حساب می آید. میزان از بین رفتن جنگل ها در سال ۲۰۱۷ ۲۰۹۴ میلیاردی ۴۰۹۴ میلیون هکتار بوده که از زمان شروع کنترل ها از سال ۲۰۰۱ تاکنون دو مین رتبه بالا را داشته است. مجتبی خالدي، سخنگوی اورژانس کشور از وقوع یک تصادف در چالوس خبر داد و گفت: بر اثر حادثه برخورد دو موتورسیکلت در یکی از سواحل تفریحی چالوس ۲ نفر مصدوم شدند. یکی از مصدومان این حادثه مهدی فخیم زاده، کارگردان و بازیگر ۷۶ ساله سینما و تلویزیون است که از ناحیه سر و گردن و زیر چانه دچار تروما شده است. هر دو مصدوم به بیمارستان طالقانی چالوس منتقل شده اند و خوشبختانه مشکل جدی ندارند؛ اما فخیم زاده به دلیل کاهش هوشیاری فعلا در بخش مراقبت های ویژه بستری است.»



آقای اخلاق در خانواده

حجت الاسلام حسینی در گذشت



«درگذشت عالم پرهیزگار و معلم اخلاق جناب حجت الاسلام آقای حاج سید علی اکبر حسینی موسوی رحمه الله علیه را به خاندان گرامی و فرزندان محترم و دیگر بازماندگان و نیز به شاگردان و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. خدمات ارزنده این روحانی با اخلاص و پر تلاش چه در آموزش‌های سودمند در رسانه ملی و چه در مجلس شورای اسلامی و چه در محیط مسجد و محراب، معترف چهره نورانی یک عالم خدمتگزار و بالبتکار است. از خداوند متعال علو درجات آن مرحوم و رحمت و مغفرت الهی برای ایشان و صبر و اجر برای بازماندگانشان مسألت می‌کنم.»

سید علی خامنه‌ای

۶۰ مجری برنامه پرطرفداری بود که از شبکه یک صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش می‌شد و به مسائل و مشکلات خانواده‌ها می‌پرداخت. او در این سال‌های آخر در خیابان شهید فیاض بخش و محله «ایران» بود که سال‌ها در «مسجد فائق» به نماز جماعت می‌ایستاد، همان جایی که پیکر او را کنار پنج شهید گمنام این مسجد به خاک سپردند تا خانه آخرت امام جماعت محبوب محله هم در همان مسجد باشد. مرحوم حسینی همچنین از نظر اخلاق، تعلیم و تربیت و عمل به آنها زبانه‌زده خاص و عام بود. مراسم تشییع و تدفین پیکر مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر موسوی حسینی، استاد «اخلاق در خانواده»، از مسجد فائق واقع در خیابان ۱۷ شهریور با حضور جمع کثیری از مردم به سمت حرم عبدالعظیم حسنی (ع) برگزار شد.

انقلابیون پیوست و در کسوت معلمی به مبارزه با رژیم پهلوی روی آورد. برخی اساتید ایشان عبارت بودند از سید محمد حسین طباطبایی صاحب تفسیر المیزان، سید محمد حسین حسینی طهرانی، صاحب کتاب‌های معاد شناسی و امام شناسی، سید محمد حسین بهشتی، آیات عظام جوادی آملی، جعفر سبحانی، خوشوقت و...

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در دوره‌های چهارم و پنجم، مدیریت کل آموزش و پرورش استان تهران، ریاست کمیسیون آموزش و پرورش مجلس، عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی و استاد حوزه و دانشگاه از دیگر مسئولیت‌های آن مرحوم بوده است. مردم این روحانی را با نام «حسینی اخلاق در خانواده» می‌شناختند؛ چرا که وی در دهه

چهره‌اش را قدیمی ترها خوب تر به یاد دارند. روحانی خوش چهره‌ای با عمامه سیاه و محاسن سفید که روزگاری یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های تلویزیون بود. حجت الاسلام «سید علی اکبر حسینی» را اما نسل‌های بعد از دهه ۷۰ شاید اصلاً نمی‌شناختند. استاد اخلاقی که مردم او را با برنامه تلویزیونی «اخلاق در خانواده» می‌شناختند، هفته گذشته در ۷۹ سالگی به علت عارضه قلبی در بیمارستان مهر دار فانی را وداع گفت. وی که زاده ۱۳۱۸ تهران بود، پس از تحصیلات مقدماتی وارد حوزه‌های علمیه تهران و قم شد و دروس اصول و فقه را فرا گرفت و پس از اتمام دروس خارج فقه و اصول از مراجع تراز اول قم و تهران کسب اجتهاد کرد. حجت الاسلام حسینی، همزمان با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی (ره) به صف

سکولاریسم نسجیده

استاد دانشگاه فرایبورگ در نشست «نقش گفت‌وگوی میان دینی در جهان امروز»

چطور فردی که به چنین چیزی اعتقاد ندارد می‌تواند به گفت‌وگو راجع به آن علاقه‌مند شود؟ کونتر در جواب به سوال بالا گفت: «ویژگی اساسی انسان این است که انسان‌ها رابطه با فردیت و هستی خود دارند. بنابراین انسان وقتی هستی خود را می‌بیند حیات خود را به صورت کل محدود درک می‌کند و حالا پرسش اساسی این است که انسان چگونه می‌خواهد هستی خود را به عنوان یک کل در مقابل یک کل کیهانی حفظ کند. این پرسشی است که الان گریزی نیست و حتی ملحدان نمی‌توانند از آن فرار کنند. ملحد در پاسخ به این پرسش، خدا را تجربه می‌کند.»

او خدا را به عنوان چیزی که نمی‌تواند پیدا کند تجربه می‌کند. او خدا را در غیبتش تجربه می‌کند و اینجا همان جایی است که فرد مذهبی و غیرمذهبی همدیگر را ملاقات می‌کنند و از آن گریزی هم نیست.»

او در پایان الزامات دیگری از گفت‌وگوی ادیان را متذکر شد و این طور نتیجه‌گیری کرد: «برای هر دو گروه مؤمن و ملحد ضروری است که بفهمند خدا یک پرسش است تا یک پاسخ.»

خداوند در درد و رنج بشر با او سخن می‌گوید و رنج اجتناب‌ناپذیر است. رنج مهم‌ترین نشانه نقص ماست و در رنج است که ما پرسش‌گر را می‌پرسیم. چون فکر می‌کنیم نباید وجود داشته باشد و نمی‌توانیم هم وجود آن را بفهمیم. در رنج، ما خدا را تجربه می‌کنیم و در عین حال که احساس می‌کنیم هیچ چیزی معنا ندارد حضور نیروی شفا بخش خدا را احساس می‌کنیم. هر انسانی متوجه حضور خدا می‌شود و این موضوع همه ما را در برابر خدا وحدت می‌بخشد. اینکه هر کدام از ما در تنهایی مان چگونه با خدا مواجه شویم به ما بستگی ندارد، بلکه به خدا بستگی دارد.»

با شک اعلام می‌کنند که ملحدند. دسته سوم وابستگی به دین را تصدیق می‌کنند ولی به آن تعهد عملی ندارند. دسته چهارم هم به قدرت والایی اعتقاد دارند که دین نیست. امروزه دولت‌های غربی خود را سکولار و لائیک خطاب می‌کنند اگرچه به نظر من خود فریبی بیش نیست چرا که دولت‌های غربی هنوز هم از امتیاز بالای مسیحیت برخوردارند و کلیساها تأثیر قدرتمندی در دولت‌ها دارند. سکولاریسم به ظاهر نسجیده مدت‌هاست که جای شبکه دین‌های جدید را گرفته است.

اینک سکولاریسم‌ها نیروهای محرک در جوامع غربی هستند و از گفت‌وگو با ادیان دیگر امتناع می‌کنند و مردم زیادی هم با خود همراه و در نهایت آسیب بزرگی به جهان وارد می‌کنند.

او یکی از دلایل موفقیت‌های سکولاریسم‌ها را شکاف میان افراد واقعا مذهبی با افرادی که دین خود را از دست داده‌اند، دانست و گفت: گفت‌وگو با متعصبان بی‌فایده است و اگر ما خواهان جامعه‌ای با همزیستی مسالمت‌آمیز هستیم باید افراد کثیری از بی‌دین‌ها در گفت‌وگوی ادیان شرکت کنند اما در اینجا این سوال مطرح است که آیا افراد غیرمذهبی به گفت‌وگوی دینی مایلند و آیا اساساً این گفت‌وگو امکان‌پذیر است؟ چون دیالوگ وقتی معنی دارد که تمایل و احساس مشترک وجود داشته باشد. قبلاً اشاره کردم که نقطه مشترک ادیان چیزی است که فراسوی قلمرو بشری باشد و حالا

نشست «نقش گفت‌وگوی میان دینی در جهان امروز» با سخنرانی پروفیسور «هانس کریستین گونتر»، استاد دانشگاه فرایبورگ آلمان، دیروز در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. گونتر در ابتدای سخنانش بر امکان و ضرورت گفت‌وگو میان ادیان تأکید کرد و گفت: «در جهان امروز نه تنها مسئله تعدد و تفاوت دولت‌ها مطرح شده، بلکه با وجود جریان‌های اصلی مهاجرت جوامع چنددینی افزایش یافته‌اند اما نکته‌ای که به نظر من مورد غفلت قرار گرفته، این است که دولت‌های زیادی وجود دارند که بیشترشان هم فرهنگ اروپایی دارند و خود را سکولار (به معنی بی‌طرف) تعریف می‌کنند البته معلوم نیست که چقدر بر این ادعا پایدارند. امروزه در جهان کشوری مثل ژاپن را داریم که اکثریت آن ملحد هستند یا مثلاً چین که خود را نماینده ایدئولوژی می‌داند که وابستگی به دین را انکار و از حکومت ملحد دفاع می‌کند. بنابراین نه تنها دیالوگ میان ادیان لازم است، بلکه لازم است دیالوگ میان دین و الحاد و دین و سکولاریسم هم مطرح شود.»

گونتر با مطرح کردن موضوع گفت‌وگوی میان ملحدان و دینداران گفت: در جامعه‌های امروز، جمعیت‌های کثیری غیرانسانی و غیرمنسجم هستند که به الحاد خود اعتراف می‌کنند. آنها چهار دسته هستند؛ دسته اول صراحتاً اعلام می‌کنند که ملحدند. دسته دوم

سیاسی ترین شادی گل جام جهانی

نترسید» نام گذاری شده و ادی راما، نخست‌وزیر آلبانی از مردم کشورش خواسته برای پرداخت آنچه «جریمه مسخره فیفا» نامیده شده به صورت نمادین در پرداخت جریمه سهیم باشند؛ جریمه‌ای که گرانتیت ژاکا و ژردان شکیری از طرف فیفا ملزم به پرداخت آن شده‌اند. ریون ولیاج، شهردار پایتخت آلبانی، تیرانا، هم در توثیقی به انتقاد از تصمیم فیفا پرداخته و نوشته: «نماد عقاب، مثل دست دادن یا علامت موفقیت، برای آلبانیایی‌ها نمادی از شادی است. نشان دادن این نماد یعنی ما مردم سرزمین عقاب‌ها هستیم.» با اینکه ژاکا و شکیری برای تیم ملی سوئیس بازی می‌کنند، میلیون‌ها آلبانیایی پیروزی ۲ بر یک سوئیس در مقابل صربستان را چنان جشن گرفتند که گویی پیروزی از آن کشور خودشان بوده. برای اینکه همه بتوانند بازی را تماشا کنند، پرده‌های بزرگی در میدان‌ها و خیابان‌های آلبانی نصب شده بود و جوی بسیار پر شور در سراسر کشور به‌وجود آمده بود.

بازیکن ۷۶۳۲ یورو جریمه شدند. ضمن اینکه جریمه ۳۸۱۶ یورویی نیز برای لیشاشتاينر به دلیل ژست ناشایست درون زمین در نظر گرفته شده است. اما حتی این جریمه نقدی هم داستان جالبی پیدا کرد.

نخست‌وزیر آلبانی با افتتاح یک حساب بانکی ویژه از مردم کشورش خواسته با واریز کمک‌های نمادین خود به این حساب، در پرداخت جریمه دو بازیکن آلبانی تبار تیم ملی سوئیس که از طرف فیفا جریمه شده بودند، سهیم شوند. حساب ویژه آقای نخست‌وزیر، «از عقاب

آنها که گل زدند، هر دویشان یک حرکت خاص را انجام دادند، انگشتان خود را به گونه‌ای در هم فرو کردند که انگار عقابی دو سر را به نمایش می‌گذارند، عقابی که اگر به عقب برگردیم، آن را روی ارتش آزاد کوزوو می‌بینیم و اکنون هم روی پرچم آلبانی. اکثریت آلبانیایی تبارهای کوزوو در سال ۲۰۰۸ اعلام استقلال کردند اما صربستان هرگز این استقلال را به رسمیت نشناخته است.

از همان زمانی که قرعه‌کشی جام جهانی نشان داد که دو تیم سوئیس و صربستان با هم همگروه هستند یک موضوع خودش را نشان داد و آن هم همین مساله حضور پناهنده‌های آلبانیایی کوزوویی در ترکیب سوئیس بود. ژردان شکیری، والون بهرامی و گرانتیت ژاکا، سه بازیکن سوئیس متولد کوزوو هستند که به تازگی اعلام استقلال کرده و رابطه تیره‌ای با صربستان دارد... والدین بهرامی پیش از مهاجرت به سوئیس شغل شان را با فشار حکومت وقت بلگراد از دست دادند. خانواده ژاکا هم بعد از تجزیه یوگسلاوی مجبور به مهاجرت شدند. پدر گرانتیت ژاکا، بازیکن تیم سوئیس، به مدت سه سال ونیم در یوگسلاوی زندانی سیاسی بود و ژردان شکیری، دیگر بازیکن این تیم قبل از آنکه در دوران کودکی به سوئیس مهاجرت کند در یوگسلاوی به دنیا آمد. شکیری تنها یک سال داشت که با خانواده‌اش به کشور سوئیس رفت.

شکیری و ژاکا دو بازیکن آلبانیایی کوزوویی تیم ملی سوئیس، در جریان دیدار مقابل صربستان موفق به گلزنی شدند و هر دو خوشحالی مشابهی پس از گل به نمایش گذاشتند. آنها دست‌هایشان را به شکل عقاب درآوردند که یکی از نشانه‌های پرچم آلبانی است و با این موضوع، به شدت باعث عصبانیت صرب‌ها شدند. به همین دلیل فیفا تحقیقاتی را در این زمینه ترتیب داد و در نهایت به این نتیجه رسید که جریمه محرومیت برای آنها در نظر نگیرد. هر دو



شایسته حذف از جام جهانی بودیم؛ الان نمی‌توانم در مورد صحنه گل اول کره اظهارنظر کنم ولی فکر می‌کنم آن صحنه نباید گل اعلام می‌شد...»

این نتیجه فاجعه‌بار برای تیم ملی آلمان این احتمال را داد که شاید یواخیم لئو بلافاصله از سرمربیگری مناسفت‌ها اخراج شود ولی دقیقی بعد از شکست آلمان برابر کره جنوبی، رینهارد گریندل، رئیس فدراسیون فوتبال آلمان در مصاحبه‌ای با دلیلی استار این موضوع وارد کرد. رئیس فدراسیون فوتبال آلمان ضمن تکذیب برکناری یواخیم لئو عنوان کرد قبل از جام جهانی توافق با این مربی به مدت چهار سال دیگر انجام گرفته، لئو اخراج نمی‌شود و به قراردادشان پایبند خواهند بود. لئو درباره آینده‌اش هم گفت: «نمی‌توانم بگویم در ادامه چه اتفاقی می‌افتد و در تیم می‌مانم یا نه؛ به زمان نیاز دارم، هنوز شوکه هستم. اکنون زمان مناسبی برای بحث کردن در مورد اینکه چرا حذف شدیم، نیست. حذف از جام جهانی ناامیدی بزرگی برای ما بود. نتوانستیم کلاس بازی‌مان را به نمایش بگذاریم. باید بپذیریم که این یک شکست است. اصلا شایسته این نبودیم که دوباره قهرمان جهان بشویم؛ حتی شایسته این نبودیم که به مرحله یک‌هشتم نهایی برویم.»

آلمان از جام جهانی حذف شد

گل در دقایق تلف‌شده نیمه دوم توسط کیم یونگ وون و سون هئونگ مین بزرگترین شگفتی جام جهانی ۲۰۱۸ را با پیروزی ۲ بر صفر کره جنوبی مقابل آلمان و حذف مناسفت‌ها از این رقابت‌ها رقم زد. جهانی ۱۹۳۸، آخرین دوره‌ای بود که مناسفت در مرحله گروهی حذف شده بود و از جام ۱۹۵۴ آنها همیشه حداقل در جمع ۸ تیم حضور داشتند اما امروز آنها بعد از ۸۰ سال در مرحله گروهی با جام جهانی خداحافظی کردند. یواخیم لئو در این باره گفت: «ناامیدی بزرگی برای تیم ملی آلمان رقم خورد. سکوتی مرگبار در رختکن حاکم است و هیچ‌کس توان صحبت کردن در مورد هیچ چیز را ندارد. این اتفاق باعث ناامیدی زیادی شد و من در حال حاضر هیچ توضیحی در این خصوص ندارم. مقابل کره جنوبی کلاس همیشگی و سادگی سبک‌مان را کم داشتیم؛ همچنین پویایی و آرامش لازم برای به ثمر رساندن موقعیت‌ها را نداشتیم، پس اساسا

فاجعه بعد از ۸۰ سال

وقتی قرعه‌کشی انجام شد بسیاری معتقد بودند آلمان خوش شانس بوده و در گروه راحت‌تری نسبت به رقبای بزرگ مانند برزیل، اسپانیا و آرژانتین قرار گرفته است. اما از همان دیدار برابر مکزیک مشخص بود که تیم یواخیم لئو به صلابت سال‌های گذشته نیست و شکست در اولین دیدار کار آنها را برای صعود دشوار کرد. تیم ملی آلمان که موفق شده بود قهرمانی در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل را جشن بگیرد، امسال شروع ناامیدکننده‌ای با شکست یک بر صفر مقابل مکزیک داشت ولی در دیدار اخیرش توانست با گل دقیقی پایانی تونی کروس از تساوی نجات پیدا کند و به پیروزی برسد، اما آنها که به مصاف کره جنوبی رفتند، امید بسیاری داشتند تا بتوانند این تیم آسیایی را حداقل با تفاضل دو گل شکست دهند و بدون توجه به نتیجه بازی هم‌زمان مکزیک و سوئد، راهی مرحله یک‌هشتم نهایی شوند، اما بدترین پایان ممکن برای آنها رقم خورد. دو

تهران فیلمبرداری شده و همچون سایر آثار دهنمکی بازیگران بسیاری در آن به ایفای نقش خواهند پرداخت. این فیلم مضمونی اجتماعی داشته و به رسم آثار دهنمکی ته‌مایه‌هایی از کم‌دی را به همراه خواهد داشت. دهنمکی همواره به سمت موضوعات چالش برانگیز رفته و آثار قبلی وی نشان داده که وی همواره در قبال بروز برخی حاشیه‌ها درباره آثارش آگاه است. با وجود حاشیه‌های فراوان دهنمکی به‌طور کامل و به دور از حاشیه کار خود را کرده و آثاری خلق می‌کند که موضوعات بسیار مهمی را مطرح می‌کند. «زندانی‌ها» داستان دانشجوی جوانی است که قصد دارد برای پایان‌نامه‌اش روی زندانی‌های زندان قصر تحقیق کند. دهنمکی قصد دارد در این فیلم تأثیر معنویات بر زندانی‌ها را به تصویر بکشد. بهنام تشکر، هومن برق‌نورد، هدایت هاشمی، بهاره افشاری، بهنوش بختیاری، اصغر نقی‌زاده، رسول نجفی‌ان و امیر نوری از جمله بازیگران این فیلم هستند.

دهنمکی از جمله فیلمسازانی است که توانسته جریان درآمندی از گیشه را به خوبی به زدن حرف‌های درست پیوند بزند. مجموعه آثار مسعود دهنمکی مورد توجه مخاطب قرار گرفت و فیلم‌های «اخراجی‌ها» در برهه‌ای از زمان مخاطب را با سینما آشتی داد و رکورد مخاطب را در سینمای ایران جابه‌جا کرد. مجموع فروش شش فیلم دهنمکی در گیشه سینماها بیش از ۳۰ میلیارد تومان است و به همین دلیل او یکی از پول‌سازترین کارگردانان سینمای ایران به‌شمار می‌آید. آخرین ساخته سینمایی دهنمکی فیلم «رسوایی ۲» است که در سال ۹۴ با بازی اکبر عبدی، محمدرضا شریفی‌نیا، سحر قریشی، مهران رجبی، رامین راستاد و... در سینماهای سراسر کشور به نمایش عمومی درآمد. دهنمکی در جشنواره‌های فجر پس از آن غایب بود و فیلمی نداشت اما توجه به آغاز فیلمبرداری در تیرماه ۹۷ قطعا دهنمکی فیلم جدید خود را برای حضور در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر آماده می‌کند.



زندانی‌ها

فیلم تازه دهنمکی کلید خورد

به پایان برسانیم،» او باز هم در اینستاگرامش از شروع این کار خبر داد و نوشت که زندانی‌ها به خط شدند. از شنبه هفته گذشته فیلم‌برداری در لوکیشن زندان قصر آغاز شده است. این فیلم هفتمین اثر بلند سینمایی دهنمکی به‌شمار می‌آید که برای دریافت پروانه ساخت از وزارت ارشاد به عنوان تهیه‌کننده و کارگردان اقدام کرد. «زندانی‌ها» با موضوع اجتماعی آماده می‌شود و وقایع آن در تاریخ معاصر می‌گذرد. دهنمکی مانند دیگر آثار خود در این فیلم نیز به دنبال ارزش‌های فراموش شده و دغدغه‌های انسانی است. قرار است «زندانی‌ها» به‌طور کامل در

دهنمکی قصد داشت در آستانه چهل‌مین سال پیروزی انقلاب اسلامی فیلم «طیب‌خان» را بسازد که به دلیل موانعی که بر سر راه تولید فیلم ایجاد شد، تصمیم گرفت تولید فیلم را به وقت دیگری موکول کند اما به این معنا نیست که او فیلم تازه‌اش را نسازد؛ فیلمی که برای اولین بار خبر ساختنش را در اینستاگرامش داد: «زندانی‌ها پروانه ساخت گرفت تا رسماً وارد چرخه تولید شود. برخلاف اخبار منتشر شده زندانی‌ها فیلمی سیاسی یا تاریخی نیست و موضوع آن اخلاقی، معنوی و اجتماعی است ان‌شاء‌الله در یادداشت‌های روزانه جزئیات بیشتری خواهیم نوشت. دعا کنید تا می‌شود بتوانیم فیلم را در سکوت و بدون حاشیه

همه پول‌های جهان

درباره ساخته ریڈلی اسکات



تصویری که اعمال نادرست یک بازیگر به وجود آورده، کار همه گروه را زیر سوال ببرد. سوزنه فیلم «تمام پول‌های جهان» درباره بخشی از زندگی واقعی جان پل گتی است؛ ثروتمندترین شهروند آمریکا در سال ۱۹۵۷ که عقیده او بعدها به الگوی کسب و کار تبدیل شد. وی عنوان کرده بود: «من ترجیح می‌دهم که از یک درصد تلاش صد نفر استفاده کنم تا اینکه از صد درصد تلاش خودم». تفکر اقتصادی پل گتی بعدها تبدیل به فلسفه اصلی بازاریابی شبکه‌ای شد و هم‌اکنون از او به عنوان پایه‌گذار این حوزه یاد می‌شود. اما «تمام پول‌های جهان» نه درباره فلسفه اقتصادی پل گتی، بلکه درباره رویداد عجیب زندگی او یعنی ربوده شدن نوه‌اش است که جنجال‌های فراوانی به همراه داشت.

داستان فیلم در سال ۱۹۷۳ اتفاق می‌افتد. در این دوران جان پل گتی (کریستوفر پلامر) یکی از ثروتمندترین افراد جهان است اما به‌زودی خبر می‌رسد که نوه او پُل گتی سوم (چارلی پلامر) توسط آدم‌ربایان ربوده شده و حالا آنها خواستار پرداخت ۱۷ میلیون دلار باج برای آزادی او هستند. در این وضعیت، مادر جان پُل سوم (میشل ویلیامز) از پُل گتی درخواست می‌کند تا مبلغ مورد نظر رابیندگان که اصلاً برای او رقم قابل توجهی نیست را بپردازد تا فرزندش به خانه بازگردد اما پدر بزرگ، سخت با این تصمیم مخالفت می‌کند و از پرداخت باج به تهکاران خودداری می‌کند اما در نهایت خانواده گتی این مبلغ را پرداخت کرد و گتی سوم در جنوب ایتالیا پیدا شد، اما رابیندگان او با پول‌ها فرار کرده بودند. این فیلم قرار است ارزش واقعی و پایدار عشق در برابر پول را نشان دهد.

بازسازی دقیقه آخر کارگردان «ریڈلی اسکات» که به دنبال افشای رسوایی «کوین اسپیس» صورت گرفت، بسیار مشهور شد. برای حفظ این فیلم، «اسکات» تصمیم گرفت که «کوین اسپیس» را حذف و «کریستوفر پلامر» را جایگزین وی کند. این تصمیم بسیار مهیج بود و فیلم‌برداری دوباره صحنه‌ها (۲۱ صحنه) به سرعت انجام گرفت. ریڈلی اسکات گفته بود این کار را انجام می‌دهد چون نمی‌خواهد

بلیت فروشی فیلم خارجی «تمام پول‌های جهان» به کارگردانی ریڈلی اسکات آغاز شده است. یک فیلم در سبک جنایی که با الهام از کتاب ثروت پردر دسر، ثروت ظالمانه و بدبختی‌های جی. پائول گتی» به قلم جان پیرسون ساخته شده است. از بازیگران آن می‌توان به میشل ویلیامز، مارک والبرگ، کریستوفر پلامر، رومن دوریس، چارلی پلامر، اندرو بوچان و تیموتی هاتون اشاره کرد. این فیلم به خاطر

پیام بازگشت

ورکشات حسن روح الامین در پاریس



بخشی از باور مشترک مسلمانان و مسیحیان می تواند اشاره داشته باشد که معتقدیم حضرت عیسی مسیح (ع) در روز موعود به زمین برخواهد گشت. روح الامین این بازگشت را با فیگوری از امام زمان (عج) تکمیل کرده است.

روح الامین در مصاحبه ای در مورد برگزاری این ورکشات که خیلی بدون سروصدا انجام شد گفته است: «در فرانسه مردم دچار نوعی غفلت طراحی شده هستند؛ آنها را می بینی که در خیابان راه می روند، سر کار می روند، می روند، می آیند اما در واقع در خواب هستند. این غفلت برایشان از جانب صهیونیسم طراحی شده است. اینجا اساسا پروژه دین زدایی مدت هاست کلید خورده است؛ یکی از سردمداران اجرای این پروژه، مجله «شارلی ابدو» است که مدام مواردی در وهن پیامبر (ص) و امام زمان (عج) و حتی مسیح (ع) منتشر می کند. مجله ای که از جانب یهودی ها حمایت می شود و در کل کارش دین زدایی است، البته جز دین یهودیت. مردم اینجا اساسا کاری با دین ندارند.

به خصوص این روزها که تب فوتبال داغ است مدام در کازینوها هستند و شب را با سرهای گرم به صبح می رسانند و در حالی که جهان را خون و خفت کشتار کودکان یمن و فلسطین فرا گرفته فقط در این فکر هستند که کی کدام گل را زد. ما در اینجا با این تابلو خواستیم از راه پیامبر خودشان، آنها را متوجه دین اسلام و موعودش بکنیم. برای خلق تابلوی «بازگشت» برایم مهم بود که سراغ حضرت مسیح (ع) بروم؛ میخواستم با استفاده از اشتراکاتی که با مسیحیت داریم، اسلام را معرفی کنم. می خواستم با این تابلو پیام بازگشت صالحان به زمین را مخابره کنم؛ به زمینی که پر است از کشتار و جنگ.»

مرکز فرهنگی ژرژ پمپیدو در پاریس در ردیف ۵ دیدنی برتر شهر پاریس قرار دارد. شاید کسانی که حتی چند بار به پاریس سفر کرده باشند این مرکز فرهنگی را ندیده باشند. این مرکز علاوه بر کتابخانه و مراکزی برای همایش ها و دیدار نویسندگان با علاقه مندان شان، از معماری خاصی بهره می برد که در قلب گردشگری پاریس و در میان معماری های سنتی فرانسوی خودنمایی می کند. گالری این مجموعه، بزرگ ترین موزه هنر مدرن در جهان است که ۱۷۷۰۰ مترمربع زیرینا دارد. این مرکز علاوه بر موزه ملی هنر مدرن، شامل مرکز طراحی صنعتی و اداره توسعه فرهنگی است. نمایشگاه های هنری و فرهنگی نیز همیشه در آن برپاست. دو ارگان مهم دیگر یعنی کتابخانه عمومی مرجع و بنیاد پژوهش و هماهنگی موسیقی و آکوستیک، نیز بخشی از این مرکز است. این مرکز را به معماری عجیبش می شناسند؛ در بنای این مرکز، همه لوله کشی ها و کانال های تهویه هوا و سیم کشی برق در بیرون ساختمان و در معرض دید قرار دارد و حتی تیرها و ستون های سازه ساختمان نیز همگی دیده می شود. آن را به انسانی شبیه دانسته اند که دل و روده اش بیرون از بدن قرار دارد.

این روزها مرکز ژرژ پمپیدو یک میهمان ویژه دارد، یک میهمان خاص، یک میهمان با تیریش و ظاهری مذهبی و ساده، یک جوان با سیمای شرقی که قلم مو به دست دارد و یکی از شاهکارهای دیگر خود را خلق می کند. او حسن روح الامین است. روح الامین با اینکه تاکنون کارهای زیادی انجام داده اما با نقاشی های آیینی و به خصوص عاشورایی اش چهره شده است. او در پاریس برای یک کار آیینی دیگر حاضر شده و در محوطه ژرژ پمپیدو برای ساختن تابلویی به نام بازگشت فرانسوی ها را شگفت زده کرده است. تابلوی بازگشت به

آکادمی اسکار بزرگ تر شد

با حضور سه ایرانی

آکادمی اسکار امسال با دعوت از ۹۲۸ نفر از چهره های سینمایی، رکوردی در زمینه افزایش اعضایش به جای گذاشت و در این میان از ۳ چهره ایرانی نیز دعوت کرد. در حالی که آکادمی اسکار سال پیش از ۷۷۴ عضو جدید برای پیوستن به آکادمی خبر داده بود امسال با دعوت از ۹۲۸ نفر دست به اقدامی متفاوت زده است. این در حالی است که سال ۲۰۱۶ از ۶۸۳ نفر و سال ۲۰۱۵ از ۳۲۲ نفر برای پیوستن به آکادمی دعوت شده بود که در جای خودش ارقام بزرگی محسوب می شد. از ایران حسین جعفریان، از جمله فیلمبرداران سرشناس سینما در بخش فیلمبرداران و علی عسکری و فرنوش صمدی، سازندگان فیلم «سکوت» و «نگاه» در میان سازندگان انیمیشن و فیلم کوتاه از جمله افرادی هستند که برای پیوستن به آکادمی اسکار انتخاب شده اند. افزایش اعضای آکادمی تلاشی برای افزایش تنوع است که از سال ۲۰۱۶ و با هشتگ اسکار خیلی سفید است، ایجاد شد. ۲ هفته پس از شروع این کمیته آکادمی اعلام کرد هدفش دوبرابر کردن اعضا تا سال ۲۰۲۰ با افزودن بر تعداد اعضای جدید و انتخاب در میان زنان و رنگین پوستان خواهد بود. در صورتی که همه اعضای دعوت شده در سال ۲۰۱۸ به این دعوت پاسخ مثبت بگویند تعداد اعضای آکادمی در مجموع به رقم ۹۲۲۶ نفر خواهد رسید.

بازگشت دایناسورها

فروش موفق دنباله فیلم دنیای ژوراسیک

دنباله فیلم «دنیای ژوراسیک» با دایناسورهای غرانش گیشه سینمای جهان را تسخیر کرد. فروش جهانی فیلم تا اینجای کار به بیش از ۷۰۰ میلیون دلار رسیده است. فیلم «دنیای ژوراسیک: پادشاهی سقوط کرده» در نخستین هفته اکران در آمریکای شمالی ۱۵۰ میلیون دلار فروش داشت که از قسمت قبلی این فیلم کمتر بود اما عملکردش در سایر کشورها قابل قبول بود و به این ترتیب فروش جهانی فیلم خیلی زود به بیش از ۷۰۰ میلیون دلار رسید.

رقیب «دنیای ژوراسیک» در گیشه آمریکا انیمیشن «شگفت انگیزان ۲» بود که هفته پیش در دومین هفته اکران به فروش ۸۱ میلیون و ۹۰۰ هزار دلاری دست پیدا کرد. «شگفت انگیزان ۲» پس از ۱۰ روز اکران در آمریکا ۳۵۰ میلیون دلار و در گیشه جهان نزدیک به نیم میلیارد دلار به دست آورده است. «دنیای ژوراسیک: پادشاهی سقوط کرده» پنجمین قسمت از سری فیلم هایی است که با «پارک ژوراسیک» به کارگردانی استیون اسپلبرگ شروع شد.

ساخت این فیلم حداقل ۱۷۰ میلیون دلار خرج روی دست کمپانی یونیورسال گذاشته است. در این قسمت پارک ژوراسیک شاهد بازگشت شخصیت ایان مالکوم با بازی گلد بلوم هستیم که در یک جلسه که ظاهر برای تصمیم گیری درمورد دایناسورهای جامانده در جزیره برگزار شده است، شهادت می دهد. اکنون یک آتشفشان جان آن دایناسورها را تهدید می کند و قهرمانان فیلم باید برای نجات بلو، دایناسور اوئن (با بازی پرات) تن به یک عملیات نجات بدهند، اما اوئن و کلر (با بازی هوارد) هنگام انجام مأموریت به توطئه ای پی می برند که می تواند تهدیدی برای انسان ها باشد.

مولا از زبان مولا

کتابی که به چاپ چهارم رسید

تاریخ اسلام



کتاب «علی (ع) از زبان علی (ع)؛ زندگی و زمانه امیرالمؤمنین از زبان خودش» نوشته حجت الاسلام محمد محمدیان، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به چاپ چهارم رسید. شخصیت حضرت علی علیه السلام از همه جهت استثنایی و بی نظیر است و یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد آن حضرت این است که تمام ابعاد زندگی‌شان را از اول تا آخر، خود بیان کرده‌اند و همین روایت کامل از زندگی ایشان که هم‌زمان با ظهور اسلام و دوشادوش پیامبر عظیم‌الشان آن بوده و حضور امام در متن تمامی وقایع حساس آن دوران، سبب شده تا منبعی جامع و دقیق از تاریخ صدر اسلام در اختیار ما قرار بگیرد. کتاب «علی از زبان علی» حکایتی بسیار جذاب از حوادث و رخدادهای زندگی پربرکت مولای متقیان امام علی علیه السلام از زبان خودشان است. حجت الاسلام محمد محمدیان در این کتاب با سبکی جدید و چپنشی

هنرمندانه از نقل‌های معتبر تاریخی روایتی داستانی و جذاب از زندگی و زمانه امیرالمؤمنین علیه السلام ارائه کرده است؛ از دوران کودکی و تربیت آن حضرت در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله، تا پیشقدم شدن در ایمان به آخرین پیامبر الهی و همراهی با ایشان در حوادث پُرماجرای دوران بعثت، از جهاد در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ‌های متعدد صدر اسلام تا سال‌های پُررنج زندگی امام پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و در نهایت دوران پُر فراز و نشیب حکومت علوی تا شهادت ملکوتی آن حضرت در محراب عبادت، همه و همه از زبان خود ایشان است و راوی دیگری وجود ندارد.

در کتاب «علی از زبان علی» نقیضات مبهم و تاریک زیادی از تاریخ برای ما روشن می‌شود و با جریان‌های مختلفی آشنا می‌شویم که در تاریخ اسلام موثر بودند، مانند دنیاطلبانی که در ابتدا انقلابی بودند ولی از انقلاب فاصله گرفتند یا انقلابیونی که دنیاطلب نبودند اما در تحلیل اشتباه

کردند و بسیاری از جریان‌های دیگر که پس از گذشت قرن‌ها امروز در انقلاب اسلامی نیز امتداد پیدا کرده‌اند و شناخت آنها به ما کمک می‌کند تا در پیچ‌های مهم تاریخی بهتر عمل کنیم. آقای محمدیان در تدوین کتاب «علی از زبان علی» از منابع معتبر اهل سنت و شیعه بهره برده است اما سعی کرده تا متنی روان و خواندنی به دور از سبک معمول کتاب‌های تاریخی ارائه کند.

مقاومت

اندیشه

پزشک پرواز

خاطرات یک پزشک رزمنده



کتاب «پزشک پرواز» که فاطمه دهقان نیری آن را به نگارش درآورده و توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده، اثری است که نگارش آن دو سال طول کشیده و ۲۰ ساعت برای نگارش کتاب مصاحبه گرفته شده است. این کتاب حاصل ۱۰ جلسه مصاحبه با دکتر محمدتقی خرسندی، فوق تخصص گوش و حلق و بینی و عضو هیات علمی دانشگاه تهران و دربرگیرنده خاطرات او از کودکی تا کنون و به‌طور خاص خاطرات سال‌های جنگ ایران و عراق و حضور او در مناطق جنگی است. دکتر خرسندی بیست و هشتم شهریور ۵۹ وسایلش را بسته‌بندی کرده حتی مطبخ را با تجهیزاتش در دزفول واگذار کرده بود. او پیش‌تر با پایگاه و حدتی دزفول هم تسویه حساب انجام داده. قرار بوده در روزهای آینده به تهران رفته برای گرفتن تخصصش به خارج از کشور برود که با شروع جنگ از رفتن به خارج صرف نظر کرد.

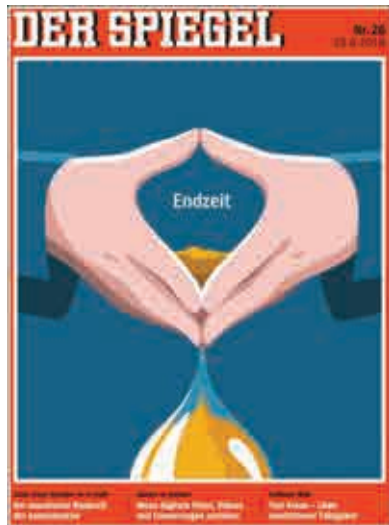
البته بعد از سه سال به تهران رفته و با گرفتن تخصصش، از آن زمان به بعد باز هم داوطلبانه در جبهه‌های جنگ برای مداوای مجروحان در مناطق جنگی حضور داشت. دکتر خرسندی زمانی که در پایگاه دزفول حضور داشت طبق دوره‌ای که دیده بود در بیمارستان وظیفه مداوای خلبانان را به عهده داشت، این خاطرات، روایتگر مشکلات کشور در حیطه بهداشت و درمان در سال‌های دفاع مقدس و از طرفی از خودگذشتگی‌های انسان‌های شریف و گمنام است که داوطلبانه از آسایش و رفاه دست کشیده و در شرایطی بسیار سخت به امدادسانی مشغول بودند؛ بزرگمردان و زنانی که همچنان در گمنامی به خدمت مشغولند...

ارزیابی طرفدارانه

جلد دوم تاریخ اندیشه سیاسی غرب منتشر شد



جلد دوم کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی غرب» با عنوان فرعی از روشنگری تا افول لیبرالیسم نوشته جان مک‌کلند به ترجمه جهانگیر معینی علمداری از سوی نشر نی منتشر شده است. در جلد دوم این مجموعه روشنگری و شکل‌گیری دولت مدرن و ظهور لیبرالیسم بررسی می‌شوند. دومین جلد از کتاب تاریخ اندیشه سیاسی غرب را در برابر خود دارید. در این مجلد نیز نویسنده کوشیده است با ارائه تصویری روشن از چندین اندیشمند سیاسی، خواننده را با افکار و آرای حاکم در یک دوره تاریخی غرب آشنا کند. کتاب با بحثی نسبتاً کوتاه درباره ریشه‌های فکری دولت مدرن آغاز و نسبت آن با جنبش روشنگری سنجیده می‌شود. سپس در افکار مونتسکیو-یکی از پیشگامان برجسته عصر روشنگری-کنکاش می‌کند. پس از آن مطالب مفصلی درباره روشنگری در آمریکا ارائه می‌شود و در فصل بعد در چارچوب دیدگاه‌های هیوم و ادموند برک، محدودیت‌های روشنگری ارزیابی می‌شود. بخش بعدی به بررسی لیبرالیسم و اوج و فرودهای آن در فاصله سال‌های پایانی قرن هجدهم تا اواخر قرن نوزدهم میلادی اختصاص دارد. به‌طور کلی لیبرالیسم و روشنگری دو موضوع اصلی این مجلدات تشکیل می‌دهند. این دو موضوع هنوز هم جزو مباحث بسیار مناقشه‌برانگیز در اندیشه معاصر محسوب می‌شوند. مک‌کلند می‌کوشد در این کتاب برخلاف شیوه مرسوم در تدوین تاریخ فلسفه سیاسی، رویه بی‌طرفی را کنار بگذارد و ضمن برخورد فعال با اندیشمندان سیاسی، درباره‌شان داوری کند. در کنار آن، وی تفسیر خاص خود از این آثار را ارائه داده که عمدتاً مبنای عمل‌گرایانه دارد و بر پایه روزآمد کردن اندیشه‌ها عمل می‌کند.



آلمان **اشپیگل**

آنگلا مرکل از روزی که به عنوان نخست وزیر آلمان حضوری جدی در سیاست های این کشور داشته، تا امروز هیچ گاه این چنین در معرض دشواری های سیاسی نبوده؛ بحران نبود راه حل برای مساله پناهجویان سبب شده تا او به جایگاهی برسد که هفته نامه اشپیگل طرح و تیتیر خود را به پایان زمان برای او اختصاص دهد.



آمریکا **نیوزویک**

هفته نامه نیوزویک در گزارش این هفته خود به مشکلاتی که کشور آفریقای جنوبی با آن دست و پنجه نرم می کند، پرداخته است. مشکلاتی که ریشه از زمان آپارتاید دارد، سرزمین هایی که درگیر مالکیت هستند و سیاه پوستان بسیاری در آن سهمی ندارند. مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ بر سر زمین، میراثی است که از آپارتاید به جا مانده.



آمریکا **تایم**

جلد تاثیر گذار این شماره تایم به ماجرای جداسازی کودکان از والدین خود در مرزهای این کشور با مکزیک پرداخته است. این مجله عکسی از جان مور، که کودکی در حال گریه را نشان می داد را در مقابل ترامپ نشان می دهد که رئیس جمهور آمریکا دارد به او خوشامد می گوید.



آمریکا **نیویورکر**

هفته نامه نیویورکر هم به ماجرای جداسازی کودکان از والدین خود در مرزهای مکزیک پرداخته است. این مجله در طرحی کودکانی را نشان می دهد که سعی دارند به مجسمه آزادی پناه ببرند اما نمی دانند که پای این مجسمه خود در بند است، طرح های این چینی باعث شد که ترامپ عقب نشینی نکند و فرمان خود را پس بگیرد.



ایران **ترجمان**

هفتمین شماره فصلنامه ترجمان علوم انسانی با همکاری «پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات» منتشر شد. پرونده ویژه فصلنامه هفتم درباره «اهمال کاری» به همراه پرونده «فردا هم روز خداست» از مطالب خواندنی این شماره است. بخش گفت و گو نیز حاوی چهار مصاحبه خواندنی از جمله مصاحبه با پاشا مونک، استاد جوان دانشگاه هاروارد و گفت و گو با کیت ریورت اقتصاددانان نواندیش و نویسنده کتاب اقتصاد دوناتی اش است.

ارائه بسته‌های جدید اینترنت
در طرح تابستانه همراه اول



ارائه بسته‌های جدید اینترنت در طرح تابستانه همراه اول

با آغاز فصل تابستان، همراه اول از ارائه بسته‌های جدید و متنوع اینترنت نوترینو خبر داد. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، همراه اول در طرح جدید خود، بسته‌های متنوع اینترنت برای استفاده مشترکین دائمی و اعتباری در فصل تابستان ارائه می‌دهد. در این طرح برخی از بسته‌های روزانه، هفتگی و ماهانه همراه اول به مناسبت فرارسیدن فصل تابستان تغییر کرده یا حذف شده‌اند. در صورتی که در تاریخ اجرای طرح، مشترک هر یک از بسته‌های طرح قبلی رازرو خود داشته باشد، پیشنهاد رزرو بسته متناظر را دریافت خواهد کرد. همچنین مشترکین می‌توانند جهت لغو تمدید خودکار کد #۱۰۰*۸ یا جهت تغییر بسته پیشنهاد شده کد #۱۰۰*۲۳* را شماره‌گیری کنند. زمان ارائه این بسته‌ها از ۳ تیرماه لغایت پایان تابستان ۹۷ اعلام شده است. همراه اولی‌ها می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص بسته‌های جدید و نحوه خرید آنها به پرتال این اپراتور به نشانی www.mci.ir مراجعه کنند.

طی ۶ ماه و پس از زلزله انجام شد

نصب و راه‌اندازی ۱۰۰ سایت تلفن همراه در استان کرمان توسط همراه اول

با گذشت کمتر از ۷ ماه از وقوع زلزله استان کرمان، همراه اول از نصب و راه‌اندازی ۱۰۰ سایت شهری طی این مدت در این استان خبر داد. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، روز شنبه ۲ تیرماه ۹۷ با حضور مهندس محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، مهندس حمید فرهنگ، مدیرعامل همراه اول و جمعی از مدیران و مسئولان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و استان کرمان، از دستاوردهای دولت و اپراتورهای تلفن همراه جهت رفع مشکلات ارتباطی ناشی از زلزله رونمایی و اعلام شد: اپراتور اول تلفن همراه کشور، طی ۶ ماه گذشته مبلغ ۲۴۰ میلیارد ریال در مناطق زلزله‌زده استان کرمان سرمایه‌گذاری کرده است. با سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته توسط همراه اول، طی ۶ ماه اخیر ۱۰۰ سایت BTS شهری در استان کرمان نصب و راه‌اندازی شده است. همچنین طی بازه زمانی مذکور، تعداد ۵۵ پهنای باند مورد نیاز در استان کرمان تأمین شده است. در این مراسم وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با بیان اینکه با سرمایه‌گذاری ۹۰ میلیارد تومانی دولت اکثر مشکلات ارتباطی مناطق زلزله‌زده کرمان رفع شده است، تأکید کرد: پیگیری‌های لازم برای رفع کامل مشکلات ارتباطی ناشی از زلزله در حال انجام است. جهرمی با بیان اینکه ۲۴۰۰ روستا در استان کرمان وجود داشت که قبلاً خدمات همراه اول داشتند و از امروز خدمات ایرانسل نیز در این روستاها برقرار می‌شود، خاطر نشان کرد: بیش از ۱۷۰۰ روستا که عمدتاً در مناطق جنوبی و شرقی استان کرمان هستند و از اینترنت بی‌بهره بودند، اکنون از این خدمات بهره‌مند شده‌اند.



نصب و راه‌اندازی
۱۰۰ سایت تلفن همراه
در استان کرمان توسط همراه اول

همراه اولی‌ها



دریافت هفته نامه مثلث

با ارسال عدد ۴۷۸

به شماره دریافت اپلیکیشن «

۳۰۷۰۷۵۷



